
استفتائات
آیت اللہ خوئی

بسم الله الرحمن الرحیم

استفتائات آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی

نویسنده:

آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

ناشر چاپی:

دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

استفتائات (فارسی) آیت الله سید ابوالقاسم خوئی

مشخصات کتاب

نویسنده : سید ابوالقاسم خوئی

ناشر :قم: دارالصدیقه الشهید

بر گرفته از:

http://alkhoei.net/arabic/khlib/viewbook/fullbook/viewbook.php?bid=۱۴۵

اجتهاد و تقلید

احکام تقلید

س ۱- رساله های فارسی و حاشیه بر عروهالوثقی که از حضرت عالی فعلًا در دسترس می باشد مربوط به ۱۲ سال قبل یا بیشتر است، آیا رساله جدیدتر یا حاشیه بر عروه از حضرت عالی نوشته شده یا به همان رساله های قبل عمل شود؟

ج - رجوع به آنها مانعی ندارد ولی در فرض تخالف، منهاج مورد اعتماد است و انشاءاللَّه حاشیه عروه تجدید طبع می شود. واللَّه العالم.

س ۲- آیا رساله هایی که در تهران و غیره چاپ شده و تاریخ طبع آن مربوط به چند سال قبل، و همچنین ملحقات توضیح المسائل که مربوط به سفته و سرقفلی و بیمه می باشد، مورد اطمینان حضرت عالی است یا نه ؟

ج - در فرض اختلاف، میزان منهاج الصالحین است واللَّه العالم.

س ۳- ممکن است اتفاقاً در رساله توضیح، احتیاط وجوبی یا فتوایی باشد که مخالف با رساله منهاج به نظر برسد، وظیفه مقلد، عمل به کدام یک از این دو می باشد؟

ج - میزان در فرض مزبور، منهاج است.

س ۴- اگر بیابیم در بعض کتب، تقریر درس حضرت عالی را بوجوب چیزی، یا حرمت آن، به طوری که دلالت دارد بر مختار حضرت عالی، و نیابیم مخالف آن را در کتاب منهاج الصالحین یا مسائل منتخبه یا غیر آن دو از کتب فتوایی حضرت عالی، مانند احکامی که مذکور است در مباحث تقیه در کتاب تنقیح، آیا می توان به این مسائل عمل کرد بنابر اینکه فتوای حضرت

عالی باشد؟

ج – وظیفه شما عمل نمودن است به رساله عملیه نه به تقریر درس ما.

س ۵- معنی این گفتار شما چیست؟ اینکه ضبط

او کمتر از متعارف نباشد؟

ج – به معنی اینکه مبتلی به نسیان نباشد به طوری که متذکر مدارک حکمش نباشد.

تقلید أعلم

س ۶- در صورتی که امر دائر شود بین تقلید غیر اعلم عادل و اعلم غیر عادل، وظیفه مقلد چیست؟

ج – تقلید غیر عادل جائز نیست اگر چه اعلم باشد. واللَّه العالم.

س ۷- اهل خبره چه کسانی هستند؟

ج – اهل خبره کسانی هستند که مطلع هستند بر اهلیت شخصی که آماده شده برای فتوا دادن، مثلاً بر حدود فضیلت او و عدالت او و آنچه را که دخیل در فتوای او است، و در غیر آن بر اهلیت او برای آنچه را که متصدی آن شده یا اراده شده از او. واللَّه العالم.

س ۸- راه شناخت اعلم در مرجع تقلید چیست؟

ج – به قول بینه غیر معارضه اخذ می شود، و اگر بینه معارض پیدا کرد به احوطِ دو مورد بینه یا بیشتر اخذ گردد.

س ۹- اگر بینه دلالت نماید بر اعلمیت زید، و بینه دیگری دلالت نماید بر اعلمیت عمرو، از کدام یک باید تقلید نمود؟

ج – هر دو بینه از درجه اعتبار ساقط می شوند اگر واجد حجیت بوده باشند، پس باید اخذ نمود به احوط از دو قول و احوط از دو فتوا، مثلاً یکی از دو فتوا قائل به وجوب است و دیگری به عدم وجوب و استجاب آن، باید عمل شود به وجوب، این در صورتی است که علم به خلاف بین آن دو را بدانند، و با جهل به خلاف مخیر است در رجوع به هر کدام از آن دو که خواست، و امیدوارم رجوع بفرمائید اولاً به رساله

عملیه قبل از اینکه مزاحم ما شوید در چنین مسائلی که حکم آن در آنجا مذکور است. واللّٰه العالم.

س ۱۰- اگر شیاع دلالت کند بر اعلمیت زید، و بیّنه دلالت کند بر اعلمیت عمرو کدام یک را باید تقلید نمود؟

ج - اگر شیاع، افاده علم یا اطمینان بدهد مقدم است بر بینه، و اگر افاده علم یا اطمینان ندهد، بینه، مقدم بر شیاع است. واللّٰه العالم.

س ۱۱- آیا اطمینان جای علم می نشیند مطلقاً، و اگر جای آن می نشیند ضابط و قاعده در آن چیست؟

ج - اطمینان و علم مساوی با هم هستند مطلقاً.

س ۱۲- آیا در مکه و عرفات، مقلدین شما در صورتی که به فتوای مجتهد خود دسترسی ندارند، می توانند به فتوای غیر اعلم عمل نمایند، بیان فرمائید؟

ج - در صورتی که علم به مخالفت در آن با رأی مرجع خود ندارد چنان که

ظاهر فرض است مانعی ندارد و جائز است. واللّٰه العالم.

س ۱۳- اگر سؤال کند از من مثلاً- شخصی از مسأله فقهی، آیا واجب است بر من اینکه سؤال کنم از مرجع تقلید او یا آنکه جواب دهم مسأله او را بر طبق فتوای مرجع تقلید خودم فقط و آیا فرق است بین حال علم من به مرجع تقلید سائل و صورت عدم علم من به آن؟

ج - اشکال ندارد اینکه جواب دهید او را به آنچه می دانید از فتوای مرجع تقلید خودتان اگر ندانید مخالفت آن را با مرجع تقلید سائل.

س ۱۴- اگر عالم یا وکیل او مورد سؤال مسأله ای قرار گرفت، آیا جائز است برای او سکوت نمودن از جواب و حال آنکه او جواب مرجع تقلیدش را در

آن مسأله می دانـد، و علم دارد به اینکه سائل آمده، سؤال می کند از فتوای مرجع تقلید خود و نیامده سؤال کند از رأی وکیل او در آن مسأله؟

ج - واجب است ارشاد نمودن جاهل را، مگر آنکه عذری برای مسؤول باشد.

بقاء بر تقلید میت

س ۱۵- تا چه زمانی جائز است بقاء بر تقلید میت؟

ج - اگر علم به تساوی رتبهء علمی مقلَّد میت با مرجع تقلید زنده داشته باشد، یا آنکه نداند کدام یک اعلم از دیگری است و متـذکر فتوای میت باشـد. و اگر علم داشـته باشـد به اعلمیت میت واجب است بقاء بر آنچه متذکر از فتاوای او است، و اما اگر متذکر نباشد پس واجب است اخذ نمودن از مرجع تقلید زنده مطلقاً.

س ۱۶- اگر کسـی مقلَّد میت را اعلم از زنـده بدانـد در مسـأله سـرمایهء ضـروری بـا اینکه به فتوای میت عمل نکرده مع ذلک راهی دارد که بر تقلید او در این مسئله

باقی بماند یا خیر؟

ج - اگر شرائط جواز بقاء محقق باشد و آن مسئله را یاد گرفته و متذکر است می تواند باقی بماند.

س ۱۷- کسانی که طبق فتوای آقای شاهرودی مرحوم از سـرمایه ضـروری وجوه نداده اند چنانچه آن سرمایه از بین برود حال سرمایه دیگری پیدا می کند و ضـرورت هم دارد آیا می تواند مثل سابق خمس سـرمایه ضـروری فعلی که مقلد شـما می باشد ندهد یا موردی ندارد؟

ج - باید به فتوای ما عمل نماید.

س ۱۸- بنده از مقلدین مرحوم آیه اللَّه سـید محسن حکیم بودم سابقاً سـپس رجوع نمودم به سوی شـما مطلقاً، آیا جائز اسـت برای من الآن رجوع کنم به سوی ایشان در طهارت کتابی؟

ج -

بله می توانید اگر این حکم را در زمان حیات ایشان از ایشان می دانستید تا الآن.

س ۱۹- زیدی تقلید مجتهدی می کرده که تسبیحات، را سه مرتبه احتیاط واجب می دانسته و همان وقت نماز قضا بر ذمه زید بوده پس از فوت مجتهدش تقلید از شما می کند، آیا می تواند به یک تسبیحات نماز قضای آن وقت را بخواند یا خیر؟

ج – بلی می تواند قضا را به یک تسبیحه بیاورد. واللَّه العالم.

س ۲۰- مقلدین جناب عالی که دسترسی به شما ندارند و مسئله ای برای آنها پیش آمد می کند و در رساله های شما هم نیست چنانچه در بعضی از رساله های علمای سابق جواب مسئله خود را بیابند آیا می توانند عمل کنند یا خیر؟

ج – تقلید علماء فوت شده سابق ابتداءً جائز نیست و در مفروض سؤال، رجوع به مسئله ۱۲ می نماید. واللَّه العالم.

س ۲۱- شخصی می خواهد یک جواب قانع کننده ای از سبب عدم جواز تقلید میت ابتداءً بداند، به طوری که برای این شخص جهل مرکب یا تعصبی نباشد.

ج – این احتیاج به درس خواندن زمان طولانی دارد و در این پاسخ کوتاه نمی توان جواب داد، و چنانچه بخواهد حسب استعدادی که دارد یعنی به طوری که بتواند درک کند مباحث استدلالی اصولی را پس مراجعه کند به مباحث اجتهاد و تقلید از کتاب تنقیح که تقریر بحث ما است.

وظیفه در مورد احتیاط واجب

س ۲۲- یک امری است که یکی از مراجع تقلید آن را تجویز می فرماید، و لکن نام آن مرجع، و آنکه او کیست، نمی دانم و می دانم به نحو علم الیقین به اینکه او مجتهد و مرجع تقلید است،و مرجع تقلید من نهی می فرماید از آن امر، بنابر احوط، پس

آیا جائز است برای من، اینکه رجوع کنم به آن مرجع تقلیدی که تجویز می کند آن را، و حال آنکه اسم او را نمی دانم؟

ج - اگر یقین به صلاحیت آن مرجع مجهول الاسم دارید، به معنی اینکه احراز نموده باشید از طریق حجت شرعی، اهلیت آن مرجع مجهول الاسم والنسب را و همچنین احراز نموده باشید به اینکه آن مرجع، فعلاً زنده است و مستجمع شرائط فتوی هست، پس در این صورت صحیح است برای شما استناد نمودن به او اگر اعلم از دیگران باشد، و باید بدانید ماهیت آن مرجع را، به اینکه مرد است نه زن، کما اینکه باید بدانید که اعلم از دیگران است غیر از مرجع تقلید خودتان.

۱۳

اجتهاد و تقلید

س ۲۳- در احتیاطات واجبه فرمودید ممکن است به غیر رجوع نمایند چنانچه ممکن است مرقوم فرمائید که به چه کسی رجوع شود؟

ج - مقصود از غیر، مجتهد جامع الشرائط اعلمِ بعدِ آن است، که به اصطلاح الاعلم فالاعلم تعبیر میشود. واللّٰه العالم.

س ۲۴- در مسائل احتیاط وجوبی جائز است رجوع نمودن به سوی مجتهد دیگری الاعلم فالاعلم، آیا جائز است آن، قبل از عمل؟ یا آنکه جواز استمرار دارد در مرتبه دوم رجوع کند به آن مجتهد دیگر؟

ج - بله اشکال ندارد در مرتبه دوم از رجوع نمودن یعنی جائز است رجوع نمودن بعد از عمل به احتیاط.

س ۲۵- مسائلی هست که مرجع تقلید ما قائل به ترک آنها است بنابر احوط وجوبی و مرجع تقلید دیگری قائل است در آن مسائل به کراهت شدیده، آیا جائز است برای من رجوع کردن به آن مرجع تقلید دیگر و انجام دهم آن

امر مکروه را؟

ج - بله جائز است رجوع کردن به آن مرجع تقلیـدی که قائل به کراهت شدیده است برای فرار از احتیاط وجوبی که رخصـت در انجام آن نیست.

س ۲۶- چیست حکم کسی که ترک کند یک امر احتیاط وجوبی را یا واجب بود بر او اتیان به آن علی الاحوط، و نیاورد؟

ج - ترک آن موجب اعاده می شود اگر در موردی باشـد که قابل اعاده باشـد مثل نماز و روزه، و اما عقاب پس به دست خدا است و لکن مستحق عقاب هست.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

طهارت

طهارت

احکام آبها

س ۲۷- در کتاب عروه فرموده ایـد که آب جاری آن آبی است که جوشـیده باشـد از زمین و روان باشـد بر روی زمین یا زیر زمین بنابراین آب دریا، حکم جاری دارد یا به حکم کر است؟

ج – به حکم کر می بوده باشد. واللَّه العالم.

س ۲۸– آبهای کثیفی که در طرف و کنار راهها موجود است چه حکمی دارد؟

ج – آنچه را که در پاك بودنش و نجس بودنش شك دارید پاك است مگر آنکه به نجاستش، اطمینان حاصل شود و یا حجت شرعی دیگری پیدا شود.

استبراء

س ۲۹– در رساله علمیه ذکر کرده اید طریق استبراء نمودن بعد از بول، و آن اینکه بکشد از مقعد تا اول ذکر سه مرتبه سپس از اول ذکر تا سر حشفه سه مرتبه سپس سر ذکر را فشار دهد سه مرتبه، و بعد یادآوری فرموده اید که طریق دیگری

هست. چیست آن طریق، و آیا فرق است بین عصر حشفه و نتر آن برای خاطر آنکه در منهاج نتر ذکر کرده اید و در مسائل منتخبه عصر را ذکر کرده اید؟

ج – هر دو مساوی است.

نجاسات

س ۳۰– بول و غائط حیوان نجاست خوار، نجس است. و آیا قبل از استبراء، شیر و گوشت اینها پاك و حلال است، یا خیر؟

ج – شیر و گوشت آن قبل از استبراء پاک، ولی حرام است. واللَّه العالم.

س ۳۱– گوشت حیوان حلال گوشت جلاله قبل الاستبراء، از نظر طهارت و حلیّت چه صورت دارد؟

ج – خوردن آن حرام است، ولی نجس نیست.

س ۳۲– دو نوع نجاسات هست، یك نوع نجاسات، مانند بول و غائط، که هر چه با آن ملاقات نمود نجس می شود، و نوع دیگر از نجاسات مثل جنب که نجس نمی کند چیزی را که با او ملاقات کند و به غسل نمودن نجاست آن زائل می شود، آیا نجاسات میت از کدام نوع از این دو نوع نجاسات است؟ و اگر مس نمود انسان، مرده ای را بعد از سرد شدن و قبل از غسل دادن او، سپس همین انسان، مصافحه نماید با انسانی دیگر، آیا دست آن انسان دیگر نجس می شود یا خیر؟

ج – بله نجس می کند نجاست میته غیر انسان، با این فرق بین این دو به اینکه در اوّل

(میته انسان) طاهر می شود به وسیله غسلهای سه گانه اگر مسلمان باشد به خلاف غیر انسان انسان از مرده ها (غیر مسلمان و میت های حیوانات) که نجاست آنها باقی است تا آنکه آن مرده ها تبدیل به خاک گردند.

—

س ۳۳- آیا شستن به صابونی که در او پیه خوک بکار برده شده اشکال دارد؟ و اگر شخصی بدنش را با چنین صابونی بشوید چه وظیفه دارد شرعاً؟

ج – شستن با چنین صابونی، اشکال ندارد اگر چه این صابون نجس است.

س ۳۴- چیزهای چرمی، مانند فتق بند، و کمربند، و زین موتور و دوچرخه، و غیره که از بلاد کفار می آورند، محکوم به طهارت است، یا نجاست؟

ج – محکوم به طهارت است در صورتی که احتمال تذکیه آن را بدهید، بلی در نماز نمی شود پوشید مگر با احراز تذکیه، واللّٰه العالم.

س ۳۵- پوستهایی در بازارهای مسلمانها از بلاد کفر آورده می شود و در رساله عملیه فرموده اید احتمال اینکه این پوستها از مذکی گرفته شده کافی است در حکم نمودن به طهارت آن، و لیکن این احتمال دو صورت دارد. اوّل اینکه می دانیم این بلادی که این پوست از آنجا آمده از بلاد اسلام پوست وارد می کنند و بنابراین احتمال می دهیم این پوست از آنها باشد. دوّم اینکه نمی دانیم که آیا این بلاد پوست وارد می کند یا خیر و لیکن احتمال عقلی می دهیم که از بلاد مسلمانها پوست وارد می کنند بنابراین یقین نداریم به عدم وارد نمودن پوست و عدم اخذ نمودن از بلاد اسلام. مقصود حضرت عالی کدام یک از این دو احتمال است بیان فرمائید؟

ج – مقصود شامل هر دو صورت می شود. واللّٰه العالم.

س ۳۶- اگر پوستهایی

در بازار مسلمانها یافت شود و بدانیم از بلاد دیگری وارد شده، لیکن ندانیم این بلادی که از آنها وارد شده بلاد اسلام است یا بلاد کفر، این پوستها چه حکمی دارد؟

ج - در این صورت جایز است نماز خواندن در آن. واللَّه العالم.

س ۳۷- مصرف پوشاک خارجی برای آقایان و خانمها چه صورتی دارد؟

ج - تا یقین به نجاست ندارید محکوم به طهارت است و همچنین تا یقین ندارید به اینکه از غیر مأکول گرفته شده، پوشیدن آن در نماز اشکالی ندارد. بلی چرمی که از خارج می آورند اگر احراز تذکیه نشود در نماز نمی شود پوشید ولی اگر احتمال تذکیه بدهید طاهر است. واللَّه العالم.

س ۳۸- اهل کتاب که در شهرهای ما موجود هستند آیا اینها ذمی هستند یا خیر؟ و آیا فرق است بین قرارداد افراد با اینها و دولت با اینها؟

ج - اینها ذمی نیستند اگر چه قرارداد با آنها بسته شود به غیر مقدر شرعی و شروطی که ثابت شده در محل خود، به معنی اینکه قرارداد معتبر می بایست به مقدار شرعی از مال و شروط مقرر باشد - مراجعه شود به منهاج الصالحین مسأله ۲۰۵.

س ۳۹- آیا مراد از کافر حربی آن کافری است که با مسلمانها در میدان جنگ می کند یا هر کافری باشد اگر چه با مسلمانها نجنگند.

ج - مطلق کافر اصلی که متعهد نباشد به جزیه دادن.

س ۴۰- مالی که در دست مرتد است نمی دانیم قبل از ارتداد بدست آورده یا بعد از ارتداد، حلال است یا نه؟

ج - حلال است. واللَّه العالم.

س ۴۱- دروزیها که غالباً در لبنان زندگی می کنند آیا مسلمان هستند یا خیر؟

ج

– مشـهور آن است که مسلمان هستند بنابراین مادامی که شهادتین را می گویند و انکار ضروریات دین، از ایشان دانسته نشود، حکم به طهارتشان می شود.

س ۴۲– آیا ادکلن هایی که در بازار است و یا از خارج وارد می کنند در صورتی

که ندانیم الکل آن چه نوعی است نجس است یا پاک؟

ج – پاک است.

س ۴۳– ادکلن و تافت برای سر از نظر نجاست چه حکمی دارد؟

ج – ادکلن محکوم به طهارت است.

س ۴۴– مـوادی یـافت می شود غیر روغنی، که موی را حفـظ و نگـاه می دارد و الکـل دارد، این مواد که نمی دانیم از حیوان گرفته شـده یا از نباتات آیا جائز است اسـتعمال این مواد و حکم نماز خوانـدن با آن چیست، با اینکه می دانیم مانع مسـح نمی شود؟

ج – در این صورت که فرض شد، جائز است استعمال آن، و اشکالی ندارد.

س ۴۵– اگر تهیّه شود الکل از دو ماده سخت یا یکی از آنها روان باشد و دیگری سخت باشد، آیا این الکل پاک است؟

ج – الکلی که معهود نباشد از آنها اسکار نمودن و برای اسکار استعمال نمی شود نجس نیست.

س ۴۶– الکلی که گرفته شـده از پـترول (نفت) آیـا پـاک است یـا نجس، و همچنین گرفته شـده از دو مـاده روان چه حکمی دارد؟

ج – این مسأله از جمله مسائل قبل است.

س ۴۷– اگر انگور را در آب قرار دهند بعداً که آب جوش آمد آیا حرام است نوشیدن این آب، و آیا حرام است خوردن این انگور با اینکه نمی دانیم داخل انگور جوش آمده یا خیر؟

ج – با شک در غلیان حرام نیست و همچنین با غلیان و استهلاک. واللَّه العالم.

س ۴۸– مقصود

از«فقاع» که در رساله عملیه آمده چیست؟ و فرق او با

ماءالشعیر چیست؟

ج - «فقاع» شرابی است که اخذ شده برای اسکار از جو و در او سکر خفیف هست، و امّا ماء الشعیر که طبیب علاج می کند برای بعض امراض، معمول نیست برای اسکار.

س ۴۹- شرابی که مسمّی به «بیره» هست پاک یا نجس است با اینکه محتوی بر الکل نیست؟

ج - «بیره» شراب است و از آب جو تخمیر شده ساخته شده و این همان «فقاع» است، حکم او حرمت است مانند خمر، و مثل آن است در نجاست.

س ۵۰- اگر ترش بشود دانه های جو، بعد همین دانه ها را در آب خیس کنند چند روزی سپس این آب روان مشتمل شود بر مقداری الکل حکم او چیست؟

ج - اگر این دانه های جو تخمیر گردد و سپس آب آنرا بگیرند چنانچه از وصفی که نمودید ظاهر می گردد پس این حکم فقاع و بیره را که حکم آن در سابق گذشت دارد.

س ۵۱- اگر محتوی گردد عصیر بر مقداری مادهء الکل که معلوم نمی گردد مگر به تحلیل شیمیایی و این ماده سه در هزار می باشد آیا جایز است نوشیدن آن با آن که می دانیم این مقدار از ماده الکل در اثناء ساخت آن، به آن اضافه شده، از تخمیر نمودن عصیر است؟

ج - اگر بدانیم اسکار نمودن آن را پس او حکم خمر حرام را دارد.

س ۵۲- اگر شراب تبدیل به سرکه شود ولی نه تبدیلی که هیچ اثری از شراب نباشد بلکه مقدار کمی، که در حدود پنج در هزار باشد از شراب اثری باقی است حکم این مسئله چیست؟

طهارت

ج - طهارت و حلیت

موقوف بر سرکه شدن است و آنچه که در سؤال گفته شده هنوز سرکه نگردیده.

س ۵۳- در رساله های عملیه عنوان شده است که اگر پوشال ریز انگور و خرما در موقع سرکه ریختن در داخل آنها باشد ضرر ندارد، مفهوم این عبارت آن است که پوشال بزرگ ضرر دارد مستدعی است بیان فرمائید.

ج - فرق بین پوشال ریز و بزرگ آن است که اگر یقین کنید خمر شده است پوشال بزرگ یا بادنجان و خیار بعد از انقلاب پاک شدنش محل اشکال است ولی ریز در هر صورت ضرر ندارد. واللَّه العالم.

س ۵۴- دوده‌ء نفتِ نجس، آیا پاک است؟

ج - بلی پاک است. واللَّه العالم.

راه ثابت شدن نجاست

س ۵۵- چرخی است که شیر را با آن چرخ می کنند، ده نفر هر کدام شیر خود را چرخ نمودند، بعد که چرخ را برای شستشو باز می کنند یک تکه خون بسته در پنجره‌ء چرخ دیده اند و نمی دانند از کدام شیر بوده است، آیا شیر آخری نجس و بقیه پاک است یا تمام آنها نجس است؟

ج - بلی، فقط شیر اخیر محکوم است به نجاست و بقیه، محکوم به طهارت است.

س ۵۶- فرشی یا زمینی است، که یک قسمت آن، قطعاً نجس است مثل کف اتاق، آیا اگر با رطوبت، ملاقاتی با یک قسمت آن واقع شود اجتناب لازم است و باید موضع ملاقات را تطهیر کرد؟ یا خیر، البته موضع نجس مشخّص نیست؟

ج - مفروض سؤال محکوم به طهارت است.

س ۵۷- ماشینی که دارای بیست صندلی است، مسافر می داند یکی از این صندلیها نجس است، امّا نمی داند کدام صندلی است، وظیفه چیست؟

ج - اثری برای علم مزبورش نیست.

س

۵۸- اگر گرفتار معاشرت با شخصی باشم با رطوبت و نمی دانم این شخص مسلمان است یا کافر، آیا واجب است بر من سؤال نمایم از او و حکم من چیست؟

ج - در این فرض بر شما واجب نیست سؤال کردن، بلکه بنا را بر طهارت او بگذارید.

س ۵۹- اگر شخص کتابی یا کافر غذای حلالی را بپزد و ندانیم که بدنش با آن تماس پیدا کرده، آیا غذا پاک است یا نجس؟

ج - همچنانکه در سؤال آورده شده، تا وقتی، تماس پیدا کردنش را با غذا نمی دانید غذا پاک و حلال است.

چیز پاک چگونه نجس می شود

س ۶۰- لباسهای شسته شده در مغازه های لباسشویی که تمام افراد آن کافر یا بعضی کافر و بعضی مسلمان هستند چه حکمی دارد؟

ج - تا وقتی که تماس آنان با دستهای رطوبت دار به لباسها را نمی دانید اشکالی در لباسها نیست.

س ۶۱- آیا جایی که کارگر غیر مسلمان، آنرا ساخته نجس می شود؟ و چگونه می توان آن را پاک نمود؟

ج - آن چه که با رطوبت، با این ساختمان تماس پیدا کند، نجس می شود مگر

آن که ساختمان را به وسیله آب، یا خورشید به شرایطش، پاک کرد.

س ۶۲- اگر شخصی، میتهء غیر آدمی را که رطوبت دار باشد لمس نماید و سپس به چیزی دست گذارد و یا با شخص دیگری مصافحه کند آیا نجاست به شخص آخر، سرایت می کند و شستن چیز لمس شده، واجب است؟

ج - بله در صورتی که رطوبتش سرایت کننده باشد، مانند سایر نجاسات عینیه، و میته انسان غیر مسلمان نیز، همین حکم را دارد.

س ۶۳- اگر شخصی به واسطه مس میت، دست راستش نجس شود و سپس با دست

چپش یک چیز مرطوبی را لمس کند آیا آن چیز مرطوب نجس می شود یا این که این چیز مرطوب فقط در صورتی که با دست راست تماس پیدا کند نجس می شود؟

ج – نجاست عضوی، ربط به عضو دیگر از اعضاء ندارد بنابراین، هر چیز مرطوبی،که با عضو نجس تماس پیدا کند، فقط نجس می شود.

س ۶۴- اگر کسی در داخل دهان و بینی او خون باشد و آب از خارج، در دهان و بینی می کند و بیرون می ریزد آیا آن چه در داخل دهان و بینی، با خون ملاقات کرده و در خارج می آید و خون در آن نیست، نجس می شود یا نه؟

ج – در فرض مزبور اگر آب ملاقات با خون نماید نجس خواهد شد. واللّٰه العالم.

احکام نجاسات

س ۶۵- نوار ضبط صوت در صورتی که حاکی از آیات قرآن و غیره باشد در صورتی که در مستراح بیفتد آیا بیرون آوردن و تطهیر آن واجب است یا نه؟

ج – بلی واجب است بیرون آوردن و تطهیر آن.

س ۶۶- آیا جایز است که مرد یا زن غیر مسلمان را در رسیدگی به کارهای خانه اجیر نمود؟

ج – در صورتی که دست یا جایی از بدنش که مرطوب است به چیزی که پاک بودنش شرط شده تماس پیدا نکند اشکالی ندارد. هر چیزی را که غیر مسلمان دارای عرق یا رطوبت لمس کند آن چیز نجس می شود و همچنین اگر غیر مسلمان پایش عرق داشته باشد یا مرطوب باشد و بر سجاده بگذارد نجس می شود.

س ۶۷- آیا جایز است که کارگر غیر مسلمان را، در ساختن مسجد اجیر کرد؟ و اگر مسجدی را کارگران غیر مسلمان

ساختنـد بـا این که در سـاختنش، آب به کار برده می شود و آنان با دسـتهای رطوبتـدار،آجر را لمس می کننـد و نیز سـیمانها، رطوبتدار هستند این مسجد چه حکمی پیدا می کند؟

ج – در سـاختن مساجـد، بعـد از آن که مسـجد شـده باشـد، جـایز نیست کـارگر غیر مسـلمان را اجیر نمود، اما در ساختن غیر مساجـد، یا مساجدی که هنوز مسـجد نشده اند، اجیر کردنش، اشـکالی ندارد و پس از آنکه مساجد را مسـجد کردند، آبی را که حکم کر داشته باشد بر آن مسلط نموده و ظاهرش پاک می شود و همین کافی است.

س ۶۸– در رساله مرقوم فرموده اید اگر تربت در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد باید تا وقتی یقین نکرده اند به کلی از بین رفته به آن مستراح نروند.

بفرمائید مراد از تربت همان مهرهایی که از کربلا به محلی می آورند یا معنی دیگری دارد؟

ج – مراد از تربت مهرهایی است که در کربلا ساخته می شود.

مطهّرات

س ۶۹– آفتاب که از پشت شیشه بتابد پاک کننده است یا خیر؟

ج – تابیدن از پشت شیشه، پاک کننده نیست. واللَّه العالم.

س ۷۰– موزائیـک که از سـیمان و ریـگ ساخته می شود و زمین را با آن فرش می کننـد، آیا ته کفش، و کف پا را پاک می کند؟

ج – بلی پاک می کند.

س ۷۱– آیا موزائیک، حکم زمین را دارد، سجده و تیمم بر آن جائز است؟ ته کفش و کف پا را پاک می کند یا خیر؟

ج – در صورتی که مـادهء آن همه از زمین باشـدماننـد سـیمان، و روکش آن ریـگ خـارج از خودش نباشـد – به غیر تیمم – احکام دیگر زمین، برای آن ثابت است.

س

۷۲- زمین آسفالت یا سیمان، کفش و پا را مطهر است یا نه؟

ج - اما آسفالت پس مطهر نیست، و اما سیمان ظاهراً مطهر است. واللّٰه العالم.

س ۷۳- آیا لباسشویی برقی لباس نجس را پاک می کند یا خیر؟ و می دانیم که کار این لباسشویی این است که به صورت اتوماتیک آب را در حوض خودش می ریزد و بعد آب قطع شده و پس از آن که لباسها را تمیز نمود آب را از حوض خود خارج می کند و دوباره همین عمل را تکرار می کند یعنی آب را در حوض خود می ریزد و سپس آب را خارج می کند؟ و آیا لباسهایی را که به مغازه لباسشویی می دهیم و او لباس مسلمان و کافر و جنب را با هم در لباسشویی گذاشته و می شوید نجس است یا خیر؟

ج - اگر آبی که بار دوّم در لباسشویی برقی ریخته می شود به تمام جاهایی که ـ

آب اوّلی رسیده برسد لباس پاک می شود. و اگر کارکنان مغازه لباسشویی مسلمان باشند و خبر دهند که لباس پاک شده لباس پاک است.

س ۷۴- شخصی گمان می کرده ماشین لباسشویی او پاک کننده است بعداً ملتفت شده که پاک کننده نیست، تکلیف نمازهایی که با آن لباسها خوانده چیست؟

ج - از قراری که نقل شده واجد شرایط تطهیر است به آن تفصیلی که در رساله عملیه مذکور است و بر تقدیری که فاقد باشد چون جاهل بوده، نماز در آن لباسها، محکوم به صحت است.

س ۷۵- چنانچه لباس و مانند آن را، بعد از زوال عین نجاست، در زیر آب فشار دهند کافی است یا باید فشار، خارج از آب باشد؟

ج - آن

کار برای حصول غسل کافی است ولی اگر محتاج به تعدد باشد، بیرون آوردن و خروج غساله، در بیرون لازم است.

واللَّه العالم.

س ۷۶- چه می فرمائید در این که، حضرتعالی در مسائل عملیه در مقام شستن لباس نجس ولو با آب کر، فشار و تعدد را شرط فرموده اید، اگر لباسی را در آب کر وارد کرده بعد از برطرف کردن نجاست آن، کنار گذاشته شود که خود به خود آب آن برود و خشک شود آیا فشار صدق می کند و حکم به طهارت می شود یا نه؟ و نیز فتوای لزوم تعدّد و فشار دادن از شما، به طور حتم و جزم است و یا به طور احتیاط، و در این صورت از مجتهد دیگر می تواند تقلید نماید یا نه؟

ج - راجع به لباس نجس دو مطلب است یکی آن که شستن آن مثل شستن دست یا کاسه نیست که مجرد وصول آب کافی باشد بلکه فشاری و یا مالش و یا لگدی زیر آب و یا بیرون آب بعد از استیلاء آب در صدق غسل و شستن لباس لازم

است که به این مطلب در مسئله ۱۶۰ توضیح اشاره شده، و دیگر جدا شدن غساله است که در اشیاء دیگر به آسانی جدا می شود و در لباس طبعاً محتاج به فشار است و الاّـ به طوری که شما ذکر کردید جدا شود نیز کافی است و تعدّد، در لباس متنجس به بول است در غیر جاری. واللَّه العالم.

س ۷۷- موقع تطهیر لباس و فرش و امثال آن با آب کر و جاری احتیاج به فشار دادن دارد، آیا توی آب فشار و دلک در جاری و کر

کافی است یا نه؟ و بند و نخ تسبیح و پلاستیک و دستکش احتیاج به فشار دارد یا نه؟

ج - بلی کـافی است و هر چیزی که آب در او نفوذ می کنـد مثلاً لباس احتیاج به فشار و دلک دارد و اگر از اشـیایی است که قابلیت نفوذ آب را ندارد احتیاج به فشار یا دلک نیست. واللَّه العالم.

س ۷۸- فشار لوله آب چیزی را که با بول مثل لباس و فرش نجس شـده پاک می کنـد یا نه؟ و راه آسان برای فرش و لباس را بیان فرمائید.

ج - بلی اگر فشـار باشـد در حکم به هم مالیـدن یـا دست مالیـدن است در صورتی که فشـار آب، غساله را از شـدّتی که دارد بیرون کند.

س ۷۹- لباس و فرش و لحاف و غیره را با فشار آب لوله هایی که در شهرها هست معمولاً برای تطهیر کفایت می کند یا نه؟

ج - اگر آبی که از لوله بر آن می ریزد با فشار باشد که به جهت فشارش، آب از آن جای ریزش رد می شود و بیرون می رود همان فشار کافی از فشار با دست است.

واللَّه العالم.

س ۸۰- اگر کسی تمام دست و پایش نجس باشد و می خواهد پایین آنها را با آب قلیل و یا آب کر بشوید و بالای آنها بماند آیا پاک می شود یا نه؟

ج - بلی آن چه آب پاک به آن برسد و از آن جدا شود پاک می شود. واللَّه العالم.

وضو

س ۸۱- اگر کسی صورت و دستهایش را با آب بـدون قصـد وضو تر کرده و همان آب را قصد وضو کرده و آب در اعضاء وضو به قدری است که

در جمیع اجزاء با مراعات الاعلی فالاعلی جریان پیدا می کند.

ج – مفروض سؤال اشکالی ندارد. واللَّه العالم.

س ۸۲– اگر دست را تر کند برای غسل ترتیبی و وضو مثل روغن مالی کفایت می کند یا نه؟

ج – به طوری که صدق غسل به جریان یا کمک دست باشد کافی است. واللَّه العالم.

س ۸۳– کیفیت وضو اختلاف دارد بین ما و اهل سنّت، آنها می کشند دستهایشان را از پائین به بالا، و ما به عکس انجام می دهیم، ما سر و دو پا را مسح می کنیم، و آنها سر و گردن، همه اش را مسح می کنند و سپس دو پا را شستشو می دهند، آیا اختلاف دارد دین ما از دین آنها؟

ج – اختلاف بین ما و بین آنها، در فروع دین زیاد و منحصر در آنچه ذکر شد نیست (از اختلاف در دین)، کما این که این اختلافات در فروع دین بین خود اهل سنت موجود است.

س ۸۴– عدد غسلات واجب و مستحب برای هر یک از صورت و دست راست و دست چپ، چه مقدار است؟

ج – شستشوی واجب برای هر یک از اعضاء، یک مرتبه است اگر آب به تمام

اعضاء برسد، و دست مالیدن یک مرتبه است، و چون مرتبه اوّل تمام شد، برای مرتبهء دوّم مستحب است، غیر از دست چپ که احوط اولی آن است که به شستشوی اوّل اکتفا نماید فقط. واللَّه العالم.

س ۸۵– آیا جایز است در شستشوی واجب، این که تمام عضو شسته نشود و در مرتبه دوّم که مستحب است، تمام عضو کاملاً شسته شود؟

ج – مادامی که عضو کاملاً شسته نشده مطلوب حاصل نشده چه واجب و چه

مستحب، پس اشکال ندارد به تمام نمودن مادامی که تمام نشده شستشوی آن.

واللَّه العالم.

س ۸۶- فرموده اید در محل مسح: «باید رطوبت ظاهر نباشد به طوری که با آب مسح مخلوط گردد به مجرد مماسه نمودن» این عبارت را توضیح دهید؟

ج - اگر رطوبت محل مسح، مساوی است یا غالب است بر رطوبت آب مسح، صحیح نیست مسح نمودن با آن، و اگر رطوبت محل مسح کمتر باشد، ضرر نمی زند به مسح نمودن او. واللَّه العالم.

س ۸۷- اگر شخصی موهای سرش زیاد باشد، آیا جایز است برای او این که داخل کند دستش را، در موهای روئیده در جلو سرش از زیر موها به بالا، تا آن که مسح کند سرش را از بالا به پائین، با این که می داند در این اثنا موهای سرش که می خواهد دست خود را داخل در آن کند، رطوبت زیادی می گیرد چه باید کرد؟

ج - اگر رطوبت مسح، زیاد باشد به طوری که محو می کند اوّلی را در مسح دوّم، پس اشکالی ندارد انجام دادن این کیفیت.

س ۸۸- اگر مسح کند وضو گیرنده، سرش را از پائین به بالا، یا از یکی از دو جانب سر به طرف دیگر، آیا وضوی او باطل می گردد اگر بوده باشد عالم یا جاهل

به آن؟

ج - بله وضوی او باطل می گردد علی الاحوط در همه صور.

وضوی ارتماسی

س ۸۹- در باب وضو مسئله ۲۶۷ که دست چپ را نباید ارتماسی شست، و در مسئله شماره ۲۶۸ می فرمایید در وضوی ارتماسی باید صورت و دستها را از بالا به پائین شسته شود و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد، یا این که

اشکال علی کل حال به نظر می رسد لطفاً در این باره توضیح بیشتری بفرمائید.

ج – مسئله ۲۶۸ بیان کیفیت وضوی ارتماسی را متکفل است، و ناظر به اشکال ارتماسی دست چپ نیست، و بیان این جهت در مسئله ۲۶۷ شده است.

س ۹۰– در مسئله ۲۶۷ می فرمائید: وضوی ارتماسی آن است که صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، ولی مسح با تری دست اشکال دارد، پس کسی که در دست راستش، زخم یا شکستگی می باشد و نمی تواند دست چپ را ترتیبی وضو دهد، چه کند؟

ج – در مفروض سؤال، دیگری باید دست او را بشوید. واللَّه العالم.

شرایط صحت وضو

س ۹۱– در مسئله ۲۸۴ توضیح می فرمائید (در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد) آیا عدول از فتوای عروه الوثقی است در مسئله ۵۲ فی شرائط الوضو: «یجب غسل جمیع ما وصل الیه الماء حین التوضی او لاقی محل الوضوء مع الرطوبه»؟

ج – ما تنافی بین این دو فرع و بین این دو عبارت نمی بینیم، ولی هر دو، حکم به صحت وضو و بقاء نجاست است. واللَّه العالم.

س ۹۲– آیا ضرر می زند در شرائط مباشرت، این که آب را بر دست متوضی، دیگری بریزد؟

ج – ضرر نمی زند مادامی که تمام نکند به آن، شستشوی مفروض را. واللَّه العالم.

س ۹۳– کف دستمان با خودکار چیزی می نویسیم، آیا این نوشتن برای وضو اشکالی ندارد؟

ج – در صورتی که مانع از رسیدن آب به پوست دست نباشد مانعی ندارد.

س ۹۴– در دست مصلی دانه ای بیرون آمده به اصطلاح ما (ازق)، اکنون برای کنده شدن او، بیخ او را محکم نخ بسته تا کنده

شود، وظیفه او را برای نماز بیان فرمائید.

ج - اگر بتوانـد آن را باز کنـد در صورتی که آب زیر آن بـدون باز کردن نرود، لازم است باز کند برای غسل یا وضو، و اگر معـذور باشـد از گشودن آن و در جای مسح نیست، مانند میان انگشـتان، پس تیمم کند و همچنین اگر در کف دست باشد، و اگر در موضع مسح باشد باید جمع کند بین وضو و تیمم.

واللَّه العالم.

س ۹۵- راجع به وضو، بعضـی از مقدسـین اهل ایمان در حال وضو، انگشتر خود را بیرون می آورنـد و وضو می گیرند، چون شبهه به ذهن ایشـان است چنـانچه انگشتر به دست باشـد و جا به جا نماینـد که زیر آن را آب وضو بگیرد، یا مقـدار کمی بالا پائین دهند، یا انگشتر را بچرخانند، آیا شرعاً اشکالی به هم می رسد یا خیر؟

ج - مقصود وصول آب وضو است، و لذا به هر وسیله که باشد مانعی ندارد با مراعات الاعلی فالاعلی. واللَّه العالم.

س ۹۶- اگر شخصی وضو گرفت، سپس جدا کند یک پوست کوچکی از اطراف ناخنهایش را، به طوری که زیر پوست ظاهر گردد، آیا واجب است اعاده کند وضو را قبل از نماز، یا آنکه وضوی او صحیح است و باطل نمی شود به جدا شدن پوست از دستش؟

ج - واجب نیست اعاده نمودن وضو.

س ۹۷- هر آینه می شـنویم که می گوینـد وضو گرفتن در مستراح مکروه است و موجب فقر می گردد، و لکن در این زمـانها مستراح ها با حمام و دسـتشویی مشترک است، اما در زمانهای سابق این ها جـدا از هم بودند، آیا کراهت در چنین مستراح ها، وجود دارد یا خیر؟

ج -

آن چه مکروه است نزد ما، آن وضو گرفتن در محل استنجا است امّا وضو گرفتن در چنین صورتی که ذکر شد، پس کراهت ندارد.

احکام وضو

س ۹۸- اسماءاللَّه الحسنی که اضافه شده، مانند «فاطر السموات و الارض» آیا شامل مضاف الیه می شود در این که جایز نباشد لمس آن مگر به طهارت یا خیر؟

ج - حکم، شامل مضاف الیه نمی شود. واللَّه العالم.

س ۹۹- آیا جایز است مس نمودن ضمیر در مثل این جمله (بسمه تعالی) با این که مرجع این ضمیر برمی گردد به خدای سبحانه و تعالی؟

ج - جایز نیست مس نمودن به غیر طهارت.

س ۱۰۰- اسم بعضی اشخاص «عبدالرحیم» یا «عبدالرحمن» است، آیا در حکم نام خدا می باشد و بدون طهارت مس نمی شود؟

ج - احوط آن است که بدون طهارت مس نکند. واللَّه العالم.

س ۱۰۱- مس بدون وضو اسماء و القاب مثل «عبداللَّه» و «خداداد» و «خداقلی» و آقای «خدایی» و آقای «الهی» جایز است یا نه؟

ج - احوط ترک مس است.

س ۱۰۲- (مربوط به رساله مستحدثات ص ۴۳ و ۴۴ رقم ۴۶) راجع به وضو گرفتن و غسل و تیمم و نماز در آن شوارع چه می فرمائید؟

ج - مانعی ندارد.

س ۱۰۳- آیا جایز است وضو گرفتن برای نماز، قبل از داخل شدن وقت نماز، به قصد نماز و وجوب، و حکم چنین شخصی چیست اگر سهواً انجام داد؟

ج - احتیاج ندارد ساختن وضوی صحیح، به قصد کردن آن چه را که ذکر شد، و اگر قصد کند او را، صحیح است وضو، و

بیهوده می شود آن قصدی که محل برای او نیست.

س ۱۰۴- شخصی سالها روی ندانستن مسئله پیش از وقت نماز برای

نماز وضو می گرفته، حال که مسئله را فهمیده نمازهای گذشته چگونه است، قضا دارد یا خیر؟

ج – قضا ندارد.

احکام جبیره

س ۱۰۵- شخصی مقداری از هر دو دستش سوخته وظیفه او برای نماز چیست؟ یا تمام صورت سوخته طوری که نمی شود دست بمالد یا پارچه

روی آن بیندازد؟

ج – اگر وضوی جبیره ممکن است عمل به وضوی جبیره نماید، و اگر محتاج به غسل هم در این حال شد غسل به طریق جبیره کند و اگر از استعمال آب متمکن نیست تیمم نماید به نحوی که متمکن از تیمم باشد. واللّٰه العالم.

س ۱۰۶- شخصی یک دستش به واسطه شکستن به گردنش بسته است اگر وظیفهء وضو دارد، چگونه بگیرد؟ و اگر بخواهد تیمم کند با مباشر چگونه، و در صورت نبودن مباشر، یک دستی مکفی است یا خیر؟

ج – اگر بتواند وضوی جبیره ای بگیرد خودش به نفسه، و اگر نتواند، دیگری او را وضو بدهد به دستوری که در رساله منظور است و اگر وضو نتواند، تیمم نماید یا تیممش بدهند، اگر خود نتواند آن هم به دستوری که در تیمم کردن شخص معذور، مذکور است و اگر آن هم متمکن نگردید با یک دست اکتفا می شود. واللّٰه العالم.

س ۱۰۷- عمل جراحی پلاستیکی که ممکن است مانع از غسل و وضو باشد چه صورت دارد؟

ج – باید برداشته شود برای غسل و یا وضو و اگر ممکن نباشد وظیفه تیمم است و اگر در اعضاء تیمم باشد جمع کند بین عمل به وظیفه جبیره و تیمم.

س ۱۰۸- کسی که باید تیمم و وضو جبیره بگیرد اگر جلوتر از وضوی جبیره تیمم نماید صحیح است یا نه؟

ج

– هر کدام را جلوتر به جا آورد صحیح است.

س ۱۰۹– فرق بین قرح و جرح چیست؟

ج – هر دو بر یک وزن و یک اثر هستند اگر در هر دو خون بوده باشد و واقع شود اوّل (قرح) در مانند دمل و دوّم (جرح) در مانند زخم و پاره شدن به وسیله _

چاقو، پس همین است فرق بین این دو موضوعاً.

س ۱۱۰– اگر سوراخ شود استخوان دست یا پا و یا در حال سوراخ شدن باشد و روی آن محل جبیره بگذارد آیا این ملحق می شود به شکستن استخوان در غسل و وضو؟

ج – بله ملحق می شود با وضع جبیره.

س ۱۱۱– اگر خون منجمد شده روی زخم مانند پوست گردد، به طوری که اگر پوست را بر طرف کردیم خون جاری گردد، آیا روی آن خون منجمد شسته می شود برای وضوء و آیا با او معامله پوست طاهر می گردد یا خیر؟

ج – اگر خون منجمد باشد نجس می شود آب به ملاقات نمودن با آن.

س ۱۱۲– در وضو و غسل جبیره بعد از خوب شدن تجدید غسل یا وضو لازم است یا نه؟

ج – تا محدث نشده لازم نیست. واللّٰه العالم.

س ۱۱۳– کسی که غسل جبیره ای نموده بعد که عذرش بر طرف شد و جبیره را برداشت بدیهی است عباداتی را که انجام داده طبق وظیفه اش که صحیح است، برای عبادات بعدی احتیاج به اعاده غسل دارد یا خیر؟

ج – بلی اثر غسلش باقی است و محتاج به اعاده نیست و همچنین است وضویش اگر ناقضی نیاورده باشد.

احکام جنابت

س ۱۱۴– اگر خارج شود از ذکر مردی چیزی به شکل قطعه های جامد بعد از بول نمودن

بدون این که انتصاب ذکر و شهوتی و هوسی بوده باشد پس آیا واجب

است بر او غسل جنابت نمودن؟

ج – چیزی بر او نیست در چنین صورتی.

س ۱۱۵– مردی با زن خودش که از دنیا رفته و هر سه غسلش داده شده جماع کرده، حکمش را بیان فرمائید.

ج – کار حرامی مرتکب شده و غسل جنابت بر او لازم است. واللَّه العالم.

س ۱۱۶– آیا شامل می شود آبی که از زن خارج می شود حکم منی خارج از مرد را؟

ج – اگر به صفات منی باشد پس حکم منی مرد را دارد.

س ۱۱۷– آیا حرام است بر زن استمناء نمودن؟

ج – بله کما این که بر مرد حرام است.

س ۱۱۸– اگر زنی به جهت شهوت چیزی داخل فرجش نماید یا چیزهایی را فکر کند در صورتی که از آن منی نیاید و یا بیاید حرام است یا نه؟

ج – استمناء حرام است بدون فرق بین مرد و زن.

غسل جنابت

س ۱۱۹– اگر شخصی غسل می کرده به صورت صحیح مثلاً آب می ریخت بر سرش و گردنش سپس بر بقیه بدن اما قصد ترتیب نمی کرده آیا غسل او صحیح است؟

ج – بله در چنین صورتی غسل او صحیح است اگر قصد اصل غسل کردن می نموده است.

س ۱۲۰– اگر دست را تر کند برای غسل ترتیبی و وضو مثل روغن مالی کفایت

می کند یا نه؟

ج - به طوری که صدق غسل به جریان یا کمک دست باشد کافی است. واللَّه العالم.

س ۱۲۱- چه می فرمائید در این مسئله شرعیه که شخص جنب موقع غسل در میان خزینه و یا حوض بعد از غسل سر و گردن، آیا برای طرف راست و چپ

باید از خزینه یا حوض خارج شود به تمام بدن یا لازم نیست، و همچنین زیر دوشهای حمام برای طرف راست و چپ، آب شیر را، هی قطع کند و یا برای هر طرف کنار برود و مجدّداً زیر دوش بیاید یا لازم نیست؟

ج – بلی بنابر احتیاط واجب باید بدن را از آب بیرون کند و تازه به قصد غسل فرو ببرد و همچنین از آب دوش و بارش و ناودان و امثالش باید کنار شود، سپس به قصد غسل زیر آن برود. واللَّه العالم.

س ۱۲۲– در غسل ترتیبی، اگر عضو مرموس(۱) در آب را، بیرون نیاورد و در زیر آب به قصد غسل، دست بکشد چه صورت دارد؟

ج – مانعی ندارد که به دست کشیدن، قصد جدا شدنِ احاطهء آب از بدن شود، که غسل به رسیدن آب بعد از عبور دست از محل می باشد.

احکام غسل جنابت

س ۱۲۳– در غسل ترتیبی، نسبت به طرف چپ، فراغ چه وقت است، که موقع شک در شرایط و اجزاء، وصول آب و عدم آن، اعتنا به شک نکند؟ بیان فرمائید.

ج – به دخول در نماز و یا غیر آن، از اموری که مشروط است به غسل، محقق

---

(۱) در آب فرو برده شده

می شود. واللَّه العالم.

س ۱۲۴– هر گاه شخصی غسل جنابت کرد و بر ذمّه او غسل دیگری باشد و بداند و نیّت نکند یا فراموش کرده باشد یا اصلاً نمی داند که غسل دیگری بر ذمه او هست آیا غسل جنابت، کفایت از آن غسلهای دیگر می کند یا خیر؟

ج – بر همه تقادیر غسل جنابت کافی است. واللَّه العالم.

س ۱۲۵–اگر جنب شود مردی و نداند به

این که جنب است و بیاورد یکی از غسلهای مستحبه که مجزی از وضو هست آیا این غسل مجزی از غسل جنابت هست یا خیر؟

ج – بله مجزی است این غسل از آن غسل واجب.

س ۱۲۶– اگر جمع شود غسل جنابت از حرام (غیر مجزی از وضو) با غسل مستحب مجزی از وضو مثل غسل جمعه یا زیارت امام حسین پس آیا این غسل (جنابت از حرام به غسل زیارت) مجزی از وضو هست یا خیر؟

ج – مجزی بودن غسل جنابت از وضو مختص به حال بودن او از حلال نیست بلکه حتی شامل صورت غسل از جنابت حرام هم می شود، بله فرق بین این دو صورت در غسل کردن با آب گرم طاهر می شود بنابر قول به نجاست عرق از حرام، و لکن ما قائل به نجاست او نیستیم، پس جایز است برای او غسل نمودن با آب گرم اگر چه از او عرق در حال غسل خارج شود.

س ۱۲۷– شخصی غسل واجب کرد و غسل واجب دیگری به عهده او بوده یا داشته و نیت غسل دوم را نکرده یا فراموش کرده یا نمی دانسته غسل دیگری به عهده او هست.

ج – غسل واجب او کفایت می کند از غسل دیگر، حتی غسل مستحبی مسلم

الاستحباب هم مسقط غسل واجب دیگر است.

س ۱۲۸– اگر مردی جاهل بود به چگونگی غسل جنابت قصورا، پس سالیانی چنین نماز خواند و روزه گرفت، سپس مسأله را فرا گرفت آیا واجب است بر او قضا نمودن آن چه گذشته از نمازهایش و روزه هایش یا خیر؟

ج – اما روزه هایش پس واجب نیست بر او قضا نمودنش، و اما نماز پس واجب

است بر او قضا کردن آنها این در صورتی است که مراد از جهل، جهل به کیفیت غسل باشد مثلاً از تقدیم غسل بدن بر سر و اما اگر مراد از جهل او از ناحیه مقدم انداختن غسل سمت چپ بر سمت راست یا غسل آن دو سمت بدون ملاحظه ترتیب باشد پس در این صورت واجب نیست قضا نمودن چیزی از آن دو.

س ۱۲۹- آیا این حکم نسبت به زنهایی که جاهل هستند به کیفیت اغسال واجبه مانند حیض و استحاضه جاری هست یا خیر؟

ج - بله حکم در مرد و زن یکسان است.

س ۱۳۰- شخصی بود نماز می خواند و روزه می گرفت و لکن در اکثر اوقات در غسلش خطا می کرد و نمی داند چه وقت خطا می کرده یا آن که در چند غسل که نموده به صورت اشتباه بوده و نمی داند چه عدد نماز را با آن خوانده و چه عدد روزه با آن غسلها گرفته رأی حضرت عالی راجع به چنین شخصی چیست با آن که علم دارد به این که بعضی غسلهایش اشتباه بوده لکن نمی داند کدام بوده؟

ج - اما روزه هایش پس صحیح است اگر چه غسل او باطل بوده و اما نمازهایش پس وظیفه او اخذ نمودن به قدر متیقن است.

س ۱۳۱- شخصی در ماه رمضان غسل جنابت کرده و روزه گرفته بعد از چند روز قطع کرده که غسلش باطل بوده است، حکم روزه و نمازهایش را بیان فرمائید.

ج - نماز و روزه آن مدت را لازم است قضاء نماید. واللَّه العالم.

س ۱۳۲- شخصی بعد از حصول جنابت طوری شده که به غسل کردن قطع کرده با این وضع

روزه گرفته بعداً متوجه شده که غسل نکرده حکم روزه اش را بیان فرمائید.

ج – لازم است روزه را قضاء نماید. واللَّه العالم.

احکام حیض

س ۱۳۳– مشاهد مشرفه ائمه تا کدام حد توقف آن برای حائض و جنب حرام است چون رواقهای بسیاری جزء حرم شده است.

ج – رواق جزء حرم نیست اگر چه اولی و احوط عدم توقف حائض است در رواق.

س ۱۳۴– بفرمائید زنهای حائض می توانند داخل رواق حرمهای ائمه علیهم السلام بشوند یا خیر، و ثانیاً حد حرم راهم مرقوم فرمائید.

ج – توقف در رواق حرم مطهر امامان علیهم السلام برای جنب و حائض مانعی ندارد و حدود حرم معلوم و معروف است.

س ۱۳۵– زنی که تخمدان او را برداشته اند و دکترها می گویند دیگر حیض نمی شود و در سن «من تحیض»(۱) است فعلاً خون به صفات حیض دیده، آیا در حکم حیض است یا استحاضه و یا غیره؟

ج – در فرض شک و داشتن علائم حیض یا بودن در ایام عادت محکوم به حیض است.

---

(۱) سن «من تحیض» سن قبل از یائسه شدن است

س ۱۳۶– زنهایی که قرص می خورند، گاهی در ایام عادت یک روز یا دو روز خون می بینند نه همه روزه، و گاهی بعد از ایام عادت مثلاً بعد از هفت روز، یک روز یا دو روز لکه می بینند، آیا احکام عادت بر آنها جاری است یا خیر؟

ج – در مورد مزبور تا سه روز متصل نشود حکم حیض بر آن مرتب نیست و اگر سه روز متحقق شد و قطع گردید فترات در اثنای ده روز ملحق می شود.

احکام استحاضه

س ۱۳۷– زن غیر سیده ای که ۵۰ سالش تمام شد، بعداً مثل سابق در وقت و صفات کاملاً، خون می بیند مثل حیض، تکلیفش

چیست؟ آیا حیض حساب کند و یا باید جمع بین تروک حیض

و استحاضه بنماید؟

ج – حکم حیض ندارد و احکام استحاضه مرتب می شود.

احکام نفاس

س ۱۳۸– زن حامله پهلویش را شکافته اند و بچه را بیرون آورده اند و از مجرای معین خون می بیند، آیا آن خون نفاس است یا نه؟

ج – خون مزبور خون ولادت نیست و نفاس محسوب نمی شود لذا اگر در اوقات عادت باشد یا صفات حیض را با شرایط آن دارا باشد حیض محسوب است و الّا استحاضه محسوب می شود.

غسل میّت

س ۱۳۹– کسانی که متصدی غسل اموات هستند دستکش پلاستیکی در دست

می کنند آیا این دستکش ها تابع هستند یا باید در هر غسل آنها را تطهیر کنند و در صورت عدم تبعیت مدتی است اموات را آن طور غسل داده اند حکم آنها را بیان فرمائید.

ج – فرقی بین دست و دستکش نیست که در ضمن غسل دادن اگر تطهیر شود پاک است. واللَّه العالم.

س ۱۴۰– میتی که در اثر تصادف ماشین بعد از غسل هم خونریزی دارد آیا اگر آن را در کیسه پلاستیک نموده و بعد کیسه محتوی میت را کفن نمایند صدق تکفین می نماید یا باید فقط مواضع خونریزی را بست و بند نموده و بعداً کفن نمایند؟

ج – طبعاً خون بند می آید و اگر فرضاً استمرار داشته باشد برای عدم سرایت به جاهای دیگر بدن،باید به هر وسیله که هست بست و بند نمود سپس کفن کرد و اگر بدون آن وجه مذکور راهی نداشته باشد مانعی ندارد، و بالجمله در تکفین شرط نیست مماسه با بدن، ولی زائد بر مقدار جرح، و یا کفن، باید خونی و نجس نشود.

واللَّه العالم.

س ۱۴۱– اگر مرده هایی بوده باشند که به وسیله حوادث رانندگی مرده اند و خونهای آنها مستمراً می آید، حکم غسل یا تیمم آنها چیست؟ و

اگر دست ندارند، یا صورت ندارند، با وجود خونی که ممکن نیست ازاله نمودن آن، حکم در مسأله چیست؟

ج - اگر باقی مانده باشد از مواضع تیمم در او چیزی پس او را تیمم دهند به هر چه امکان دارد. واللَّه العالم.

نماز وحشت

س ۱۴۲- دو نفر یا بیشتر در یک روز دفن شده اند آیا جایز است یک نماز لیله الدفن برای هر دو بخوانیم به این که بعد از نماز بگوییم و ارفع ثوابها الی قبر فلان و فلان؟

ج - مانعی ندارد از اتیان آن به صورت رجاء. واللَّه العالم.

س ۱۴۳- آیا جایز است برای انسان بخواند نماز وحشت در هر شب که خواست و هدیه کند ثواب آن را به هر مؤمنی که گردیده در روز همان شب؟

ج - مانند مسئله سابق است در حکم.

نبش قبر

س ۱۴۴- میت را دفن کردند بعد از دفن ملتفت شدند که حنوط نشده تکلیف چه است؟

ج - اگر خوف ضرر و هتکی بر میت نباشد باید نبش کرد و تدارک نمود. واللَّه العالم.

س ۱۴۵- در صورتی که حنوط میت فراموش شود آیا باید نبش قبر بشود یا نه؟ (این مسئله را در رساله منهاج الصالحین مرقوم نفرموده اید.)

ج - بلی اگر موجب هتک و توهین نباشد نبش می کنند ولو بیرون آوردن لازم نیست همان داخل قبر قابل تدارک است حنوط و لکن برای نماز باید بیرون آورند اگر موجب هتک نباشد و الا بر سر قبرش نماز خوانده می شود.

س ۱۴۶- در زلزله طبس به قرار مسموع عده ای از زنهای مقتولات(۱) را با طلاهایی که همراه داشته اند دفن نموده اند، آیا این عمل سبب اتلاف مال نیست و اگر در مثل این موارد، زیور آلات آنان را دفن نکنند و تشخیص وارث آنها، متعذر(۲) یا

متعسر(۳) باشد، چه باید کرد؟

ج - دفن با طلاها جائز نیست، و اتلاف مال است و باید بیرون آورد، و از موارد جواز نبش است، و

اگر صاحبان آن طلاها معلوم نباشد حکم مجهول المالک دارد که باید به اذن حاکم شرع صدقه داده شود.

احکام اموات

س ۱۴۷- آیا قرار دادن چیزی با میّت در قبر مثل نوار و شریط روضه، برای امید نجات، حرام است یا خیر؟

ج - با رضای مالک آن و رجاء آن، از حرام نیست.

س ۱۴۸- شخصی از دنیا رفته و اولاد صغاری دارد غسل دادن او در خانه خود که اکنون مال صغار است و نماز خواندن بر او در آن خانه و رفتن مردم به اینجا به قصد ترحیم جائز است یا نه؟

ج - تصرفات مذکوره، مانعی ندارد.

---

(۱) زنهایی که در اثر زلزله فوت شده اند

(۲) غیر ممکن

(۳) مشکل و سخت

حکم غسلهای مستحبی

س ۱۴۹- با غسلهای مستحبی که خود حضرتعالی قبول دارید می شود بدون وضو نماز خواند یا خیر؟

ج - بلی غسلهایی که استحبابش ثابت است مجزی از وضو است چنانکه در مسئله ۶۵۲ توضیح مذکور است.

غسل جمعه

س ۱۵۰- زن می خواهد چهل جمعه پشت سر هم غسل جمعه را ترک نکند در بین که عادت می شود، قیل(۱) که در بین عادتی هم، چنانچه غسل جمعه شود عیبی ندارد، آیا حرف این قیل، صحیح است یا خیر؟

ج - بلی صحیح است و حیض مانع از آن و غسل دیگری جز غسل حیض نیست.

س ۱۵۱- در مورد غسل جمعه که چهار صورت دارد کدامیک از آنها مکفی از وضو است؟ ۱- روز پنج شنبه تا شب جمعه؟

۲- بعد از ظهر جمعه تا شب شنبه؟ ۳- صبح شنبه تا غروب؟ ۴- شب جمعه و شب شنبه؟

ج - ۱- غسل در این روز مشروعیت آن ثابت نیست و رجاءاً به جا آورده می شود و لذا مجزی از وضو نیست. واللَّه العالم.

۲- مکفی وضو است. واللَّه العالم. ۳- قضا به جا آورده می شود و مجزی از وضو است. واللَّه العالم. ۴- مشروع نیست تا مجزی باشد. واللَّه العالم.

---

(۱) - قیلَ: گفته شده است

غسل زیارت امام حسین علیه السلام

س ۱۵۲- اگر غسل کند انسان برای زیارت امام حسین علیه السلام سپس خارج شود از حمام و متوجه ناحیه کربلا بشود و بگوید (السلام علیک یا ابا عبداللَّه الحسین ورحمهاللَّه و برکاته) فقط، و دو رکعت زیارت را بخواند، سپس با آن غسل نمازهای واجب را بخواند آیا این نحو از زیارت کافی است در مجزی بودن غسل از وضو؟

ج - بله در این صورت مجزی است کما این که در صورت قبل، مجزی بود اگر اولَی، از آن نباشد.

س ۱۵۳- اگر داخل حمام شدم به قصد غسل برای زیارت امام حسین علیه السلام قربه الی اللَّه، سپس خارج شدم از حمام

و نرفتم به زیارت حضرت و نمازهایم را با آن غسل خواندم، پس آیا مجزی است این غسل از وضو؟

ج - مجزی است با رفتن به زیارت حضرت با آن غسل قبل از اینکه ناقضی به هم رسد برای آن غسل، و مجزی نیست با ترک زیارت مقصود از آن غسل، و اگر نمازهای واجب را با آن غسل بخوانی و بعد از آن به زیارت حضرت بروی پس در این صورت نمازهایی که خوانده ای صحیح است اگر چه زیارت بعد از انجام نمازهای واجب باشد به شرط آن که قبل از زیارت غسل انسان باطل نشود. و اما اگر فراموش کنی زیارت را و نمازهایت را با آن غسل خوانده ای و بعد از آن غسل باطل شود و یادت بیاید زیارت حضرت را پس آن چه خوانده ای از نماز با آن غسل باطل است.

س ۱۵۴- آیا این غسل مجزی است از وضو به زیارت آن حضرت فقط، یا این که واجب است دو رکعت نماز زیارت را بیاورد؟

ج - واجب نیست دو رکعت نماز زیارت برای خاطر مجزی بودن غسل، و همچنین صحیح بودن زیارت، به معنی این که زیارت صحیح است بدون آن دو رکعت نماز.

س ۱۵۵- از اغسال مستحبه غسل زیارت امام حسین علیه السلام است و آن غسل مجزی است از وضو، پس آیا زیارت خاصی هست برای إجزایی(۱) غسل از وضو، یا هر زیارتی را با آن زیارت کند امام حسین علیه السلام را کافی است؟

ج - برای امام حسین علیه السلام زیارتهای خاصه و زیارتهای عامه است و هر دو یکسان هستند در حکم استحباب غسل برای هر دو

نوع زیارت کما این که مجزی است اگر غسل کنـد برای هر کدام از آنها، این که اکتفا کند به آن غسل برای انجام هر عبادتی که مشروط است به طهارت بدون این که وضو بگیرد.

س ۱۵۶- آیـا این غسـل مختص به کربلاـ است یـا این که در هر مکـانی باشـد کـافی است به معنی این که آیا این حکم برای زیارت از نزدیک یا دور است؟

ج – فرق ندارد چه از نزدیک و چه از دور این غسل مجزی است به شرط آن که با آن غسل زیارت کند.

کیفیت تیمم

س ۱۵۷- می فرماییـد برای تیمم چون کف هر دو دست را به خاك بزننـد بعـد مسـتحب است که تکانی بدهنـد، آن چه دیده شـده کـف هر دو دسـت را به هم می زننـد، برای تکـان دادن قیـل: «که این کـف هر دو دست به هم زدن، خـاك تیمم بـا هم مخلوط می شود، این صحیح نیست» آیا حرف این قیل صحیح است یا خیر؟

---

(۱) – اجزایی: کافی بودن، مجزی بودن

ج – به هم زدن کفهای دست به هم، ضرری برای تیممش ندارد و قول قیل مدرکی ندارد.

س ۱۵۸- در صورتی که شخصـی از تیمم کردن عاجز شود که دیگری با ید او را تیمم دهد، کیفیت آن چیست، زیرا شـخص که خودش تیمم می کند در وقت کشـیدن دسـتها را به صورت، دست راست به سـمت راست و دست چپ به سمت چپ قرار می گیرد و دیگری را که تیمم می دهد به عکس می شود، غرض از سؤال آن است که به همین نحو که عرض شد تیمم بدهد یا دستور دیگری دارد؟

ج – به هر نحوی که

مسح جبهه و جبین به دو کف دست تیمم دهنده حاصل شود، و از بالا به پایین بکشد ولو از مقابل. واللّه العالم.

چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

س ۱۵۹- آیا تیمم و همچنین سجده به سیمان و آسفالت و موزائیک جائز است یا نه؟

ج - تیمم بر هیچکدام جائز نیست، و اما سجده بر سیمان و موزائیک اگر روی آن، اجزاء غیر ارضیّه نباشد مانعی ندارد ولی بر آسفالت جائز نیست.

س ۱۶۰- بر موزائیک می شود تیمم کرد یا خیر؟

ج - در حال اختیار نمی شود بنابر احتیاط، بلی در فرض انحصار بر آن تیمم نماید و احتیاطاً قضا در خارج وقت هم بنماید.

س ۱۶۱- آیا جایز است تیمم نمودن به غبار موجود روی پتو، یا پشتی، یا رختخواب، یا سجادهء نماز، و امثال اینها در صورت اختیار، و حکم چیست در نزد ضرورت؟

ج - اگر بیابد خاکی، یا زمین پاکی، یا وقت تنگ باشد از آب و خاک، پس صحیح است تیمم به آن چه ذکر شد.

س ۱۶۲- فرشی یا لباسی ظاهرش غبار ندارد ولی وقتی که دست محکم به فرش بخورد، گرد بلند می شود، در حال اضطرار تیمم به این فرش صحیح است؟

ج - بلی صحیح است. واللّه العالم.

احکام تیمم

س ۱۶۳- از بعضی دکترها شنیده شده کسانی که مثلاً صورت و یا دست آنها در اثر پیشامدی می سوزد اگر با خاک یا سنگ تیمم نمایند میکرب کزاز به محل سوختگی داخل می شود، بنابراین وظیفه این شخص، راجع به نماز چیست؟

ج - اگر ضرر محرز است، سنگ را کاملاً بشوید که پاک از تولید کزاز شود.

س ۱۶۴- زیدی در تنگی وقت نماز تیمم بدل از وضو یا بدل از غسل کرد لکن در بین رکعت اول قبل از اکمال سجدتین، آفتاب طلوع کرد، آیا تیمم و نماز زید صحیح است یا باطل؟

ج -

صحیح نیست.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

نماز

احکام قبله

س ۱۶۵- اگر مکلف نداند قبله را در اوّل وقت، و می داند اگر صبر کند در آخر وقت، قبله را فرا خواهد گرفت آیا جایز است در اوّل وقت نماز بخواند یا خیر؟

ج - واجب است بر او صبر کردن در این فرض.

س ۱۶۶- آیا واجب است بر ولی یا غیر ولی از مکلفین این که روی به قبله یا پشت به قبله نکند طفل را در حال تخلی و آیا واجب است بر او این که مانع شود طفل را از مس نمودن کتابت قرآن و اسماء حسنی به غیر طهارت؟

ج - واجب نیست.

س ۱۶۷- اگر کسی به کره ماه مسافرت نماید، به کدام سمت نماز بخواند؟

ج - به سمت کره زمین.

احکام وقت

س ۱۶۸- آیا مستحب است اداء فریضه ظهر و فجر بعد از گذشت از زوال به

مقدار ربع ساعت؟

ج - مستحب است اوّل وقت اگر شرایط حاصل شد به یک ربع ساعت بعد.

س ۱۶۹- بفرمایید اگر کسی نماز ظهرین را تا آخر وقت نخوانده پس از استتار قرص بخواهد به چه نیت بخواند؟

ج - به نیّت قضاء بخواند.

س ۱۷۰- در توضیح می فرمایید آخر وقت نماز عصر غروب آفتاب است در منهاج می فرمایید وقت الظهرین من الزوال الی المغرب عمل به کدام مجزی است؟

ج - مراد از عبارت منهاج هم غروب آفتاب است.

س ۱۷۱- اگر کسی در آخر وقت به واسطه وجود ابر نتواند یقین به بقاء وقت پیدا کند اگر نماز را به قصد ما فی الذمه بخواند مجزی است یا خیر، و در فرض مذکور اگر با یقین به بقاء وقت نماز را اداء بخواند بعد معلوم شود همه نماز را

در خارج وقت خوانده چه صورت دارد؟

ج - در فرض اوّل جائز است قصد نماز به عنوان ما فی الذمه و مجزی است چنانکه در فرض دوم نیز بعد از کشف خلاف، محکوم است نماز مزبور به صحت.

س ۱۷۲- مقدار ذهاب حمره مشرقیه به دقایق چه مقدار است؟

ج - حدود دوازده دقیقه است.

س ۱۷۳- اگر فرضاً انسانی برود به یک ستاره ای که روز آن یک ساعت و شب آن یک ساعت باشد، آیا جایز است برای این شخص خوابیدن با این که می داند به سبب خوابیدن او چندین نماز از او فوت خواهد شد و حال آن که علم دارد که بی نیاز از خواب نمی تواند باشد؟

ج - باید نمازهای پنج گانه اش را تقسیم کند بر بیست و چهار ساعت.

س ۱۷۴- آیا سحرخیزی که موجب فوت نماز صبح می شود جایز است یا خیر؟

ج - حرام نیست اگر چه کار خوبی نیست.

س ۱۷۵- اگر بداند انسان این که بر نمی خیزد برای نماز صبح مگر به وسیله ساعت و امثال آن آیا واجب است تحصیل آن چیز؟

ج - واجب نیست.

نماز جمعه و احکام آن

شرایط نماز جمعه

۱ - داخل شدن وقت و آن زوال شمس است.

۲ - جمع شدن هفت نفر یکی از آنها امام است.

۳ - وجود امام جامع الشرائط از عدالت غیر آن.

س ۱۷۶- حکم نماز جمعه چیست؟

ج - اگر نماز جمعه اقامه شد به صورت صحیح پس احوط وجوبی حضور در آن است و مجزی است اداء آن، از نماز ظهر. واللّه العالم.

س ۱۷۷- آیا جایز است اقامه نماز جمعه در شهر مانند فطر با وجود داعیه برای آن یا خیر؟

ج - بله جایز است به نحو وجوب تخییری

در اصـل اقامهء نماز جمعه و مختص نیست به شـهر ماننـد فطر یا غیر آن و نه به وجود داعی یا داعی هایی پس اگر اقامه شـد با شرایطی که در رساله ذکر شده مجزی است از نماز ظهر.

س ۱۷۸- اگر نماز جمعه اقامه شد آیا واجب است بر دیگران حضور نماز با

تمکن از آن؟

ج - بله واجب است حضور اگر اقامه شد با شرایط آن غیر از کسانی که درباره آنها استثنا شده بنابر احوط لزومی.

س ۱۷۹- در مسائل نماز جمعه مسأله (۱۷۴) آمده که مکلف مخیر است روز جمعه، پس مراد از مکلف امام است یا مأموم؟

ج - هر یک از اینها اگر حاضـر نشونـد برای اقامه آن، پس اگر حاضـر شود پنـج نفر ماننـد دیگرانند (به معنی این که غیر اینها مخیرنـد) و اگر حاضـر شـود هفت نفر، پس احوط لزومی برای دیگران این است که حاضـر شونـد بـا آنهـا، پس اگر هفت نفر جمع شوند برای اقامه نماز جمعه بر دیگران واجب است حضور علی الاحوط.

س ۱۸۰- بعضـی جوانان اقامهء دلیل می کننـد بر عدم وجوب نماز جمعه به این که سـید خویی اقامه نمی کند نماز جمعه را و آنها تقلید از شما می کنند پس چه جواب آنها را می دهید؟

ج - نمـاز جمعـه هر آینـه واجـب است روز جمعه به نحـو وجـوب تخییری پس مکلفی که اقـامه می کنـد نمـاز جمعه را (امـام جمـاعت) مخیر است بین آوردن نمـاز جمعه و ترک نمـاز ظهر و بالعکس، پس ملزم نیست به آوردن نماز جمعه (به معنی این که سید مخیرند بین اقامه نماز جمعه و عدم آن).

س ۱۸۱- یک دسته دیگر می گویند به این

که سید نماز جمعه نمی خواند پس ما هم نمی خوانیم پس اگر غیر از شما بر پا دارد نماز جمعه را و شما هم قادر باشید بر حضور آیا حاضر می شوید؟

ج - منافاتی در آن نیست و افرادی هستند که مخیرند به ترک نماز جمعه و اداء ظهر از آنها پیرمردها و مسافرها و کسانی که قدرت بر حضور ندارند و ما از دسته

آخری ها هستیم.

نمازهای مستحبّی

س ۱۸۲- دو رکعت نمازی که روز اول ماه مستحب است به جا آورده شود آیا قبل از طلوع آفتاب هم جایز است به جا آورده شود یا باید بعد از طلوع باشد؟

ج - بعد از طلوع آفتاب باشد. واللَّه العالم.

س ۱۸۳- آیا صحیح است دو رکعت نافله را یک رکعت ایستاده و یک رکعت نشسته خواند؟

ج - بله صحیح است.

س ۱۸۴- نمازهای مستحبی که سوره های کوچک دارد و خواننده نمی تواند حروف را از مخارج ادا کند می تواند بخواند؟

ج - اگر توانایی به صحیح نداشته باشد مانعی ندارد.

نماز غفیله

س ۱۸۵- آیا نماز غفیله استحبابش نزد ایشان ثابت است؟ عرض کردم چنین یادم هست که ایشان اشکال در مدرک داشتند و از منهاج و حاشیه عروه و رساله منتخب چیزی واضح نمی شود گر چه از بعضی عبارات آن استظهار ثبوت استحباب می شود.

ج - تا کنون استحباب غفیله به عنوان مزبور بر ایمان ثابت نیست و به عنوان رجاء مطلوب است و مانعی ندارد.

پوشش در نماز

س ۱۸۶- در حال نماز زن متوجه می شود که چند تار از موی او بیرون است، چه کند در اینجا؟

ج - نمازش باطل است و باید با ستر مو از سر بگیرد. واللّٰه العالم.

س ۱۸۷- اگر تنگ بشود وقت از تطهیر نمودن بدن مصلی، یا لباس او، از نجاستی که غیر معفو(۱) از آن است، چه باید انجام دهد؟

ج - نماز بخواند با اکتفا نمودن به ساتر نجس، بپوشاند با آن عورتش را اگر نیابد ساتر طاهر برای آن، و باید غیر ساتر عورتین، دیگر چیزی نپوشد.

س ۱۸۸- در مسئله ۱۵ لباس مصلی، فرموده اید مانعی نیست از موی وصل شده به موی، اگر این موی وصل شده از کافر باشد چه حکمی دارد؟

ج - اشکال ندارد اگر به صورت وصل باشد فقط، چون این، از باب حمل نجس است که در نماز اشکال ندارد.

لباس نمازگزار

س ۱۸۹- در رساله توضیح المسائل شماره ۸۲۳ این عبارت مسطور است (همچنین چیزهایی که نمازگزار آنها را پوشیده و ساتر مباح دیگری دارد در تمام این صور، غصبی بودن آنها به نماز ضرری ندارد) چون از ظاهر این مسئله استفاده شده که نماز گزار می تواند فقط در مختصر زیر پوشی که ساتر عوره است رعایت اباحه نموده و غصبی بودن سایر لباسهایش مانعی ندارد با این که قطعاً در حال نماز

---

(۱) معفوّ: بخشیده شده

مرتکب غصب خواهد بود لذا توضیحاً بیان فرمائید.

ج - در صورتی که مصلی ساتر مباح داشته باشد شرط نماز متحقق است و پوشیدن لباس دیگر چنانچه غصبی باشد حرام است ولی مربوط به صحت نماز نیست. واللّٰه العالم.

س ۱۹۰- شخصی که از حرام جنب شده و عرق

بدن او به پیراهن و لباس زیرش رسیده آیا بعد از غسل صحیح، اگر همان لباس را بپوشد نمازش چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد اگر چه احتیاط استحبابی این است که نماز در او نخواند.

س ۱۹۱- خون انسان مرده در نماز معفوّ است یا خیر؟

ج - معفوّ نیست در صورتی که به مقدار درهم باشد، و فرقی بین خون انسان زنده و مرده در این جهت نیست. واللَّه العالم.

س ۱۹۲- در کتاب منهاج آمده است اجزایی که تمام نیست در آنها نماز مانند کلاه، مراد از اجزایی که تمام نیست در آنها نماز چیست؟ پس اگر بوده باشد اجزایی که تمام است در آنها نماز او ساتر عورتین باشد فقط، مثلاً اگر مردی پوشیده باشد شلواری که ساتر دو عورت او است و بر او بوده باشد ثوبی یا قمیصی آیا این ثوب و قمیص شمرده می شوند از اجزایی که تمام نیست در او نماز؟

ج - مقصود از «ما تتم فیه الصلاه» چنانچه در مثال مذکور روشن است، آن است که ممکن نباشد پوشاندن به آن در جایی که واجب باشد تستر به آن در حال نماز، نه آن که ساتر بوده باشد فعلاً، مثل پیراهن در حال وجود شلواری که ساتر دو عورت است فعلاً، پس کمر بند و عمامه اگر بوده باشد به مقداری که ممکن است ستر نمودن دو عورت به آن در این صورت داخل نمی شوند در آن اجزاء . اگر چه نبوده باشند فعلاً ساتر دو عورت، پس مدخلیت ندارد ساتر فعلی در آن، و شمرده

نمی شود ثوب و قمیص از آنها، بله نماز در لباس مغصوب که در

فصل دوّم از «کتاب الصلاه» مذکور است اعتبار شده، بودن او ساتر فعلی، پس اگر شلوار مغصوب نبوده باشد صحیح است نماز و اگر چه پیراهن یا عمامه هر دو مغصوب باشند.

س ۱۹۳- حریر در این زمان چیست با این که علم نداریم به بودن او حریر طبیعی خالص، آیا واجب است فحص نمودن از آن یا خیر؟

ج - واجب نیست فحص نمودن.

س ۱۹۴- اگر در ساعتهای مچی در هزار گرمی مثلاً ۲۰ الی ۳۰ گرم آب طلا داده باشند پوشیدن آن برای مردها چگونه است؟

ج - در مفروض سؤال مانعی ندارد.

س ۱۹۵- پلاتین یعنی طلای سفید طلا است و احکام طلا را دارد یا خیر؟

ج - آن دو قسم است، پلاتین خالص و آن پوشیدنش جایز است، طلای ملبوس به پلاتین و آن لبسش حرام است.

س ۱۹۶- پوشیدن آهن چه حکمی دارد؟

ج - اشکالی ندارد پوشیدن آهن، چه در نماز و چه در حال غیر نماز.

مکان نمازگزار

س ۱۹۷- در محلهای غصبی که شوهر زن با همان غصبیت ساکن است، زن متدین در باب نماز چه کند؟

ج - اگر برایش ممکن است از صاحبش مجاناً یا با مختصری پول رضایت بگیرد، و گر نه مقداری به حساب اجرت کارهای عبادی خود اگر صاحبش معلوم نیست به فقراء به نیت او بدهد، و اگر معلوم است ولی راضی نمی شود اگر حرجی

نیست کارهای عبادی را در خارج آن محل عمل نماید، و اگر حرجی است چیزی برای اعمالش در ذمه بگیرد.

س ۱۹۸- اراضی تقسیم شده حکومت به اشخاص زارعین که البته اطلاع کامل دارید طلاب و مبلغین می روند به آنجا برای تبلیغ، تکلیف آنها در آن قراء

و خانه ها، وضو و نماز آنها چه صورت دارد؟ اگر راه دارد طرز حلیت و تکلیف آنها را تعیین فرمائید.

ج – اگر صاحبش معلوم است به او مراجعه می شود و الا اجرتی و عوضی در نظر گرفته از طرف صاحبش به فقراء صدقه داده می شود.

س ۱۹۹– زیدی در مسجد یا حرم رحل گذارده، به گفتن «قد قامت الصلاه» آیا حق صاحب رحل ساقط می شود یا خیر؟ و به گذاردن یک مهر مثلاً ـ حقی برای صاحب مهر ثابت می شود یا خیر؟ و هم در صورتی که امروز ظهر برای امشب مثلاً رحل بگذارد اثبات حق می کند شرعاً یا خیر؟ و اگر کسی به وکالت رحل پهن کند چطور است؟ و در صورتی که برای خود و دیگران رحل هایی می گذارد مثبِت حقی است یا خیر؟

ج – در تمام صور مذکوره با رحل گذاشتن و امثال آن به مباشرت یا وکالت حق ثابت نمی شود.

احکام نیت

س ۲۰۰– کسی موقع عمل واجب مثل نماز خواندن بدون نیت نماز ظهر و یا عصر و غیره، و یا اداء زکات مالی و بدنی و سایر واجبات، نیت می کند ما فی الذمه را به جا می آورم قربه الی اللَّه چه صورت دارد؟

ج – اگر معیّن و یکی است کافی است، و اگر متعـدد است مانند اداء و قضاء یا خمس و زکات پس تعیین آن لازم است، واللَّه العالم.

س ۲۰۱– در بین نماز اگر کسی شک کند که در ابتدای نماز نیت کرده ام یا خیر آیا شک بعد از محل محسوب می شود که نمازش صحیح باشد یا خیر؟

ج – اگر در حال شک احراز نیت دارد نسبت به گذشته شک بعد از

تجاوز است.

س ۲۰۲- اگر بین نماز شک کند که نیت کرده ام یا نه آیا در این صورت حکم شک بعد از محل دارد یا خیر؟

ج - هرگاه در حال فعلی واجد نیت است و شک دارد از اول بوده یا خیر محکوم به صحت است.

تکبیره الاحرام

س ۲۰۳- در نماز جماعت اگر مأموم در صف جماعت است و در حال قرائت امام شک کند که آیا تکبیره الاحرام گفته است یا نه؟

ج - تا مشغول به کار واجب در نماز نشده باشد که خود به آن مشغول باشد، باید تکبیره الاحرام بگوید. واللَّه العالم.

قیام

س ۲۰۴- اگر دستور دهد طبیبی مریض را به استراحت تمام برای این که مریض مبتلا شده به مرضی که مستدعی آن است مانند سکته قلبی چگونه این مریض نماز بخواند؟ با این که می داند اگر طبیب او را امر نمی کرد به استراحت تمام، ممکن بود

ایستاده نماز بخواند؟

ج - باید نماز بخواند در حالت جلوس با اشاره نمودن بدل از رکوع و سجود.

احکام قرائت

س ۲۰۵- حرکت دادن سر در حال قرائت نماز با استقرار بدن چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد.

س ۲۰۶- زیدی در نماز همچنانکه در سوره مبارکه حمد قصد قرآنیت داشته و در آیات قصد شکر و استعانت و ثناء داشته، در سوره مبارکهء قل اعوذ (سوره الناس) هم قصد قرآنیت داشته و هم قصد استعاذه نمازش چطور است؟

ج - با قصد قرآنیت چنانکه مفروض است مانعی ندارد.

س ۲۰۷- آیا قصد سوره حمد در بسم اللَّه اول نماز و دوم با این که معیّن هست در اول و دوم هر نماز، و عادت هم هست، لازم است؟ پس اگر بی توجه گفت بسم اللَّه را، و سوره حمد خواند کافی است یا خیر؟ و آیا در سایر سور عادت کافی است

که داخل در تعیین اجمالی است که در حاشیه عروه فرموده اید و در منهاج در مسئله ۱۰۶ که جای ذکر این مسئله بود، آخرش دارد «واذا کـان عارفاً من اول الصـلاه علی قرائه سوره معینه او کان من عادته ذلک فقرءَ غیرها کفی ولم تجب اعاده السوره»، و این عبارت دلالت بر اکتفاء به عادت نمی کند.

ج - با التفات به لزوم ابتدای به سوره حمد ولو اجمالاً یا ارتکازاً کافی است احتساب بسملهء گفته شده

برایش، بدون قصد تفصیلی به آن، و همچنین با قصد سوره خاصه بعد آن اگر از اول قصد آن را داشت، یا عادت او به قرائت آن بود، و عبارت مذکوره دلالتی بر مورد سؤال ندارد.

س ۲۰۸- ذکر کرده است صاحب مفتاح الکرامه رحمه الله در کتاب قواعد التجوید که دو نوع ضاد هست ضاد عراقی و ضاد حجازی، آیا جایز است قرائت حمد در نماز به یکی از این دو به نحو تعیین یا تخییر؟

ج - اگر شمرده شود قرائت در عربیت به ضاد، صحیح است.

س ۲۰۹- در مسئله ۱۳۹ کتاب الصلاه از منهاج الصالحین می فرمایید: «تجب الموالات بین حروف الکلمه الخ. » آیا مراد آن است که عرفاً پشت سر هم گفته شود گر چه وقف شود بین صفت و موصوف، و بین معطوف و معطوف علیه که ضرر نداشته باشد و یا آن که مراد اتصال حقیقی است؟ پس در مثل «اللّهم صل علی محمد و آل محمد» وقف باطل کننده باشد، و همچنین آخر الحمد و غیره از موارد نماز؟ بیان فرمائید که مورد لزوم است.

ج - مراد همان اتصال عرفی است ولی با مراعات وصل به سکون نشدن. واللَّه العالم.

س ۲۱۰- مدّ واجب در مثل «جاء، و جیی ء، و سوء» آیا قاعده آن این است که بیاید همزه بعد از حرف مدّ در یک کلمه چه در آخر کلمه باشد مثل مثالهای مذکور یا در وسط کلمه مثل ملائکه؟

ج - بله قاعده او آن است که در یک کلمه باشد چه در آخر کلمه یا در وسط آن.

س ۲۱۱- در مسائل منتخبه مسئله (۲۶۵) ذکر فرموده اید این عبارت را

در مورد سوم از وجوب مدّ «در جایی که بوده باشد الف ما قبل آن مفتوح و بعد آن همزه یا حرف ساکن» آیا این مدّ واجب مختص است به حروف یک کلمه یا شامل حتی صورت دو کلمه می شود مانند انا أنزلناه - انا اعطیناک.

ج - این حکم، شامل دو کلمه نمی شود از این مثالهایی که ذکر کرده اید.

س ۲۱۲- علماء تجوید گفته اند در حروف مدّ (واو - و یاء - و الف) که بعد آنها سکون عارض شده باشد به سبب وقف مانند «العالمین - الرحیم - الدین - نستعین» این که سه وجه جایز است قصر و مدّ و توسط، آیا قرائت به این صور سه گانه صحیح است یا خیر و کدام وجه بهتر است؟

ج - صحیح است با مراعات نمودن مدّ یا توسط.

س ۲۱۳- اگر نمازگزار در قرائت خود مدّ دهد در جایی که موضع مدّ نباشد مانند الف (مالک) و واو (یوم) آیا قرائت او صحیح است؟

ج - صحیح است به طوری که از حد متعارف در قرائت خارج نشود.

س ۲۱۴- در قرائت نماز وقف بر کلمه (من کل امر سلام) در سوره قدر چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد.

س ۲۱۵- وقف به حرکت و وصل به سکون که فرمودید بنا به احتیاط واجب ترک نشود اگر کسی وقف به حرکت و وصل به سکون نمود خلاف احتیاط کرده و یا نمازش هم باطل است؟

ج - بنابر احتیاط واجب اگر با علم و عمد باشد اعاده و یا قضاء نماید.

س ۲۱۶- فرمودید بنابر احتیاط واجب وقف به حرکت و وصل به سکون در نماز ننمایند حالا اگر از روی عمد و

عادت کسی این طور انجام داد خلاف احتیاط کرده یا نماز هم باطل و اعاده لازم دارد و همچنین در مدهای واجب و حروف «یرملون» مراعات نکرد چه صورت دارد؟

ج – ترک عمدی آن دو وظیفه موجب لزوم اعاده یا قضا علی الاحوط است و می تواند در ترک آن به غیر رجوع نماید.

س ۲۱۷– معنی وقف لازم چیست؟

ج – در شرع وقف لازم نداریم و امّا وقف لازم به حسب قانون تجوید پس او موجود است.

س ۲۱۸– هنگامی که اشتباه می کند قاری در قرائت قرآن واجب، آیا جایز است برای او اعاده نمودن کلمهء اشتباه کرده، یا این که واجب است بر او اعاده نمودن عبارت به طوری که اخلال نزند به معنی و سیاق قرآن یا این که واجب است بر او اعاده نمودن تمام آیه، و آیا فرق دارد حکم به نسبت قرائت واجب در نماز و یا قرائت واجب به نذر و غیره؟

ج – باید اعاده کند به طور صحیح، به طوری که صدق کند جمله ای که در او هست، و اگر تفصیل بیشتر بخواهی مراجعه کن جزء اول از کتاب منهاج ما در بحث قرائت، فرع، «واجب است موالاه بین حروف کلمه» مطلوب را در آنجا می یابی.

س ۲۱۹– آیا در قرائت یا ذکرهای دیگر نماز کلماتی که دوباره اعاده می کنیم سجده سهو دارد یا خیر و نیز برای چند کلمات اضافه گفته شده یک سجده سهو کافی است

ج – سجده سهو در مواضع مخصوصه لازم است و در رساله ما مذکور است و در دو فرض مورد سؤال واجب نیست.

س ۲۲۰– در نماز ظهر روز جمعه جهر جایز است یا

نه؟

ج – جهر در نماز ظهر روز جمعه مستحب است چنانکه در نماز جمعه مستحب است، واللَّه العالم.

س ۲۲۱– شخصی از روی جهل به مسئله در تسبیحات اربع بسم اللَّه گفته است، چطور است؟

–

ج – نمازش صحیح است و چیزی بر او نیست، واللَّه العالم.

قنوت

س ۲۲۲– آیا جایز است خواندن دعای کمیل در قنوت نماز واجب یا مستحب؟

ج – اشکال ندارد.

س ۲۲۳– ذکرهای مستحبی از قبیل بحول اللَّه یا قنوت را اگر کسی نتواند صحیح بخواند آیا مبطل نماز است؟

ج – اگر به طوری باشد که عرفاً صدق ذکر کند مانعی ندارد.

س ۲۲۴– مراد از تحویل انگشتر که در روایت ذکر شده چیست اگر بوده باشد آن روایت صحیح؟

ج – ظاهراً مراد آن باشد که تغییر دهد آن را از متعارف پوشیدن آن.

س ۲۲۵– حکم برگرداندن انگشتر در قنوت چیست کما این که اکثر مؤمنین چنین کاری می کنند آیا این امر جایز است یا خیر؟

ج – جایز است چنانچه تفسیر کردیم برای شما.

ذکر رکوع و سجود

س ۲۲۶– آیا مجزی است صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله از ذکر رکوع و سجود اگر تکرار کند آن صلوات را سه مرتبه در سجود و رکوعش؟

ج – کافی نیست.

س ۲۲۷- آیا مجزی است این که بگوید در رکوع «سبحان ربی الاعلی و بحمده»

و در سجود «سبحان ربی العظیم و بحمده»؟

ج - مجزی نیست در دو مورد بنا بر احوط.

س ۲۲۸- اگر بگوید نمازگزار در حال رکوع (سبحان ربی الاعلی و بحمده عوض سبحان ربی العظیم و بحمده) عمداً و در سجود هم ذکر رکوع را بگوید آیا نماز او صحیح است؟

ج - احوط آن است که تبدیل نکند العظیم را در سجود به الاعلی و همچنان عکس آن.

سجود و احکام آن

س ۲۲۹- اندازه سجده گاه را بیان فرمائید.

ج - مسمّی سجود کفایت می کند. واللّٰه العالم.

س ۲۳۰- ضابط در تربت و سجده بر آن چیست و برای چیست و آیا امکان دارد مستغنی از تربت شد بدون هیچ مانعی؟

ج - جایز است سجود نزد شیعه بر هر چیزی که بوده باشد از اجزاء زمین یا از زمین بروید غیر خوردنیها و آشامیدنی ها و اعیان نجسه و متنجسات، تربت کربلا افضل از تمام آنها است.

س ۲۳۱- آیا جایز است سجود بر زیرانداز خود در حال نماز در حرم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و چه حکمی دارد سجود نمودن بر چیزی که صحیح است سجود بر آن با این که می دانیم خلاف تقیه است؟

ج - اگر تقیه بوده باشد اشکال ندارد و می تواند زیرانداز خود را از حصیر نباتی که معمول است اخذ نماید.

س ۲۳۲- آیا روضه مقدسه اعتبار شده است در حکم

تقیه و با بقیه مسجد پیغمبر هم در حکم آن هست، پس اگر بوده باشد در مسجد جایی که جایز است سجود بر آن و در روضهء نباشد آیا واجب است برود به مکانی که جایز است سجده بر آن با این که علم دارد که روضه مقدسه دارای فضیلتی است که در بقیه مسجد نیست؟

ج - اگر خارج شدن از روضه مقدسه به سوی جای دیگر مسجد مخالف تقیه نباشد پس واجب است رفتن به جایی که جایز باشد سجده بر آن.

س ۲۳۳- در جلوس بین السجدتین و در حال تشهد بعضی از اهل ایمان می فرمایند که باید به طور متعارف که همین دو زانو است بنشیند برای اطمینان خاطر سؤال می شود که در عروه «فی السجود و احکامه» دارد: «الخامس الجلوس بعده مطمئناً ثم الانحناء للسجده الثانیه»، و در فصل «فی التشهد» در عروه مسئله ۲ نوشته اند «یجزی الجلوس فیه بأی کیفیه کان ولو إقعاءً و ان کان الاحوط ترکه». حالا مصلی در حال اختیار می خواهد به اصطلاح ماها چهار زانو بنشیند یا به اصطلاح می خواهد سر پا بنشیند که دو کف پا روی زمین است آن چه را که عرفاً نشستن بنامند که از نظر قبیح نباشد آیا عیب دارد یا خیر؟

ج - جلوس صلاتی باید با استقرار و اطمینان باشد و به هر کیفیتی باشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که به نحو متعارف و معهود باشد.

سجدهء واجب قرآن

س ۲۳۴- آیا واجب است سجده نمودن نزد شنیدن آیات سجده از رادیو و امثال آن و آیا فرق دارد بین این که پخش آن مباشره بوده باشد یا غیر مباشر و

همچنین

رد سلام؟

ج - واجب نیست سجده نمودن به مجرد شنیدن آن آیات یا گوش دادن به رادیو اگر ندانیم به این که این پخش مباشره است فعلاً.

تشهّد

س ۲۳۵- گفتار نماز گذار قبل از تشهد (بسم اللَّه و باللَّه و الحمدللَّه و خیر الاسماء الحسنی اللَّه) نیست از صنفی که ذکر شده در منهاج، آیا جایز است اتیان به آن به رجاء مطلوب بودن؟

ج - بله اشکال ندارد اتیان به آن به رجاء مطلوب بودن.

س ۲۳۶- اگر در حال رکوع رکعت سوم یادش آمد که صلوات تشهد رکعت دوم را نخوانده آیا بعد از سلام باید قضای صلوات تنها را به جا آورد یا تمام تشهد را قضا کند، و آیا سجده سهو هم برای قضای صلوات فراموش شده واجب است یا نه؟

ج - بلی واجب است تدارک فقط صلوات مثل سابق و سجده سهو بنابر احتیاط در هر دو یعنی قضا و سجده سهو.

مبطلات نماز و سلام کردن بر نمازگزار

س ۲۳۷- اگر شخصی به نماز گذار گفت سلام، نماز گذار چگونه جواب بدهد؟

ج - در جواب نیز بگوید سلام به تقدیر علیك چنانچه سلام دهنده چنین کرده.

س ۲۳۸- اگر شخصی به نمازگزار سلام کرد و نمازگزار گفت «علیکم السلام» چگونه است؟

ج - عمداً جایز نیست.

س ۲۳۹- گریه کردن بر سید الشهداء علیه السلام در نماز چه بی اختیار یا بااختیار چگونه است؟

ج - اگر به قصد قربت باشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

احکام شک

س ۲۴۰- در نمازی که بنا به عادت معلوم است مثلاً ۷ دقیقه طول می کشد برای بر طرف شدن شک که دو رکعت یا سه رکعت یا چهار رکعت است آیا می شود از ساعت استفاده نمود؟

ج – بلی می شود استفاده نمود در صورتی که مفید ظن باشد.

س ۲۴۱- کسی که در حال نماز است یک وقت شک می کند مشغول نماز مستحبی است یا نماز واجب چگونه نماز را تمام کند؟

ج – نماز را اگر در وقت است به نیت مستحب تمام کند. واللَّه العالم.

س ۲۴۲- شخصی سلام نماز را فراموش کرده و بدون فاصله به نماز واجب دیگر مشغول شده اثناء نماز یادش آمد تکلیف را بیان فرمائید.

ج – اگر قبل از رکوع یادش بیاید لازم است برگردد و تدارک نماید و اگر بعد از دخول در رکوع باشد نماز قبلی و این نماز هر دو صحیح است. واللَّه العالم.

سجدهء سهو

س ۲۴۳- آیا واجب است جلوس بین دو سجده سهو یا آن که کافی است بلند کردن صورت یک مقداری و دوباره برود سجده بدون جلوس؟

ج – بله واجب است جلوس کما این که در اصل فریضه واجب است.

س ۲۴۴- در سجده سهو بعد از وقت آیا «الوقت حائل» می آید اگر شک کرد در اتیان یا چون موقت نیست باید انجام داد؟

ج – بلی هر وقت ملتفت شود با سبق تعلق آن یقیناً بر خود باید تدارک کند و مشمول قاعده حیلوله موضوعاً نیست. واللَّه العالم.

نماز مسافر

احکام کسی که شغلش سفر است

س ۲۴۵- در جواب بعضی از استفتائات میزان در شغله السفر اشتغال اقلا ثلث سال قرار دادید و در کمتر از آن حکم به قصر فرمودید چنان که در حمله دار عصر ما چنین فرمودید، ولی در جواب بعضی از اسفتائات که سؤال از شخصی شده بود که در بین چند سال اتفاقاً جهت شغل به شهری سفر کرده و بنا دارد ۲ یا ۳ ماه در آنجا بماند و هر روزه یا بین دو روز یکبار به خارج آن شهر به قدر مسافت شرعیه برای انجام شغل رفت و آمد می کند حکم به تمام فرمودید در صورتی که آن مدت که دو یا

سه ماه است به قـدر ۱۳ سـال نمی شود به خصوص بـا توجه به آن که ممکن است بین ده سـال یـا کمتر یـا بیشتر چنین اتفاقی بیفتد لطفاً توضیح دهید و جهت حکم به تمام در فرض دوم چیست؟ چون با توجه به علت و دلیل مسئله می توان فروع دیگری که از این قبیل است که شدیداً محل ابتلاء است

جواب داد.

ج – عبرت به صدق عرفی است و ظاهر این است که یک ماه کافی نیست مگر این که همه روزه رفت و آمد نماید و بعید نیست حدود دو ماه کافی باشد مثل کسانی که در خارج از شهرش مزارع دارد و در فصل معینی هر روز یا بیشتر روزها

آنجا می رود برای انجام شغلش یا مثل چهار وادارانی که در ایام حج بین مکه و جده است.

س ۲۴۶– راننده ای که در مادون از مسافت رانندگی می کند چنانچه اتفاقاً دو سه ماه در حد مسافت تردد نماید تکلیف نماز و روزه اش در مقصد و بین راه چیست؟

ج – در آن دو سه ماه وظیفه اش اتمام صلاه و روزه است. واللَّه العالم.

س ۲۴۷– افرادی از مقلدین حضرتعالی سؤال می نمایند که ما شغلمان رانندگی در شهر است اما گاهی بر حسب اتفاق به خارج شهر به عنوان رانندگی می رویم به قدر مسافت شرعی اگر هر روز یا دو روز یک مرتبه به خارج شهر به قدر مسافت برویم و برگردیم تکلیف ما در سفر خارج راجع به نماز و روزه چیست؟

ج – در فرض مزبور که هر روز یک مرتبه به خارج به قدر مسافت می رود حکمش اتمام و صیام در سفر است.

س ۲۴۸– مسئله ۴۱۵ از منهاج الصالحین ص ۲۳۷: «ومثله ما اذا انکسرت سیارته او سفینته الخ»، چنانچه به دنبال مصلّح(۱) یا ماشین دیگر برود وظیفه اش چیست؟ آیا به دنبال مصلّح رفتن مقدمه برای سفر است یا نه؟

ج – بلی مقدمه شغل او است.

س ۲۴۹– کسی که شغلش سفر است مانند سائق اگر مثلاً سیاره اش را تعمیر می کنند و سیاره رفیقش را مجاناً یا

با مزد به مسافرت (حمل بار یا مسافر) برده آیا در این سفر نمازش و روزه اش قصر است یا تمام؟

ج - با داشتن شرایط دیگر سفر شغل، وظیفه اش تمام است. واللَّه العالم.

س ۲۵۰- راننده (سائق) سیاره اگر اتومبیل او در بین راه خراب شود و ماشین را

---

(۱) مصلّح: تعمیرکار ماشین

در آنجا بگذارد و برای خریدن اسباب مربوط به اتومبیل به محلی برود و برگردد در این مقدار از مسافرت آیا وظیفه اش قصر است یا تمام؟

ج - در صورت مفروضه نماز او تمام است.

س ۲۵۱- شخصی که شغلش رانندگی اتومبیل است اگر ده روز در وطن و با قصد در غیر وطن بماند سفر اول تکلیفش چیست؟

ج - تکلیف او در سفر اول او هم تمام است.

س ۲۵۲- افرادی که شغلشان مسافرت است و یا در حکم کسانی اند که مسافرت شغل آنها که پس از ماندن ده روز در وطن در مسافرت اول نمازشان قصر است آیا منظور از این مسافرت اول چیست و تا کجا می شود سفر اول؟ آیا به حد مسافت که رفت سفر اول صدق می کند یا تا هر کجا، ولو تا مکه هم برود و برگردد، سفر اول است؟

ج - میزان سفر اول وصول به مقصد است و این حکم که لزوم قصر در سفر اول باشد فقط برای چهار پا داراست که آن را مکاری گویند و برای غیر او از کسانی که شغلشان سفر باشد نیست و اینها این حکم را ندارد.

احکام کسی که سفر، مقدمه شغل اوست

س ۲۵۳- افرادی به نام سپاه دانش برای مدت دو سال یا بیشتر می روند به مسافت ده فرسخ برای تدریس و هفته ای

دو روز تعطیلی برمی گردند به وطن؟

ج – وظیفه آنها اتمام نماز و روزه است. واللَّه العالم.

س ۲۵۴– عدهء از دانشجویان یا کارمندان دولتی، مثل معلمین مقدار دو سال نه بیشتر از دو سال در شهری که از وطن آنان به مقدار مسافت شرعیه فاصله دارد، برای تحصیل یا تعلیم می مانند با توجه به این که ایّام تابستان که سه ماه می شود، به

وطن خود برمی گردند بالنتیجه در این دو سال اقامت، هر سالی ۹ ماه بیشتر در محل اقامت خود بیشتر نیستند، آیا این محل اقامت با وصف کذایی در حکم وطن است که در تمامیت صلاه و وجوب صوم عشره دخیل نیست یا آن که حکم اقامت مسافر را دارد؟ در پاره ای از استفتائات اعتبار اقلاً بقاء دو سال را شرط کرده بودید.

ج – در مفروض سؤال شخص مزبور مسافر نیست و حکم او، در مقرّش تمام است و حکم مقر، حکم وطن است. واللَّه العالم.

س ۲۵۵– اگر شخصی کار او در سفر است، یا در جایی است که اخذ نموده برای خودش، زمانی که برگردد از کارش، یا جایی که در آنجا هست و قصد برگشت وطن نماید و قبل از رسیدن به حد ترخص در راه زوال شود حکم نماز و روزه او چیست؟

ج – نماز او قصر است و همچنین روزه او اگر نیت سفر از شب نموده باشد و سیر سفر او امتداد داشته باشد.

س ۲۵۶– کسانی برای کار به شاهرود طی مسافت کرده و آمده اند و بنا دارند سه یا چهار ماه مانده و سپس به وطن خود برگردند این اشخاص در صورتی که هفته ای یک بار برای دیدار عائله

خود به وطنشان برمی گردند، وظیفه شان در مدت بقاء در شاهرود چیست؟

ج – در صورتی که برای کـار آمـده، چنـانکه در مفروض سؤال است، حکم او تمـام است و در این حکم فرق نمی کنـد هفته یکبار به وطنشان برگردد یا به محل دیگری.

س ۲۵۷– مردی است از اهل نجف و در یک شرکتی در بغداد کار می کند و در یک خانه ای در بغداد که شرکت برای خود تهیه کرده سکنی گزیده و این شخص ــ

قصـد نـدارد که بغـداد را وطن خود اخذ نماید، بلکه قصدش آن است که به قصد عمل و کار در بغداد زندگی نماید و زمانی که کارش تمام شـد یا خواست منفصل شود از شـرکت، منفصل می شود و ترک می کنـد بغـداد را، با این که علم دارد به این که از هر هفته پنـج روز در بغـداد است و دو روز برمی گردد به وطن خـود نجـف و همچنین مرخصـی، که یـک مـاه در سـال است، در وطن خود نجف زندگی می کند.

۱– آیا بغداد مقر او حساب می شود؟

ج – اگر مدت زندگی در آن، معتدّ بها باشد مانند سه سال یا بیشتر پس مقر او حساب می شود.

۲– آیا مقر زن و اولادش هم می شود؟

ج – اگر آنها با او بوده باشند و قصد داشته باشند بقاء با او را بله مقر آنها حساب می شود و اگر نداشته باشند خیر.

۳– آیا تعبیر به کلمه (یسـکن) که در سؤال آمـده، به معنی اخذ بغداد وطن خود است، یا این که علم دارد به عدم نیت بقاء در آن را با دلخواه خودش؟

ج – به معنی وطن نیست لکن مقری است به حکم وطن مادامی

که منتقل نشده باشد به انفصال از خدمت و خروج از آن.

س ۲۵۸- در منهاج فرموده اید کسی که وطن او نجف است و محل کار وی کوفه است که هر روز به آنجا سفر می کند و شب برمی گردد حال اگر قصد داشت از کوفه به بغداد سفر کند، حد ترخص وی از کوفه حساب می شود نه نجف، این حکم چیست؟ آیا کوفه در اثر سفر همه روزه جزء وطن وی به حساب آمده یا علت دیگری دارد؟

ج – علتش آن است که آنجا را عرفاً وطن او می دانند و صدق مسافر بر او

نمی کند در حالی که در آن محل است.

س ۲۵۹- کسانی که در کارگاه ها و یا کارخانجات و مانند آنها کار می کنند که مثلاً هشت روز کار می کنند و چهار روز استراحت دارند در صورتی که فاصله بین وطن آنها با محل کار بیش از مسافت باشد تکلیف نماز و روزه آنها در محل کار و بین راه چیست؟

ج – در مفروض سؤال حکمش اتمام نماز و روزه است.

س ۲۶۰- بنده شغل مهندسی بهداشت که راجع به قصر و تمامیت نماز، مفتخر به جواب از ناحیه آن وجود محترم شدم، و از مراسله شریف، این فهمیده شد که مستخدمین دولتی ۵ سال یا ده سال هم در جایی بمانند آن محل وطن یا در حکم وطن آنها نیست بلکه باید برای تمامیت نماز قصد ماندن ده روز را بنمایند، انشاءاللّٰه این فهمیده شده را امضاء می فرمایید، اینک عرض می شود مستخدمین که اطمینان به ماندن این ده روز هم در محل ندارند مثل ژاندارمری و امثال آنها که گاهی به ده روز نرسیده مأموریت به

اطراف پیدا می کنند تکلیف چیست؟

ج - آن چه از جواب فهمیده اید درست نیست، مستخدمین مذکور اگر در جایی آنقدر بمانند که صدق مسافر بر آنها نکند نمازشان تمام است، بلی اگر از اول قصد ماندن پنج یا شش سال داشته باشند مسافر بر آنها صدق نمی کند، و میزان در قصر و اتمام صدق و عدم صدق است.

س ۲۶۱- شخصی هر سال برای جمع آوری محصولات یا غیر آن مدت دو ماه یا زیادتر یا کمتر مسافرت دارد آیا در تمام این مدت باید نماز خود را قصر بخواند یا نه؟ و گاهی است که عمل هر ساله او نیست بلکه اتفاقی است که می داند دو ماه مثلاً مسافرت دارد، متمنی است چنانچه ممکن باشد تحدیدی برای مسافرت این

گونه کثیر السفرها از نظر قصر بودن یا از نظر تمام بودن بفرمایید بسیار مورد حاجت است.

ج - اگر مدت معتدّ بها(۱)، سفرهای متعددی برای شغلش بنماید، حکمش تمام خواهد بود به طوری که عرفاً صدق کند مثلاً در این دو ماه کارش در سفر بوده، همچنین دو مورد سؤال اگر هر روز یا هر دو سه روز برود، و همچنین اگر هر هفته می رود ولی سه چهار روز می ماند و برمی گردد. واللَّه العالم.

س ۲۶۲- عده ای از کارمندان دولت در طول سال جهت مأموریتهای مباح به خارج شهر (در حد مسافت شرعی) مسافرت می کنند ولی مقدار آن به هیچ وجه مشخص نیست ممکن است در طول سال شش ماه سفر نکنند و به مأموریت نروند و شش ماه دیگر بین هر ماهی ۱۰ روز یا بیشتر یا کمتر به این مسافرت بروند و ممکن است هر ماهه این

مسافرت پیش آمد کند و هر دفعه که به مسافرت می روند مقدار زمان مسافرت نیز مشخص نیست که چند روز طول می کشد، حکم این گونه اشخاص از نظر قصر و تمام و افطار و امساک چیست؟ و آیا فرقی بین فروض مسئله هست یا خیر؟ و آیا اگر کسی به همین عنوان (مأموریت خارج شهر) استخدام شده باشد یا آنکه برای اعم از مأموریت در شهر و خارج شهر استخدام شده فرقی از نظر وظیفه فوق هست یا خیر؟ لطفاً بطور مبسوط جواب داده شود.

ج - در موضوع سؤال ذیل که عنوانش (من شغله فی السفر) است تابع حصول علم یا اطمینان به تلبس به آن در لااقل از ده روز در هر ماه در لااقل از دو سه ماه است تا بتواند از اول تلبس به آن سفر وظیفه ای تمام و صیام را انجام دهد و الّا وظیفه او، ولو با شک در حصول آن برای خود، قصر و افطار است. واللَّه العالم.

---

(۱) معتدّ بها: قابل توجه

س ۲۶۳- شخصی شغلی دارد مانند روضه خوانی که هر شب جمعه به جایی برای منبر می رود بیش از مسافت شرعی و هفته یک روز یا دو روز به آن محل می رود و بقیه را در وطن است تکلیف او راجع به نماز و روزه چیست؟ جواب در سؤال دیگر مرقوم فرموده اید که یک روز اگر در هفته، حکم مسافر را دارد و در فرض دو روز، احتیاط واجب جمع است مقصود جنابعالی را ندانستیم مشروحاً بیان فرمایید.

ج - چنین شخصی اگر سفرش به خارج، یک روز در هفته است مانند مسافرین دیگر، حکم او قصر است و

اگر در هفته دو روز بیرون می رود، در سفرش جمع کند بین قصر و اتمام در نماز، و داشتن روزه مانند حاضرین و قضا.

س ۲۶۴- شاگردان مدارس دولتی بعضـی آنها قریب نه ماه از سال را از وطن خود خارج از مسافت شـرعیه به مدرسه می روند و عصر برمی گردند به وطن خود، تکلیف نماز و روزه آنها چیست؟

ج - در مفروض سؤال حکم آنها اتمام صلات و صوم است.

س ۲۶۵- زیـدی مثلاً قصـد دارد در مدت یک ماه یا کمتر (تا ۱۵ روز) برای اقـامه مجالس دینی و موعظه در نقاط مختلفه که فاصله آن مکانها به قدر مسافت شرعیه می باشد منبر برود، آیا نماز و روزه اش قصر است یا تمام؟

ج - برای کمتر از یک ماه قصر است و برای یک ماه احتیاط در جمع است.

واللَّه العالم.

س ۲۶۶- افرادی هسـتند کارمنـد اداره، گاهی در ماه پنـج روز یا هشت روز آنها را می برنـد خارج شـهر و شب می مانند و یا برمی گردند نماز و روزه آنها چگونه است؟

ج - وظیفه آنها افطار و قصر است اگر چه احوط استحباباً جمع است بین تمام

و قصر و روزه و قضای آن واللَّه العالم.

س ۲۶۷- این بنـده که در اداره مالاریـا کـار می کنم اکثر ایـام را مسافرت به اطراف قوچان می نمایم ولکن اغلب مسافرتها به چهار فرسخی نمی رسد و شب به قوچان برمی گردم که وطن من می باشد، بفرمائید تکلیف نماز و روزه من چیست؟

ج - وظیفه شـما نماز تمام و روزه است ولی در آن سـفری که اتفاقاً به چهار فرسـخ می رسـد بایـد افطار نمایید و نماز را قصـر بخوانید. واللَّه العالم.

س ۲۶۸- اشخاصی که محل کار

آنها دور از محل سکونت آنها است به طوری که به انـدازه حـد مسافتی که موجب است شـرعاً، قصـر نماز را، ولکن این افراد باقی می مانند در محل کارشان به مدت یک هفته، سـپس روز پنجشنبه و جمعه برمی گردند به وطن خود و این عمل در طول سال استمرار دارد آیا چنین شخصی وظیفه او حکم مسافر است یا خیر؟

ج - در این صورتی که فرض شـده، حکم آنهـا تمـام است در محـل عملشـان و در وطنشان، و اما در راه پس حکم آنها قصـر است.

س ۲۶۹- زیـدی در محلی کـه خـارج از وطن اوست مشـغول کـار می باشـد و شـبهای جمعه را به وطن خـود برمی گردد. در صورتی که معلوم نباشد چند مدت کار او دنباله دارد (یک ماه یا سه ماه مثلاً یا بیشتر) وظیفه زید از جهت نماز و روزه قصـر یا تمام در حالی که فاصله بین وطن و محل کار بیشتر از چهار فرسخ و کمتر از هشت فرسخ می باشد.

ج - در مفروض سؤال اگر می داند سه ماه یا زیادتر شغلش چنین است تمام بخواند و الا احتیاط نماید.

س ۲۷۰- بعضی از مسگرها معمولاً دو یا سه نوبت در دوره سال برای

معاملات اجناسشان مسافرت به دهات می کنند و در هر نوبت یک ماه یا قدری بیشتر در مسافرت هستند و این مسافرتها گاهی چنـدان فاصـله می شود، مقتضـی است تکلیف امثال آنها را راجع به قصـر و تمام بودن نمازشان بفرمائیـد؟ و اگر در دوره سال فقط یک نوبت اینطور مسافرتی داشته باشند تکلیف چیست؟

ج - در مفروض سؤال وظیفه تمام است در هر دو فرض اگر یک ماه و بیشتر باشد

و اگر حدود بیست روز باشد احتیاط در جمع است. واللّه العالم.

س ۲۷۱- این بنده که مغازه فروش مصالح ساختمانی دارم و اغلب اوقات سال برای خرید اجناس مسافرت می کنم بفرمائید تکلیف روزه و نماز من چیست و مدتی هم نمازم را قصر خوانده ام آیا قضا دارد یا نه؟

ج - اگر ما هی اقلاً ده روز در سفر باشید برای شغلتان به طوری که عرفاً صدق کند شغل شما سفر است وظیفه شما نماز تمام و روزه است و آنچه قصر خوانده اید باید قضا کنید.

س ۲۷۲- بقال یا عطار یا بزاز و مانند آنها در محلی دکان دارد و کسب می کند لکن برای تهیه جنس چند روز یک مرتبه به خارج از مسافت می رود و برمی گردد، آیا نماز و روزه این افراد در ذهاب و ایاب و مقصد چگونه است؟

ج - هفته ای یک مرتبه کفایت در اتمام نماز و روزه نمی کند، و در دو روز احتیاط واجب جمع است، و اگر سه روز باشد و یا زیادتر و یا به مراتب عدیده، حکمش اتمام نماز و روزه است.

س ۲۷۳- اگر مردی کار می کند در شهر خودش و لکن گاهی اوقات سفر برای او عارض می شود برای خاطر کارش و سفرش مافوق مسافت است و این شخص هر دو ماه یک نوبت مسافرت می کند به مدت یک یا دو روز آیا نمازش تمام

است یا قصر؟

ج - باید قصر بخواند در این فرض.

س ۲۷۴- اینجانب در مشهد همسری اختیار کرده ام و در نظر داشتم که شاید تا حدود دو ماه مثلاً می توانم به قوچان که وطن من است بیاورم و لذا در هر هفته سه روز

از قوچان به مشهد مسافرت کرده ام ولی تا حال که مدت دو سال است هنوز نتوانسته ام او را به قوچان منتقل بنمایم بلکه مثل سابق او را موقتاً در مشهد نگاه داشته و همانطور ایاب ذهابم ادامه دارد و در این مدت نمازم را تمام خوانده ام، بفرمائید مطابق با تکلیفم عمل کرده ام؟ یا وظیفه ام قصر بوده و قضا لازم دارد و اگر هر هفته یک روز یا دو روز در مشهد بمانم چطور می شود؟

ج – در مفروض سؤال وظیفه شما قصر بوده ولی جاهل به مسئله بوده اید قضا ندارد.

سفر معصیت

س ۲۷۵– در صورتی که فرزندی بدون رضایت و یا با نهی والدین مسافرت کند (به سفر غیر واجب) آیا وظیفه اش جمع صلاه است بین قصر و اتمام و یا قصر، همچنین زن نسبت به عدم اذن شوهر یا نهی او؟

ج – در صورت مفروضه اگر سفر او موجب اذیت والدینش می باشد حرام و نماز او تمام است و الا حرام نیست و نمازش قصر است.

بلاد کبیره (شهرهای بزرگ)

س ۲۷۶– آیا کافی است در اتصال بین شهر و روستا امتداد یک خط واحدی از

خانه های پشت سر هم به طوری که اگر این خانه ها نبود هر آینه روستا جدای از شهر بود یا اینکه باید در اتصال بیشتر از یک خط واحد باشد؟

ج – مادامی که اسم روستا محفوظ است و مستقل از اسم شهر است، اعتباری نیست به این خط اتصال.

س ۲۷۷– اگر یک شهری طول آن به اندازه مسافت شرعی باشد اگر چنین بوده باشد آیا مسافت را باید امتدادی حساب کرد تا (۴۴) کیلومتر تقریباً یا نصف آن (۲۲) کیلومتر و اگر یک جانب او به این بزرگی بوده باشد آیا معتبر است این مسافت در عرض آن چنانچه در طول آن بود یا اینکه آنرا یک شهر بزرگ می نامند بدون اعتبار نمودن این مسافتها؟

ج – زمانی که شهر تقسیم بندی شده، اگر این شهر یک اسم دارد پس دیگر اعتبار ندارد مسافت، و حساب نمودن سیر از اقصای این شهر تا اقصای دیگر آن، اگر چه به حد مسافت برسد. و سفر در لغت و شرع اعتبار شده به خروج از شهر و دور شدن از شهر به سیر نمودن، و مسافر نمی شود مسافر،

تا اینکه سیر کند از شهرش یا روستایش هشت فرسخ.

اقسام وطن و احکام آنها

س ۲۷۸- اگر کسی غیر محل اولی خود، منزلی بخرد به قصد آنکه آنجا را وطن دیگر خود قرار دهد آیا به مجرد خرید، و چند روز ماندن کفایت است یا همان طوری که در ساله فرمودید باید شش ماه متوالی بماند به قصد اقامه توطن؟

ج - در وطن اتخاذی - چه یکی باشد یا زیادتر - قصد توطن ابدی لازم است ولی بعضی از سال، و ملك داشتن و اقامه شش ماه لازم نیست، بلی باید مقداری ــ

اقامه کرده باشد که عرفاً صدق کند آنجا بلد و وطن او است، و اقامه شش ماه با قصد در ملك خود، شرط وطن شرعی است اگر چه قصد توطن دائمی نداشته باشد.

س ۲۷۹- افرادی هستند که دو یا سه سال در جایی به عنوان درس خواندن درس خواندن یا غیر درس می مانند بفرمائید کدام قسم از آنها در حکم وطن می باشد و نمازش تمام است؟

ج - در هر سه صورت حکم وطن دارد چنانچه در مسئله ۴۳۲ صلاه منهاج مذکور است.

س ۲۸۰- چه می فرمائید در این مسئله که بنده دو سال برای تحصیل باید در شهری غیر از وطن خود بمانم غیر سه ماه تعطیلی تابستان، تکلیف ما از نظر نماز و روزه چه می شود، آیا کمتر از ده روز ماندیم باید شکسته بخوانیم؟

ج - در صورت مفروضه تکلیف شما تمام است و روزه را هم بگیرید و آن محل در حکم وطن است برای شما.

س ۲۸۱- بعضی از محصلین از اطراف شهر قوچان آمده و در حدود ۹ ماه تحصیل می کنند آیا این مدت سکونت این

محل را برای آنها در حکم وطن قرار می دهد یا نه، و همچنین اگر مدت سکونت شخصی در شهری ۶ ماه باشد چه می فرمائید؟

ج – میزان در حکم وطن شدن آن محل این است که عرفاً بر او در آن محل صدق مسافر نکند. واللَّه العالم.

س ۲۸۲– بعضی از طلاب که از رشت و گیلان و . . . می آیند مشهد برای درس خواندن نه دائمی، در ضمن هفته ای یک شب برای تبلیغ از حد مسافت از مشهد دور می شوند، حکم نماز و روزه اینها چیست؟

ج – در مفروض سؤال مشهد برای آنها حکم وطن دارد چنانچه در مسئله ۴۳۲ صلاه منهاج مذکور است. واللَّه العالم.

تبعیت در وطن

س ۲۸۳– آیا متابعت می کند زن شوهرش را در وطنش (وطن شوهر) در تمام خواندن نماز و روزه زمانی که مسافرت کند به سوی وطن شوهرش و نیت اقامه نکند و خانه ای نداشته باشد در وطن شوهرش مثلاً اگر مسافرت کند زن از وطن و محل خود به بحرین که محل شوهرش است و قصد اقامت در آنجا ندارد آیا نمازش قصر است و روزه هایش را بخورد یا نمازش تمام است و روزه هایش را هم در بحرین بگیرد؟

ج – در فرض سؤال زن متابعت نمی کند شوهرش را پس جاری است بر او حکم مسافر.

س ۲۸۴– در مسئله تابعیت مثلاً زن از مشهد می باشد مرد از تهران اما زن از مشهد اعراض نکرده، اگر بیایند مشهد و بخواهند پنج روز بمانند، آیا زن باید تابع مرد باشد یا چون اعراض نکرده باید نماز را تمام بخواند؟

ج – زن در مورد مفروض و غیر آن تبعیت در حکم شوهر ندارد و

خودش مستقل در موضوع و حکم خود است لذا در مفروض سؤال حکمش تمام است و اگر عکس آن در محل شوهر تحقق یافت و موجبات دیگر اتمام برایش نبود حکمش قصر است.

س ۲۸۵- شخصی دو همسر در دو شهر دارد، گاهی چند روزی یکی از همسرهای خود را با اولادش که نزدیک به کبارت هستند به شهر همسر دیگرش

می آورد، بفرمائید نماز و روزه آنها در این ایام مسافرتشان چگونه است، آیا می توانند تمام بخوانند از نظر تابعیت یا نه؟ و اگر زوجه چند روزی به وطن اصلی شوهر که از او اعراض نکرده بیاید تکلیف روزه و نماز این زوجه چیست؟

ج – در هر دو فرض سؤال وظیفه قصر است. واللَّه العالم.

س ۲۸۶- زنی که در غیر وطن خود شوهر کرده آیا هر وقت به وطن بیاید نماز و روزه او صحیح است یا قصر و به عبارت دیگر آیا زن در اتخاذ وطن تابع شوهر است یا مستقل؟

ج – هر گاه بنای ماندگاری با شوهرش را دارد کما هو المتعارف، جای شوهرش وطن او محسوب است، و اما وطن سابق او اگر اعراض کرده به طوری که در این فکر نیست که شاید خودش از شوهرش جدا شود و یا شوهرش را راضی کند و برگردند، دیگر وطن او محسوب نمی شود.

احکام اعراض از وطن

س ۲۸۷- زنی که در خارج از وطن خود شوهر اختیار کرده در صورتی که شوهرش بمیرد و یا مطلقه شود و به وطن اولی خود زن باز گردد، آیا دوباره باید در آنجا قصد توطن نماید یا نه؟

ج – اگر قبلاً اعراض نموده باشد از وطن اصلیش باید تجدید قصد

توطن نماید و الا قصد دوباره لازم نیست.

س ۲۸۸- زنی که در غیر وطن خود، شوهر اختیار کرده و شوهرش در هر مکان و شهری که محل شغل خود قرار داده این زن با او می رود آیا صرف این عمل اعراض از وطن اصلی زن محسوب می شود یا نه؟

ج - صرف این عمل اعراض شمرده نمی شود.

س ۲۸۹- اگر ازدواج کند زنی با مردی که از اهل وطن او نیست و این زن ملحق شود به شوهرش در وطن جدید، یا آنکه مسافرت کند با شوهرش به یک شهر دیگری و در نیت این زن است که برگردد به شهر خودش برای اینکه شوهرش اراده دارد در آینده وطن خودش اخذ کند، یا آنکه اراده دارد برای زن خودش خانه ای بوده باشد در آنجا، آیا برای این زن واجب است تمام خواندن، زمانی که بیاید برای زیارت به آن شهر، یا آنکه قصر بخواند؟ رأی خود را بفرمائید.

ج - در این فرض سؤال، چون که زن، اعراض ننموده از وطن اصلی خودش پس باید تمام بخواند نمازهایش را در آن وطن.

احکام اقامت ده روز

س ۲۹۰- شخصی در جایی قصد اقامه کرده تا پنج روز نماز نخوانده الآن راجع به قضای نمازهای گذشته و آینده وظیفه اش چیست؟

ج - اگر از قصدش عدول نکرد واجب است بقیه را تمام ادا کند و نیز قضای نخوانده ها را تمام بجا آورد. واللَّه العالم.

س ۲۹۱- اگر قصد اقامه نموده باشم در یک شهری ده روز یا بیشتر، و قصد کردم خارج شدن از آن شهر را به یک شهر دیگری که مجاور آن شهر است و کمتر از مسافت است، آیا با سفر

نمودن به آن شهر دیگر اقامت من در آن شهر اوّل قطع می شود یا خیر؟

ج – مادامی که قصد نکرده باشید انشاء سفر به حد مسافت را، اقامت شما قطع نخواهد شد در صورتی که یک نماز چهار رکعتی تمام در شهر اوّل

خوانده باشید.

س ۲۹۲– آیا طول کشیدن مکث من در شهر دوّم، یا کوتاه بودن مکث، اثری هست در انقطاع اقامت یا خیر؟

ج – چنانچه یک نماز چهار رکعتی در شهر اوّل خوانده باشید اثری ندارد در طول مکث در شهر دوّم.

س ۲۹۳– مسافری که قصد اقامت در بلدی ده روز یا بیشتر دارد، آیا اگر از اولین روز، قصد خروج به ما فوق حد ترخص و مادون حد مسافت را، در هر روزه از ایام عشره، به مقدار دو الی سه ساعت یا کمتر را داشته باشد مخلّ به نیّت اقامت او یا خیر؟ زیرا عبارت منهاج و توضیح نسبت به قصد خروج هر روز مجمل است. ضمناً در فرض فوق اگر هر ورز قصد دو بار خروج از محل اقامه را به مادون مسافت داشته باشد مضر است یا خیر؟ آیا در فرض فوق اگر از اول قصد خروج هر روز را پیش آمد، مضر قصد اقامه هست یا خیر؟

ج – معتبر در استثنای مزبور کمی زمان غیبت از محل است به طوری که صدق (ده روز ماندن در محل) عرفاً محفوظ بماند در صورت تعدد دفعات خروج هر روز، خصوصاً با تعدد در هر روز اگر به وقت کمتر صورت گیرد مانعی ندارد و در صورت سوم اگر قصد، بعد خواندن یک نماز چهار رکعتی ادایی حادث شود هر چند زیادتر

از دو سه ساعت هم باشد هیچ اشکالی نخواهد داشت. واللّٰه العالم.

نماز قضا

س ۲۹۴- نماز عشا را عمداً یا نسیاناً نخوانده خوابید، یا خوابید و تصمیم داشت بعد از ساعتی برخیزد تا صبح بیدار نشد وظیفهء فردا چیست؟

ج - وظیفه شخص مذکور قضای نماز عشا است و احتیاط مستحب این است که آن روز را روزه بگیرد. واللّٰه العالم.

س ۲۹۵- کسی که نمی دانسته - یعنی جاهل مقصر بوده - که علامت بلوغ منحصر به سن ۱۵ و ۹ سال در پسر و دختر نیست، و بعداً فهمید، آیا عباداتی را که ترک کرده، قضا و کفاره دارد یا خیر؟

ج - آن مقداری که یقین دارد به جهت علامات بلوغ، پیش از اکمال سن، بالغ شده، فقط قضا واجب است در مفروض سؤال، و کفاره واجب نیست.

س ۲۹۶- زیدی (که جاهل مقصر بوده) سالهای زیاد، غسل را بر خلاف معهود یعنی اول سمت راست و بعد سر و گردن و در آخر سمت چپ را می شسته، بفرمائید نماز و روزه های چند سال او باطل است یا نه و بر فرض بطلان آیا کفاره روزه بر او واجب است یا خیر؟

ج - نماز و روزه را باید قضا کند ولی کفاره واجب نیست. واللّٰه العالم.

س ۲۹۷- زیدی در زیر جامه خود منی دید و غسل جنابت کرده نماز خواند، بعداً معلوم شد که این لباس مال کسی دیگر بوده که پوشیده است، و به عبارت اخری یقین به عدم جنابت نمود، بفرمائید نمازی را که با آن غسل خوانده چه صورت دارد؟

ج - نمازی که به همان غسل اکتفا نموده و بجا آورده است باید اعاده و

یا قضا شود.

س ۲۹۸- شخصی سالها روی ندانستن مسئله پیش از وقت نماز برای نماز وضو می گرفته، حال که مسئله را فهمیده نمازهای گذشته چگونه است، قضا دارد یا خیر؟

ج – قضا ندارد. واللَّه العالم.

س ۲۹۹- اگر طبیب، شخصی مریض را بیهوش کند به جهت جراحی مثلاً و مدتی طول بکشد چون این بیهوشی تا اندازه ای به اختیار مریض و با اطلاع و رضایت او انجام شده، آیا نمازهایی که در مدت بیهوشی از بین رفته قضای آن بر مریض واجب است یا خیر؟

ج – قضای آن مبنی بر احتیاط است. واللَّه العالم.

س ۳۰۰- اگر بچه شیعه ای در نتیجه عدم توجه به مسائل دینش و نرفتن برای فرا گرفتن احکام از اهل آن، اخذ نمود به مذاهب اهل سنت و بعد از سالیانی که به وسیله جوانان مؤمن از شیعه ارشاد شد به حق، تا آنکه رجوع نمود به مذهب جعفری آیا واجب است بر او قضا نمودن نمازهایی که خوانده بر غیر مذهب جعفری؟

ج – اگر نمازهایی که خوانده وضوی آن بر طبق مذهب اهل سنت بوده کما اینکه ظاهر فرض سؤال است پس باید قضا نماید تمام آن نمازها را.

س ۳۰۱- اگر بوده باشد بر شخصی قضا چندین سال نماز پنجگانه و این شخص چاق است در جسمش، به طوری که قدرت ندارد بر ادای تمام نمازها ایستاده از جهت سنگینی و خستگی، و اگر بخواهد تمامش را ایستاده بخواند کمتر می تواند قضا کند تا اینکه نشسته بخواند و می خواهد هر چه سریعتر از قضای نمازها خلاص شود چون انسان خبر از مرگش ندارد آیا جایز است برای او اینکه قضای نمازها

را احیاناً نشسته و احیاناً ایستاده بخواند تا سریعتر خلاص شود از این دین واجب.

ج - واجب است بر او اتیان نماز قضای ایستاده به مقداری که امکان او است و کافی نیست نشسته خواندن.

س ۳۰۲- اگر بر مکلفی قضای یک سال نماز و روزه بوده باشد، چگونه حساب کند عدد ایام ماههای سال را آیا تمام آن را سی روز یا بیست و نه روز حساب کند؟

ج - نه این و نه آن، برای اینکه حساب کردن ماههای تمام سال سی روز غیر محتمل است، و همچنین نسبت به بیست و نه روز، پس باید ماههای سال را بعضی را سی روز و بعضی را بیست و نه روز، پس اخذ کند به قدر متیقن از آن.

نماز قضای پدر

س ۳۰۳- زیدی که اسما مسلمان و شیعه بوده، یا تمام مدت تکلیفش نماز باطل خوانده، و یا عمداً چند وقتی نماز نخوانده، بفرمائید بعد از فوت وی، ولد اکبر او چه وظیفه دارد؟

ج - واجب است بر ولد اکبر قضای صلوات فائته از پدرش، حتی در صورتی که عمداً نخوانده باشد علی الاحوط الوجوبی. واللَّه العالم.

س ۳۰۴- در باب قضای نماز پدر بر پسر بزرگتر چنانچه پسر بزرگتر فاسق است و قضایی بجا نمی آورد امّا میّت سال داشته، آیا بر وارث واجب است که نماز و روزه میت را از مال او بدهند یا واجب نیست؟

ج - در مفروض سؤال بر بقیه واجب نیست بلی اگر وصیت به ثلث کرده باشد از آن داده می شود و الاـ احتیاط مستحب این است که کبار از ورثه از حصه خودشان بدهند. واللَّه العالم.

س ۳۰۵- در فرع فوق چنانچه

فرزند، پدر را نصیحت و ارشاد کرده و بوی تذکر داده که اگر نماز خود را اصلاح نکردی پس از مرگ، نماز قضا جهت آن پدر نخواهد خواند، ولی متأسفانه آن پدر گوش به ارشاد فرزند ندهد، در این صورت تکلیف این

فرزند چیست؟

ج - نصیحت و ارشاد اثری در سقوط تکلیف ولد اکبر بعد از فوت والدش نسبت به وجوب قضا ندارد. واللَّه العالم.

س ۳۰۶- راجع به نماز قضای پدر (مسئله ۲۴۰ ص ۱۹۷ ج ۱ منهاج آخر مسئله) عرض می شود در صورتی که پدر یا مادر قرائتش باطل بوده و یا از جهت تطهیر و طهارت و غیره قصور یا تقصیری کرده بعد از فوت آنها مثلاً بسیار متعسر و یا متعذر است که پسر بزرگتر در مدتی طولانی هفتاد سال یا زیادتر و کمتر نماز قضا استیجار نماید یا خودش بخواند، بنابر این وظیفه ولی چیست؟

ج - آن مقدار از نمازهای آنها، که احتمال صحت در او می رود قضای آنها لازم نیست، و آن مقدار که یقین به فوتش دارید، هر مقداری که میسرتان است بجا بیاورید، یا اجیر می گیرید، و زائد بر او واجب نیست.

احکام نماز جماعت

س ۳۰۷- نمازگزار با آنکه می داند جماعت منعقد می شود می تواند اول وقت نماز را فرادیَ بخواند و بعد به جماعت اعاده کند یا خیر؟

ج - بلی می تواند.

س ۳۰۸- در نماز جماعت می فرمائید اگر مأموم فرادیَ نماید بعد از قرائت و قبل از رکوع، علی الاحوط قرائت را اعاده نماید این اطلاق حتی اگر در حال قنوت فرادیَ نماید شامل می شود یا نه؟

ج - فرقی بین حال قنوت و قبل از آن نیست و همچنین پیش از رکوع

ولو بعد از قنوت باشد. واللّٰه العالم.

—

س ۳۰۹- اگر مأموم از اول نماز قصد انفراد داشته باشد و در بین نماز جماعت فرادیَ کرد آیا اشکال در اصل نماز است یا در جماعتش و برای تصحیح عمل چه وظیفه دارد؟

ج - اقتدای در رکعت اول یا دوم با این قصد و نخواندن خودش قرائت را موجب اشکال در اصل نماز، و اقتدای در رکعت سوم به بعد با ادای وظیفهء اولیّه قرائت، موجب اشکال در جماعت اوست. و چاره اش قصد انفراد نداشتن در اول اقتدا است.

س ۳۱۰- اگر مأمومی که در نماز جهریه به امام اقتدا کرده نمازش فرادیَ شود آیا قرائتش را واجب است بلند بخواند یا آهسته؟

ج - واجب است که قرائتش را بلند بخواند.

س ۳۱۱- اگر مأموم همهمه امام جماعت را در نمازی که واجب است آهسته خوانده شود بشنود آیا گوش دادن مستحب است یا اینکه ذکر و تسبیح بگوید؟

ج - مخیر است در هر یک از این دو همچنان که اگر صدای امام را نشنود مخیر است.

س ۳۱۲- آیا جایز است که مأموم بعد از آنکه امام جماعت سوره حمد را تمام کرد الحمد للّٰه رب العالمین را بلند بگوید؟

ج - اشکالی ندارد.

س ۳۱۳- در نماز جماعت مأموم باید پشت سر امام بایستد آیا در حال سجده هم لازم است محل سجده مأموم پشت پای امام باشد یا می تواند مأموم پیشانی خود را در پهلوی امام در حال سجده قرار دهد فقط از سر امام جلو نباشد؟

ج - تأخر محل قیام مأموم کافی است.

س ۳۱۴- مأموم رسیده به جماعت در تشهد آخر پس تکبیر گفت و نشست و تشهد

نخواند به خیال آنکه تکلیف او همین است و بعد از تسلیم امام برخاست و نماز را تمام نمود حکم نماز او چه می شود؟

ج – اگر این عمل از روی اعتقاد او بوده نماز او صحیح است.

س ۳۱۵- شخصی به اعتقاد اینکه سجده اخیره نماز جماعت است جهت درک ثواب جماعت اقتدا کند در صورت کشف خلاف آیا محتاج به تجدید تکبیره الاحرام هست یا نه؟

ج – بلی باید تجدید کند.

س ۳۱۶- اگر امام جماعت نیت جماعت ننمود و مأموم نیت جماعت نمود جماعت منعقد می گردد، آیا جایز است برای امام ترتیب آثار جماعت بدهد؟

ج – بله جایز است.

س ۳۱۷- شما در کتاب منهاج الصالحین «رساله عربی» در مسئله (۸۱۸) در نماز جماعت فرموده اید اگر مأموم سهواً پیش از امام سر از رکوع یا سجده بردارد باید به رکوع یا سجده برگردد و اگر عمداً برنگشت جماعتش باطل و منفرد می شود.

آیا در صورت اضطرار نیز این بطلان وجود دارد مثل اینکه بداند اگر رکوع کند به امام نمی رسد؟

ج – اینکه ما گفتیم اگر عمداً برنگشت جماعتش باطل می شود، در صورتی است که به امام در رکوع یا سجود برسد، اما بنابر آنچه که شما سؤال کرده اید که می داند به امام نمی رسد بر او رکوع یا سجده کردن نیست و جماعتش درست است.

س ۳۱۸- در نماز جماعت که در مسئله ۱۴۸۵ توضیح فرموده اید: اگر مأموم

سهواً قبل از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد مقداری از قرائت را درک می کند و برگردد نمازش صحیح است، بفرمائید اگر امام قنوت می خواند باید برگردد و اگر برنگشت تا امام قنوت را خواند و داخل رکوع

شد نمازش چه صورت دارد؟

ج – مفروض سؤال حکم مسئله بعد از آن را دارد که باید برگردد و اگر برنگشت عمداً نمازش صحیح است ولی منفرد می شود.

س ۳۱۹- مأموم از خواندن قنوت غفلت کرد در نماز جماعت و رفت به رکوع آیا متابعت لازم است یا نه؟

ج – بلی لازم است. واللَّه العالم.

س ۳۲۰- شما در کتاب مسائل المنتخبه در شرط سوم از شرایط نماز جماعت فرموده اید: امام جماعت باید در نمازش مستقل باشد بنابر این جایز نیست به شخصی که مأموم است اقتدا نمود، آیا این حکم شامل مأمومی که یک رکعت یا دو رکعت یا سه رکعت را به جماعت خوانده و بعد از آنکه امام جماعت نمازش تمام شده منفرد می شود می گردد یا خیر؟

ج – خیر شامل اینگونه مأموم نمی شود بلکه این مأموم بعد از آنکه منفرد شد مستقل می شود و در این هنگام جایز است به او اقتدا کرد.

شرایط امام جماعت

س ۳۲۱- امام جماعتی که از نگاه کردن به صورت زن نامحرم اجتناب نمی کند آیا دارای عدالت است و می شود به او اقتدا کرد؟

ج – اگر در موارد جواز نظر باشد و یا مشکوک باشد، که محمول بر صحت

گردد، موجب سلب عدالت نمی شود. واللَّه العالم.

س ۳۲۲- اگر امام جماعتی دخترش را به دبستانهای معلوم الحال گذاشت اقتدا به او جایز است؟

ج – اقتدا به امام جماعت با احراز عدالت او صحیح می شود و چنانچه عدالت او محرز شود اقتدا به او جایز است. واللَّه العالم.

س ۳۲۳- اگر بتراشد شخصی ریش خود را به امید آنکه در واقع تراشیدن آن حرام نباشد، پس آیا می توان حکم به فسق او نمود؟

ج –

فلان شخص گناهکار شمرده خواهد شد. واللّٰه العالم.

س ۳۲۴- آیا برمی گردد عدالت شخصی یا امام جماعتی بعد از رجوع او از مراسم حج، اعتماد بکنیم بر روایاتی که دلالت بر آمرزش گناهان دارد؟

ج - باید انشاء توبه نماید، و تلفظ به صیغه توبه بکند بعد از اظهار پشیمانی و عزم نمودن بر ترک گناه.

س ۳۲۵- اگر صادر شود از امام جماعتی گناهی و شک کنیم در توبه نمودن او از آن گناه، و خوف از اینکه مبادا جرحی در او بشود سؤال نکنیم از او اینکه توبه کرده یا نکرده، و نتوانیم سرزنش کنیم او را بر کارش برای خاطر کوچك بودن مرتبه ما از او، در این صورت چه باید کرد آیا با او جماعت بخوانیم یا فرادی؟

ج - چه بسا چنین چیزی اتفاق می افتد، پس نمی توان جزم نمود به اینکه مرتکب گناه شده، برای خاطر آنکه واقع اختلاف پیدا می کند با آنکه صورت آن یکی است، چه بسا به نظر او گناه نباشد و آن فعل را مباح بداند، یا آنکه فلان فعل را عمداً مرتکب نشده بلکه از روی سهو از او صادر شده از روی فراموش کردن حکم از او سهواً صادر شده باشد، پس نمی توان در چنین صوری حکم نمود که گناهکار

است و واجب باشد استغفار بر او، بلکه معذور است. اما اگر فرض کنیم به اعتقاد خودش گناه است و مرتکب آن بشود متعمداً، پس باید احراز نمود توبه نمودن او را تا اینکه جایز باشد اقتدا به او، و نزد شک در توبه نمودن جایز نیست اقتدا نمودن به او.

س ۳۲۶- اگر از مرتکب معصیت بشنویم میان دو

سجده رکعت اول نماز بگوید: استغفر اللّه ربی وأتوب إلیه، پس آیا این کافی است برای رجوع عدالت او، و جایز بودن اقتدا به او در رکعت دوم نماز؟

ج - کافی نیست چنان چیزی.

س ۳۲۷- اگر مرتکب شود امام جماعت چیزی را که اخلال به عدالت او می زند مثلاً، مانند غیبت، پس آیا جایز است اقتدا نمودن به چنین شخصی بعد از ایامی چنانچه عادت او استغفار نمودن بوده باشد اگر چه فعلاً علم به استغفار او ندارم؟

ج - جایز نیست اقتدا نمودن به او مگر اطمینان پیدا کنی به عدالت او.

س ۳۲۸- آیا صحیح است به امام جماعتی که به عدالتش اطمینان دارم، ولی او تقلید ابتدایی از میت می کند، اقتدا کنم؟

ج - اگر به عدالتش اطمینان داری جایز است که به او اقتدا کنی.

س ۳۲۹- آیا جایز است اقتدا به شخصی که از مرجع تقلیدی تقلید می کند که او بلند خواندن بسم اللّه را در دو رکعت آخری نماز واجب می داند؟

ج - اگر شرایط امام جماعت را داشته باشد جایز است که به او اقتدا کرد.

س ۳۳۰- آیا به خاطر بعضی از ملاحظات که نسبت به مقلدین شیخ حسین داریم شما جهر به بسم اللّه را در رکعت سوم و چهارم جایز می دانید؟

ج - اگر مراد شما اقتدا به مقلدین شیخ حسین است پس مانعی در این اقتدا کردن نیست، و اگر مراد شما نماز منفرد خواندن در جایی که مقلدین ایشان حاضر هستند باشد پس بسم اللّه را به قصد قرآن خواندن، و نه به عنوان جزئیت در نماز، بلند بخواند و سپس بسم اللّه را آهسته بگوید اگر حمد می خواهد

بخواند و یا تسبیحات را بخواند.

س ۳۳۱- اگر به امام جماعتی که از اهل تسنن است اقتدا نکنیم ولی در افعال نماز از او متابعت کنیم آیا این نماز خواندن مستحب است؟ و چگونه نماز را بخوانیم؟ و آیا اینگونه نماز خواندن نماز واجب را از انسان ساقط می کند؟ و اگر قرائت این شخص قبل از امام جماعت تمام شود چه کند؟ و اگر نمازی باشد که در او بلند خواندن قرائت واجب است آیا آهسته خواندن جایز است یا نه؟ و آیا این موارد اختصاص به حال تقیه دارد یا نه؟

ج - بله این نماز خواندن مستحب می باشد. و قرائت واجب در نماز را آهسته بخواند. و اگر قرائتش قبل از امام جماعت تمام شود اشکالی ندارد و صبر کرده و با او رکوع را بجا می آورد. و قرائتش را آهسته بخواند خواه نمازی باشد که در او بلند خواندن قرائت واجب باشد یا آهسته خواندن واجب باشد، و مطالبی که گفته شد مشروط به شرطی نیست مگر یک شرط و آن اینکه امام جماعت مسلمان غیر امامی باشد پس چنانکه امام جماعت از اهل تسنن باشد مطالبی که گفته شد اختصاص به حال تقیه ندارد.

س ۳۳۲- آیا در صلاه خلف من لا یُقْتَدی(۱) به، قرائت ساقط است و تمام احکام جماعت بر او مترتب است یا نه؟

---

(۱) کسی که به او اقتدا نمی شود

ج - اگر جماعت با امام اهل سنت باشد قرائت لازم است ولی به صورت اخفات(۱) و تمام احکام جماعت بر آن مترتب است. واللّٰه العالم.

س ۳۳۳- آیا اقتدا به کسی که مخارج بعضی حروف ندارد (مثلاً صاد را به سین

یا شین را به سین می خواند) در نماز جایز است یا نه؟

ج - اقتدا به او جایز نست. واللَّه العالم.

س ۳۳۴- اگر امام جماعت جامع شرایط امامت، جاهل یا غیر ملتفت به بعض احکام قرائت صحیح، مانند مد واجب مثلاً یا غیر او باشد آیا جایز است اقتدا نمودن به او؟

ج - خیر جایز نیست اقتدا به چنین شخصی.

س ۳۳۵- اگر به شخصی که شرائط امام جماعت را دارا باشد اقتدا کند و در قرائت کلمه ای که در او مدّ واجب است، مدّ ندهد، و نمی دانم که او مدّ واجب را می داند ولی فعلاً فراموش کرده که مدّ بدهد، یا اینکه او مدّ واجب را نمی داند، آیا واجب است که به صورت فرادی نماز بخوانیم یا خیر؟

ج - اگر قرائت امام جماعت صحیح نباشد واجب است که به صورت فرادی نماز را بخواند.

س ۳۳۶- اگر امام جماعت شیعه باشد ولی جامع شرایط امام جماعت نباشد، آیا جایز است به خاطر مصلحت شرعیه نماز جهریه را به صورت اخفات بجا آورد و پشت سر او، متابعت او را نماید؟

ج - این نماز صحیح نیست.

س ۳۳۷- افرادی اهل علم هستند در محلی که دارای یک مسجد است، و امام

---

(۱) آهسته خواندن

جماعتی در این مسجد نماز می خواند که آقایان اهل علم همسایهء مسجد، این امام را عادل نمی دانند و یا آنکه نمی دانند عادل است یا خیر، چنانچه بروند در مسجد نماز تنهایی بخوانند جایز است یا خیر؟ چون بر جنابعالی مخفی نیست که در دید عوام چه می شود؟

ج - در صورتی که به تنهایی خواندن نماز موجب هتک امام باشد، نمازش صحیح نخواهد بود.

س ۳۳۸- اگر در

مکـانی که نماز جماعت در او برپا شـده بخواهیم به صورت فرادی نمازی که در او بلنـد خوانـدن لازم است بخوانیم، آیا جایز است در صورتی که بلند خواندنمان حواس امام جماعت را پرت می کند آن نماز را آهسته بخوانیم؟

ج - خیر جایز نیست.

س ۳۳۹- در مکـانی که نمـاز جمـاعت منعقـد است اگر شخصـی در آن مکـان نمازش را فرادی بخوانـد که عملاً تفسـیق امام جماعت حساب می شود آیا نماز این شخص صحیح است یا نه؟

ج - در صورتی که قاصد هتک باشد، و یا اینکه بداند نزد مردم تفسیق امام جماعت محسوب می شود، نمازش فرادی محکوم به بطلان است.

س ۳۴۰- در مکـانی که نمـاز جمـاعت منعقـد است آیـا خوانـدن نماز فرادی چه صورت دارد؟ آیا فرق است بین صورتی که شخص منفرد، امام جماعت را بشناسد یا معرفت به احوال او نداشته باشد یا خیر؟

ج - در صورتی که موجب هتک او نشود مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۳۴۱- یک امام جماعتی در مسـجدی مـدت طولانی مشـغول نماز جماعت بوده، این امام مسافرتی کرده به قصد برگشـتن، وقتی که برگشت دید که یک امام

جماعت دیگری با اجازه صاحب مسـجد جای او نماز جماعت می خوانـد - اولاً آیا صاحب مسـجد می تواند آن امام راتبی را که مدت طولانی مشغول نماز جماعت بوده اخراج و یک امام جماعت دیگری را جایگزین او نماید؟

ج - در صورتی که متولی مسـجد باشد و مصـلحت را در تبدیل آن امام تشـخیص دهد یا مسافرت آن امام به قدر غیر متعارف موجب دوری آن از مسجد شده، تبدیل مزبور برایش جایز است. و الّا جایز نیست. واللَّه العالم.

ثانیاً، با راضی نبودن

امام اوّل آیا امام دوّم غاصب است یا نه؟

ج - در فرضی که اخراج او جایز نبوده است مزاحمت دیگری با آن امام اوّل جایز نیست علی الاحوط، ولی نمازش صحیح است. واللَّه العالم.

نماز آیات

س ۳۴۲- در نماز آیات گفت: «بسم اللَّه الرّحمن الرّحیم قل هو اللّه احد» رکوع رفت، و بقیه سوره را چهار قسمت کرد، آیا کفایت می کند؟

ج - بلی کفایت می کند. واللَّه العالم.

س ۳۴۳- آیا به جای سوره بعد از حمد در صلوات یومیه و در نماز آیات بطور تقطیع می توان سوره حمد را خواند؟

ج - تکرار سوره حمد نه در صلوات یومیه به جای سوره مجزی است و نه تقطیع آن در وظیفه ادای نماز آیات.

س ۳۴۴- نماز آیاتی که برای زلزله می خواند اگر به نیت قضا خواند ابراء ذمه شده یا نه؟

ج - بلی مبرء ذمه است. واللَّه العالم.

مسائل متفرقه

س ۳۴۵- اگر مریض زیر دستگاه تنفس مصنوعی بوده باشد و عقل و هوش او کامل بوده باشد چگونه این شخص نماز بخواند، با اینکه می داند این دستگاه تنفس مانع می شود او را از تمکن از تکلم نمودن؟ و اگر به بازوی او سوزن تغذیه(۱) بزنند، کیفیت وضو و غسل او چه می شود؟

ج - در فرض اول می بایست نمازش را به اشاره و خطور قلبی بخواند و در فرض دوّم اگر تمکن از وضو ندارد وظیفه او تیمم نمودن است.

س ۳۴۶- آیا دست دادن در بین نماز یعنی بعد از سلام چه اشکالی دارد؟ زیرا می گویند بدعت است.

ج - به قصد رجا عیبی ندارد. واللَّه العالم.

س ۳۴۷- صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از نماز و قبل از تسبیح حضرت زهرا علیها السلام آیا باطل می

کند ثواب تسبیح را اگر بوده باشد صلوات به نحو بلند و دسته جمعی؟

ج - خیر باطل نمی کند.

س ۳۴۸- مخاطبهء غیر خدا در نماز شامل

ائمه اطهار علیهم السلام می باشد یا خیر؟

ج – بلی شامل ائمه اطهار علیهم السلام است.

---

(۱) سِرُم

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

روزه

نیت روزه

س ۳۴۹- اینکه می فرمائید در باب روزه همین که قصد افطار کرد، روزه باطل است، حال شخصی مریض است چنان دانست که روزه برای او صدمه دارد تصمیم گرفت که افطار نماید یک مرتبه دلایلی برای او پیش آمد که روزه برای او صدمه ندارد آیا به همین تصمیم، روزه او باطل شد؟

ج – در صورتی که قصد افطار مطلقاً داشته در فرض مزبور روزه نیست و لازم است آن را قضا کند و امساک آن روز لازم است.

چیزهایی که روزه را باطل می کند

س ۳۵۰- آیا نسوار (ناس) روزه را باطل می کند؟

ج - اگر از اجزای آن چیزی به حلق فرو رود مبطل روزه است.

س ۳۵۱- آیا جایز است اطعام نمودن کافر، در روز ماه رمضان زمانی که روزه نگیرد، یا او را آب داد، و آیا جایز است فروختن طعام به او؟

ج - اگر موجب هتک حرمت ماه مبارک شود جایز نیست.

س ۳۵۲- اگر نظر کند روزه دار به زن اجنبیه به شهوت، حکم روزه او چیست و چه بر او می باشد؟

ج - اگر قصد انزال ندارد و عادت به انزال نداشته باشد بوسیله نظر کردن پس ضرر به روزه اش نمی زند، غیر از معصیتی که انجام داده که موجب کم شدن ثواب و اجر خواهد شد.

س ۳۵۳- حکم تخیل نمودن صور حرام در ذهن که موجب برانگیخته شدن شهوت جنسی در انسان بشود در حالت روزه چیست، با اینکه می داند حرام است؟

ج - عین جواب سابق در اینجا می آید.

س ۳۵۴- از مفطرات، کذب بر خدا و رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام است پس اگر خطیبی از خطبا منبر رود در ایام شهادت حضرت علی علیه السلام و

در منبر اشعاری بخواند به لغت عوامانه که نسبت داده شود به حضرت امیر علیه السلام ، و حال آن که حضرت چنین اشعاری نفرموده آیا خواندن این اشعار موجب افطار می شود و آنها می دانند که این اشعار منسوب است به ائمه علیهم السلام و این اشعار را می خوانند برای این که حزن مردم را برانگیزند؟

ج - کذبی که مفطر است آن کذب در احکام و غیر احکام بر پیغمبر خاتم و ائمه اطهار که به صورت جزم باشد در اسناد دادن به آنها، و اگر قصد نکند خطیب غیر از حکایت مضمون حال، و همچنین حکایت لفظ، و معتقد باشد به صدق مضمون پس این ضرر نمی زند به روزه اش، و اگر بداند گوینده صحت نسبت و صدق آن را، اشکال ندارد اما اگر نداند صدق آن را، پس برای او جایز نیست.

س ۳۵۵- حکم بازگو نمودن روایت ضعیف در حالت روزه چیست با اینکه

می داند ضعیف است؟

ج - جایز نیست مگر این که نسبت بدهد به شخص گوینده، یا از کتابی که روایت نموده از آن.

س ۳۵۶- از مفطرات، فرو بردن تمام سر در آب است، آیا مراد فقط محل روییدن موهای سر است، یا آنکه مراد سر و صورت و گردن است؟

ج - مراد صورت دوم است.

س ۳۵۷- آیا ایستادن زیر شیر آبِ زیاد، به طوری که تمام سر را فرا می گیرد موجب بطلان روزه اش می شود؟

ج - اگر موجب صدق ارتماس یا صدق فرو بردن سر در آب باشد، بله موجب بطلان خواهد شد.

س ۳۵۸- کسی که مبتلا به مرض آسم است در ماه رمضان اگر در روز هوا بدهند از راه گلو، آیا

روزه او صحیح است یا نه؟

س ۳۵۹- بلی با هوا دادن از راه گلو روزه اش صحیح است و مانعی ندارد.

س ۳۶۰- جنب در ماه رمضان به واسطه ضرر آب یا کمی وقت تیمم کرد و بی اختیار قبل از طلوع خوابش برد.

ج - در مفروض سؤال قضا و کفاره بر او نیست. واللَّه العالم.

س ۳۶۱- شخصی روی ندانستن مسئله پیش از اذان صبح بیدار هم بوده در ماه صیام، غسل جنابت یا اغسال دیگر را نکرده، روزه او چگونه است؟ قضا و کفاره دارد یا قضا فقط؟

ج - نسبت به سایر اغسال چیزی بر او نیست، و نسبت به غسل جنابت در مفروض سؤال قضا بر او واجب است نه کفاره.

س ۳۶۲- زنی در ماه مبارک رمضان عمداً غسل حیض را بجا نیاورده و تیمم هم نکرده داخل صبح شد روزه او چگونه است؟

ج - روزه اش باطل است و واجب است بر او قضا و کفاره. واللَّه العالم.

س ۳۶۳- قرصهای ضد حاملگی که زنها می خورند و به سبب همین قرصها حیض نمی شوند و روزه می گیرند، روزه آنها صحیح است؟

ج - بلی صحیح است. واللَّه العالم.

احکام روزهء قضا

س ۳۶۴- زنی در ماه رمضان ایام حیض روزه نگرفته بعد از ماه رمضان تا رمضان دیگر مریض بوده، آیا قضا ساقط است؟

ج - در فرض مزبور باید هر وقت متمکن شود ولو پس از چند سال بعد آن، روزه ها را قضا نماید و احتیاط واجب بر او در این صورت دادن فدیه است نیز برای هر روز مُدّ طعام به فقیر که عبارت از سه ربع کیلو است تقریباً. واللَّه العالم.

س ۳۶۵- بنده مریض هستم و دکترهای داخلی و

خارجی من را جواب کرده انـد و فعلاً هم قادر به روزه گرفتن نیسـتم و امیـد بهبودی برایم نیست و لـذا می خواهم در زندگی خودم چنـد سالی استیجار روزه بنمایم چون وثوق نـدارم به ورثه و غیر ورثه که بعـد از من استیجار بنماینـد و می ترسم فردای قیامت مسئول خداونـد باشم، خواهشـمند است بفرمائید من می توانم کسـی را استیجار کنم که این عمل را در حال حیات من بجا بیاورد یا نه؟ و اگر عمل او در زنـدگی من برایم صـحیح نیست، بفرمائیـد چنانچه بتوانم کسـی را استیجار کنم بعد از فوت من عمل را بجا بیاورد آیا مبرء ذمه من می شود یا نه؟ و اگر راه دیگری هست بفرمائید.

ج - روزه هایی که به جهت مرض معذور از گرفتن آن بوده اید و مرض هم ممتد بوده تا ماه رمضان بعد، بر شـما نه ادای آنها واجب بوده است، و نه قضای آن در حال حیات و نه بعد از ممات، پس وصـیت به آن هم لازم نیست، فقط واجب است که از برای هر روزی فدیه بدهید و مقدار آن تقریباً ده سیر طعام است که باید به فقیر داده شود.

س ۳۶۶- کسی که در ذمه اش روزهء قضا و یا کفاره و یا نذر مطلق دارد می تواند اجیر دیگری باشد یا نه؟

ج - بلی می تواند. واللَّه العالم.

س ۳۶۷- دختری که نه سالش تمام شده ولی به واسطه ضـعیفی و کمی قوه نمی تواند روزه بگیرد، و بعد از ماه رمضان تا ماه رمضان هم نمی تواند قضای او را بگیرد، آیا قضا از او ساقط است؟

ج - در این صورت هر وقت توانایی پیدا نمود باید قضای آن

را بگیرد و احتیاط واجب دادن فـدیه است برای هر روز سه ربع کیلو طعام به فقیر در آخر سال آن رمضان که افطار نموده بود. واللَّه العالم.

کفارهء روزه

س ۳۶۸- زنی که حائض در بین روز شـد اگر قبلاً افطار کرده است کفاره بر او می آید و حرمتش از باب تجرّی است یا واقعاً حرام است؟

ج – در فرض مزبور اگر افطار عمدی نموده بود احتیاط واجب دادن کفاره در آن است.

س ۳۶۹- اگر مردی به واسطه عذری روزه نبود و زن روزه دار خود را مجبور کرد

به جماع اگر زن در بین راضی شد باز هم کفاره بر زن نیست.

ج – بلی در مفروض سؤال بر زن کفاره است. واللَّه العالم.

س ۳۷۰- مواردی که شخصـی باید افطار کند مثل زن حامله و شیر ده که روزه به خودش یا به بچه ضرر دارد اگر نتواند تا ماه رمضـان سـال آینـده قضـای آن را بگیرد آیـا دو کفـاره برای او واجب است یکی برای افطـار در مـاه رمضـان و یکی برای بجا نیاوردن قضای آن یا یک فدیه دارد و کفاره را به سید می توان داد یا نه؟

ج – بلی دو کفاره لازم است و به سید فقیر هم می توان داد. واللَّه العالم.

س ۳۷۱- مریض که اطمینـان دارد تـا مـاه رمضان دیگر خوب نمی شود آیا می توانـد در ماه رمضان حال یا شوال کفاره روزه اش را بدهد؟

ج – تعجیل در ادای فدیه در فرض مزبور مشـکل است، و احتیاط در ادای آن به مقدار ضـیق وقت در ادای قضای آن بر فرض واجب بودن است، مانند یک روز به آخر شعبان در صورت افطار یک روز،

و همین طور بیشتر در بیشتر. واللّه العالم.

س ۳۷۲- قدر واجب در کفاره اطعام ده مسکین یا شصت مسکین چیست، به معنی این که مراد از طعام و کمیت آن چیست؟

ج – مراد، اعطای فقیر به طوری که سیر شود به اینکه حاضر کند او را بر سفره طعام و بخورد تا سیر شود، یا تسلیم نماید طعام را به دست او به طوری که صلاحیت داشته باشد که آن را طعام خود قرار دهد مانند گندم یا نان یا آرد یا برنج.

امّا کمیت آن پس در مورد اوّل آن است که در مجلس اطعام سیر گردد، و اما در مورد دوّم به وزن یک مدّ که مقدار سه ربع کیلو است به هر مسکین بدهد، چنانچه تفصیل آن در رساله ذکر شده.

س ۳۷۳- زید برای کفاره قضای ماه رمضان مثلاً صد مد گندم یا جو می خرد به

فقیر می دهد، چون در شهر وسیله پخت و پز نان، در خانه ها نیست، لذا فقیر این گندم یا جو را می فروشد و قیمت آن را از نانوا، نان می خرد و مصرف می کند، چون نان گرانتر است قیمت صد مد گندم یا جو حدود هشتاد مد نان می شود، حال از ذمه زید صد مد که به فقیر داده ادا شده، یا آن که آنچه فقیر نموده از نان ادا شده، آنچه حکم است بیان فرمائید.

ج – بلی همان صد مد از ذمه زید ادا شده. واللّه العالم.

س ۳۷۴- زید بابت کفاره مدهای طعام گرفت به فقیر داد، آیا بر فقیر جایز است که آن را فروخته در غیر خوردن سایر لوازمات خود برساند یا خیر؟

ج – در فرض مزبور

مانعی از فروختن آن و صرف در غیر خوردن برای فقیر نیست.

س ۳۷۵- آیا مستحقین کفارات از قبیل کفاره روزه ماه مبارک رمضان که عمداً روزه را افطار می کرده و غیره، می توانند که مثلاً یک مد طعام را به مبلغ وجهی که قیمت آن است صلح کنند یا باید حتماً طعام داده شود؟

ج - در قبض کفارات که تکلیف به دادن طعام است، دادن و گرفتن غیر طعام مجزی نیست، مگر آنکه دهنده، فقیر را وکیل کند در خریدن طعام با آن مبلغ، پس از آن، طعام را قبول کند فقیر برای خود، آنگاه اگر خواست بفروشد یا ببخشد مانعی ندارد.

س ۳۷۶- فقیر ده سیر طعام را که به عنوان کفاره می گیرد باید خود شخصاً مصرف نماید، یا آنکه برای مهمان خود هم می تواند مصرف نماید؟

ج - بلی می تواند مصرف نماید.

احکام روزهء مسافر

س ۳۷۷- در سفر حرام مثل مسافرت زن بدون اجازه زوج و عدم رضایت وی که باید نمازهای خود را تمام بخواند بفرمائید تکلیف روزه اش چیست؟

ج - جایی که نماز در آن برای مسافر تمام خواندن واجب است، روزه رمضان نیز واجب است و افطار آن در آن حال جایز نیست.

س ۳۷۸- اگر روزه دار پیش از ظهر قصد مسافرت کرد، بعد از حد ترخص روزه اش را باطل کرد سپس مانعی رسید از ادامه سفر، برگشت به وطن خود، آیا باید امساک کند تا شب یا می تواند بخورد؟

ج - بنابر احتیاط واجب باید امساک کند. واللّٰه العالم.

س ۳۷۹- صریح فتوا است که «مسافر یا کسی که قصد اقامت دارد قبل از ظهر به وطن یا محل اقامت برسد» چنانچه مسافر ظهر به وطن یا

محل اقامت برسد و یا آن که اذان ظهر را در حد ترخص بشنود و مفطر به عمل نیاورده باشد، آیا نیت روزه کند صحیح است؟ و یا آنکه شرط است قبل از ظهر ولو به قلیل به وطن یا محل اقامت برسد، و حد ترخص برای مسافری که وارد می شود کافی نیست، فقط اعتبار حد ترخص برای مسافری است که از وطن یا محل اقامت خارج می شود؟

ج – شرط است که قبل از ظهر به وطن یا محل اقامتش برسد.

س ۳۸۰- زیدی در ماه رمضان قبل از ظهر به مسافرت می رود (البته با اراده و نیت قبلی که در شب داشته) چنانچه در بین راه مفطری به عمل نیاورد و دوباره هنوز ظهر نشده به وطن خود برگشت و تجدید نیت نموده آیا روزه او چه صورت دارد؟

ج – در صورت مفروضه روزه او صحیح است.

ثابت شدن اول ماه

س ۳۸۱- اگر ثابت شود هلال نزد جماعتی از مؤمنین در یکی از شهرها و ثابت نشود در شهر دیگری یا شهرهای دیگر اهل ایمان، از کدام دسته پیروی کنیم با این که اطمینان داریم اگر یک حادثی حادث گردد، برای هر دو گروه حادث می شود و اگر حاصل نشود اطمینان برای هر دو حاصل نمی گردد چه باید کرد (به معنی اینکه یک حالت شک ۵۰٪ برای هر دو هست)؟

ج – اثری نیست برای عدم ثبوت تا اینکه معارض شود با ثبوت نزد جماعتی که ثابت شده نزد آنها (به معنی اینکه معارضه نمی کند ثبوت با عدم ثبوت) و دومی شاهد ندارد تا اینکه معارضه کند.

س ۳۸۲- آیا جایز است استخاره نمودن برای شک در هلال و رجحان

داد یکی از دو طرف را و رفع تحیر نمود به آن یا خیر؟

ج - مسأله اثبات هلال از موارد استخاره نیست، پس اگر استخاره نمود در این مورد کهانت نموده به غیب و برای کشف نمودن صحّت گفتار و کذب آن، راهی نیست برای او مگر از طریق امارات شرعیه و اگر مدعیان رؤیت هلال، مسلمان و مرد عادل باشند (عدالت، از شرط آن ولایت است) چنین افرادی تکذیب نمی شوند و صحیح است اخذ نمودن به گفتار آنها در رؤیت هلال، و همچنین اگر بوده باشد دعوی رؤیت از راه شیاعی که موجب علم یا اطمینان به گفتار آنها می شود، و هر کس ثابت شود نزد او هلال، باید روزه بگیرد یا افطار کند و هر کس ثابت نشود نزد او به غیر از وسوسه، پس او معذور است.

س ۳۸۳- آیا اطمینان شخصی کافی است برای دیگر اشخاص؟

ج - هر کس برای او اطمینان حاصل شود او مکلف است به اطمینان خودش، و اثر ندارد اطمینان شخصی برای شخص دیگری که برای او اطمینان حاصل نشده.

س ۳۸۴- آیا در ماه صیام تحقیق کردن برای طلوع صبح واجب است چون چیزی بخواهد بخورد و بیاشامد، یا تحقیق کردن واجب نیست تا برایش یقین بیاید، و نیز ماه صیام سی کم است آیا واجب است که مکلف استهلال نماید یا از جاهای دیگر تحقیق کند برای ثبوت عید فطر یا واجب نیست؟

ج - برای صحت ظاهری صوم آن روز لازم نیست فحص از طلوع فجر، ولی اگر بدون فحص با شک چیزی خورد بعد کشف شد برایش که در وقت خوردن فجر طالع بوده، قضای

آن روز بر او لازم است، اما فحص در آخر ماه به هیچ جه لازم نیست و با شک باید روزه بگیرد.

روزه های مکروه

مسائل متفرقه روزه

س ۳۸۵- حکم روزه روز عاشورا چیست؟

ج - اگر روزه را تا غروب گرفت مکروه انجام داده و لکن مستحب است برای او یک ساعت به غروب مانده افطار نماید.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

خمس

وجوب خمس

س ۳۸۶- اشخاصی که واجب النفقه دیگری هستند مثل پدر یا مادری که فرزند آنها مخارج زندگی را به آنها می دهد، یا زنی که از طریق شوهرش مخارجش تأمین می شود و یقین دارند که پرداخت کننده نفقه خمس نمی دهد و سالی ندارد آیا بر خود آنها لازم است که به مقدار خمس آنچه به آنها می رسد بر ذمه گرفته و پرداخت نمایند یا لازم نیست، و بر خود پرداخت کننده است؟

ج - بر گیرنده چیزی نیست بلکه به عهده منفق است. واللَّه العالم.

س ۳۸۷- اگر انسانی با نیّت صادقه نیّت کند که بعد از بازگشت از سفر حج فوراً خمس را پرداخت کند، می تواند خمس را تا آن وقت تأخیر بیندازد یا اینکه حتماً باید قبل از سفر حج خمس را پرداخت نماید؟

ج - بلی می توانـد بعـد از سـفر حـج خمس را پرداخت کنـد ولی در صـحیح بودن حجّی که لباس احرام و قربانی آن حـج به مبلغی که به آن خمس یا یک واجب مالی دیگر تعلق گرفته، این پرداخت نمودن بعد از سفر حج، فایده ندارد و حج باطل

است، چنـانکه عمـل درست و صـحیح از حـج وقـتی مـورد قبول واقع می شود که حـاجی ذمه اش را از هر واجب مـالی خـالی نماید.

س ۳۸۸- زیدی در حال حیات خود از بابت خمس مبلغی دست گردان می نماید که به تدریج پرداخت کند و رسید خمس را دریافت دارد،

به فوت ناگهانی به رحمت خدا می رود و وصیت ننموده با داشتن بعض از وارث صغیر باید تمام بدهکاری را ورثه کبیر بدهند و دفترچه حساب سال هم معلوم نمی شود که آیا از سهم سادات داده است چیزی یا نه، و یا آنکه سهم سادات را مصالحه کند با چیز کمی و آیا اذن حاکم شرع لازم است در پرداخت یا نه؟

ج – حال مافی الذمه مزبور حال سایر دیون است که از مجموع ترکه او بیرون آورده می شود و بقیه ارث صغیر و کبیر می گردد. واللَّه العالم.

س ۳۸۹– می فرمائید کسی که می میرد سالش تمام است و به عوائد او خمس تعلق می گیرد. بناءاً علی ذلک اول کفن و سایر مخارج دفن و همچنین دیون ثابته را بیرون کنند یا خمس را؟

ج – در مفروض سؤال کفن و سایر مخارج واجبه تجهیز او از اصل برداشته می شود، سپس بقیه را تخمیس نموده از باقی مانده ادای دیون می شود. واللَّه العالم.

س ۳۹۰– شخصی که مُرد می فرمائید سالش منقضی می شود، آیا زراعتی که مثلاً در بیابان دارد ولی وقت درو نمودن آن نیست و یا میوه نارس در درخت، چگونه باید قیمت شود (از لحاظ خمس) به حساب علف در باب زراعت و یا به همین حال در زمین و یا درخت بماند قیمت نمایند و کذا اشجار اعم از مثمره و غیرها.

ج – به همان حال در زمین و یا در درخت قیمت می نمایند. واللَّه العالم.

خمس

س ۳۹۱– اجناس کسب من خیلی زیر و رو دارد و بر من سخت است که تمام اجناس دکان را دقیقاً یا اجمالاً حساب کنم یا تخمین بزنم لکن هر سال

مقداری به عنوان خمس می دهم، بفرمائید همین قدر که من یقین ندارم که آیا چیزی دیگر بدهکار هستم یا نه، این عدم یقین واقعی من برای رفع مسئولیت از من کافی است یا نه؟

ج - بلی کافی است این طریقه. واللَّه العالم.

س ۳۹۲- آیا در باب خمس جنسی که دو قیمت دارد و انسان از طرف دولت به قیمت ارزان خریده است ولی بازار آزاد به قیمت بیشتر خریداری می کنند آیا به قیمت خرید خمس بدهد یا به قیمتی که بازار پول می دهند در صورتی که نخواهد از خود جنس خمس بدهد؟

ج - به قیمت فعلی بازار آن، خمس خارج کند. واللَّه العالم.

مواردی که خمس به آنها تعلق نمی گیرد

۱ - اموال صغیر (بچهء نابالغ)

س ۳۹۳- معمولاً بعضی اولیای اطفال پولهای خرده و جزئی متدرجاً به اولاد خود برای ذخیره به آنها می دهند که بعد از مدتی وجه معینی نزد آنها جمع می شود آیا به این وجوه خمس تعلق می گیرد یا خیر؟ و بر فرض تعلق گرفتن، آیا ولی باید از خودش بپردازد یا از روی همان پول پرداخت کند؟

ج - اگر پولها را به آنها بخشیده باشند چون قبض ولیّ قبض آنها است مال اطفال شده و متعلق خمس نیست نه فعلاً واجب است و نه بعد از بلوغ بر آنها و اگر نبخشیده مال ولیّ است و حکم سایر ارباح او را دارد.

س ۳۹۴- از منافع سال مقداری برای صغیر ذخیره کرده در بانک، خمس دارد یا خیر؟

ج - اگر به آنها تملیک کرده و به قبض خودش که ولیّ آنها است هبه تمام شده بر آنها خمس واجب نیست چون صغیر هستند، و اگر در حال بلوغ

آنها بوده و قبض کرده اند بر آنها آخر سال واجب است و اگر اصلاً هبه نکرده و برای آنها ذخیره نموده بر خودش آخر سال واجب است مثل سایر ارباح.

س ۳۹۵- پدری، ملکی را در بین سال به فرزند خود بخشیده آیا خمس آن را باید بدهد یا نه؟

ج – دادن خمس او بر او واجب نیست و در صورتی که زائد بر مؤونه فرزند شد خمس آن بر فرزند لازم است. واللَّه العالم.

۲ – مهریّه

س ۳۹۶- مقداری باغ میمی به قیمت ۳۰۰۰ تومان مهریه و صداقیه بانویی بوده و این بعد از چند سال به مبلغ ۸۰۰۰ تومان فروش شده بفرمائید ارتفاع قیمت سوقیه آن خمس دارد یا نه؟

ج – مفروض سؤال خمس ندارد.

س ۳۹۷- در بعضی جاها معمول است که قبل و یا مقارن اجرا صیغه عقد ازدواج پولی (که در واقع مهر عاجل است) از طرف پسر به کسان دختر می دهند و کسان دختر هم متقابلاً با این وجه و حتی مقداری اضافه ضمیمه کرده و برای دختر جهیزیه می خرند غرض این است، در صورتی که سال ربح کسان دختر منقضی شود و هنوز این دختر را به خانه شوهر نبرده باشند و چیزی از این وجه باقیمانده باشد (در دست کسان دختر) آیا خمس آن باید داده شود یا نه؟

ج – اگر سال بر مهر گذشته، متعلق خمس نیست و اگر بر اضافه، سال گذشته صاحبانش باید خمس آن را بدهند و اگر مشکوک باشد آنها باید به مصالحه اقلاً عُشری(۱) بدهند. واللَّه العالم.

۳ – جهیزیه

س ۳۹۸- معمولاً در این محل جهیزیه را سال به سال تدریجاً تهیه می کنند بعداً به

دخترشـان می دهنـد به انـدازه شؤونـات خودشـان از منافع بین سال و این خمس نـدارد معلوم، و لکن آن دختر در منزل شوهر بعضـی از آنها را در ایام سال همیشه لازم دارد و کارش می زنـد و بعضـی از آنها را در سالهای بعد و موقع احتیاج کارش می زند و بسا می شود که لباسی است که بعد از دو سال یا بیشتر لازم می شود، یا بسا می شود که یک مرتبه می پوشد و کنار می گـذارد که مورد احتیاجش بپوشـد یا از قبیل لباس بچه گانه که هر موقع بچه دار شـد به او بپوشاند در این صورت خمس تعلّق می گیرد و این دختر باید بدهد یا خیر؟ و دیگر اینکه چنانچه پدر و مادر جنس خمس داده را اگر به اولادشان بدهند به عنوان جهیزیه یا غیر جهیزیه آیا در ید آنها هم دو مرتبه خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج – چنانچه همراه داشـتن اینگونه امتعه، پیش از وقت زفاف شـمرده شود ولو وقت اسـتعمال آن متأخر باشـد، داشـتن آن منشأ تعلق خمس نمی گردد، ولی اگر از ضـروریات پیش از وقت عروسـی محسوب باشد اگر در آن سال مورد حاجت نشد خمس تعلق خواهـد گرفت و پرداخت خمس از طرف پـدر و مادر وقتی که جنس نزد خودشان بوده برای دارایی جدیـد فرزند، کافی نیست. واللَّه العالم.

س ۳۹۹- جهیزیه که فرمودید در ظرف چند سال تهیه می شود خمس ندارد، آیا

---

(۱) یک دهم

اگر دختر کمتر از ده سال هم داشـته باشد می شود برایش جهیزیه تهیه نمایند یا باید اقلاً ده سال داشته باشد، تهیه جهیزیه برای پسر به حکم دختر است یا خیر؟

ج – آنچه متعارف در تهیه جهاز

است، اگر چه برای سنین کمتر از ده سال باشد خمس ندارد.

س ۴۰۰- زنی مقداری جهیزیه به خانه شوهر برده است در صورتی که بعض از آن جهیزیه را در بین سالی که به خانه شوهر رفته استعمال نکرد آیا باید خمس آن را بدهد یا نه؟

ج - اگر داشتن آنها عرفاً ضروری باشد و نداشتن آنها نقص حساب شود، خمس ندارد.

۴ - ارث

س ۴۰۱- پدری مرده از او خانه ای مانده و ورثه بعد از فوت سهم هر کدام ده هزار تومان می شده ولی نفروختند اکنون که قیمت آن سه برابر شده آنچه گران شده خمس دارد یا نه؟

ج - در مفروض سؤال خمس ندارد.

س ۴۰۲- بیست سال قبل ملکی که هزار تومان قیمت داشته به عنوان مهر و یا ارث به زنی منتقل شده اکنون آن زن ملک را به چهل هزار تومان فروخته تا به زیارت حج برود، آیا به اضافه قیمت خمس تعلق می گیرد یا نه؟

ج - به اضافه قیمت خمس واجب نیست و حج بر او لازم است. واللَّه العالم.

س ۴۰۳- ملکی به ارث، به انسان رسیده که در آن زمان قیمت نازلی داشته حالا به قیمت اعلی فروخته آیا به مازاد بر قیمت زمان انتقال، به او خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج - ارثیه مورد نمی شود چه عین آن و چه قیمت آن ولو به اعلی القیم فروخته شود.

س ۴۰۴- میتی که اهل دادن خمس بوده اگر ما یملک خود را بین ورثه اش به نحو وصیت تقسیم کند، و احیاناً بعض ورثه را نسبت به بعض دیگر امتیازی از مال قرار دهد یعنی به بعضی بیشتر از حصه مفروضه شرعاً

بدهد، آیا این گونه فایده که به وصیت نصیب وارث شده است خمس دارد، یا میراث است که خمس نداشته باشد، یا در مسئله تفصیل بین ثلث مال میت و زاید بر ثلث است؟

ج – در زاید بر حصه ارثی او، خمس متعلق می شود مثل سایر ارباح چه به مقدار ثلث باشد و یا زیادتر بوده و ورثه امضا کرده باشند. واللّٰه العالم.

س ۴۰۵- شخصی تصادف نموده و بر اثر آن، مبلغی به وارث آن به عنوان دیه و خون بها داده اند، چنانچه وصیت نموده آیا ثلث آن را هم باید وارث بدهد یا خیر؟ و خمس آن بر متوفی لازم است یا خیر؟ و نیز اگر از مخارجات سال وارث اضافه باشد خمس آن را بدهد یا حکم ارث دارد؟

ج – بر متوفی خمس واجب نیست و نسبت به وارث هم حکم سایر ترکه را دارد که اگر وصیت به ثلث کرده از آن برداشته می شود و متعلق خمس نیست مثل سایر آنچه که به ارث می رسد به ورثه.

س ۴۰۶- زنی وصیت کرده بابت ثلث، طلای زینت او را به مصرفی برسانند، ترقی قیمت طلا، خمس دارد یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال خمس ندارد.

س ۴۰۷- اشخاصی که در اثر تصادف با اتومبیل و غیره مقتول می شوند آن وجه و پولی را که صاحب ماشین یا بیمه و یا هر دو به بازماندگان مقتول می دهند، _

آیا آن بازماندگان، خمس آن پول را در حین گرفتن باید بدهند و یا در آخر سال خودشان؟

ج – موضوع سؤال در حکم ارث است و خمسی به آن تعلق نمی گیرد. واللّٰه العالم.

س ۴۰۸- معمول امروزه بنیاد شهید

پولی به بازماندگان شهید می دهد نمی دانیم دیه است یا مساعده و همراهی است، بعد از گذشتن سال، مازاد خمس دارد یا خیر؟

ج – بلی مازاد از مصروف آن خمس در آن لازم است.

س ۴۰۹- شخصی زمین و ملکی را که ارثیه به او رسیده آن را فروخته، مثلاً به مبلغ پنج هزار تومان همان عین پول را به جای دیگر زمین خریده که بعداً برای خود منزل سکونتی بسازد یا آنکه خریده برای تجارت، آیا مازاد بر پنج هزار تومان ارثیه خمس دارد بعد از فروش یا خیر؟

ج – بلی خمس مازاد را باید بدهد. واللَّه العالم.

۵ – سهم امام علیه السلام

س ۴۱۰- طلبه ای که مجاز و مقلد است مالی را که از بابت سهم امام علیه السلام گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید آیا خمس دارد یا نه؟ و هدیه و بذل خمس دارد یا نه؟

ج – عین سهم امام علیه السلام مبذول خمس ندارد و هدیه و بذل در فرض حلول حول بر آن متعلق خمس خواهد بود، واللَّه العالم.

س ۴۱۱- در مسئله فوق مراد از عین، خود همان جنس و خود پول است که از سهم امام علیه السلام گرفته شده یا اینکه شامل عوضش هم می شود یا نه؟ مثلاً کسی پولی که از سهم امام علیه السلام است می دهد جنس می خرد و یا آن پول را به بانک می گذارد و

یا به کسی قرض می دهد؟

ج – بلی مراد خود پول است نه عوض آن، ولی در فرض قرض و یا سپردن در بانک بقای خود پول محسوب است، واللَّه العالم.

مؤونهء مناسب شأن و برخی مصادیق آن

س ۴۱۲- مالی را که انسان به کسی می بخشد یا ماشینی می خرد

یا خانه ای برای خود می سازد و نظایر این موارد فرموده اید که اگر مناسب با شأنش باشد خمس ندارد، ضابطه و ملاک در شناختن آنچه که مناسب شأن مکلّف است چیست؟

ج - ملاک و ضابطه در شأن، موکول به نظر عرف است و گاهی شأن شناخته می شود به اینکه مردم، تو را بر این خرج و صرف مال نمودن، ملامت نکنند.

س ۴۱۳- بعضی از مردم اشیایی که در واقع یا قیمت، هیچ ندارد و یا اینکه ارزش مختصری دارد، به قیمت های گزاف می خرند و ذخیره می نمایند مثلاً تمبر پستی باطله مربوط به سالهای پیش و یا سکه های سلاطین سابق و غیره، بفرمائید آیا خمس آنها را به قیمت واقعی باید بدهد یا به پولی که خریده؟

ج - اگر داشتن آن از شئون عرفیه دارنده محسوب باشد در حکم مؤونه است که خرید آن با پول عایدی وسط سال خمس ندارد و اگر از شئون محسوب نیست اگر با پول وسط سال بخرد خمس ارزش فعلی آن، و اگر با پول سال گذشته باشد خمس همان پول بر او لازم است. واللَّه العالم.

س ۴۱۴- بعضی از مردم برای زینت و تشریفات منزل میز و صندلی می خرند در حدود ده هزار تومان یا بیشتر، و امثال اینها زینت های دیگر برای منزل، آیا

خمس دارد یا نه؟

ج - در صورتی که داشتن آن خارج از شأن آنان نباشد خمس ندارد. واللَّه العالم.

س ۴۱۵- شخصی ۱۴ رأس گوسفند برای استفاده از شیر و روغن آنها برای مصارف شخصی خود از منافع سال خریده، مستدعی است بفرمائید تخمیسش واجب است یا نه؟

ج - در مفروض سؤال اگر این طور از اعاشه

مرسوم و مناسب شأنش باشد خمس به آن تعلق نمی گیرد والّا در آخر سال به خود آنها به هر قیمتی که ارزش داشته باشد خمس تعلق می گیرد.

س ۴۱۶- اگر از یک دوره کتاب، جزئی از آن را قرائت کند آیا از تمام دوره استفاده کرده تا خمس از دوره کتاب ساقط شود، یا فقط نسبت به همان کتاب که خوانده خمس ساقط می شود؟

ج - اگر به حسب شأنش به آن کتاب احتیاج داشته باشد و نمی تواند یک جزء از آن دوره را به تنهایی بدست آورد به تمام دوره خمس تعلق نمی گیرد، یعنی اگر مشتری بخواهد یک جز را به تنهایی بخرد یک جزء از یک دوره کتاب را به تنهایی نمی فروشند در این صورت اگر یک جز از آن یک دوره کتاب را قبل از گذشتن سال بخواند خمس از تمام دوره ساقط می شود، ولی اگر هر جزء از یک دوره به تنهایی خرید و فروش بشود آنچه را که از این دوره قبل از گذشتن سال استفاده ننموده خمس به همان نسبت در او می باشد.

س ۴۱۷- اگر از کتابی ده صفحهء آن خوانده شود آیا می گویند که آن کتاب خوانده شده به نحوی که اگر سال بگذرد به او خمس تعلق نمی گیرد؟ یا چه مقدار از کتاب باید خوانده شود تا اگر سال بر او گذشت خمس به او تعلق نگیرد؟

ج - اگر در بین سال به خاطر احتیاج به خواندن این کتاب، از او بخواند خمس در او نیست.

س ۴۱۸- اگر دوستان به انسان عطری هدیه بدهند که انسان استفاده کند و بعد از سال خمسی مقداری از آن بماند، آیا باید

از آن مقدار خمس داد؟

ج - اگر بر خود آن عطر سال بگذرد بر آنچه از آن باقی مانده خمس تعلق می گیرد و سال خمسی آن بخصوص خودش است.

س ۴۱۹- کسانی که تلویزیون خریده اند و از آن استفاده می نمایند با وضع فعلی ایران که خیلی فرق دارد با زمان طاغوت، آیا خمس تلویزیون را بدهد یا نه و همچنین رادیو.

ج - در فرض مزبور اگر از ارباح سال فعلی خریده بود خمس ندارد. واللَّه العالم.

س ۴۲۰- خرید و فروش رادیو در صورتی که منفعت محلله و محرمه دارد جایز است یا خیر؟ و در صورت جواز، خمس آن واجب است یا خیر؟

ج - خرید و فروش آن جایز است و اگر داشتن آن از مؤونه حساب شود دادن خمس پول خرید آن اگر در سنه ربح باشد واجب نیست.

س ۴۲۱- خریدن ضبط صوت برای گفتار دانشمندان و اشعار مذهبی که استفاده کند جزو مؤونه است یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال که در أمر راجح مراعی(۱) می شود جزو مؤونه محسوب است.

س ۴۲۲- اشخاصی که در تابستان در یک بلد و زمستان در بلد دیگر زندگانی می کنند و علی الظاهر در هر دو بلد محل مسکونی لازم دارند بفرمائید هر دو منزل

---

(۱) - به کار برده، در نظر گرفته

جزو مؤونه است یا نه؟

ج - بلی جزو مؤونه است.

س ۴۲۳- زیدی از عایدی سال دو دستگاه اتومبیل سواری خریده و به دو فرزند خود که یکی از آن دو شاگرد مدرسه دولتی می باشد بخشیده، آیا این دو اتومبیل جزو مؤونه سال محسوب است تا اینکه پدر از پرداخت خمس آن معاف باشد یا نه؟

ج – بلی

معاف می باشد. واللّه العالم.

س ۴۲۴- این جانبان برادران بیگی با داشتن منزل مسکونی از نظر ازدواج احتیاج به منزل جدیدی داشتیم و در حدود ۷۰ هزار تومان مخارج این منزل جدید کرده ایم لکن چون هنوز ازدواج نکرده ایم استفاده سکونتی از ساختمان این منزل جدید نکرده ایم ولی به واسطه آمدن سیل در حدود ۲۰ روز یا یک ماه احتیاج به این منزل پیدا کرده و در آن ساکن شده ایم آیا با این استفاده سکونتی که منزل قبل از گذشتن سال کرده ایم باز هم تخمیس این منزل بر ما واجب است یا خیر؟

ج – در فرض مزبور خمس ندارد. واللّه العالم.

س ۴۲۵- شخصی گوسفندهایی از درآمد خود خریده برای اعاشه، و مدتی از آنها استفاده نموده است و اکنون آنها را برای تشرف به مکه فروخته است خمس آنها واجب است یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال خمس واجب نیست.

س ۴۲۶- کسانی که گوسفند یا ماشین برای انتفاع دارند نه تجارت، آیا باید هر سال تقویم و اضافه قیمت را خمس بدهد و اگر چه اصل گوسفند یا ماشین کمتر شده باشد مثلاً صد رأس گوسفند را قیمت آن ۵۰ هزار تومان است خمس کرد و

بعد در سال آینده ملاحظه شد که گوسفند ۵۰ عدد است ولکن قیمت صد هزار تومان، آیا ترقی قیمت را باید خمس بدهد یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال که برای انتفاع بوده است نه تجارت، خمس ندارد.

س ۴۲۷- افرادی که در ادارات دولتی یا ارتش خدمت می کنند یا اینکه اطمینان ندارند که چند سال در یک محل بمانند اگر چه احتمال می رود که مدتی مدید هم آنها را از آنجا انتقال

ندهنـد (غیر موطن اصـلی) اگر از پس انداز بین سال خود منزلی مسـکونی بخرند آیا خمس این منزل را باید بدهند یا از مؤونه سالیانه آنها حساب می شود؟

ج - در صورتی که منزل مسکونی ملکی، محل حاجتشان باشد و از ارباح سال خریده شود خمس ندارد.

س ۴۲۸- اشخاصـی که در دهات زنـدگی می کنند از برای امرار معاش محتاج به یک مقدار زمین زراعتی و باغسـتان هسـتند ارض موات را احیا می کننـد یا خریـداری می نماینـد و قصـد فروش ندارنـد بلکه می خواهنـد همه ساله از گندم و حاصل باغ استفاده کنند، آیا اصل زمین و باغ و یا اشجار و نمای آن خمس دارد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال خمس ندارد ولکن به شـرط آنکه در حین خریدن و یا احیا و یا غرس مورد اسـتفاده مؤونه او باشد مثلاً در همان سال خریـد زمین، زراعت کنـد و یا آن باغ، ثمره مصـروفه در مؤونه داشـته باشد و الّا باید خمسِ قبلِ سالِ اسـتفاده را بدهد.

س ۴۲۹- معمولاً در دهات چون دکاکین بقالی و یا قصابی نـدارد یا بر فرض داشـتن اشـخاص احتیاج به باغسـتان دارند که از علفش بلوار ببندند و از ثمره و حاصل باغ امرار معاش کنند و از حاصل استفاده نمایند آیا این مقدار باغستان جزو

مؤونه است که خمس نداشـته باشـد، و مثـل منزل سـکونتی و جزو لوازمـات منزلی حساب می شود، یا اینکه بایـد از اصـلش با نمای متصله و منفصله و از مخارج تعمیر بستان، خمس باید داد؟

ج - اگر احتیاجش به نفس حاصل آن رفع می شود آن باغ مانند خانه مسکونی جزو مؤونه است و خودش و حاصلش آنچه

که صرف می شود مورد تعلق خمس نیست، و اگر با فروش حاصلش رفع حاجت معیشت شود مانند سرمایه است که باید حکم آن را بر او جاری ساخت. واللّٰه العالم.

س ۴۳۰- بفرمائید آیا در تخمیس املاک فرقی است بین اینکه استفاده آن املاک تمامش به مصارف عینی شخصی برسد یا مثلاً بعضی از محصول را مصرف شخصی و بعضی را فروخته و در بقیه امور معاشی مؤونه مصرف کند، یا اصلاً مقداری از آن محصولها زاید بر مؤونه بوده که تخمیس آن مقدار محصول در آخر سال لازم است، و بر فرض لزوم تخمیس در بعضی صور آن، قیمت خرید اصلی کافی است یا قیمت فعلی معتبر است؟

ج - هر مقداری که به عین ثمر آن گذران می کند جزو مؤونه است و خمس متعلق نمی شود و هر مقداری که به فروش ثمر آن زندگانی می کند حکم سرمایه را دارد که معادل مصرف سال مستثنی است و بقیه متعلق خمس است به قیمت فعلی، و ثمر آن حکم سایر ارباح را دارد. واللّٰه العالم.

س ۴۳۱- زیدی مقداری زنبور عسل تهیه نموده و یا خریده است بفرمائید سر سال وظیفه زید راجع به خمس آنها چیست؟ زیرا امکان دارد این زنبورها و یا بعض آنها بروند و برنگردند و گاهی این مطلب واقع شده است.

ج - اگر برای مصرف عین عسل آنها در زندگی خودش است خمس به آن

متعلق نیست، و اگر برای فروش عسلش و صرف ثمن آن در معیشت است، حکم سرمایه های دیگر کسب را دارد. واللّٰه العالم.

س ۴۳۲- از استفتاء شما استفاده می شود که مقداری از گوسفندهای زارع که مورد مصرف خوراکی او است

و از ارباح بین سال استفاده شده متعلق خمس نیست و گوسفندهایی که از منافع آنها تحصیل بقیه امور معاشی مثل خریدن لباس و گندم و غیره می شود متعلق خمس است، آیا این استفتاء صحیح است یا نه، ضمناً عرض می شود که اگر زارعی از منافع بین سال چند رأس بره برای آنکه خورده شوند تربیت کرده و بعد از یک سال یا دو سال که گذشت شیرده شده و مورد مؤونه مصرفی خوراکی او واقع شدند، اگر چه در این مدت استفاده جزئی از پشم آنها برای لباس یا فرش یا پشکل آنها برای سوخت کرده لکن هدف اصلی او از نگاه داشتن شیرا شدن آنها بوده بفرمائید آیا آن بره ها باید تخمیس شود یا نه؟ و بر فرض وجوب تخمیس قیمت فعلی بره ها باید لحاظ شود یا قیمت آن سال که متعلق خمس شده اند و تخمیس نکرده مورد مؤونه خود قرار داده است باید منظور شود؟

ج - بلی استفاده مذکور صحیح است و در مورد سؤال اگر طوری باشد که استفاده از پشم و غیره صدق مؤونه بکند کافی است و خمس ندارد اگر چه مقصد اصلی شیر بوده و الّا متعلق خمس می شود و باید قیمت فعلی آنها منظور شود. واللَّه العالم.

س ۴۳۳- آیا اراضی که در سال خرید مورد بهره برداری (انتفاع) قرار گرفت یعنی آن را مورد زراعت قرار دادند و همچنین آبی که جهت زراعت خریداری شده و در همان سال مورد انتفاع زراعی قرار گرفته است با توجه به اینکه امرار معاش صاحب زمین و آب از زراعت می شود، تا چه قدر قابل اعفاء از خمس خواهد بود؟

—

ج

– حکم سرمایه را دارد اگر مقصود امرار معاش به فروش درآمد آن باشد و اما اگر به عین منافع آن زندگانی می نماید حکم مؤونه را دارد که علی ایّ تقدیر متعلق خمس نیست. واللَّه العالم.

س ۴۳۴- زیدی ملک مزروعی را به فرزند خود بخشیده و این فرزند که موهوب له است در این زمین مثلاً از قبیل گندم، جو، چغندر قند، سیب زمینی، لوبیا، خربزه، هندوانه، و غیره می کارد. و از مجموع عوائد زمین آنچه را که مصرف خوراکی خود می کند بقیه را می فروشد و زندگانی خود را اداره می نماید و پس از تمام شدن سال اگر چیزی اضافه ماند مخمّس می کند، با این تفصیل آیا اصل این ملک خمس دارد یا نه؟ در صورتی که موهوب له غیر از عوائد این ملک سرمایه و راه دخل و استفاده ای ندارد.

ج – نسبت به آن مقداری که معاش او و سایر ما یحتاج او توقف دارد متعلق خمس نیست و زیاده بر او خمس دارد. واللَّه العالم.

س ۴۳۵- مقدار پنج هزار تومان مثلاً خوراکی در سر سال مخمّس نموده و در بین سال مصرف کرده، سال بعد معادل پنج هزار تومان خوراکی اضافه دارد، باید خمس بدهد یا خیر؟

ج – در صورتی که معادل آن پنج هزار تومان در حین صرف آن در مؤونه موجود بوده خمس ندارد و اگر موجود نبوده خمس دارد و استثنا نمی شود.

س ۴۳۶- زیدی از عایدی بین سال ماده گاو یا گوسفند برای استفاده از شیر آن خریده، موقع حسابِ سالِ خمس، آن گاو آبستن بود و شیر نداشت آیا باید خمس آنها را بدهد یا نه بر فرض وجوب

خمس قیمت خرید یا ارزش روز را منظور نماید؟

ج - اگر تا آخر سال آن عایدی که به آن خریده شده مورد استفاده شود متعلق

خمس نیست، و الّا باید به قیمت آخر سال تخمیس شود.

س ۴۳۷- زیدی ۵۰ رأس گوسفند در ظرف چند سال جمع آوری نموده و امرار معاش می نماید و قیمت آن ده هزار تومان است و اگر بخواهیم به اندازه مؤونه هر سال، سال به سال کسر کنیم مقدار گوسفند کمتر از مؤونه است و اگر بخواهد خمس بدهد در عسر و حرج قرار می گیرد.

ج - زاید بر مؤونه سال آخر را باید تخمیس کند و هر گاه موجب عسر و حرج است دست گردان بشود.

س ۴۳۸- این بنده در تخمیس اموالم سابقاً زمین زراعتی که کلّاً حدود ۱۵۰۰۰ تومان، بوده به عنوان مصالحه در ضمن بقیه اموالم با وکیل شما به حساب درآورده ام، و در سال قبل بعضی از این زمین فوق که ارتفاع قیمت سوقیه پیدا کرده بود به مبلغ ۱۵۰۰۰ تومان فروخته و با مبلغ ۱۹۰۰۰ تومان زمین دیگری خریده ام و فقط خمس ۴۰۰۰ ما به التفاوت را تخمیس کردم، و از آن تخمیس شده اولی فوق به واسطه ارتفاع قیمت سوقیه شاید در حدود ۱۵۰۰۰ تومان دیگر یا زیادتر هنوز باقی مانده است، لذا عرض می شود بفرمائید خمس دیگری از بابت بقیه زمین سابقی و زمین جدید به عهده من می باشد یا نه؟ و البته معلوم باشد که زمین های فوق مورد زراعات غیر مؤونه می باشد.

ج - آنچه که در فروش زمین اول منفعت کرده ای از ارباح سال فروش شمرده می شود پس هر مقداری از آن که تا آخر سال

بمانـد خمس آن را بایـد بـدهی، و هر چه در آن سال صـرف مؤونه کرده ای خمس ندارد، و هر چه در چیزی که مؤونه نبوده صرف شده است در آن سال باید خمس آن چیز را به قیمت فعلی بدهی، و اما زمین دوم که برای نگه داشتن و زراعت در آن نیز خریده ای پس معادل چهار هزار تومان

که از ارباح اثنای سال صرف آن زمین شده به قیمت فعلی خمس آن را باید بدهد.

واللَّه العالم.

س ۴۳۹- زیـدی شـغلش بنایی است زمین می خرد خانه می سازد و بعد از ساختن خودش در آن می نشـیند و هر وقت مشتری پیدا کند این خانه را که سـکنی کرده می فروشد باز یک زمین دیگر می خرد و خانه می سازد باز در آن خانه سکنی می کند و غیر از این خانه سـرمایه یا خانه دیگری ندارد، بفرمائید سـر سال که می رسد با اینکه در خانه چنینی سکنی کرده باید خمس این خانه را بدهد، یا این از مؤونه است و خمس ندارد، مورد ابتلا است.

ج - در مفروض سؤال خمس ندارد.

مصادیق ربح

س ۴۴۰- اگر عین خمس داده را مصرف نماید و به جای آن عین دیگری بگذارد، می فرمائید خمس آن را بدهد چنانچه پول مخمس خود را در بانـک گـذارد و در بین سـال محتـاج شـد و مبلغ خود را از بانـک گرفت و خرج کرد، بـاز هم در بین سال همان مبلغ را کسب نمود در بانک گـذاشت، آیا آخر سال این مبلغ خمس دارد یا خیر؟ چون پولهایی که در بانک است دائماً در تحویل و تحول است.

ج - بلی در مثل مورد سؤال خمس مقدار دومی را

نیز باید سر سال آن بپردازد.

س ۴۴۱- بنده چهار سال قبل سرایدار مدرسه بودم چون اطمینان به ماندن در آنجا نداشتم منزلی خریدم، و بعداً که در سرایداری باقی ماندم نتوانستم استفاده سکونتی از آن بنمایم فقط بعد از خرید تا یک سال اول اثاثیه خودم را در یک اطاق از آن منزل گذارده بودم و بقیه را به اجاره دادم تا امسال که به شغل دیگری منتقل

شده ام باز به آن منزل احتیاج پیدا کرده ام مستدعی است بفرمائید این منزل مورد خمس واقع شده است یا نه؟

ج - در مفروض سؤال آن منزل مورد خمس است مگر مقدار یک اطاق که مخزن اثاث خود قرار داده بودید اگر مورد حاجت بوده. واللّه العالم.

س ۴۴۲- زیدی سر سال حساب می کند مازاد از مخارج را جهت تعیین وجوهات لکن مثلاً مقداری جنس (گندم یا جو یا غیره) سلف خریده که هنوز موعد تحویل جنس نرسیده است بفرمائید آیا پولی را که قبلاً بابت خرید معامله سلفی پرداخته باید از لحاظ خمس حساب کند یا قیمت روز آن جنسی که موعد تحویل آن نرسیده.

ج - در صورت مزبوره خمس قیمت آن جنس را سر سال به قیمت فعلی آن بدهد.

س ۴۴۳- زیدی در آخر سال جهت پرداخت خمس به موجودی خود رسیدگی نموده و چون در مقابل چیزهایی که در منزل مثلاً دارد به همان مقدار یا بیشتر بدهی به اشخاص داشته، بنابر این خمس نداده در صورتی که همان اشیاء لباس نپوشیده و غیره تا آخر سال آینده به همان حال و استعمال نشود ولی پس از انقضای سال دو بدهی به اشخاص نداشته باشد، آیا باید

خمس آن لباس و غیره را بدهد یا خیر؟

ج – بلی باید بدهد در مفروض سؤال. واللَّه العالم.

س ۴۴۴- شاگردی در یک سال از حقوقش سرمایه ای پس انداز کرده که آخر سال که خواست در سال آتیه برای خودش کاسبی کند احتیاج به آن سرمایه دارد تا بتواند مؤونه سالیانه اش را فراهم کند، آیا خمس بر او واجب نیست یا این سرمایه مذکور باید منفعتی باشد که یک مرتبه به انسان رسیده باشد، و مقتضی است که

بفرمائید اگر از سرمایه مذکور در سؤالهای فوق خمس را بدهد باز هم با بقیه آن می تواند کاسبی کند اینجا هم تخمیس واجب است یا نه؟

ج – در مفروض سؤال که بر مبلغ پس انداز یک سال گذشته باید خمسش را پرداخته و مابقی را سرمایه قرار دهد. واللَّه العالم.

س ۴۴۵- حضرت عالی مستحضر هستید که بعضی از اجناس کوپنی شده و برای اخذ آن اجناس احتیاج به کوپن و دفترچه بسیج اقتصادی است، حال سؤال این است که این کوپنها و دفترچه ها را در بازار آزاد می خرند آیا اگر به اینها سال بگذرد مانند اوراق بهادار مشمول خمس می گردد یا خیر؟

ج – طبعاً عایدی بهاداری که در مصرف سال صاحب آن، مصرف نشود و بماند مورد تعلق خمس خواهد شد. واللَّه العالم.

س ۴۴۶- شخصی ۴۰۰۰ تومان از بابت اجاره زمین موقوفه که وجه الاجاره از ۵ سال قبل است تا امسال بدهکار است و علت نپرداختن وجه، نگرفتن موقوف علیهم می باشد، و لکن ایشان با این وجه گوسفندهایی خریده و از آن گوسفندها بره هایی تولید شده و قصدش این بوده که هر وقت موقوف علیهم وجه فوق را

مطالبه کنند فوراً گوسفندها را فروخته و قرضش را بدهد، بفرمائید این ۴۰۰۰ تومان فوق که فعلاً به صورت گوسفند به نحوه فوق است خمس دارد یا نه؟

ج - بلی آنچه را که با ربح سال بر آن گذشته خریده است خمس پول خرید آن را فعلاً بدهکار است، و آنچه که با ربح سال بر آن نگذشته خریده است خمس قیمت فعلی آن را سر سالش بدهکار است، و هر چه از قسم اول با فروش، ربح نمود ربح آن فایدهء سال فروش آن محسوب و حکم آن را دارد. واللَّه العالم.

س ۴۴۷- زیدی در خارج از مسافت شرعیه منزلی خریده که فرزندش که شاگرد

مدرسه دولتی است کرایه منزل ندهد، خود زید شاید هفته ای یک دفعه به آن محل و آن منزل برود، بفرمائید آیا خمس این منزل را باید بدهد یا خیر، و در صورت وجوب خمس قیمت خرید را حساب کند یا ارزش روز را حساب کند؟

ج - در مفروض سؤال مؤونه محسوب نمی شود، و اگر در اثنا سال خریده ارزش روز آن محسوب می شود، و اگر به ربحی که سال بر آن گذشته خریده قیمت خریدش محسوب است.

س ۴۴۸- زیدی منزلی در کنار شارع عام دارد و چون بنا بوده خیابان توسعه داده شود زمین دیگری خریده که منزل بسازد برای سکونت خود، اتفاقاً توسعه خیابان موقتاً تعطیل شده آیا تکلیف زید در آخر سال خود راجع به خمس زمین ابتیاعی، و یا منزل ثانوی چیست؟ و آیا به قیمت خرید خمس بدهد یا ارزش روز؟

ج - در صورتی که زمین با ارباحی که سال بر او گذشته خریده اید خمس قیمت

خرید را بدهید و اگر از ارباحی که سال بر او نگذشته خریده اید باید خمس قیمت فعلی را بدهید.

س ۴۴۹- شخصی زمینی خریده به مبلغ معین، معمولاً- چون زمینی یا ملکی خرید و فروش می شود حکومت هم مالیات می گیرد، چون آخر سال شود که شخصی می خواهد سرمایه کسب خود را حساب نماید، وجهی که به زمین برای خرید آن داده حساب می کند، آیا وجهی که برای مالیات داده آن را هم حساب نماید و خمس آن را بدهد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال خمس قیمت آخر سال زمین را باید بدهد.

س ۴۵۰- شخصی احتیاج به کتاب دارد برای مطالعه به واسطه گرفتاری نمی رسد به مطالعه آن کتابها، سالگرد می شود، آیا باید خمس آنها را بدهد؟

ج - بلی دادن خمس برای آن لازم است. واللَّه العالم.

س ۴۵۱- کتابی که یک سال بدون آن که خوانده شود نزد شخصی می ماند آیا خمس به او تعلق می گیرد؟

ج - بله خمس به او تعلق می گیرد.

س ۴۵۲- شخصی از طلبه ها یک دوره کتاب مانند دوره کتاب تفسیر المیزان را از درآمد سالش می خرد تا اینکه در آینده از آن دوره کتاب استفاده کند و احتمال می دهد که اگر نخرد ممکن است در آینده قدرت بر خریدنش را نداشته باشد حال بر این دوره کتاب سال گذشته و آن شخص از آن دوره کتاب هیچ نخوانده آیا خمس بر او تعلق می گیرد؟

ج - بله خمس به او تعلق می گیرد.

س ۴۵۳- اگر شخصی سنّی بعضی از کتابهای اهل تسنن را از قبیل کتابهای حدیث یا تاریخ و تفسیر را به ما هدیه دهد و بدون آنکه از آن کتابها قرائت

کنیم سال بر آنها گذشت آیا خمس آنها واجب است؟

ج – بله خمس این کتابها بر شما واجب است.

خمس درخت و نموّ آن

س ۴۵۴– بنا به اظهار بعضی از باغدارها و درخت میوه کارها، درخت میوه را اگر بعد از سال پنجم یا ششم از جای خود بکنند و در جای دیگر بکارند یا خشک می شود و یا از ترقی می ماند بنابر این، نموّ درختان میوه را از جهت خمس چگونه باید تعیین نمود؟

ج – قیمت کردن درخت به جهت نموّ آن در همان حال بودن در باغ است نه

بعد از کندن آن.

س ۴۵۵– در سال جاری بر اثر بارندگی زیاد و کثرت سیل خسارات زیادی به مردم رسید، من جمله باغی را آب برد که اشجار آن سپیدار و بید و چنار و غیره بوده و چنین رسم است که بعد از قلع کردن آن اشجار خمس آن را می پردازند و هر سال نموّ آن را حساب نمی کنند، آیا اشجار نامبرده که بعضی از آنها بدست آمده و بعضی از بین رفته خمس همه اشجار اعم از موجود و مفقود، یا اشجار موجود باید خمس داده شود، و نسبت به اشجار مفقوده برائت ذمه حاصل است، یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال که خمس آنها را نداده باید همه را بدهد.

س ۴۵۶– شخصی اشجار غیر مثمره از قبیل درخت سپیدار و غیره غرس نموده، موقع انداختنش شد، می خواهد بفروشد سال به سال از تمامش خمس نداده و حالیه یک مقدار از این چوب را لازم دارد از برای ساختمان سازی که مورد احتیاجش می باشد، و یک مقدار را هم می خواهد صرف و خرج مسجد بنماید، و یک مقدار

را هم می خواهد از قیمتش صرف و خرج مؤونه نماید، و مابقی می رود روی سرمایه اش و خمس آن را از سرمایه می دهد، آیا آن سه قسم مصارف اول هم خمس دارد یا خیر جزو مؤونه حساب می شود که خمس نداشته باشد؟

ج – در مفروض سؤال خمس تعلق می گیرد، فقط به مقدار قیمت نموّ سال صرف استثنا می شود و خمس بقیه را باید بدهد.

س ۴۵۷- در باب خمس، درخت میوه دار که می فرمائید نموّ آن را بدهند، دو جور درخت میوه دار قیمت می شود، یک وقتی است به عنوان درخت بودن درخت قیمت می شود که باید به همین زمین ثابت بماند، یک وقتی به عنوان کُنده و چوب بودن قیمت می شود که در این دو فرض قیمت تفاوت می کند منظور کدام قیمت است؟

—

ج – منظور همان صورت اولی است.

س ۴۵۸- اشجاری که در زمین ها غرس می شود و به صورت باغ درمی آید در مقام تخمیس چگونه باید حساب کرد؟ آیا قیمت آنها را از حیث وزن به صورت هیزم باید حساب کرد، یا قیمت آنها را به صورت درخت تازه نامی ثابت در زمین، یا قیمت آنها را به صورت درخت ریشه دار خارج از زمین که قابل غرس در محل دیگر است؟ زیرا این سه قسم اختلاف قیمت فراوان دارد.

ج – درختها را به حال فعلی باید قیمت کرد. واللّٰه العالم.

س ۴۵۹- زیدی از مجتهدی تقلید می کرده که خمس نموّ متصله شجره مثمره را واجب نمی دانسته اند، و بعد از رحلت آن بزرگوار مقلد حضرت عالی می باشد ولی مسئله شماره ۲۸ کتاب خمس منهاج را نمی دانسته، یعنی در سؤال کردن کوتاهی کرده و جاهل مقصر است، بفرمائید آیا این زید

بایـد خمس تمام نموّهای متصـله این درخت میوه را بدهـد، یا خمس همان مقدار از سالی که مقلد حضـرت عالی شده و شـما قائل به خمس می باشید؟

ج – باید تمام را بدهد.

ربحهای متعدد

س ۴۶۰- اشخاصـی که عوایـد مختلفه دارند مثلاً جو، گندم، پنبه، علف، چغندر قند و غیره که بدست آوردن هر کدام از آنها مـدتی مدیـد با دیگری فرق دارد، آیا می توانند خمس هر یک از این عواید را علی حده بدهند، یا برای مجموع روی هم رفته یک سال قرار بدهند، مثال اگر از علف خشک سال گذشـته چیزی تا موقع چیدن علف سال نو باقی بماند خمس آن را بدهد، و همچنین گندم و جو و غیره تا

بدست آمدن محصول در سال بعد؟

ج – مفروض سؤال که سال گذشـته را تأخیر بینـدازد جایز نیست و عکس مانعی نـدارد و اما اگر برای هر کـدام جداگانه سال قرار بدهد اشکالی ندارد.

س ۴۶۱- کسـی که سال معین نموده می تواند برای بعضی منافع که تدریجی حاصل می شود برای هر کدام سال معین کند، و یا سر سال همه را خمس بدهد؟

ج – می تواند برای هر منفعتی سال معلوم کنند.

س ۴۶۲- افرادی که تاریـخ معینی برای تخمیس درآمدهای سـنه خود اختیار کرده اند قهراً در این تاریخ معین بر بعضـی منافع آنها سال نگذشـته، آیا می تواننـد در این وقت معلومی که برای سال دارنـد آن بعض منافع مذکور را تخمیس بلکه تا آن موقع معلوم نرسیده مصـرف در احتیاجات مؤونه خود بنمایند، و در صورت جواز با علم به مسـئله چه بسا حاضـر به تخمیس نباشند، آیا اعلام آنها واجب است یا نه و می شود وجوه آنها را

قبول کرد یا نه؟

ج – در صورتی که سال بر آن مقدار از ربح نگذشته و سال مجموع برسد می تواند خمس آن مقدار را که سال بر آن نگذشته تخمیس ننموده در مؤونه خود صرف نماید، و در صورتی که ارباح متنوعه داشته باشند می توانند برای هر کدام سال علی حده معین نمایند. واللَّه العالم.

س ۴۶۳– آیا سیر و پیاز و سیب زمینی از قبیل تولد است یا نموّ؟

ج – از قبیل تولد است.

س ۴۶۴– زیدی اول رمضان اول سال او است و عازم سفر مکه است مخارج بعد از رمضان چه به کاروان و چه در مورد دیگر که مصرف می کند آیا از منافع قبل از رمضان استثنا می شود یا نه؟

ج – در مفروض سؤال از منافعی که سال بر آن نگذشته باشد مانند منافع رجب می تواند صرف کند، چون برای هر منفعتی سال مستقل می شود تعیین کرد.

مؤونه تدریجی

س ۴۶۵– این بنده چند سال قبل زمینی خریدم ۹ هزار تومان، بعد از دو سال با قرض از بانک ساختمانی ساختم و از ناعلاجی پول بانک، دو سال به اجاره دادم در حالتی که خودم مستأجر بجای دیگری بودم، و در سال پنجم که سال جاری است خودم به این منزل ساکن شده ام و لکن قیمت خیلی بالا رفته است و چون من ۱۲ نفر عائله هستم و وضع مالیم به طوری است که اگر دو روز به کار نروم، خرجی زندگی ندارم تقاضا دارم راجع به خمس این منزل با حقیر مراعاتی بفرمائید.

ج – اگر بر مبلغ نه هزار تومان که زمین مزبور را خریده اید یک سال گذشته بوده قیمت خرید زمین را باید تخمیس

کنید، و اگر سال بر آن نگذشته بوده قیمت فعلی زمین را باید تخمیس نمایید، و هم چنین قیمت ساختمان را اگر از ارباحی داده اید که سال بر آن گذشته بوده باید همان مقدار را تخمیس کنید، و اگر از ارباح اثنای سال داده اید قیمت ساختمان فعلی را باید تخمیس نمایید.

س ۴۶۶- زمینی که احتیاج برای امرار معاش به آن دارد و از ربح بین سال خریده شده، و لکن در سال اول فقط شیار کرده است که مقدمه مهیا شدن زمین است برای زراعت آتیه، آیا جزو مؤونه است و خمس ندارد یا اخراج خمس واجب است؟ و حیواناتی که احتیاج به آنها برای امر معاش دارد ولی در سالهای اول نگاهداری آنها استفاده از آنها نمی شود مثل کرّه اسب و استر و غیر آنها آیا خمس ندارد یا باید خمس آنها را داد؟

ج - باید خمس زمین و حیوانات را بدهد. واللَّه العالم.

س ۴۶۷- زیدی زمینی می خرد برای ساختن منزل مسکونی با پول غیر مخمّس، موفق به ساختن نمی شود بعد از چند سال می فروشد، و فوری در وسط سال خمس خود منزل مسکونی می خرد ولی فروشنده تا سر سال خمس، تخلیه نمی کند که سکنی بگیرد، آیا باید خمس منزل را بدهد یا نه؟

ج - بلی باید به قیمت فعلی خمس آن را بدهد. واللَّه العالم.

س ۴۶۸- شخصی زمینی خریده برای خانه از درآمد بین سال ولی نتوانست خانه بسازد، آیا خمس آن را باید بدهد یا نه؟ و بر فرض اول، قیمت سابق معتبر است یا قیمت حال؟

ج - در مفروض سؤال خمس قیمت فعلی را باید بدهند.

س ۴۶۹- اگر کسی سالیانه به

تدریج وسایل ساختمانی خانه مسکونی خود را تهیه می کند، به آنها خمس تعلق می گیرد یا خیر؟

ج - آنچه از ارباح خود در وسایل ساختمان یا خرید زمین صرف می کند چنانچه یک سال بر آن تا زمان سکونت نگذشته خمس ندارد و الّا لازم است تخمیس شود. واللَّه العالم.

س ۴۷۰- کسی که کارمند دولت و ماهیانه حقوق می گیرد، و تدریجاً وسایل زندگی خود را از قبیل خانه و لوازم آن به اقساط خریداری می کند، و با این حساب تا چند سالی خود را مدیون بانک و اشخاص می بیند زیرا ماهیانه در ضمن مخارج روزمره، مبالغی هم به عنوان دین اقساطی خود می پردازد، در نتیجه در عرض سال خمسی خود چیزی که اضافه و پس انداز حسابی باشد ندارد غیر از همین اشیای موجوده و قدری از بقایای خواربار و خوراکی از قبیل چای و قند و غیره مثلاً، آیا

اینگونه اشخاص رسیدگی به سال خمسی آنها فقط به همان زیادی از بقایای خوراکی تعلق می گیرد، یا به مقدار یکه از خانه و لوازم آن مالک شده اند، یا آنکه باید صبر کنند تا پس از سپری شدن تمام مدت اقساط، که دیدند پس از گذشت مدتی عجالتاً دارای خانه و زندگی و وسایلی شده اند، یا به کلی به اینها خمس تعلق نمی گیرد؟ لطفاً حکم آن را بیان فرمائید.

ج - آنچه را از ارباحی خریده اند که سال بر آن گذشته لازم است قیمت خرید آن را تخمیس نمایند اگر چیزی را که خریده از مؤونه باشد، و آنچه را از ارباح اثنای سال خریده مورد تعلق خمس نیست، و آنچه را که به اقساط می خرد اگر از مؤونه باشد

اگر دین آن را در اثنای سال می دهد مورد تعلق خمس نیست، و اگر از ارباحی می دهد که سال بر آن گذشته لازم است خمس آن را بدهد، و اما دیون سابقه اگر بدلش موجود است و از مؤونه نیست باید خمسش را بدهد و الّا خمس آن هم لازم نیست.

س ۴۷۱- بعضی از اهل ایمان به داعی(۱) مراجعه می کنند که وضع زندگی اینها فقیرانه است چون خانه سکونتی ندارند و با شغل ضعیفی که دارند با قناعت زندگی می کنند، اما زمینی برای ساختن خانه فراهم می کنند و همین طور به مرور وسایل ساختمانی از قبیل آجر و چوب و سایر مایحتاج ساختمان را فراهم می کنند خلاصه این خانه را به مرور سالها روی قناعت و مشقت و صرفه جویی از درآمد بین سال فراهم می کنند آنگاه بخواهند خمس چنین خانه را با این درآمد ضعیف بدهند ملاحظه می فرمائید که چه می شود، با این کیفیت که عرض شد در باب خمس چنین خانه، چه می فرمائید؟

---

(۱) دعاگوی شما

ج – در صورت مفروضه آنچه از مصالح که سال بر آن گذشته مورد تعلق خمس است، و در صورتی که تمام آن را نمی تواند بپردازد به تدریج و اقساط باید تأدیه نمایند.

س ۴۷۲- زیدی به قصد ازدواج می باشد و لوازمات خانه در یک سال نمی تواند تهیه نماید، و دو فرش خریداری نموده که فعلاً استفاده نمی کند، تا بقیه لوازمات خانه را گرفته و بعداً ازدواج نماید و خانه هم ندارد، مقتضی است بفرمائید اخراج خمس از این دو فرش که خریداری نموده و بقیه لوازمات از هر قبیل که سال بگذرد واجب است یا نه؟

ج – لوازم زندگی آنچه

که به منظور استعمال آنها در ایام احتیاج تهیه می شود مانند فرش و ظروف مورد حاجت، تا مورد استعمال در سال تهیّهء آن قرار نگرفت و سال بر آن گذشت خمس آن لازم است. واللَّه العالم.

س ۴۷۳- اشخاصی که از ربح امسال وجهی را به جهت اعمال حج به دولت پرداخته اند قرعه به نام ایشان جهت امسال نیفتاد چند سال تأخیر افتاده اگر وجه را بگیرند مصرف کنند باز باید انتظار وقت داشته باشند، آیا موفق بشوند یا نه ناچارند وجه پرداخت شده را پس نگیرند آیا چنین وجهی باید مخمس شود یا نه؟

ج - در مفروض سؤال که می تواند آن وجه را پس بگیرد لازم است در سر سال خمس آن را بپردازد. واللَّه العالم.

چیزی که از مؤونه خارج شده

س ۴۷۴- یک نفر از آقایان محترم اهل علم در شهر منزلی ساخته و یا خریده و مدتی در آنجا ساکن بوده و لکن بنا به تقاضای عده ای از اهالی برای تدریس طلاب

علوم دینیه و ترویج احکام شرع به خارج شهر رفته و به شغل شریف خود اشتغال دارند، بفرمائید آیا این منزلی که این آقا در شهر دارند متعلق خمس است یا نه؟ و آیا فرق است بین اینکه ایشان به عنوان موقت در خارج شهر انجام وظیفه می کنند و یا به عنوان دوام؟ در صورتی که در محل سکونت فعلی (غیر شهر)، منزل شخصی ملکی ندارند بلکه از منزل وقفی یا عاریه یا استیجاری استفاده می نمایند.

ج - متعلق خمس نیست در جمیع صور مذکوره.

س ۴۷۵- خانه ای که قبلاً محل سکنی بوده و جزو مؤونه بوده است ولی در اثر ضیق محل، یا امور اجتماعی، صاحب آن،

محتاج به تعویض و تحصیل منزل بزرگتر شده است، آیا مقدار قیمت منزل اول مورد خمس می شود یا خیر؟

ج - به قیمت خرید آن منزل سابق خمس متعلق نمی شود، بلی اگر گرانتر فروخت آن زیادی، از ارباح سال فروش است که اگر تا آخر سال صرف در مؤونه نشد خمس آن زیادی را، یا هر چه از او مانده باید بدهد. واللَّه العالم.

س ۴۷۶- و بر فرض فروش خانه اول و استثنای آن از وجوب خمس، چنانکه ظاهر بعض مسائل توضیح است، آیا لازم است ثمن آن خانه را در خانه دوم صرف کند یا می تواند جزو سرمایه مخمس قرار داده و قیمت خانه دوم را از ارباح بین سال خریداری کند؟ و بر فرض مزبور آیا تمام قیمت خانه دوم مستثنی از وجوب است یا نه؟

ج - بلی می تواند قیمت سابق آن خانه را ضمیمه سرمایه خود کند، و اما حکم زیادی قیمت آن در جواب سابق گذشت. واللَّه العالم.

س ۴۷۷- اگر خانه اول محل سکنی و حاجت بود، در طول چند سال قیمت آن ترقی کرده، آیا این ترقی قیمت نیز از خمس مستثنی است یا نه؟

ج - مستثنی نیست چنانکه گذشت ولی می تواند در مؤونه مناسب شأن خود مثل سایر ارباح در اثنای سال مصرف و متعلق خمس نشود، واللَّه العالم.

س ۴۷۸- منزل مسکونی یا چیزهای دیگری که از مؤونه می باشد، اگر بعد از استفادهء از آنها، فروخته شوند و حال آنکه هنوز احتیاج به آنها باقی است بفرمائید اگر سال بر آن وجوه گذشت، تخمیسش واجب است یا نه؟

ج - در مفروض سؤال خمس تعلق نمی گیرد مگر آنکه ترقی کرده باشد

که در آن زیادی، خمس واجب است بعد از گذشتن سال.

س ۴۷۹- منزل مسکونی که جزو مؤونه است می فروشد و با مبلغ کمتری منزلی می خرد آیا در آن مبلغ باقیمانده از فروش منزل، وجوه هست؟

ج - در صورتی که یک سال بر آن زیادی بگذرد مورد تعلق خمس است و این معنی بر فرضی است که منزل را بیشتر از قیمت خرید بفروشد و اما اگر منزل را به همان قیمت اصلی فروخته و چیزی از آن، پس از خریدن خانه مسکونی اضافه آمده مورد تعلق خمس نیست. واللّٰه العالم.

س ۴۸۰- منزل مسکونی را فروخت و سر سال رسید و به منزل جدید هم احتیاج دارد، آیا وجه منزل خمس دارد یا خیر؟ و اگر احتیاج ندارد به منزل جدید خمس دارد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال خمس ندارد چه محتاج به منزل باشد و چه نه، بلی اگر به قیمت اضافه فروخت بعد از گذشت سال، باید خمس اضافه را بدهد.

س ۴۸۱- قبلاً سؤال شد که اشخاصی خانه مسکونی اول خود را در اثر ضیق محل یا عدم تطابق با شأن فعلی خود آن را تخلیه کرده و به منزل دیگر مناسب منتقل می شوند، فرمودید اصل قیمت خانه اول از خمس مستثنی است ولی زیادی ــ

قیمت مثل سایر ارباح بین سال است، آیا اگر خانه اول را نفروخته و جهت ایجار و امثال آن نگهداری می کند باز هم زیادی قیمت فعلی بر قیمت خریداری از ارباح محسوب می شود که باید خمس آن را در آخر سال بپردازد یا اینکه با فرض عدم فروش، زیادی قیمت فعلاً جزو ارباح بین سال نیست و

بنابر این جزو زیادی سرمایه محسوب نمی شود و نمی توان به آن زیادی قیمت جبران خسارات تجارت بین سال را نمود؟ لطفاً جواب مرقوم فرمائید.

ج - تا آن را نفروخته چون خودش موضوع به تجارتش نیست، زیاده قیمت فعلی آن مورد تعلق نیست. واللّٰه العالم.

س ۴۸۲- زید منزل مسکونی خود را فروخته که منزل دیگر بخرد، در این بین سال رسید، از خمس معاف است یا باید بدهد؟

ج - اگر موروثی بود و فروخته اید چیزی بر آن نیست، و اگر خریده بودید و بیشتر از قیمت خرید فروخته اید و تا یک سال ماند و تهیه منزل با آن ننمودید فقط در مقدار زیاده آن خمس واجب است و هم چنین چیزهای دیگر از لوازم زندگی.

س ۴۸۳- زیدی وسیله سواری خودش را فروخته است که احتیاج به آن داشته است تا وسیله دیگری تهیه نماید. سال او رسیده است، آیا وجهی که برای خرید وسیله سواری اخذ کرده که دو مرتبه وسیله بخرد خمس دارد یا نه؟

ج - در مفروض سؤال خمس ندارد بلی اگر در فروش منفعت و ربحی داشته باشد به آن ربح در صورتی که سال بگذرد و در مؤونه صرف نشود خمس تعلق می گیرد.

س ۴۸۴- زنی که از زینت کردن نیافتاده، ولی می بیند طلا را خوب می خرند صرف نظر از گردنبند و غیره می کند و می فروشد، بفرمائید که اگر پول این گردنبند

یک سال بماند یا بیشتر خمس دارد یا نه؟

ج - بلی در ارتفاع و زیادی قیمتش از قیمت خرید اگر یک سال بماند بعد از فروش، خمس آن را باید بدهد و اما قیمت اصلی آن چون از مؤونه بوده ندارد، مگر

آنکه به پولی خریده شده باشد که آن پول خمس در او واجب بوده و نداده باید فعلاً که فروخته بدهد. واللّه العالم.

س ۴۸۵- لباس و سایر لوازم زندگی از ربح بین سال خریده شده چنانچه در سالهای بعد فروخته شود (بواسطه عدم احتیاج آیا باید خمس وجه آن داده شود یا خیر؟

ج - خمس واجب نیست مگر آن که به قیمت زیادتر اتفاقاً فروخته شود، که آن زیادی از ارباح سال فروش محسوب می شود.

س ۴۸۶- اگر عینی (مانند زمین و غیره) در سال خرید، به مقدار مؤونه یک سال خریدار بوده است (و در همان سال مورد انتفاع قرار گرفته بود) و پس از چند سال در صدد تخمیس اموال خود برآمده و در زمان تخمیس، قیمت آن عیناً چند برابر مؤونه سال او شده است آیا میزان، سال خرید است تا از خمس معاف باشد یا میزان سال تخمیس است تا بر زاید بر مؤونه، خمس قرار گیرد؟

ج - در مفروض سؤال معاف است حکم سایر مؤون را دارد، و در رساله ذکر شده که ترقی آن، خمس ندارد مگر بعد از فروش که از ارباح سال فروش، محسوب است.

خمس سرمایه و محل کار و ابزار آن

س ۴۸۷- اگر کسی ما بین سال مبلغی جمع کرده می خواهد سرمایه کسب قرار

دهد آیا جزو مؤونه است؟

ج - چنانچه کسی مقداری داشته باشد که با آن مقدار می تواند مؤونه سال خود را بگذراند، اگر این مقدار را بخواهد سرمایه کسب قرار دهد خمس ندارد، ما عدای آن اگر مالی است که به ارث رسیده باشد آن هم نیز متعلق خمس نیست، و مابقی اموال را که سرمایه کسب قرار می دهند جزو

مؤونه حساب نمی شود.

س ۴۸۸- زیدی اتومبیل داشته که سرمایه کسبش بوده وسط سالش می فروشد که تبدیل به اتومبیل دیگر نماید سر سال خمس آن می رسد با توجه به آنکه مقداری از پول ماشین مطابق خرج سالش جزو سرمایه نموده چون مورد احتیاج بوده، حال که فروخته باید خمس بدهد یا نه؟ با آن که احتیاج به وسیله کسب دارد.

ج - از پول ماشین مقداری که به قدر خرج سالش بوده خمس ندارد.

س ۴۸۹- سرمایه معادل مؤونهء سال، و سرقفلی جزو مؤونه است؟

ج - برای معاش اگر محتاج به سرمایه باشد معادل مؤونه را از ارباح سال بدون تخمیس می تواند سرمایه قرار بدهد، و سرقفلی مثل اجارهء دکان، مؤونه تجارت است خمس ندارد، ولی اگر حق گرفتن سرقفلی از دیگری داشته باشد، آنچه از ارباح سالش محسوب می شود و خمس دارد.

س ۴۹۰- اگر کسی از پول خمس داده شده یا از منافع بین سال، سرقفلی ملکی را بخرد، سرقفلی جزو مؤونه است یا خیر؟

ج - جزو مؤونه محسوب نمی شود.

س ۴۹۱- این جانب محل کارخانه که احتیاج در معیشت به او داشتم خریداری نموده ام دو ثلث قیمت آن را از مال مخمس و رأس المال و یک ثلث قیمت آن را از ارباحی که سال بر آن نگذشته است پرداخته ام، پس از همچو معامله ای دستم تهی

شد و مبلغ هفت هزار تومان از بانک جهت سرمایه برداشتم که فعلاً به اقساط، آن وجه را می پردازم مستدعی است بیان فرمائید چنانچه خمس یک ثلث قیمت محل را پرداختم کفایت می کند یا باید قیمت فعلی محل تخمیس شود و این به مبلغ هفت هزار تومان خمس تعلق می گیرد و یا

مورد تعلق خمس نخواهد بود؟

ج - محل خریداری شده را قیمت می کنید دو ثلث قیمت خرید را از آن منها می نمایید باقیمانده را تخمیس می نمائید، و مبلغ هفت هزار تومان که برای سرمایه موجود قرض کرده اید مورد تعلق خمس می باشد به این معنی که هر قسطی را که می پردازید تخمیس نمائید.

س ۴۹۲- زیدی مبلغی به عنوان سرقفلی به صاحب اصلی و مالك دکانی داده که بعداً در آن دکان کسب کند ولی بیشتر از یک سال درب دکان قفل بوده و این مستأجر به اختیار خود درب دکان را باز نکرده و تعطیل گذاشته است، بفرمائید تکلیف این مستأجر با این سرقفلی در صورتی که فعلاً بیشتر از آن مقداری که داده ارزش پیدا کرده از لحاظ خمس چیست؟ خمس پولی که داده بدهد یا به قیمت و حساب روز پرداخت خمس نماید در صورتی که این مستأجر در محل یا شهر دیگری دکانی داشته و دارد و کاسبی می نماید.

ج - به قیمت فعلی خمس آن را باید بدهد. واللَّه العالم.

س ۴۹۳- دکان محل کسب در ۱۴ سال قبل به سر قفلی به مبلغ ۱۲۰۰ تومان گرفتم در امسال ملك آن را با برداشتن وام از بانك خریدم و فعلاً سرقفلی در محل ما تقریباً به چهل هزار تومان رسیده در صورتی که حقیر قصد فروش نداشته و ندارم چون عائله خودم را با توکل به خدا از این ممر خرج می دهم خواهشمند است بفرمائید از نظر خمس آل محمد صلی الله علیه و آله تکلیف حقیر چیست؟

ج - در صورتی که آن مبلغ را به ازای سرقفلی داده اید از ارباح بین سال بوده

و خمس آن سرقفلی را در آخر همان سال نداده اید باید خمس آن را به قیمت فعلی بیرون نمائید و اگر آن را به ارباحی که یک سال بر آن گذشته خریده اید و خمس آن مبلغ را نداده اید باید خمس همان مبلغ را (۱۲۰۰ تومان) بپردازید.

س ۴۹۴- این بنده محلی برای کارخانه خریداری کرده ام که از نظر احتیاج کسبی چاره ای جز خریدن آن نداشتم اینک عرض می شود بفرمائید که آیا خمس مبلغی را که از بابت آن پرداخته ام واجب است بدهم یا خمسش واجب نیست و نیز در حدود هفت هزار تومان از بانک قرض کرده ام به صاحب محل این کارخانه پرداخته ام لذا عرض می شود بفرمائید اگر خمس واجب است بالنسبه به این هفت هزار تومان که هنوز بدهکارم چه باید کرد؟

ج - چنانچه وجه خرید محل مذکور از ارباحی است که سال بر آن گذشته، قیمت خرید محل را باید تخمیس نمائید، و اگر از ارباحی خریده شده که سال بر آن نگذشته، قیمت فعلی آن محل را باید تخمیس نمائید، و در صورتی که خمس محل مزبور داده شد، تأدیه هفت هزار تومان قرض خرید محل، مورد تعلق خمس نیست.

واللَّه العالم.

س ۴۹۵- کسی که خمس سرقفلی دکان را داده، خمس ترقی آن را سال به سال باید حساب کند، یا تا نفروخته خمس ندارد؟

ج - تا نفروخته است خمس برای آن در فرض ترقی لازم نیست. واللَّه العالم.

س ۴۹۶- اگر شخصی در بین سال مغازه اش را بفروشد و با همان مبلغ مغازه دیگری بخرد خمس ترقی سوقیه سرقفلی را باید بدهد یا خیر؟

ج - چنانکه سرقفلی را از ارباح اثنای سال داده باشد

سال نیز بایـد بدهد اگر چه نفروخته باشد، و اگر در سال قبل حسابش صاف شده و در سال بعد از آن ترقی بکند ترقی قیمت، تا نفروخته خمس متعلق نمی شود و بعد از فروش، حکم سایر ارباح آن سال را دارد. واللّٰه العالم.

س ۴۹۷- بنـده سر قفلی دکـانی را خریـده ام برای کسب به مبلغ ۲۰۰۰۰ تومـان، این مبلـغ پولی سـال مانـده بوده که در موقع تخمیس اموالم ۴۰۰۰ تومـان خمس آن را حسـاب کردم و لکن الآـن ۵۰۰۰۰ تومان سـرقفلی دکان ارزش دارد لذا خواهشمند است بفرمائید این ۳۰۰۰۰ تومان باقی سرقفلی، باید خمسش داده شود یا نه؟ چون دارم در این دکان کاسبی می کنم.

ج - بلی آن ۳۰۰۰۰ تومان ترقی قیمت هم مانند سایر ارباح شـما است که پس از گذشت سال با فروش، خمس آن را نیز لازم است بپردازید و مادامی که نفروخته اید خمس ندارد.

س ۴۹۸- این بنـده منزل مسـکونی مؤونه داشـتم که چنـد سال است آن را تخلیه کرده و به اجاره داده ام و در ضـمن اجاره در حدود ۴۰۰۰ تومان تعمیر و نقاشـی برای این منزل خرج کرده ام و محتمل است که در آتیه نزدیک یا دور، باز ساکن در همان منزل بشوم خواهشمند است بفرمائید این مبلغ خمس دارد یا نه؟

ج - بلی در مفروض سؤال به مقداری که قیمت این خانه به واسطه این تعمیر ترقی یافت، در آن مقدار ترقی قیمت فعلاً خمس واجب است مانند سرمایه. واللّٰه العالم.

س ۴۹۹- زیدی مقداری از زمین منزل مسکونی خود را یک یا دو باب اطاق ساخته که بعداً خود در آن کاسبی کند و

یا به دیگری به اجاره بدهد اما سال خمس زید به آخر رسیده و این دکان درب و پنجره ندارد و از لحاظ دکان قابل استفاده

نیست ولی از جهت گذاردن لوازم اضافی خانهء زید، قابل استفاده و مثل انبار او می باشد بفرمائید آیا این مقدار از ساختمان با این وصف خمس دارد یا نه؟ و بر فرض وجوب خمس مصالح و آهن و آجر و غیره که در این بنا به کار رفته متعلق خمس است یا ارزش روز؟

ج - در صورت مفروضه خمس دارد، و آن ساختمان را با آن وصف، قیمت می کند خمس آن را بیرون می نماید. واللّه العالم.

س ۵۰۰- در توضیح فرموده اید اگر قبل از منفعت اول سال از سرمایه خرج کند نمی تواند آن کسری سرمایه را، از منافع بعدی جبران کند لذا سؤال می شود شخصی که در اول سال مبلغی مخمس کرده و در بانک یا غیره به عنوان ذخیره نگاه داشته که خرج نکند لکن قبل از حصول منفعت، محتاج شده و از این ذخیره مقداری خرج کرد آیا از منافع بعدی می تواند جبران آن خرج قبل از منفعت را بنماید یا نه؟

ج - نمی تواند جبران نماید. واللّه العالم.

س ۵۰۱- شخصی ماشینی خریده است برای مسافربری و یا بارکشی و یا زراعت به مبلغی و خمس آن را داده است و در آخر سال اگر ترقی کرد و یا کسر نمود آیا خمس ترقی را باید بدهد و یا نه؟ و همین طور کسر آن را می تواند از منافع بین سال جبران کند یا خیر؟

ج - در مفروض ترقی مادام که نفروخته خمس ندارد و کسری را می تواند تدارک

کند.

س ۵۰۲- شخصی زمینی خریداری کرده است که به قیمت هزار تومان (مثلًا) بوده است و در آن اشجار غرس کرده که آن اشجار در زمان خرید ۵۰۰ تومان و پس

از هفت سال در صدد تخمیس آن برآمد در طول این مدت هم ۵۰۰۰ تومان، تدریجاً در این زمین خرج کرده که فعلاً ـ به صورت باغ میوه دار درآمده است، بنابر این جمع قیمت زمین و اشجار و مخارجی که کرده است عبارت شد از ۶۵۰۰ ولی بهای آن در زمان تخمیس (یعنی بعد از هفت سال) عبارت شده از ۶۰۰۰۰۰ تومان، آیا میزان در تخمیس این باغ و نظایر آن به صورت مزبور چیست گر چه این مسئله شبیه تکرار مسئله اولی ولی بخصوصها مورد سؤال است.

ج - هر گاه از ارباح اثنای سال این مصارف شده چنانکه ظاهر سؤال است به قیمت فعلی تخمیس می شود. واللّٰه العالم.

س ۵۰۳- این بنده باغی داشتم مخمس که قیمتش ۲۵۰۰ تومان بود چون قیمت آن زیاد شد فروختم و از پول او ۵ پشته باغ دیگری به مبلغ ۲۵۵۰۰ تومان خریده ام و از محصول باغ فعلی مقداری مصرف خوراکی بنده است و مقداری هم فروش می شود و ممکن است مقدار فروش محصول مذکور صرف در خرج سالیانه خود باغ از قبیل کندن باغ و غیره باشد بفرمائید بقیه ۲۵۵۰۰ تومان فوق که ۲۵۰۰ تومان آن مخمس بوده تکلیفش از نظر خمس چیست؟

ج - آن زیادی، از ارباح سال فروش، محسوب است پس اگر در آن سال صرف مؤونه شود خمس ندارد و اینطور که شما فرض کرده اید که منفعتی، به جز صرف اعیان ثمر آنها در زندگی خود،

از این نمی برید مؤونه شما شمرده می شود و خمس ندارد.

س ۵۰۴- اگر از سرمایه کسب و منافع آن که معمولاً محفوظ است چیزی بخرد که مورد نیاز او نیست خمس دارد یا خیر؟

ج - اگر از سرمایه مخمس خریده است ندارد و اگر از ارباح سرمایه و یا سرمایه ـ

غیر مخمس خریده است باید آن را تخمیس نماید و اگر از هر دو خریده است به نسبت لازم است تخمیس نماید.

س ۵۰۵- شخصی حساب سال دارد پس از وضع مؤونه، دارای صد پوط(۱) برنج است که خمس آن را داده، بعد آن را صرف و خرج زراعت کاری و غیره نموده، سنهء دیگر مثلاً سر سال کم شد به حساب رسیدگی نموده دارای صد و ده پوط برنج شد، آیا از همه باید خمس بدهد یا از درآمد، و همچنین در وجه نقد که از ارباح مکاسب و درآمد زراعت و گوسفند و زنبور عسل مثلاً دارای پنجاه هزار تومان شد و خمس آن را داده و این مبلغ را صرف و خرج زراعت و غیره نموده و هر سال به همین منوال باید زندگی کند، آیا از رو آمد آن باید خمس بدهد یا تمام آن؟

ج - در مفروض سؤال آن مقدار مخمس به عنوان مؤونه تجارت و کسب در آخر سال استثنا می شود و بقیه تخمیس می شود.

س ۵۰۶- شخصی مقداری پول غیر مخمس دارد و از آن اتومبیلی نقد و قسط می خرد پس از آنکه اقساط اتومبیل از کارکرد خودش پرداخت شد می خواهد برای خود سال قرار دهد، قیمت خرید آن باید حساب شود یا قیمت فعلی آن که تنزل یا ترقی

کرده و در صورتی که محتاج به سرمایه باشد چه مقدار از اتومبیل جزو سرمایه محسوب می شود؟

ج - آن پولی که سال بر آن گذشته و صرف خرید اتومبیل شده همان را می دهد، و اما نسبت به آن مقداری که از ارباح اثنای سال داده شده قیمت فعلی آن حساب می شود، و اما موضوع سرمایه به مقدار مؤونه سالش می تواند در اثنای سال پیش از تخمیس به عنوان سرمایه استثنا کند. واللَّه العالم.

---

(۱) پوط: مقیاس وزن روسی که تقریباً ۵ من تبریز و کسری می باشد. فرهنگ معین

س ۵۰۷- کسانی که شغلهای مختلف دارند از قبیل زراعت، صناعت، تجارت و ضمناً دامداری هم دارند آیا باید مثل سایر اجناس گاو و گوسفند را با اینکه برای تجارت نیست تقویم کند یا فقط آنهایی که خمس آن داده نشده است عدد لحاظ شود و خمس داده شود، و یا نمای متصل و منفصل آن را باید خمس بدهد؟

ج - ترقی قیمت خمس ندارد ولی زیادی عینی را سر سال بعد قیمت نموده و خمس بدهد و اگر برای تجارت است خمس زیادی قیمت را هم باید بدهد.

س ۵۰۸- زیدی وضع کسبی او این است که زمین می خرد و می سازد و بعد می فروشد، گاهی سر سال که باید به حسابش رسیدگی کند زمین را خانه ساخته لکن تمام نیست که قابل فروش باشد که قیمتش معلوم باشد، آیا می تواند آنچه پول زمین داده و خرج ساختمان نموده حال به حساب بیاورد، و یا می تواند سر سالش حساب نکند تا تمام شود ساختمان و به فروش برسد بعد حساب کند، و اگر ساختمان این زمین تمام است لکن به

فروش نرسیده بایـد به قیمت نقدی که از او ممکن است بخرد حساب کند، یا می تواند حسابش را عقب بیاندازد تا بفروشد یا قیمت زمین و خرج ساختمان که کرده به حساب بیاورد، مرقوم فرمائید که مورد ابتلا است.

ج – در مفروض سؤال موجودی را در آخر سال به قیمت فعلی آن باید تخمیس نماید.

س ۵۰۹- کسی که از مجتهدی که سرمایه را استثنا می کرد و خمس لازم نمی دانست تقلید می کرد سرمایه تعیین نمود و این سرمـایه از بین رفت و سـرمایه جدیـدی بـدست آورد یا سـرمایه سابق وافی نیست، و فعلاً از شـما تقلیـد می کنـد آیا مثل سابق سرمایه او خمس ندارد یا طبق فتوای فعلی باید به اندازه مؤونه سال کسر

و مابقی را خمس بدهد؟

ج – در مفروض سؤال اگر بقا بر تقلید میت جایز باشد می تواند مثل سابق عمل کند.

خمس چیزی که به قرض داده شده

س ۵۱۰- کسـی منزلی رهن نموده و در آن زنـدگی می کنـد سـر سالش باید خمس مبلغ مرهون را بدهد یا خیر و در صورتی که یک سال بر این پول گذشته بعد از گرفتن پول باید خمس بدهد یا نه؟

ج – در صورتی که یک سال بر آن پول گذشـته باشـد لازم است خمس آن را بدهـد و فقط یک دفعه لازم است دادن خمس آن. واللَّه العالم.

س ۵۱۱- مبلغی پول متعلق به افرادی سالهـا در دست مادر بزرگشان بوده که هر چه مطالبه می کرده انـد نـداده تا بعـد از چند سال از او گرفته و قبل از گذشت سال مصرف مؤونه کرده اند آیا تخمیس این مبلغ لازم است یا نه؟

ج – بلی خمس آن را باید بدهد. واللَّه العالم.

س ۵۱۲- اگر

شخصـی مـدیون است و اشـیای هدیه که برای او آورده اند دارد، آیا می تواند خمس او را ندهد و در قبال دین حساب کند یا امتعه مانند برنج و چیزهای و دیگر دارد؟

ج - در صورتی که یـک سـال بر آنهـا بگـذرد و صـرف در مؤونه نشود بایـد خمس آنهـا را بیرون کنـد مگر آنکه دیون برای مؤونه بوده و این ارباح باقیه در حال استدانه موجود بوده که در این صورت می تواند در قبال دین محسوب دارد و استثنا کند.

قرض برای مؤونه

س ۵۱۳- کسـی که پول از دیگران قرض کرده، و مقرض از مقترض ربا گرفته چنانچه بخواهد آن مبلغ اضافی (ربا) را استرداد نماید پرداخت خمس آن واجب است یا نه؟

ج - بلی پس از استرداد اگر از ارباح خمس نداده بوده باید خمس آن را بدهد.

س ۵۱۴- شخصی در بین سال خود پولی قرض نموده و زمین خریده است و اکنون قیمت آن زیاد شده است، وظیفه او را بیان فرمائید.

ج - در مفروض سؤال تعلق خمس بر زاید بعد از فروش است.

س ۵۱۵- شخصـی که می خواهد اموال خود را مخمس کند و دیونی از قبیل دیون مؤونه یا تجارتی از قبیل زکات یا رد مظالم قطعی یا احتیاطی دارد آیا می تواند همه یا بعض این دیون را اسـتثنا کند و بقیه را تخمیس نماید یا نه و در فرض استثنا اگر چه امـوال مؤونه احتیـاج به تخمیس نـدارد ولکن در شـمول آن دیون به این اموال فرقی مـابین اموال مؤونه و اموال سـرمایه در این باب است یا نه؟

ج - اما دیون مؤونه چنانچه قبل از ظهور ربح بوده لازم است تخمیس شود،

و اگر بعد از ظهور ربح باشد مورد تعلق خمس نیست، و اما دیون تجارت اگر دین همین سال باشد استثنا می شود و مورد تعلق خمس نیست، کسی که زکات مدیون است لازم است تخمیس نموده تأدیه نماید، و رد مظالم چه قطعی و چه احتیاطی اگر نسبت به سال فعلی باشد استثنا می شود و تخمیس لازم نیست، اما اموال سرمایه اگر سرمایه به مقدار مؤونه یک سال بوده که اگر آن را صرف مؤونه می کرد زایدی نداشت، مورد تخمیس نیست، و اگر زاید بر این مقدار بوده

تخمیس لازم است.

س ۵۱۶- زیدی برای مؤونه امسال مبلغی قرض کرده و مبلغی هم که مساوی با قرض است در اثنای همین سال کسب کرده بفرمائید می تواند از منافع مذکوره خمس ندهد و به اصطلاح وضع کند یا باید ادا کند که اگر ادای دین نکرد خمس منافع را بدهد فرع فوق الذکر همان مسئله ۱۷۹۵ رساله توضیح است منتهی بعضی از مؤمنین احتیاج دارند به توضیح، تقاضا می شود بفرمائید معنی قرض را که بعد از منفعت باشد یا نباشد چیست؟ مثلاً اگر مختصری نفع برده و بعد به قرض زیادی مبتلا شده باز هم به قدر موجودی قرض را می تواند وضع کند یا خیر؟

ج - در جواب سؤال اول ذکر شد که به مقداری که ربح داشته حین الصرف مجال کسر است نه زیادتر از آن.

س ۵۱۷- زیدی از ربح سال جاری می تواند مؤونه سال آینده را از قبیل خوراک، لباس مهمانی، ماشین، منزل، جهیزیه دختر کسر کند و از مازاد خمس بدهد یا خیر؟

ج - شخص می تواند در اثنای سال مایحتاج خود را از ربح

آن سال تهیه کند و اگر نکرد، نمی تواند آخر سال کسر کند بلی اگر قرض کرده و در این مصارف مصرف کرده از ربحی که پیش از خرید تحصیل کرده می تواند در آخر سال کسر کند.

س ۵۱۸- شخصی در آخر سال مقداری ربح دارد آیا می شود دین مؤونه که از سال مذکور دارد از ربح استثنا کند اگر چه فعلاً آن دین را نمی پردازد یا لازم است آن دین را بپردازد و الّا نمی تواند استثنا کند.

ج - در صورتی که دین مزبور بعد از ظهور ربح بوده مقدار او را می تواند از ربح استثنا نماید اگر چه دین را نداده باشد.

س ۵۱۹- در مسئله ۱۷۹۵ توضیح فرموده اید فرضی که می شود از ربح سال

داد باید بعد از بودن منفعت باشد بسیاری از کسبه های ضعیف هستند که مجبورند در اوایل سنه برای مخارج قرض بنمایند و همچنین عمله جات و کارگران روزانه، آیا منفعت یک روز آنها که در حدود ۵ تا ۱۰ تومان است کفایت در صدق بودن می کند یا نه؟ و در صورت عدم کفایت مستدعی است تحدید منفعت بفرمائید؟

ج - اگر قرض را بعد از حصول عاید نموده می تواند از عاید ادا کند و اگر قرض را قبل از حصول عاید کرده و صرف در چیزی نموده که عینش باقی است مانند فرش و منزل و امثال اینها چنین قرض را می تواند از عاید بعدی ادا نماید. واللَّه العالم.

س ۵۲۰- در منهاج الصالحین باب خمس ص ۳۳۳ مسئله ۴۴ در عبارت: «نعم إذا لم يؤدّ دينه إلى أن انقضت السنه وجب الخمس من دون استثناء مقدار وفاء الدين، إلّاأن يكون الدين لمؤنه السنه وبعد ظهور الربح

فاستثناء مقداره من ربحه لا ـ يخلو من وجه»، بفرمائيد دين مهريه و دين منزل و امثال اينها كه هنوز داده نشده است داخل در استثنا عبارت فوق است كه مى تواند از ربح كسر نمايد يا خير؟ آنچه نظر مبارك است مرقوم فرمائيد كه در فهم اين عبارت اختلاف بعضى دارند.

ج - در مسئله اخيره دين مهريه زن و غير آن در صورتى كه قبل از تمام شدن سال ربح آن را ادا كند مانند ديون مؤونه سنه است كه خمس آن مقدارى كه ادا كرده بر او لازم نيست ولى اگر تا آخر سال ربح آن را ادا نكند نمى تواند مقدار آن را بدون دادن خمس استثنا نمايد و در اين صورت مانند ديون مؤونه سنه نيست كه مى تواند استثنا كند آن را اگر چه تا آخر سال ربح ادا نكرده است.

س ۵۲۱- در مسئله ۴۴ خمس منهاج كه فرموده ايد: أداء الدين من المؤنه سواء كانت الاستدانه فى سنه الربح أم قبلها. متمنى است بفرمائيد مراد اين است كه لحاظ

بعديّت ظهور ربح هم در آن شده باشد يا اين شرط در آن معتبر نيست؟

ج - اين شرط در اداى دين در سنه ربح معتبر نيست بلى اگر بخواهد آن را آخر سال استثنا كند در اين فرض بايد دين براى مؤونه باشد و بعد از ظهور ربح باشد.

س ۵۲۲- فرموده ايد اداى ديون من المؤونه است حال اگر كسى قرض دارد چون دسترسى به دائن ندارد و يا دسترسى دارد لكن مسامحه مى كند و مبلغ قرض را قبل از رسيدن سر سال كنار مى گذارد آيا از جمله اداى مؤونه است كه خمس ندارد و يا

چون نداده باید خمس را بدهد؟

ج - باید خمس آن را بدهد مگر آنکه برای مؤونه قرض کرده باشد همان وقت هم آن مقدار ربح داشته باشد که در این صورت خمس آن مقدار واجب نیست.

س ۵۲۳- به طوری که در عروه و منتخب فرموده اید ادای دیون سابق از ربح سالهای بعدی محل اشکال است، آیا بر آن فتوا هستید تا برای تسهیل امور رجوع به غیر شود یا نه؟

ج - از احتیاط سابق عدول نموده ام و لهذا ادای دیون سابق از ربح سالهای بعدی اشکال ندارد.

قرض برای تجارت

س ۵۲۴- کسانی که پولی را قرض می نمایند تا در سالهای آینده تدریجاً به اقساط ادا نمایند در سر سالشان عین وجه یا جنسی که به آن پول خریداری نموده اند موجود است، آیا خمس آنها را باید بدهند؟

ج - تا عوض آن قرض را نپرداخته اند خمس به عین یا عوض آن که خریداری شده هر چند بماند تعلق نمی گیرد.

س ۵۲۵- شخصی مبلغ ۳۵۰۰ تومان از بانک وام برداشته و گوسفند خریده که استفاده بکند و الآن که اول سال اوست مبلغ ۲۶۰۰ تومان از پول فروش گوسفندهای فوق موجود و بقیه را خرج مؤونه کرده است، بفرمائید این ۲۶۰۰ تومان که وجه گوسفندهای فوق است و هنوز وقت پرداخت قرضش نشده آیا واجب است تخمیس کند یا نه؟ چون در حقیقت مال او نیست.

ج - در مفروض سؤال وجه موجود خمس ندارد. واللّٰه العالم.

س ۵۲۶- کاسبی اول سال مثلاً یک هزار تومان سرمایه دارد و آخر سال که حساب می کند می بیند که ۱۰۰۰۰ تومان سرمایه دارد یعنی ۹۰۰۰ تومان جنس به قرض آورده که بایستی به اقساط ماهیانه

بپردازد، آیا باید این بدهکاری را کاسب از پول تخمیس شده بدهد یا خیر؟

ج – آخر سال دوم هر مقداری که از قرضش بدهد آن مقدار ربح زاید در سال دوم است و باید خمس آن را بدهد و همچنین در سالهای بعدی. واللّه العالم.

س ۵۲۷– رسم کسبه در ادای خمس این چنین است، جمع می کنند سرمایه خود را، و قرضهای خود را که برای مغازه آورده اند منها می کنند، بقیه هر چه از سالِ گذشته اضافه مانده است خمسش را می پردازند آیا صحیح است؟ و بعضی اوقات قرضهای خود را با طلبهائی که دارند از مردم، کسر و انکسار می کنند از بقیه خمس می دهند و می گویند اگر طلب مردم را بدهیم در حقیقت دخل نکرده ایم.

ج – آنچه در مقابلش طلب قابل وصول دارد، بدون پرداخت خمس منها نمی شود، و اگر در مقابل، طلب قابل وصولی نباشد، یا طلبی نباشد مقدار بدهی هر چه باشد منها می شود. واللّه العالم.

س ۵۲۸– زیدی مقداری جنس از مردم آورده است که به مرور و بطور اقساط ــ

ماهیانه پرداخت نماید آیا در اول سال باید خمس آن اجناسی که پولش را بدهکار است و به طور اقساط یا به مدت طولانی پرداخت می کند جزو درآمد سال حساب نماید و روی سرمایه بیاورد یا خیر؟

ج – مقدار بدهکاری از قیمت آن اجناس کسر می شود.

س ۵۲۹– کسی که یک صد هزار تومان قرض می کند مثلاً کاسبی کند، سر سال او می رسد و هنوز قرض را نپرداخته است مقدار خرج یک سال او مبلغ پنجاه هزار تومان می باشد، آیا مبلغ پنجاه هزار تومان دیگر را باید خمس بدهد چون قرض برای مؤونه

نبوده است بیان فرمائید.

ج - در مفروض سؤال که سرمایه قرض است که هنوز عوضش ادا نشده خمس بر آن متعلق نیست. واللَّه العالم.

س ۵۳۰- عده ای از کسبه ها هستند که در موقع سال آنها مقداری چک در دست دارند که در سال بعد وصول می شود آیا باید از درآمد سال گذشته حساب نمود یا خیر؟ و همچنین مقداری بدهکاری دارند که باید در سال بعد پرداخت نمایند آن مبلغی را که در سال بعد باید پرداخت کنند از درآمد سال گذشته کسر نمایند یا خیر؟

ج - می توانند آن را به نقد فعلی تقدیر کنند و خمس آن مقدار را بدهند و هر وقت وصول کردند زیادی را جزو ارباحِ سالِ وصول، حساب نموده حکم سایر ارباح آن سال را دارد، و یا آنکه بگذارند هر وقت هر چه از آن را وصول می نمایند خمس آن را فوراً بدهند و از ارباح سال سابق محسوب است؟ و آنچه بدهکاری دارند اگر به جهت اموال تجارت و کسب او باشد کسر می شود.

س ۵۳۱- شخصی که همه ساله خمس منافع خود را می پرداخته لکن به واسطه

ورشکستی تمام هستی او از بین رفته حتی منزل مسکونی ایشان و هنوز هم مقروض است، اینک بعد از ورشکستی که مدت ۵ سال است پنج هزار تومان ربح کسب دارد، و لکن در سالهای شرعی خود اخراج خمس ننموده برای آنکه منافع زیادتر شود یک مرتبه تقسیم به طلبکارها بنماید لذا سؤال می شود که چون بدهکاری های ایشان مؤونه نبوده بلکه خسارات تجارت بوده است آیا این منافع چند ساله و همچنین منافع آتیه تا به مقدار قرض مستثنی است یا آنکه چون

قبل از سر سال خود ادای قرض ننموده باید مخمس شود؟

ج - در مفروض سؤال به منافع و ارباح خمس تعلق می گیرد. واللَّه العالم.

کسی که اصلاً خمس نداده

س ۵۳۲- شخصی مختصر ملکی موروثی داشته از درآمد آن و زحمت کشی فعلاً به اندازه احتیاج خود اموالی فراهم نموده مقداری زمین خریده خانه خریده، گاو و الاغ، تراکتور، باغ و وسایل زندگی به قدر حاجت و مطالباتی هم دارد و اکنون می خواهد سال خمس تعیین نماید، وظیفه او را بیان فرمائید.

ج - آنچه که از مؤونه نیست خمس آن را بدهد و آنچه که از مؤونه است که خمس به آن متعلق شده خمس آن را بدهد و آنچه را که شک دارد مصالحه نموده و عشر بدهد.

س ۵۳۳- شخصی ملک موروثی داشته است، از درآمد آن و زحمت کشی به اندازه احتیاج خود اموالی فراهم نموده و مقداری زمین خریده و خانه و وسایل دیگری که بیش از مقدار حاجت نیست، و مطالباتی هم دارد، و اکنون می خواهد سال برای خمس قرار دهد، وظیفه را بیان نمائید.

ج - آنچه از مؤونه نیست خمس آن را بدهد، و آنچه از مؤونه است و به ربحی خریده شده که خمس به آن تعلق گرفته خمس آن را بدهد، و آنچه را شک دارد مصالحه و عشر بدهد.

س ۵۳۴- کسی که فعلاً تعیین سال می کند اما منزل و لوازمات مشکوک است که از ربح بین سال خریده یا از سالهای پیش هم هست آیا مصالحه به مختصری جایز است یا خیر؟

ج - مصالحه خوب است ولکن نه به آن مختصر بلکه باید عشر بدهد.

س ۵۳۵- شخصی به مدت چند سال مبلغی

جمع کرده می خواهد سال قرار دهد.

س ۵۳۶- بر آنچه از اموال، سال گذشته است خمس آن را باید بدهد و هر چه مشکوک است با حاکم شرع یا وکیل او، لازم است مصالحه نماید.

س ۵۳۷- شخصی که تاکنون برای خود سال قرار نداده اکنون که می خواهد سال قرار دهد اگر زاید بر لوازم زندگی، پولی دارد که یک سال در یَدِ او نبود خمس این پول را بدهد یا نه؟

ج - اگر سال بر ملکیت آن نگذشته باشد خمس ندارد والّا خمس به آن متعلق است اگر چه در دستش نباشد. واللَّه العالم.

س ۵۳۸- کسی که برای اموال خودش سال تعیین ننموده و اموالی در نزد او است که خمس آنان را نداده، و می خواهد به سفر حج برود، آیا بر او واجب است که آنچه از خمس به ذمه اش تعلق گرفته را بررسی کرده و جستجو نماید و تمام اموالش را از خمس خالی کند، یا اینکه اگر خمس اموالی را که در حج صرف می نماید بدهد کافی است؟

ج - اگر خمس اموالی را که در حج مصرف می نماید بپردازد حجش صحیح خواهد بود ولی بر او واجب است که با بررسی و جستجو کردن ذمه اش را از واجب مالی خالی کند تا اینکه معصیت کار شمرده نشود، و تمام اعمال که از این شخص واقع می شود مورد قبول خداوند متعال نمی گردد مگر آنکه ذمه اش را از هر واجب مالی خالی نماید بنابر این اگر نماز صحیحی را با لباسی که خمس آن را پرداخته بخواند یا حجی را با اموالی که خمس آن را پرداخت نموده بجا آورد و از طرفی اموالی داشته

باشد که خمس آنان را پرداخت ننموده باشد در این صورت اگر چه نماز او و حجش صحیح است چون به روش صحیح بجا آورده ولی مورد قبول خداوند متعال نیست چون قبولی این اعمال مشروط است به اینکه واجب مالی بر عهده انسان نباشد.

س ۵۳۹- کسی که تا کنون برای خود سال تعیین نکرده است اکنون که تصمیم بر تعیین سال گرفته لوازم زندگی را باید حساب کند یا نه؟

ج - در صورتی که لوازم زندگی را از ارباح همان سال خریده باشد خمس ندارد ولی اگر از ارباح که سال بر آن گذشته باشد خریداری کرده قیمت خرید آنها را تخمیس نماید و چنانچه مشکوک باشد از قیمت کمتر خمس بدهد.

س ۵۴۰- زیدی سال برای خمس نداشته است و از منافع که در اثر گذشت چند سال بدست آورده مبلغ سی و پنج هزار تومان منزل برای سکنی تهیه نموده است، آیا این مبلغ خرید منزل متعلق است یا خیر؟

ج - بر هر مقدار از آن مبلغ، سال گذشته تا وقت ساکن شدن در آن منزل، باید خمس آن مقدار را بیرون نماید. و اگر بر همه آن مبلغ سال گذشته باشد، باید خمس همه آن را بدهد. واللّٰه العالم.

س ۵۴۱- کسی که سال خمس ندارد و از درآمد خود به تدریج وسایل و ابزاری خریده است، مثلاً چرخ خیاطی و وسیله چوب بری و ترازو و سنگ دکان و تلفون و گاز و برق و سرقفلی مشروع آیا خمس اینها را اکنون باید بدهد یا نه؟

ج - در مفروض سؤال آنچه که از مؤونه کسب نباشد و یا مؤون کسب است مثل

اموری که ذکر شد که عین او باقی است باید خمس آن را بدهد، و اما غیر از آن اگر بداند که در اثنای سال ربح خریده خمس ندارد، و آنچه را که یقین دارد بعد از مضیّ سال خریده خمس آن را می دهد، و اگر شک دارد مصالحه و عشر بدهد.

س ۵۴۲- اگر اعیانی از درآمد بین سال خریداری شده و صاحب آن چند سال بعد به فکر تخمیس اموالش افتاده است آیا به قیمت خرید آنها را باید تخمیس کرد یا به قیمت سر سال خرید، یا به قیمت زمانی که در فکر تخمیس اموال خود افتاده است (با توجه به اختلاف زیاد بین سه قیمت و با توجه به اینکه مشکل بزرگی برای مردم فراهم می شود اگر خواسته باشیم به قیمت حین التخمیس حساب کنیم) و بالاخره اگر میزان قیمت زمان تخیمس باشد آیا راهی جهت تخفیف در بدهکاری وجود دارد یا خیر؟

ج - باید خمس قیمت فعلی داده شود.

س ۵۴۳- کسی از سالیانی کفاره به گردنش است و سال نداشته وقتی که می خواهد برای خود سال قرار دهد آیا همه کفاره ها جزو مؤونه است یا کفاره هایی که حول قرار می دهد یا اصلاً جزو مخارج حساب نمی شود؟

ج - بلی می تواند آنها را ادا کند چه آنکه راجع به سال فعلی باشد و یا راجع به سالهای گذشته باشد، اما کسر و استثنا نمی تواند بکند، واللَّه العالم.

س ۵۴۴- اجناس یا وجوه نقدی از ارباح فعلی که هنوز سال بر آن نگذشته برای

کسی که می خواهد برای خود سنه شرعی قرار بدهد آیا مورد مصالحه است یا باید خمس آنها را بدهد؟

ج - خمس از

اول ظهور ربح متعلق می شود و سال برای ارفاق است، بنابر این شخصی که سال نداشته و می خواهد سال قرار بدهد حساب سابق را تصفیه نموده و زمان تصفیه را مبدأ سال قرار بدهد، و آنچه را از ارباحی که سال بر آن نگذشته و می داند که در ضمن سال در مؤونه صرف می کند مستثنی می دارد زیرا که به آنها خمس واجب نیست.

معدن

س ۵۴۵- در نفت و نمک و غیره از معادن ایران برای مصرف کنندگان خمس دارد یا نه؟

ج - برای مصرف کنندگان دادن خمس از آنها لازم نیست، واللَّه العالم.

س ۵۴۶- خمس نفت که ما اطلاع نداریم از وضع استخراج آن واجب است داده شود یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال بر مؤمنین خمس آن واجب نیست.

زمینی که مسلمان از کافر می خرد

س ۵۴۷- کسی که زمینی را از یهودی خریده و می داند که یهودی خمس آن را نداده و نمی دهد و حاکم شرع هم نمی تواند از او بگیرد آیا برای شخص خریدار که آن زمین را محل سکونت یا در معرض فروش قرار دهد غیر مخمس حساب می شود، و بر فرض وجوب خمس آیا باید جداگانه پرداخت نماید یا جزو مؤونه

سال او است یا آنکه چیزی در این جهت بر ذمه مسلمان نیست؟

ج - خمس آن زمین بر مشتری واجب نیست و بر عهده ذمی منتقل می شود.

واللَّه العالم.

مصرف خمس

سهم سادات

س ۵۴۸- آیا پدر می تواند که خمس یا زکات خود را در اختیار پسرش بگذارد که ازدواج نماید یا خیر؟

ج - اگر پدر متمکن است از خود بر فرض اراده تزویج برایش به طبعه کند اگر چه واجب نیست در این صورت به حساب خمس نمی تواند انجام دهد.

س ۵۴۹- آیا زید از خمس مال خود می تواند برای دختر سیده خود که چیزی دختر از خود ندارد، جهیزیه مطابق شأن و آبروی او بگیرد یا خیر؟ و نیز آیا می تواند پدر به دختر سیده خود چیزی از خمس تملک نماید که در ولیمه عروسی خود صرف کند یا خیر؟

ج - بلی می تواند بگیرد و می تواند تملیک نماید در صورتی که فقیره باشد.

واللّٰه العالم.

س ۵۵۰- زید به زوجه یا مادر یا دختر سیده و جوان خود مبلغی به عنوان خمس از سال خود می دهد که زیورآلات زنانه مطابق شأن خود بگیرد آیا جایز است یا خیر؟ و نیز از خمس خود به افراد مذکور می دهد که یا در صله رحم و مهمانی مؤمنین چه سید و چه غیر

سید مصـرف نماید، و نیز صدقات بدهد چه به سـید و چه به غیر سـید، و نیز برای زیارت رفتن قم و زیارت حضرت عبدالعظیم مصرف نماید،

در این موارد جایز است یا خیر؟

ج – در این قبیل امور که از نفقات واجبه نیست مانعی ندارد.

س ۵۵۱- آیا زیـد به زوجه سـیده خود می توانـد از وجه خمسـی که بر ذمه او است بدهد تا زوجه دندانهایی که درد می کند بکشـد و یا آنکه عاریه بگـذارد یا خیر؟ در صورتی که زوجه از خود چیزی نـدارد غیر همان جهیزیهء او که برای حفظ آبروی او است.

ج – نسبت به نفقه او که از جمله معالجه مرض او باشد به قدر متعارف بر شوهر است، نمی تواند آن را از خمس حساب نماید اما غیر او را می تواند از خمس حساب کند در صورتی که فقیره باشد. واللَّه العالم.

س ۵۵۲- زید وصـیت نموده بعد از مرگ از ثلث او مبلغ معینی را خمس بدهند، چون فوت نمود، زوجهء سـیدهء فقیرهء او می تواند از خمس شوهر چیزی بگیرد یا خیر؟

ج – بلی می تواند بگیرد.

س ۵۵۳- زن سـیده که اطفال یتیم غیر سـیده دارد و فقیر می باشـند و همچنین زن سـیده که فقیر است و شوهر و فرزندان فقیر دارد می تواند که خمس را قبول نماید و تصرف کند بعداً به مصرف خود یا بچه ها و شوهرش برساند یا خیر؟

ج – در صورت مفروضه می تواند بگیرد و برای نامبرده گان صرف نماید.

س ۵۵۴- زن سیده که فقیر است و شوهر و فرزندان فقیر دارد می تواند که خمس را قبول نماید و تصرف کند بعداً به مصرف خود یا بچه ها و شوهرش برساند

یا خیر؟

ج – در صورت مفروضه می تواند بگیرد و برای نامبرده گان صرف نماید.

واللَّه العالم.

س ۵۵۵– اگر شخصی روحانی خواه سید یا عام، گدایی کند می توانیم به او پول بدهیم؟

ج – مانعی ندارد مگر بخواهید سهم سادات به او بدهید که در این صورت سیادت و فقر او را باید احراز نمائید.

س ۵۵۶– به سیدی که مستحق است ولی ریش خودش را می تراشد می شود سهم سادات داد یا خیر؟

ج – اگر احتمال می دهید که معذور است می شود.

س ۵۵۷– سید فقیر خانه ندارد یا خانه دارد محتاج به تعمیر اساسی است و می خواهد کم کم از خمس که به او داده می شود نذر کند برای امر مذکور تا از حالت فقر خارج نشود، آیا جایز است یا خیر؟

ج – نذر مزبور صحیح نیست. واللَّه العالم.

س ۵۵۸– سید فقیر خانه اش کهنه و مرطوبی شده که باید چنین خانه را خراب کند و از بنیاد بسازد چون خرج بنّایی سنگین است ناچار باید پولی به مرور جمع آوری نماید، قهراً تا خانه درست نشده از مخارج سالش باید از خمس زیادتر بگیرد و قرض هم برایش میسّر نیست که از قرض خانه درست کند بعد ادا کند چون می فرمائید نمی تواند از مخارج سال زیادتر بگیرد لذا چه کند که هم خانه درست شود و خلاف هم نکرده باشد.

ج – ما راه مشروع بی خطری پیدا نکردیم، مگر آنکه منزل را تبدیل کند به جای آبادی ولو کوچکتر باشد.

س ۵۵۹– شخصی که مبلغی از سهم سادات در اموال خود دارد برای آنکه _

بتواند تصرف در آنها نماید با سیدی مستحق بدهی خود را دست گردان می کند که بعداً تمام آن مبلغ را به

سادات مستحقی که خودش می خواهد، یا آنکه عشر آن مبلغ یا کمتر از عشر را به همان سید اول و بقیه را به سادات دیگر بدهد، مقتضی است بفرمائید اگر این سید قلباً راضی نباشد که این مبلغ به کس دیگر داده شود ولی در ظاهر دست گردان کرده و اجازه می دهد که به سادات دیگر داده شود آیا این عمل صحیح است یا نه در صورت اشکال مستدعی است که راه حلی برای تسهیل آن بفرمائید.

ج - در صورتی که در ظاهر اجازه بدهد، همان اجازه کافی است مگر آنکه احراز کند که قلباً راضی نیست و تا احراز نکرده مجرد احتمال که او راضی نیست مانعی از دادن، نمی شود. واللّٰه العالم.

س ۵۶۰- سیدی می تواند وکیل کند دیگری را در اخذ سهم سادات و صرف در حوزه علمیه مثلاً یا نه؟

ج - مانعی ندارد در صورتی که جدی باشد.

س ۵۶۱- طلاب و سادات از طلبه می روند قرائی(۱) برای تبلیغ و روضه خوانی اهل قریه با آنها قرار می گذارند که شما مثلاً یک ماه برای ما امور مذهبی بگویید و روضه بخوانید، فلان مبلغ از خمس، یا زکات، و اگر رسید بیاورید از مجتهدی از سهم مبارک امام علیه السلام به شما می دهیم، آیا برای برنده و دهنده چه صورت دارد؟

ج - حقوق مذکور، مختلف است از بابت زکات، اجرت قرار دادن مانعی ندارد و همچنین از سهم امام علیه السلام با اجازه حاکم شرع، و اما در سهم سادات جایز نیست، و اما مجرد وعده دادن آن بر تقدیر آنچه از او خواسته شده، مانعی ندارد.

---

(۱) قراء جمع قریه است به معنی روستاها

س ۵۶۲-

آیا مانعی دارد به عوض اینکه خمس را به سید تملیک کنند آن را به سید مستحق قرض بدهند که مثلاً برای خود خانه بخرد بعد به تدریج قرض خود را بپردازد بعداً همان مبلغ را گرفته به سید دیگری قرض بدهند؟

ج – دهنده خمس را، ولایت بر غیر ادای آن به موردش حق تصرف دیگری نیست.

س ۵۶۳- اگر بخواهیم خمسی را از خود چیزی که به آن خمس تعلق گرفته بدهم آیا وکیل مرجع تقلید می تواند مرا در پرداخت قیمت خمس مجبور نماید؟

ج – خیر وکیل چنین اختیاری ندارد.

س ۵۶۴- در احکام خمس می فرمائید که باید خمس را یا از همان جنس بدهد یا پول آن را، و جایز نیست که چیز دیگری بدهند، و اکنون سید صغیری هست که احتیاج به لباس دارد و اگر پول را یکی که او را نگاهداری می کند بدهیم به مصرف او نمی رساند ما می توانیم از بابت خمس با این بیان برای او لباسی بخریم یا خیر؟

ج – با اجازه حاکم شرع و یا وکیل او مانعی ندارد. واللَّه العالم.

سهم امام علیه السلام

س ۵۶۵- مقلدین سر کار می توانند سهم مبارک امام علیه السلام را به مجتهدی که مصرفش با شما یکی است بدهند یا خیر؟

ج – باید شخصاً با تعیین مقدار استجازه کنند. واللَّه العالم.

س ۵۶۶- آیا با سهم امام علیه السلام و رد مظالم می توان کتابهای دینی و تفسیر برای استفاده خود و دیگران ابتیاع نمود یا خیر؟

س ۵۶۷- از سهم امام علیه السلام اجازه می دهید برای طلبه کتاب خریداری شود و از سهم سادات برای طلبه سید؟

ج – مانعی در سهم امام با فرض موردیت نیست

ولی سهم سادات لازم است به خودشان داده شود در صورت فقیر بودنشان. واللّٰه العالم.

ج - اما رد مظالم باید به فقرا داده شود بلی از زکات می توان صرف در این سنخ موارد به عنوان سبیل اللّٰه کرد ولی در صورتی که در معرض استفاده عمومی گذاشته شود و اما صرف سهم امام علیه السلام در این موارد موقوف به اجازه حاکم شرع است.

س ۵۶۸- آیا برای طالب علم جایز است که از سهم امام کتابهایی را خریداری نماید؟

ج - اگر احتیاج به آن کتابها داشته باشد و سهم امام را به او داده باشند جایز است که خریداری کند.

س ۵۶۹- شخصی غنی است و احتیاج به مال امام ندارد، اما مال امام را گرفته کتاب دینی می خرد، آن هم زیاده از احتیاج، چطور است؟

ج - عمل مذکور وجه صحت ندارد، واللّٰه العالم.

س ۵۷۰- زید به یک نفر از اهل علم مجاز مقداری از سهم مبارک امام علیه السلام داده برای ادای دین آیا این اهل علم این وجه را می تواند در جای دیگر مصرف نماید یا نه؟ و اگر مصرف نموده آیا محتاج به اجازه است یا نه؟

ج - در فرض مجاز بودن مانعی ندارد، واللّٰه العالم.

س ۵۷۱- بعضی سؤال می کنند شهریه مرحمتی حضرت عالی که به آقایان اهل علم داده می شود کسانی هستند از راه منبر یا جهات دیگر تأمین می باشند، آیا این سهم مبارک امام علیه السلام شرط آن فقر است یا به عنوان آنکه مروّج است تشویقاً داده می شود و از شئون حضرت عالی است، بالجمله مصالح ایجاب می کند که به آنها داده شود، حقیر چه کنم؟

ج - در صورتی

که خدمت دینی داشته باشند مانعی ندارد.

س ۵۷۲- روحانیها شـهریه ای می گیرنـد این شـهریه در مقابل چه عمل ایشان می باشد و آیا اگر درس نخوانند و یا کم درس بخوانند و فقط به رفتن آن درس قناعت کنند مصـرف شهریه آنها اشکال دارد؟ اگر کسانی که نمی خوانند می توانیم از غذای آنها استفاده کنیم؟

ج – شـهریه گرفتن در مقابل خدمت به دین است و هر کسـی که درس برای خدمت به دین نخواند ولی خدمتی به دین داشـته باشد می تواند شهریه را صرف نماید و غذا خوردن شما در منزل آنها مانعی ندارد.

س ۵۷۳- شخصی که از خمس و سهم امام اعاشه می کند آیا می تواند از این وجه مکرر سال یک مرتبه سفر اعتاب مقدسه و عمره برود یا نه؟

ج – در مفروض سؤال از خمس مانعی ندارد برود ولی از سـهم امام علیه السـلام مصـرف کردن در آن جوازش موقوف به آن است که در آن اسفار خدمت به دین و شرع اطهر نماید. واللَّه العالم.

س ۵۷۴- سادات فقیر از سهم خودشان و مستحقین سهم امام علیه السلام و کفارات و رد مظالم و غیره آیا از این وجوهات می تواننـد به مصـرف حـج تمتع یا عمره یا زیارات معصومین و امامزاده ها برسانند یا خیر؟ و همچنین در صورت لزوم و احتیاج به مرکب از این وجوه تهیه مرکب سواری اعم از اسب یا ماشـین سواری یا غیره طبق شـئون خود بنماینـد، یا نسـیه بخرنـد و قرض خود را از این وجوه بدهند جایز است یا خیر؟ و تا چه اندازه حق توسعه دارند؟

ج – آنچه که دهنده سهم می تواند به مستحقین بپردازد مصارف ضروریه آنها است

و بقیه مصارف منوط به اجازه خاصه در آن مورد از حاکم شرعی است.

س ۵۷۵- مساجدی که انعقاد جماعت می شود محتاج به توسعه و تعمیر و فروش و لوازمات دیگر می باشد لذا تقاضا می شود که اجازه فرمائید از سهم مبارک امام مقداری صرف و خرج گردد چون اکثر اهالی کم بضاعت می باشند و مسجد هم کوچک است.

ج - شما، مقدار یک ثلث از سهم امام متعلق به ذمه مؤمنین آن منطقه را، جایز است صرف در مسجد مزبور بنمائید.

س ۵۷۶- آیا اجازه هست تصرف نمودن در ثلث یا ربع از حق امام برای کسی که خمس می دهد؟

ج - احتیاج به اذن گرفتن است.

س ۵۷۷- آیا اجازه می فرمائید از مورد یک ثلث سهم امام مقلدین جناب عالی ثلث وجوه خود را به مصارف ذیل برسانند؟

۱ - احداث حمام در روستاها که جنبه خیرات عمومی دارد و ملک شخصی نمی شود.

۲ - احداث یا تعمیر حسینیه.

۳ - احداث یا تعمیر دبستان یا دبیرستان به خصوص در زمان ما که تعلیمات آن در مسیر اسلام و بحمده تعالی انحرافی دیده نمی شود.

۴ - فرش مسجد یا حسینیه.

۵ - احداث پل و جاده.

۶ - تعمیر خانه های تخریب شده در جنگ.

ج - برای مصارف مزبوره از مورد ثلث مجازند.

س ۵۷۸- حضرت عالی اجازه فرموده اید از حق امام علیه السلام صرف گردد در ایتام

لبنان بعضی از مؤمنین سؤال می کنند که این اجازه برای مطلق ایتام است یا خصوص طائفه امامیه است؟

ج - اجازه ای که داده ایم فقط برای طائفه امامیه است نه مطلقاً.

س ۵۷۹- صبیه این جانب که در حدود شش سال است شوهر اختیار نموده و خداوند عالم به او بچه مرحمت

فرموده است، اینک چند سال است چون با شوهرش منازعه دارند با بچه اش به منزل بنده آمده اند، و چون این جانب خیلی بدهکاری دارم و نسبت به مخارج آنها فعلاً چاره ای جز نگاه داشتنشان در منزل ندارم، مقتضی است لطف فرموده و اجازه حساب نمودن مخارج آنها را از ثلث سهم امام علیه السلام مرحمت بفرمائید. چون این مسئله از نظر شبهه واجب النفقه بودن آنها مورد اشکال شده است.

ج - مجالی برای آن نیست ولی مصرف آنها جزو مؤونه شما محسوب است خمس آن مقدار بر شما لازم نیست. واللّٰه العالم.

س ۵۸۰- آیا اجازه می فرمائید به اشخاصی که خدمتگذار به دین هستند یعنی تعلیم مسائل و قرائت قرآن یا تصفیه اموال مردم را می کنند گرچه مستحق نباشند چیزی از سهم امام علیه السلام را داد یا خیر؟

ج - موقوف به اجازه است. واللّٰه العالم.

س ۵۸۱- آیا اهل علمی که در دهات اموال مردم را تصفیه می کنند ولی مستغنی از صرف سهم امامند می توان چیزی به عنوان حق الزحمه به آنها داد، و اگر می توان داد چه نسبت از سهمی که می آورند اجازه پرداخت می دهید، گویا بسیاری از آقایان به اینگونه افراد ۱۳ مقدار وجهی که آورده اند می پردازند.

ج - اگر به عنوان مزد عمل باشد میزان در آن اجره المثل است و اگر به عنوان

مقتضی دیگری مانند خدمتگذاری باشد به قدری که شایسته و از خدمتگذاری اوست.

س ۵۸۲- بعضی اهل علم زحمت تصفیه اموال و تخمیس عوائد مؤمنین را در دهات متحمل می شوند ولی فقیر و محتاج نیستند بلکه از عوائد املاک یا غیر املاک اداره می شود ولی انتظار دارند در مقابل زحمت تصفیه

و آوردن وجوه به شهر اجرتی دریافت دارند و می گویند بعضی از اهل علم به ما یک ثلث وجه را به عنوان حق العمل و اجرت می دهند، این جانب برایم مشکل است لطفاً خودتان چیزی برای اینگونه افراد منظور فرمائید چه به صورت یک سهم از چند سهم مانند ۱۳ یا به صورت مبلغ معین در هر ماه یا هر سال ذیلاً مرقوم فرمائید.

ج - این جانب اجازه صرف یک ثلث را به عنوان حق الزحمه شخص نمی دهم، بلکه به عنوان صرف در مورد مقرره شرعیه است اعم از مجاز یا موارد دیگر، و اما حق الزحمه یک یا دو درصد و مافوق آن چهار یا پنج درصد است، و شما مجازید در موارد لازمه تعداد مزبور را به عنوان حق الزحمه به اشخاص تعیین نمائید.

س ۵۸۳- وجوهات که در دست وکیل امانت است می تواند به افراد قرض بدهد، هر وقت وسیله فراهم شد به حضور مرجع ارسال دارد، یا حق هیچگونه تصرفی ندارد؟

ج - حقّ این قبیل تصرفات را ندارد مگر با اجازه مرجعش.

مصالحه در خمس و دست گردان

س ۵۸۴- آیا می شود از متیقن الخمس مقداری یا همه را بعد از دست گردان از

قبل سادات که سعه صدر دارند یا از قبل ولی امر در سهم امام علیه السلام در صورتی که طرف ضعیف الحال است و یا برای استماله(۱) او که در نرود ولو برای سالهای دیگر به او بخشید.

ج - ذمه او بری ء نمی شود، اگر متمکن است باید به ذمه، و اگر متمکن نیست معذور است تا وقت تمکن. واللَّه العالم.

س ۵۸۵- کسانی که مثلاً یک میلیون تومان بدهکار می شوند و پرداخت همه مبلغ بر

آنهـا شاق است و اگر سـختگیری کنیم حاضـر به حساب نمی شونـد، آیا اجازه می فرمائیـد به این قبیل اشـخاص ارفاق بیشتری بشود و در صورت موافقت مقدار مجاز را تعیین فرمائید.

ج - وجوه شـرعیه که تعییناً به ذمه کسـی تعلق گرفت قابـل بخشـش نیست، بلی اگر وجوه مزبوره را نتوانـد بعـداً بپردازد به او مهلت داده می شود که به تدریـج بـدهی خود را کارسازی نمایـد، و اگر وجوه مشـکوکه به ذمه او باشـد می توان به مقـداری صلح نمود.

س ۵۸۶- آیا حاکم شـرع یا وکیلش می توانند در ازای پولهایی که مکلّف قبل از آنکه خمسـشان را بدهد صرف نموده مبلغی را به عنوان مصالحه از او بگیرند مثلاً مکلّف قبل از آنکه خمس بدهد سفری کرده و در سفرش هزار ریال خرج کرده؟

ج - اگر مکلّف شک دارد که در ذمه اش خمس آنچه که صـرف کرده تعلق گرفته باشـد پس حاکم یا وکیلش می تواننـد به مبلغی که منـاسب است بـا مکلّـف مصـالحه کننـد، و اگر مکلّـف یقین دارد که در ذمه اش خمس آنچه که صـرف کرده تعلق گرفته پس باید مقدار یقینی از خمس را بپردازد، و حاکم شرع یا وکیلش نمی توانند با

---

(۱) استماله: دل به دست آوردن

مکلّف در مبلغی مصالحه کنند.

س ۵۸۷- پولهایی که فردی از آقایان به اجازه شـما دست گردان کرده انـد، بعـداً ملک ایشان شده یا باید توسط مجازین فعلی به شما تقدیم گردد.

ج - سـهم امام علیه السـلام با دست گردان و غیر آن ملک نمی شود و بایـد آنچه دست گردان می شود پس از رحلت دست گردان کننده به مقلَّد داده شود و به ورثه دست گردان کننده نمی رسد.

مسائل متفرقه

س ۵۸۸- اگر وکیل

مرجع تقلیدی خمس یک چیز را بگیرد و معلوم شود که در آن چیز خمس واجب نبوده آیا جایز است آن مقداری که به عنوان خمس گرفته شده از او مطالبه نمود؟ و آیا بر وکیل واجب است که این مقدار را پس بدهد؟ و آیا قبل از آنکه مالکش مطالبه آن چیز را بنماید برگرداندنش واجب است یا اینکه بعد از مطالبه پس دادنش واجب می شود؟

ج - اگر همان چیزی را که به عنوان خمس گرفته شده موجود باشد مطالبه نمودنش جایز است، و اگر موجود نباشد و از بین رفته باشد و وکیل می دانسته که به آن چیز خمس تعلق نگرفته وکیل مرجع تقلید ضامن است، و بر او بازگرداندن آن چیز واجب است.

س ۵۸۹- زیدی مبلغی بابت خمس می پردازد ولی بعداً متوجه می شود که یا به کلی بدهکار به ارباب خمس نبوده و اشتباه در حساب کرده، و یا اینکه بدهکاری او کمتر از آن مبلغ بوده، بفرمائید آیا این مبلغ پرداختی را می تواند در سال آینده بابت خمس حساب نماید یا نه؟

ج - در صورتی که گیرنده اطلاعی از اشتباه دهنده نداشته است حق حساب کردن در سال آینده ندارد، بلی اگر عین آن موجود نزد گیرنده باشد، می تواند حساب کند.

س ۵۹۰- اگر زیدی اشتباهاً به عنوان سهم امام و سادات به نماینده مجتهد زیادتر داده باشد، آیا آن نماینده که به مصرف رسانده می تواند از وجوه دیگر بپردازد و یا طلبکار باشد در سال آینده حساب کند، و یا آنکه گیرنده مدیون نیست؟

ج - نماینده در صورت مفروضه نمی تواند از وجوه دیگر بپردازد و پرداخت کننده طلبکار نمی باشد. واللَّه

العالم.

س ۵۹۱- یک نفر طلبه ای که مجاز و مقلد است به یک نفر مجتهد اعلم که در اخذ سهم امام علیه السلام استحقاق را شرط نمی داند بلکه اشتغال و خدمت را کافی می داند، ولی کسی که سهم می دهد مجتهد آن شخص استحقاق را در اخذ و ردّ سهم مبارک ملاک می داند آیا در این صورت طلبه فوق الذکر می تواند از آن شخص سهم بگیرد یا نه؟

ج – در مفروض سؤال می تواند بگیرد، واللَّه العالم.

س ۵۹۲- مردم وجوهاتی که نزد حقیر می آورند از خمس و زکات و ردّ مظالم و کفارات و غیره حسابش در دفتر جداگانه محفوظ و نوشته می شود اما از برای حفظش گاهی مخلوط با پول شخصی حقیر می شود و گاهی هم در حال نماز حمل می شود با قصد پرداخت به مستحقین به موقع مقتضی، آیا جایز است یا خیر؟

ج – حمل امانات مزبوره در نماز مانعی ندارد برای صحت نماز، و همچنین اختلال با غیر آن در غیر زکات در صورتی که از صاحبان امانت مأذون در وقوع این حال برای خود باشید، و در زکات بدون اذن حاکم جایز نیست. واللَّه العالم.

خمس

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

زکات

زکات

زکات اموال

س ۵۹۳- عاملینی هستند به نام دهقان یا غیره که از نظر زحمتکشی در زراعات با ارباب زراعت طبق قرارداد خودشان سهمی از زراعت می برند، مثلاً یک پنجم گندم زراعت را می برند، اما فقط از گندم بهره می برند نه از کاه آن، بفرمائید اگر مقدار گندمی که از زراعات به واسطه عامل بودن می برند به قدر نصاب است باید زکات بدهند اگر چه از کاه آن زراعت نمی برند

یا زکات بر آنها

واجب نیست.

ج - در صورتی که به قدر نصاب برسد باید زکات آن را بدهد اگر چه از کاه آن حصه ندارد. واللَّه العالم.

س ۵۹۴- در جواب استفتایی که راجع به زکات گندم یا جو که با آب استیجاری عمل آمده، مرقوم فرموده اید زکات آن ۱۲۰ است، آیا درست است یا نه؟ در فرض صحت اگر کسی خود آب ملکی دارد و آن را به دیگری اجاره داده و یا در باغستان صرف می کند و از آب استیجاری دیگر گندم و زراعت خود را سیرآب می کند باز هم زکات آن گندم ۱۲۰ است یا نه؟

ج - بلی درست است و زکات فرض دوم نیز یک بیستم است و در این حکم فرق بین این دو فرض نیست ولکن این در صورتی است که آن آب استیجاری به علاج باشد از قبیل دلاء و نحو آن چنانکه متعارف همین است. واللَّه العالم.

س ۵۹۵- چاه های عمیق، در غله آن عشر است یا نصف عشر؟

ج - نصف عشر است.

س ۵۹۶- این بنده مقداری از کشمش خشک از محصول باغم استفاده کرده لکن از حد نصاب کمتر است ولی مقداری انگور دارم که اصلاً قابل خشک شدن نیست و فقط در حالت انگوری استفاده می شوند یا شیره می شوند، فعلاً نمی دانم اگر این انگورها هم زکات داشته باشد و به حدّ نصاب می رسد، باید زکات بدهم یا نه؟ بیان فرمائید.

ج - بلی در این قسم هم زکات واجب است و از جهت نصاب ملاحظه فرض خشک شدن آن می شود ولو به ضمیمه قسم اول.

س ۵۹۷- چند قسم از انگور است اصلاً قابل خشک شدن نیستند مثل سبز انگور و

امثال آن، بلکه استفاده از آنها منحصر به خوردن آنها است در حالت انگوری، یا اینکه باید آب آنها جوشانیده شده و شیره انگور بسازند، و لذا سنجیدن مقدار خشک آنها مشکل است خواهشمند است بفرمائید اوّلاً این قبیل انگورها هم زکات دارند و واجب است از آنها زکات داده شود؟ و بعداً طریقه سنجیدن حد نصاب آنها چیست؟

ج – در صورت مفروضه رجوع به اهل خبره اش نمایید، و اگر اهل خبره در بین نیست، اگر شک دارید در بلوغش حد نصاب را، دادن زکات از آن واجب نیست و اگر می دانید باید زکاتش را بدهید. واللَّه العالم.

س ۵۹۸- آیا طلاهای مسکوکی که فعلًا زنها زینت خود قرار می دهند زکات دارد یا خیر؟ و مراد از رواج معامله چیست؟

ج – مقصود از رواج سکّهء پول واقع شدن در معامله بازاری است در عوض متاعی که خریداری می شود، و اگر چنین باشد زکات در آن، به شرایطش واجب خواهد شد.

س ۵۹۹- گوسفند سائمه چنانچه مثلًا در بین سال مثلًا پنج شب هر شبی یک نوبت و یا بیشتر، کاه یا جو بخورد آیا زکات آن ساقط است یا نه؟

ج – به این مقدار ساقط نمی شود. واللَّه العالم.

مصرف زکات

س ۶۰۰- کسانی که ریش می تراشند و یا اینکه قرائت نمازشان مثلاًـ باطل است و در یاد گرفتن کوتاهی می نمایند آیا در صورت فقر جایز است از وجوهات منطبقه به آنها داده شود یا نه؟ و همچنین به تریاکی؟

ج – مانعی ندارد مگر آنکه کمک به معصیت او باشد، چنانچه در مسئله ۱۸۴۷ توضیح ذکر شده است. واللَّه العالم.

س ۶۰۱- کمک به شخص فقیری که نماز نمی خواند (از وجوه

منطبقه) چه صورت دارد؟

ج - بدون ضرورت جایز نیست علی الاحوط. واللّٰه العالم.

س ۶۰۲- به فقیر تریـاکی می شود از وجوه منطبقه داد یـا نه؟ در صورتی که معلوم یـا مظنون باشـد که به مصـرف تریاک می رساند؟

ج - اگر مصرف او باشد شرعاً مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

س ۶۰۳- زیـدی که فقیر شـرعی است وجهی را از وجوه منطبقه گرفت آیـا می توانـد آن را صـرف تعمیر مسـجد و یا حمام و غیره بنمایـد یا نه؟ و چنانچه این عمل تکرار شود چگونه است، مثلاً صـد تومان در مرتبه اول، و بعد از چندی دویست تومان و هکذا.

ج - در مفروض سؤال بعد از مالک شدنش به جهت فقیر بودن در آن حال مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

س ۶۰۴- زیدی که فقیر شـرعی می باشد پولی از کسـی قرض کرده مثلاً یا جنسی را مثلاً نسیه خریده و چون سر مدت دین را ادا نکرده و یا نداشـته که بدهـد، طلبکار ربح و نزول روی طلب خود کشـیده، و بعد از مدتی مثلاً یک صد تومان شاید پنج یا ده برابر شده، و از مدیون هم سفته یا مدرک دولتی گرفته، و در وصول طلب خود سخت گیری می نماید، و بدهکار را ممکن است به زنـدان هم بینـدازد بـا این تفصـیل بفرمائیـد برای اسـتخلاص و حفظ آبروی این فقیر شـرعی از وجوه منطبقه می توانند برادران ایمانی به او بدهند یا نه؟

ج - مانعی ندارد.

س ۶۰۵- در صورتی که پولی مثلاًـ از زکـات برای انجـام امور خیریه دینیه جمع آوری شود چنانچه از این وجه پول به روضـه خوانی که سید و یا مستغنی است بدهند چه صورت دارد، و همچنین صرف

اطعامی که مدعوّین اعم از هاشمی و غیره، و غنی و فقیر هستند.

ج - مفروض سؤال جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۶۰۶- آیا مظالم می شود صرف در امور خیریّه دینیّه عامّ المنفعه از قبیل ساختن و یا تعمیر مسجد و حمام و خرج مجالس روضه خوانی و گفتن مسائل

شرعیّه و غیره نمود یا نه؟

ج - مصرف آن منحصر به فقیر است.

زکات فطره

س ۶۰۷- اگر کسی را شب عید فطر دعوت کنند آن شخص پیش از غروب بیاید آیا فطرهء او بر صاحب منزل واجب است؟

ج - واجب نیست. واللَّه العالم.

س ۶۰۸- مردی در ماه مبارک فطرهء خود و اهل بیتش را می دهد و قبل از غروب می روند مهمانی و جزو عیالات دیگری حساب می شوند آیا صاحبخانه باید فطره آنها را بدهد؟

ج - در صورتی که صدق عائله شود، بر صاحب خانه است که فطره آنها را باید بدهد. واللَّه العالم.

س ۶۰۹- قبل از غروب عید فطر شد مهمانی آمد و افطار کرد و بعد از دو ساعت رفت، فطره او به عهده کیست؟

ج - در صورتی که عنوان عائله بر او صدق می کند فطره او بر صاحب خانه است. واللَّه العالم.

س ۶۱۰- شاگرد دکان عطاری دوران سال ظهر غذای او به عهده صاحب دکان است، ماه مبارک هم او را افطار می دهد، فطره او به عهده کیست؟

ج - در مفروض سؤال فطریهء شاگرد به عهده استاد او است. واللَّه العالم.

س ۶۱۱- اگر کسی موقع غروب شب عید بیهوش باشد، یا مهمان کسی باشد، یا زندان باشد، فطرهء عیالات او از او ساقط می شود؟

ج – مجرد مهمان بودن که فطره اش بر دیگری باشد، و یا زندانی

بودن، باعث سقوط فطره عیالات از عهدهء او نمی شود، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب بیهوش بودن او، که فطره خود و عیالاتش را باید بدهد. واللَّه العالم.

س ۶۱۲- مردی به واسطه تأخیر انداختن طلب مردم به زندان رفته، دولت مخارج او را از طلب کار می گیرد، فطره او به عهده کیست؟

ج - فطره او به عهده خودش می باشد. واللَّه العالم.

س ۶۱۳- سربازها که خرجشان با دولت است فطره شان هم با دولت است یا با خودشان؟ و اگر با دولت است که باید بدهد؟ و چون دولت نمی دهد از ایشان ساقط است یا خیر؟

ج - دولت بدهد یا ندهد خودش باید بپردازد.

س ۶۱۴- قبل از غروب عید فطر می خواهد فطره را به عنوان قرض به فقیر بدهد که غروب شب عید بابت فطره حساب کند، آیا به فقیر لازم است بگوید این وجه را به تو قرض می دهم؟

ج - می تواند به عنوان فطره بدهد و چنانچه بخواهد قرض به او بدهد، لازم است آن فقیر قبول کند. واللَّه العالم.

س ۶۱۵- فطره را به قصد فقیر معینی کنار گذاشت، آیا موقع دادن فطره می تواند به فقیر دیگری بدهد؟

ج - مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۶۱۶- اگر کسی پول فطره را قند و چایی برای فقیر خریده و به عنوان فطره داده آیا بری ء الذمه شده یا نه؟

ج - فی نفسه جایز نیست، محتاج است به اجازه حاکم شرع ولو بعد اجازه

بدهد. واللَّه العالم.

س ۶۱۷- در شب عید فطر سرپرست خانه پول موجودی نداشت آیا می تواند پارچه یا ظرفی که همان مبلغ ارزش دارد کنار بگذارد و بعداً همان پارچه یا پول آن را به فقیر بدهد؟

ج

- نمی تواند. واللَّه العالم.

س ۶۱۸- پول فطره را می توانـد بعـد از کنـار گذاشـتن، برای مجـانین سـیگار، یـا برای یتیم لبـاس بخرد، یا برای تعمیر مسـجد بدهد؟

ج - می تواند لباس برای یتیم یا مجانین بخرد، و یا برای تعمیر مسجد بدهد.

س ۶۱۹- پدر مادر یا مادر مادر هم جزو کسانی هستند که نمی شود به آنها فطره بدهند؟

ج - در غیر نفقه، از مصـارف آنهـا مـانعی نـدارد. ولی در چیزی که از نفقه واجب آنهـا شـمرده می شـود احـوط آن است که ندهند. واللَّه العالم.

س ۶۲۰- اگر بیاورم کارگرانی از خارج و آنها را با خودم اسکان دهم، و ملتزم شده ام که اطعام نمایم آنها را از طعام خود، و ملتزم شده ام به شئون آنها و حوائج آنها، آیا عنوان عیال بر آنها صدق می نماید؟

ج - اگر این چنین باشـد بـدون اینکه عوضـی بر آنها حساب نمائیـد بله عیال می شوند مثل کلفت و خادم که انفاق می کند بر آنها مانند سایر اهل خود، و اگر انفاق نمودن بر آنها به عوض خاصی که حساب می کند بر آنها باشد، خیر عیال نخواهند شد.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

زکات

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

حج

استطاعت

س ۶۲۱- کسانی که روحانی می باشند و ارتزاق آنها از روضه خوانی و سهم امام و وجوهات دیگر است، اگر مقداری داشته باشند از غیر وجوه، و یا آنکه امور روحانیت کمک کاروان را قبول کرده و مکه مشرف شده است، آیا مستطیع شده است و حج از گردن او در سالهای آینده ساقط می باشد یا نه؟

ج - بلی، در هر دو فرض و دست یافتن به امکان ادای حج، حج او حجه الاسلام، و

موجب سقوط وظیفه در تمام عمر است. واللّٰه العالم.

س ۶۲۲- زیدی که مشغول تحصیل علم می باشد ملکی داشت و فروخت اگر بخواهد با این وجه به مکه برود می تواند لکن هیچ عایدی غیر از وجوهات ندارد، آیا وظیفه اش خرج کردن از وجوهات و رفتن به مکه است یا تکلیف دیگری دارد؟

ج - در صورتی که مستطیع است و می تواند به مکه برود و برگردد و در عسر و حرج واقع نمی شود در این صورت باید به مکه برود. واللّٰه العالم.

س ۶۲۳- کسی که در همین سال مستطیع شده ولی یقین دارد در بین مسافرت

حج به جاهایی برخورد خواهد کرد که باید با لباس نجس و بدن نجس نماز بخواند، آیا باز هم واجب است یا نه؟

ج - بلی باز هم واجب است. واللّٰه العالم.

س ۶۲۴- آیا از وجوهات سهم مبارک و سهم سادات می توان به حج و یا عمره مفرده مستحب رفت؟

ج - با سهم سادات سید فقیر پس از گرفتن مصرف سالش می تواند با آن حج بجا آورد و غیر سیدی که خدمت در دین دارد می تواند از آنچه به ازای خدمتش از سهم امام می گیرد حج بجا آورد. واللّٰه العالم.

س ۶۲۵- آیا اشخاصی که در سال اوّل قرعه کشی مستطیع بوده اند شرکت نموده اند و در بانک پول گذاشته اند ولی در سالهای بعد که نوبت سفر ایشان است احتیاج به منزل یا ماشین دارند یا سرمایه به قرض می افتد آیا این حج کفایت می کند چنانچه در سالهای آینده مستطیع شود؟

ج - بلی کفایت می کند. واللّٰه العالم.

س ۶۲۶- زید مبلغی به مرور سالها جمع آوری نموده، و این مبلغ به حدی رسیده که اگر خمس

تعلق نمی گرفت، این شخص مستطیع بود و چنانچه خمس این مال را بدهد از استطاعت می افتد، قیل که باید حج برود و خمس را دست گردان کند، هر گاه قدرت پیدا کرد بدهد، آیا این حرف قیل، صحیح است یا خیر؟ جواب مرقوم فرموده بودید در فرض مزبور دادن خمس آن لازم است، در اینجا به عرض می رسد که خمس آن لازم است یعنی این شخص فعلاً مستطیع نیست یا اینکه چیزی است که ما درک نمی کنیم؟

ج – اگر خمس در ذمه او باشد، حال سایر دیون را دارد که منافات با استطاعت _

۱۹۹

حج ندارد، به این معنی که اگر ادا نشد و معصیت کرد واجب است حج برود، و اما اگر داد و بقیه کافی نیست مستطیع نیست، و اما اگر خمس در عین اموال باشد و به طوری است که زاید بر خمس کافی به حج نیست مستطیع نیست. واللَّه العالم.

س ۶۲۷- ضعیفه ای منزل مسکونی به ارث به او رسیده است و زوج او تمکن از تهیه مسکنی ندارد، اگر این زن بخواهد منزل را بفروشد و به مکه بروند در مضیقه قرار خواهند گرفت، آیا مستطیعه شده است یا خیر؟

ج – در صورتی که اگر آن منزل را بفروشد در ضیق و حرج واقع می شود در این صورت آن زن مستطیعه نیست. واللَّه العالم.

س ۶۲۸- اینجانبان به شوق زیارت بیت اللّه الحرام و ادای حج واجب در سال جاری مشرف شده، ولکن پس از اتیان اعمال عمره اجباراً ما را از خاک سعودی بیرون کردند، لذا سؤال می شود کسی که چند سال است مؤونه راه داشته و در این این چند سال کوتاهی

نکرده لکن وسیله رفتن فراهم نشده یا افرادی که در آن چند سال قبلی مسامحه کرده اند در رفتن، تکلیف هر دو دسته که امسال مشرف شده و پول خود را خرج کرده اند و فعلاً از نظر مؤونه قادر به رفتن نیستند چیست؟ و نیز تکلیف کسی که امسال مستطیع شده و مشرف شده لکن او را برگردانده اند و پولش را هم خرج کرده چیست؟

ج - در فرض ثالث که امسال مستطیع شده و فعلاً هم متمکن نیست وظیفه ای ندارد، و در فرض دوّم حج مستقر شده بر ذمه اش، و در صورت اولی اگر خودش بتواند به حج برود، لازم است و اگر نتواند وظیفه او فرستادن نائب است و کفایت می کند انجام از میقات، ولی احتیاط واجب صروره بودن نائب است. واللّٰه العالم.

س ۶۲۹- اگر کسی دیگر را دعوت کند که به زیارت حج برود و تمام مخارج او

را به عهده بگیرد، آیا پذیرفتن آن لازم است یا نه؟ و اگر پذیرفت چنانچه قرض داشته باشد آیا مستطیع می شود یا خیر و اگر وی را به عنوان روحانی استخدام کنند، فرق می کند یا نه؟

ج - در صورتی که مخارج را بدون عوض عهده دار شود لازم است بپذیرد و مستطیع می شود و قرض مانع از استطاعت نیست، ولی چنانچه در مقابل بذل، انجام عملی را خواستارند، مثل شغل روحانی که با او شرط شود که به امور رسیدگی نماید، در این فرض قبول کردن واجب نیست.

س ۶۳۰- از مسائل المستحدثه استفاده می شود اگر کسی پول خود را در بانکهای غیر اهلی به عنوان ودیعه سپرد، چون عین پول از بین رفته است، در وقت استرداد

با اذن حاکم شرعی باید پول را تصرف کند، پس این فرق پیش آمد می کند، شخص در غیر موسم حج پول خود را در بانک غیر اهلی (حکومتی) گذاشته موسم حج قطعاً پولی ندارد، اکتساب هم که واجب نیست برای تحصیل استطاعت لذا اقدام برای حج نمی کند، آیا گناهکار است و تارک حج است؟

ج - اولاً تفویت مال در غیر موسم حج و یا تفویت آن در اثنای سال باعث سقوط حج نمی شود و مکلّف است به انجام حج.

س ۶۳۱- زید مستطیع شده می خواهد به قول متداول بین مردم (قاچاق) برود به مکه آیا جایز است یا خیر؟ و چنانچه جایز نباشد آیا واجب از گردن او ساقط است یا خیر؟ و در مسافرت نماز او قصر است یا تمام؟ توضیح اینکه برای او ضرر جانی ندارد.

ج - چنانچه نتواند به طور آزاد برود مستطیع نیست و در صورتی که به این صورت برود اگر از میقات آزاد باشد که تا آخر اعمال آزادانه مناسک خود را انجام

دهد ولو در مراجعت به محذوری برخورد نماید حج او با داشتن شرایط دیگر حجه الاسلام است و موجب ادای فریضه است، اما قضیه نماز اگر ضرری که محرّم است برایش محتمل و مورد خوف نباشد قصر است، و الّا تا خوف باقی است تمام است.

واللَّه العالم.

س ۶۳۲- سید اهل علم است، کسب و شغل او از اوّل یا تحصیل بوده و یا ترویج و به هیچ کسب و شغل آشنایی ندارد که بتواند از آن ممر اعاشه نماید، فقط وجوه است و وجوه، منزلی دارد برای سکونت خود تقریباً مساحت زمین آن ۲۴۰ متر مربع، چنانچه مساحتی

از زمین منزل را بفروشد و برود حج نماید می تواند و از وضع سکونتی او تغییر نمی کند و به عسر و حرج نمی افتد، آیا چنین سیدی مستطیع است یا خیر؟ توضیح آنکه بعد از برگشتن از حج هم چون راه اعاشه دیگر ندارد ناچار است از وجوه شرعیه روزگار بگذارند، با همه این عرایض او مستطیع است یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال مستطیع است. واللَّه العالم.

س ۶۳۳- زید از خمس مال خود به سید فقیر مبلغ بیست هزار تومان تملیک می کند که چون آرزومند زیارت مکه معظمه است به حج برود، آیا جایز است یا خیر؟ و چنانچه جایز باشد اگر بعدها سید مستطیع شود آیا حج مذکور کفایت است یا باید حج رود؟

ج – اگر قبض نمود به قدر مصرف سالش و حرجی برای مصارف زندگی او در بین نمی آید به صرف در حج پس مستطیع می شود انجام آن مجزی از وظیفه حجه الاسلام او است. واللَّه العالم.

س ۶۳۴- آیا رفتن به مکه معظمه برای ادای فرض حجه الاسلام از راههای غیر

متعارف بدون گذرنامه با خوف وقوع در محظور چه صورت دارد و بر فرض اینکه کسی رفت و مناسک حج را انجام داد مکفی است برای سقوط فرض حجه الاسلام یا خیر؟

ج – اگر این حالت قبل از وصول به میقات باشد و بعد از آن خوفی نداشته باشد اگر چه سفر او سفر حرام و معصیت است ولی مجزی از حجه الاسلام است بخلاف اینکه بعد از آن هم خوف داشته باشد که مجزی هم نخواهد بود.

س ۶۳۵- شخصی سال قبل به حج نیابتی رفته و در اواخر انجام مناسک

متوجه شد که خود نیز می توانسته شخصاً برای خود اعمال حج بجا آورد و چون بعد از ایام حج به این موضوع توجه پیدا می کنـد و شـبهه وجوب دربـاره خود دارد تصـمیم می گیرد که آینـده یعنی امسـال به حـج رود و به همین منظور مقـدمات فراهم نموده و تقاضای ثبت نام می کنـد، لیکن در قرعه کشـی مردود می شود ولی بعضـی کاروانها او را به عنوان راهنما می پذیرند آیا این شـخص می توانـد به سـمت راهنما یا کارمندی کاروان را قبول نماید و بر فرض قبول، از شـبهه وجوب و حج شخصـی خود، برائت ذمه حاصل می کند یا وظیفه دیگر دارد؟ لطفاً حکم آن را مرقوم فرمائید.

ج - حج بر وجه مزبور صحیح و مجزی از حجه الاسلام است. واللَّه العالم.

س ۶۳۶- زیـدی بکر را که آن بکر مسـتطیع نیست در غیر موسم حـج بـا خود به مکه برده (یـا مردی عیال خود را) برای انجام عمره مفرده، بفرمائید آیا این معتمر فقیر در صورت امکان استقراض باید در مکه بماند تا موقع حج تمتع یا خیر؟

ج - واجب نیست.

س ۶۳۷- زید برای آنکه اسـتطاعت حج پیدا نکند نذر کرده هر ساله روز عرفه برای زیارت حضـرت رضا علیه السـلام مشرف شود، چنانچه بعد، استطاعت به هم رساند

آیا نذر او ثابت است و حج او واجب نیست یا آنکه نذر او باطل می شود؟

ج - بله نذر منحل می شود و باید حج نماید. واللَّه العالم.

احکام نیابت

س ۶۳۸- آیا نایب عمل به تقلید خود یا منوب عنه کند؟

ج - اگر به وصیّت نائب شود عمل به تقلید میّت کند، و اگر نمی داند، به تقلید صحیح خود می تواند اکتفا کند.

واللَّه العالم.

س ۶۳۹- آيـا نيابت از زنـده در عمره مفرده جايز است ماننـد حـج مسـتحبى يا نه؟ و نيز آيا مى توانـد يک نفر نيابت از دو نفر زنده يا مرده، عمرهء مفرده را يا نه؟

ج - بلى در عمره مستحبه هم مى توان از زنده نايب شد و هم به يک عمره از دو نفر يا بيشتر. واللَّه العالم.

س ۶۴۰- كسـى كه حـج نيابتى قبول كرده و در همان سال حـج بـذلى يا اسـتطاعت شخصـى پيدا كرده در صورتى كه طرف، شرط نكرده كه در چه سالى نيابت رود آيا مى توانـد حج نيابتى را به سال بعد موكول نموده و امسال حج خود را به جاى آرد يا خير؟ لطفاً حكم آنها را مرقوم فرمائيد.

ج - اگر انصـراف به همان سال نداشـته باشـد مى توانـد نيابت را تأخير بينـدازد و اگر انصـراف به همان سال داشـته باشـد كما هوالغالب پس حج بر خودش واجب است و اجاره قبلى باطل بوده است. واللَّه العالم.

س ۶۴۱- كسـانى كه به نيابت از ديگرى به حـج رفته باشـند از نظر اختلاف دو روز در موقف عرفات و مشـعر نتوانسـته انـد به وظيفه خود عمل نمايند، آيا نسبت به حج از طرف منوب عنه برى ء الذمّه شده اند يا خير؟

ج - در صورتى كه نيابت آنها مقيـد به همين سال نبوده، صـحيح است و بايـد در سالهاى بعـد حـج را بجا بياورد، و اگر نيابت مقيد به همين سال بوده باطل است و در اين صورت اگر اجاره بر مقدمات و عمل حج هر دو بوده، نسبت به مقدمات مسـتحق اجرت است و اگر اجاره بر عمل حج فقط بوده مستحق اجرت بر

مقدمات نیست و این فرض در صورتی است که قطع به خلاف داشته باشد، و امّا در صورتی که احتمال مطابقت در بین باشد و قطع به خلاف نباشد حج اجیر مبری ء ذمّه و مستحق اجرت می باشد. واللَّه العالم.

س ۶۴۲- خدمه کاروانها معمولاً ـ در شب عید، اضطراری اول شب را درک کرده و به منظور مهیا کردن امور حجاج قبل از فجر به منی کوچ می کنند، آیا چنین اشخاصی می توانند نائب در حج از طرف دیگری شوند یا خیر؟

ج - اشخاص مزبور نمی توانند نایب شوند. واللَّه العالم.

س ۶۴۳- آیا نیابت دادن حج تمتع به کسی که با عمره مفرده داخل مکه شده است و نمی تواند احرام از میقات ببندد مگر از حدود حرم، جایز است؟

ج - بلی جایز است، مگر اینکه نیابت دهنده وکیل از غیر باشد که در این صورت بایستی از یکی از مواقیت معهوده نایب بگیرد. واللَّه العالم.

س ۶۴۴- روحانی کاروان که جهت راهنمایی زائران مکه مشرف می شود، آیا می تواند حج نیابی قبول کند یا خیر؟ و همچنین کارمندان گروه در صورت عدم امکان، به چه نیت محرم شوند؟

ج - بلی می تواند قبول کند و همچنین کارمندان قافله. واللَّه العالم.

س ۶۴۵- شخص زنده مستطیع اگر از رفتن مکه عاجز شود آیا می توان به جهت او حج میقاتی استیجار نمود یا اینکه باید از بلد باشد؟

ج - میقاتی هم کفایت می کند. واللَّه العالم.

س ۶۴۶- اگر برای نایب، در حج پیش آمدی شود آیا می تواند نایب بگیرد؟ مثلاً در رمی جمره یا ذبح و یا غیره؟ و آیا نایب دوّم قصد از طرف منوب عنه اولی باید بکند یا امری که باید نایب اوّل

انجام دهد قصد کند؟

ج – بلی می تواند نایب بگیرد و نایب دوّم از هر کدام قصد کند صحیح است.

واللَّه العالم.

س ۶۴۷- وضوی برای طواف حج و نماز آن نسبت به نایب، آیا قصد نماید از خودش یا از منوب عنه؟

ج – بله قصد نماید از خودش.

س ۶۴۸- آیا اعمال نایب در حج باید به نحو تقلید خودش باشد یا تقلید منوب عنه؟

ج – باید به نحو تقلید منوب عنه باشد.

س ۶۴۹- آیا نایب در حج از غیر، تقصیر و حلق را نیت از خود کند یا از منوب عنه؟

ج – کلیه وظایف حج و عمره را باید به قصد منوب عنه بیاورد غیر از کفارات که سبب آنها خودش شده که به قصد خود می آورد.

س ۶۵۰- اگر کشف شود باطل بودن وضوی نایب از حج از غیر خود، یا در عمره بعد از سالیان درازی، این نایب چه باید بکند، و اگر این نایب عاجز شود از رفتن به مکه به خاطر پیری و غیر آن، آیا واجب است بر او برگرداند اجرت را؟ و اگر صاحبان آن اجرت را نداند(۱)، یا موجود نباشند چه باید بکند؟

---

(۱) مقصود این است که اجیر صاحبان اجرت را نشناسد

ج – بله باید تدارک کند هر اندازه که می تواند، یا اجرت را دفع کند به صاحبان آن و اگر غیر موجودند باید حج بدهد برای او باجره المثل.

س ۶۵۱- آیا شخصی که در اثر ضعف مزاج، قدرت بر عمل حج ندارد و استطاعت مالی دارد، باید حج بلدی بدهد یا حج میقاتی کافی است؟ در مفروض سؤال منوب عنه حی است نه میت.

ج – بلی حج میقاتی کافی

است. واللّٰه العالم.

س ۶۵۲- شخصی فوت نموده و مبلغ ۲۵۰۰۰۰ تومان دارایی بجا گذاشته و به اظهار عیالش، شخصی با تقوا نبوده و می گفته می خواهم وجوهات بدهم و حج بکنم و بی وصیت فوت نموده یک مادر و عیال و دو دختر از او باقی مانده. آیا وظیفه ورثه است که وجوهات بدهند و از طرف او حج کنند یا خیر؟ چون یقین ندارند به عین مال، خمس تعلق گرفته باشد، فقط می دانند که وجوهات نمی داده.

ج - آنچه را که یقین دارند ذمه متوفی مشغول است از اصل ترکه باید بدهند و اگر بدانند ذمه او به حج مشغول است باید از اصل ترکه از میقات برای او نایب بگیرند.

اقسام عمره

۱ - عمرهٔ مفرده

س ۶۵۳- شهر مکه معظمه تا خارج از محدوده حرم توسعه یافته، آیا جایز است برای کسانی که در مکه منزل نموده اند از تنعیم که داخل شهر مکه شده و مانند آن برای عمره مفرده محرم شوند و برای اعمال به مسجد الحرام در حال استظلال بروند و آیا فرق است بین کسانی که منزلشان در تنعیم است یا ــ

در جهت مقابل؟

ج - بلی می توانند از تنعیم محرم برای عمره مفرده شوند و بعد از احرام استظلال نکنند تا دخول مکه متقین سابق، و فرقی در حکم مزبور بین افراد مورد سؤال نیست. واللّٰه العالم.

س ۶۵۴- اگر حاج پس از اتمام نسک و قبل از طواف نساء محرم شد به احرام عمره مفرده آیا دو طواف نساء باید بکند؟ و بر فرض لزوم تعدد لازم است طواف نساء حج را مقدم بدارد یا خیر؟ و اگر دو طواف نمود بدون قصد عنوان حج

یا عمره کافی است یا خیر؟

ج - بلی دو طواف لازم است برای دو احرام با قصد عنوان حج یا عمره. واللَّه العالم.

س ۶۵۵- اگر عمره نماید شخصی عمره مفرده در آخر ذیقعده، و اراده نمود داخل شدن به مکه را اوّل ذی حجه آیا واجب است بر او احرام، و اگر کسی احرام ببندد در روز آخر ذی قعده و کامل نمود عمره خود را در ذی حجه آیا واجب است بر او احرام اگر خواست داخل شود در ذی الحجه اگر چه آنچه تأخیر انداخته به شهر ذی الحجه برای اداء، طواف نساء بوده؟

ج - در فرض اوّل واجب است بر او احرام بستن برای دخول در مکه، و در فرض دوّم بدون احرام داخل گردد اگر چه برای ادای طواف نساء باشد برای خودش یا دیگری.

س ۶۵۶- اگر کسی عمره رفت در روز بیست و پنجم ماه محرم مثلاً- آیا جایز است برای او اینکه داخل شود مکه را به غیر احرام تا روز بیست و پنجم از ماه صفر تا واجب شود دخول با احرام؟

ج - جایز است برای او دخول مکه به غیر احرام قبل از دیدن هلال شهر صفر پس اگر دید ماه را قبل از دخول مکه واجب است بر او مجدداً احرام ببندد برای دخول مکه.

س ۶۵۷- اتیان به عمره مفرده بعد از عمره تمتع و قبل از حج، مضرّ به حج است یا خیر؟

ج - اتیان عمره مزبوره مضرّ به حجش نیست. واللَّه العالم.

۲ - عمرهء تمتّع

س ۶۵۸- کسانی که در اشهر حج عمره مفرده بجا آورده اند به منظور اینکه بتوانند از مکه خارج شوند، و در آخرین مرتبه

با احرامِ عمرهء تمتع داخل مکه شونـد چنانچه احیاناً از مکه بیرون نرفتنـد آیا می توانند به همان عمره مفرده اکتفا کنند و عمره تمتع قرار دهنـد، یا باید ثانیاً از میقات محرم به احرام تمتع شوند برای حج تمتع؟ و آیا می توانند از اوّل به این نیت محرم شوند به احرام عمره مفرده که اگر از مکه خارج شدند عمره تمتع بجا آورند و الّا همان عمره مفرده را عمره تمتع قرار دهند؟

ج - بلی، در هر دو فرض آن عمره مفرده را می تواند عمره تمتع خود قرار دهد.

واللَّه العالم.

س ۶۵۹- در صورتی که محرم در عمره تمتع مریض شد و دکترها گفتند که تا ده روز دیگر خوب نمی شود که درک وقوف کند، لذا مواعده نموده و گوسفند فرستاد در مکه کشتند و تقصیر کرد و از احرام بیرون آمد، ولی بعد از مُحِلّ شدن خوب شد به طوری که اگر برنگردد به میقات می توانـد اعمال عمره را انجام دهـد آیا از همانجا که هست محرم شـده یا مثل کسـی که عمداً احرام را ترک نموده باطل است عمره او؟

بیان فرمائید.

ج - در فرض مزبور معلوم شـد که احلال واقع نشده و فعلاً محرم است و باید ملحق شود برای انجام اعمال، و محتاج به تجدید احرام برای عمره خود نیست.

واللَّه العالم.

س ۶۶۰- زنی که به خیال عـدم کفایت وقت از جهت حیض احرامش را به قصـد حـج افراد عقـد کرده، بعداً معلوم گردید که وقت برای عمره تمتع کافی بوده است، حکم حج ایشان چیست؟ آیا صحیح است یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، وقتی که برایش معلوم شد، آن احرام برایش مجزی

نیست و باید تجدید احرام برای عمره تمتع نماید از یکی از میقاتها اگر متمکن از رفتن به میقات باشد، و گرنه به هر قدر که از بیرون رفتن به تفصیلی که در مناسک برای آن ذکر کردیم و آنگاه اعمال عمره را انجام دهد، و اگر وقتی معلوم شد که فرصت اعمال عمره برایش نیست، وظیفه اش همان اتمام حج افراد است. واللّٰه العالم.

س ۶۶۱- اگر شخصی داخل عمره تمتع شود و بعد از فراغ از آن عازم ترک حج شود به خاطر استحباب حج یا آنکه عذری پیدا کند به جهت عدم صحت عملش و یا قطع به خلاف موقف (عرفات) پیدا کرد آیا می تواند عمره تمتع مزبور را عمره مفرده قرار دهد یا احتیاج به این ندارد؟

ج - ترک حج و رفع ید از آن در حال اختیار جایز نیست و با وجود عذر شرعی، احتیاط وجوبی آن است که آن را عمره مفرده قرار بدهد و تدارک طواف نساء بکند. واللّٰه العالم.

س ۶۶۲- پس از انجام عمره تمتع خروج از مکه چه صورت دارد؟

ج - بدون محرم شدن به احرام حج جایز نیست. واللّٰه العالم.

س ۶۶۳- شخصی کارگر کاروان است، در مکه معظمه برای احتیاجاتی از مکه خارج می شود و گاهی به جده برمی گردد، ضرری برای حجش ندارد؟

ج - اگر بعد از انجام عمره تمتع بخواهد خارج شود لازم است محرم به احرام حج شود و بیرون رود و می تواند اول برای ورود به مکه محرم به احرام مفرده شود که بعد از انجام آن در خارج شدن بدون احرام به جده و غیر آن آزاد است. واللّٰه العالم.

س ۶۶۴- پس

از احرام حج تمتع، طواف مندوب نمودن بدون تلبیه بعد از طواف مضر به حج است یا خیر؟

ج - احوط مضر بودن ترک تلبیه برای احرام حج است. واللّٰه العالم.

احکام میقاتها

س ۶۶۵- در حال حاضر که مکه بزرگ شده است در بسیاری از اطراف مسجد الحرام و در کوههای مکه، حاجیها منزل و سکنی می گیرند. آیا حاجیها احرام بستنشان در منزل خود کفایت می کند یا باید بیایند از مسجد الحرام محرم شوند؟

ج - در فرض مزبور بایستی در جایی که یقیناً مکه است محرم شوند. واللّٰه العالم.

س ۶۶۶- احرام برای حج در مکه و تخییر در نماز بین قصر و اتمام در مکه آیا مراد به مکه زمان قدیم است یا شامل این توسعه جدید می گردد.

ج - بله شامل می شود مکه فعلی برای هر دو حکم.

س ۶۶۷- الحاقیهای مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و مسجد شجره حکم مسجد اصلی را دارد یا خیر؟

ج - موضوع در حکم مساجد مزبوره بودن الحاقیهای فعلی آنها بعید نیست.

واللّٰه العالم.

س ۶۶۸- اگر زن حائض از روی نادانی یا خجالت و حیا داخل مسجد احرام ببندد، حکم احرام او چه می شود؟

ج - احرام او صحیح است.

س ۶۶۹- کسی که مثلاً از مسجد شجره محرم می شود می تواند برگردد مدینه و مراجعه کند یا خیر؟ و بر فرض رفت و برگشت تجدید تلبیه در میقات لازم است یا خیر؟

ج - می تواند برگردد و بعد از مراجعت تجدید تلبیه در میقات لازم نیست. واللّٰه العالم.

س ۶۷۰- اگر حاجی خواست با هواپیما از مدینه خارج شود آیا جایز است برود مسجد شجره احرام ببندد و دوباره برگردد و با

هواپیما برود، یا اینکه متعین است بر او احرام نمودن به نفر و کوچ کردن؟

ج - بله جایز است.

س ۶۷۱- اگر شخصی تصمیم گرفت بدون عذر، فقط برای راحتی خود در مسجد شجره محرم بشود، مجدداً به مدینه منوره مراجعت نماید بوسیله هواپیما عازم جده شده و از آنجا به مکه مشرف شود، در صورتی که این قصد را دارد در میقات آیا احرامش صحیح است یا خیر؟

ج - احرام از مسجد شجره با قصد مزبور صحیح است. واللَّه العالم.

س ۶۷۲- در تنگی وقت، از جده احرام چه صورت دارد؟

ج - در فرض مزبور با نذر، احرام از آنجا صحیح است. واللَّه العالم.

س ۶۷۳- در احرام عمره که صریح فتوا است از جده با نذر جایز نیست، اگر مدیر گروه مخالفت کند برای رفتن به میقات و یا آنکه وسایل رفتن را فراهم نکند و حجاج هم خود نتوانند وسایل تهیه کنند آیا می شود با نذر از جده قدیم محرم شد؟

ج - کسانی که متمکن از رفتن به یکی از مواقیت نباشند می توانند با نذر از جده محرم شوند، و احتیاطاً در ادنی الحل تجدید احرام نمایند. واللَّه العالم.

س ۶۷۴- در مسئله عدم جواز احرام از جده حتی با نذر اجازه می دهید رجوع به غیر شود یا خیر؟

ج - مجالی برای رجوع به غیر نیست در آن فرض که کافی نمی دانیم.

س ۶۷۵- آنچه معروف است این است که وادی السیل همان قرن المنازل است آیا جایز است احرام بستن از آن یا خیر؟

ج - باید رجوع نماید به تصدیق نمودن اهل خبره ثقه اهل آن محل.

س ۶۷۶- اگر احرام ببندد حاج یا عمره کننده ای

از جده یا جای دیگری بعد از میقات از روی جهل و نادانی، حکم حج او چیست؟

ج – در صورت عدم معذور بودن او عمره و حج او فاسد است.

س ۶۷۷- اگر شخصی از روی نادانی یا فراموشی احرام عمره تمتع را از غیر میقات (خواه قبل از میقات یا بعد از آن) ببندد و بعد از رسیدن به مکه چه التفاتش به حکم مسئله قبل از اعمال باشد، یا بعد از آن و برگشتن او به یکی از مواقیت دشوار و شاق باشد، آیا جایز است برای او احرام از حدود حرم یا از خود مکه ببندد، یا همین احرام برای او کافی است و اگر بعد از فراغ اعمال عمره، علم پیدا کند، حکمش چیست؟

ج – حکم او حکم تارک احرام از روی جهل و فراموشی است که در مسئله

۱۶۹ و ۱۷۲ (مناسک) ذکر شده است. واللّٰه العالم.

لباس احرام

س ۶۷۸- آیا در موقع محرم شدن بر زن هم لازم است که مثل مردان محرم شود؟ یعنی لنگ و قطیفه بپوشد و بعداً با لباس خود قصد احرام کند یا خیر؟ و بر فرض وجوب یا استحباب، روی لباسهای خود اگر قطیفه روی شانه بیندازد کفایت می کند یا نه؟

ج – بر زن پوشیدن لباس احرام علی حده واجب نیست، و در لباس عادی خود نیز می تواند محرم بشود، ولی لازم است لباسی که در آن محرم می شود شرایط دو جامه احرام را دارا باشد که از آنها حریر نبودن است. واللّٰه العالم.

تروک احرام

س ۶۷۹- بوئیدن فواکه(۱) خوشبو عمداً عند الاکل(۲) کفاره دارد یا خیر؟

ج – کفاره ای برای آن نیست. واللّٰه العالم.

س ۶۸۰- امساک از روایح کریهه(۳) عمداً کفاره دارد یا خیر؟

ج – کفاره ندارد. واللّٰه العالم.

س ۶۸۱- کسی که نفس خود را نگه می دارد از بوهای بد در حالت احرام بدون اینکه دماغ خود را بگیرد حکم او چیست؟

(۱) فواکه: میوه ها

(۲) الأکل: خوردن

(۳) روایح کریهه: بوهای بد

ج - آنچه ممنوع است دماغ گرفتن است نه چیز دیگر.

س ۶۸۲- انداختن پتوی حاشیه دار (که طرفین آن را با نخ دوخته اند) و پتو و حوله گره دار روی دوش برای مُحرِم جایز است یا خیر؟ و در صورت عدم جواز کفاره دارد یا خیر؟

ج - مانعی ندارد اگر چه اولی، ترک است. واللَّه العالم.

س ۶۸۳- در حال احرام، بستن کمربند غیر مخیط برای محکمی، روی لنگ جایز است یا خیر؟ البته منظور کمربند معمولی است که در حال عادی روی شلوار می بندند نه همیان پولی.

ج - کمربند مفروض مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۶۸۴- احوط برای زن گفته اند

تستر نمودن صورت است از اجنبی آیا جایز است برای او در حال احرام، یا آن احتیاط، در حالت غیر احرام فقط است؟

ج - جایز نیست برای زن پوشاندن صورت حالت احرام به برقع و نقاب بلکه بنابر احوط عدم ستر نمودن با ساتری است و اشکال ندارد برای زن بپوشاند خود را از اجنبی به چیزی که مس ننماید صورت او را، بلکه واجب می شود علی الاحوط.

س ۶۸۵- حکم تظلیل نمودن به سایبان یا در ماشین در حال احرام چیست؟

ج - ۱ - در مکه اشکال ندارد،

۲ - در عرفات اشکال ندارد،

۳ - در مزدلفه اشکال ندارد،

۴ - در منی اشکال ندارد.

س ۶۸۶- آیا جایز است برای محرم سوار شدن ماشین سقف دار یا سایبانی بالای سر خود بگیرد در حال سیر نمودن داخل مکه و قبل از اتیان اعمال عمره و آیا

سوار شدن ماشین سقف دار و سایبان برای محرم در عرفات و منی و مشعر در حال سیر نمودن و رفتن و برگشتن برای انجام اعمال منی از رمی و ذبح با اینکه می داند که ذبح او خارج منی است چه مسکنی اخذ نموده باشد و چه اخذ ننموده باشد؟

ج - در این صور اشکال ندارد چنانچه در منازل خود باشند در آنجاها.

س ۶۸۷- آیا جایز است تظلیل نمودن، زمانی که آفتاب نباشد و نه حرارت و سردی و نه باران و هوایی بوده باشد، و تظلیل نمودن با نکردن آن مساوی باشد اما ماشین در حال سیر نمودنش هوا در آن راه خواهد یافت به طوری که جو، اختلاف پیدا می کند به سبب سرعت ماشین آیا جایز است تظلیل نمودن در این صورت؟

ج

– در این صورت جایز نیست سوار ماشین شدن در حال اختیار و اگر مضطر گردد تظلیل نماید و کفاره بدهد.

س ۶۸۸– در تظلیل الجایی(۱) و اجباری، نه اضطراری مثل آنکه با راننده قرار گذاشته ایم که از راه تونل دار مسقف نرود، ولی راننده خلاف قرارداد نموده و مسافر را از آنجا برد که امکان ایقاف(۲) سیاره نشده، آیا کفاره واجب است یا خیر؟

ج – اگر می توانست در این حال پیاده شود ولو به وادار کردن سائق سیاره تا پیاده شود، کفاره دارد و اگر از اختیارش خارج بود، کفاره بر او نیست. واللَّه العالم.

س ۶۸۹– استظلال در فرض شک در اینکه مظلّه(۳)، وجود و عدمش یکسان است یا نه، جایز است یا خیر؟

ج – در فرض شک جایز است. واللَّه العالم.

---

(۱) الجاء: مجبور بودن، بی اختیار شدن

(۲) ایقاف: نگه داشتن

(۳) مظلّه: سایبان

س ۶۹۰– احتمالاً مشعر تا منی را اگر سقف بزنند، حکم مرور محرم تحت سقف چیست؟

ج – در صورتی که ناچار باشد حرمت ندارد، ولی با مرور از آن کفاره حتمی است که برای آن یک گوسفند ذبح کند.

س ۶۹۱– عقد ازار، و ردا(۱)، و تغریز بابره(۲)، کفاره دارد یا خیر؟

ج – کفاره ندارد. واللَّه العالم.

س ۶۹۲– در صورتی که مسجد تنعیم از طرفی متصل به شهر مکه باشد و از طرفی مختصری فاصله داشته باشد آیا محرمی که در مکه منزل نموده می تواند از راهی که مقداری از آن بیابان است در ماشین سرپوشیده برای اعمال عمره مفرده به مکه برود؟

ج – مادامی که به مکه یقینی سابق نرسیده باشد استظلال نکند. واللّٰه العالم.

س ۶۹۳- مسجد تنعیم که معمولاً برای عمره مفرده از

آنجا احرام می بندنـد، فعلاً در داخل مکه قرار گرفته آیا معتمرین می تواننـد از آنجا محرم شده و با ماشـین مسـقف به مسـجد الحرام بیایند، و در صورت عدم جواز تا کجا باید از استظلال خودداری کنند؟

ج – استظلال برای محرم است تا حد وصول به مکه قدیمه. واللَّه العالم.

احکام کفارات و مصرف آنها

س ۶۹۴– اگر کسی کفاره ای در ایام حج بر ذمّه اش وارد شده باشد و عمداً یا

---

(۱) عقد ازار و رداء: گره بستن لنگ و حولهء شانه

(۲) تغریز بابره: با سر سوزن به بدن زدن

سهواً او را تأخیر بیاندازد تا به وطن خود برگردد آیا می تواند این کار را بکند و آیا واجب است شرایط ذبح در منی را رعایت کند یا خیر؟ (یعنی گوسفند بدون عیب باشد).

ج – در کفاره غیر صـید مختار است آن را هر جا بخواهد ذبح کند ولی در کفاره صـید لازم است در مکه یا منی انجام نماید، و در گوسفندِ کفاره صدق گوسفند بر آن کافی است (در حصول وظیفه) آن را ذبح کند. واللَّه العالم.

س ۶۹۵– آیا چند تظلیل یک کفاره دارد یا متکرر می شود؟

ج – اگر همه وقوع آن در یک احرام بود مثلاً فقط در احرام عمره بود یا همه فقط در احرام حج واقع گردیده باشد یک کفاره کافی است. واللَّه العالم.

س ۶۹۶– اگر جاهل به مسـئله اینکه کفارهء احرامِ عمره، بایـد در مکه ذبـح شود و آمـد به بلـد آیا می شود در بلـد خود انجام دهد؟

ج – کفاره غیر صید را در هر مکانی که بخواهد ذبح کند مجزی است ولی برای مرتکب صید اگر در احرام عمره بود، محلش مکه و اگر در احرام

حج بود محل آن منی است لا غیرهما. واللّٰه العالم.

س ۶۹۷- زیدی در حال احرام عملی انجام داده که وظیفه اش ذبح گوسفند و تقسیم بین فقرا بوده گوسفندی هم ذبح نموده و به فقرا داده لکن مقداری از گوشت یا کله یا جگر این گوسفند را عمداً یا سهواً یا جهلاً خودش و یا زن و فرزندش خورده اند، آیا وظیفه زید چیست؟

ج – مقدار ارزش آنچه که خورده است به فقیر بدهد. واللّٰه العالم.

س ۶۹۸- اگر مرتکب شود محرم به یکی از محرمات احرام مثل تظلیل نمودن و اراده نماید که گوسفندی کفاره بدهد به چه مصرف برساند این گوسفند را؟

ج – صرف نماید در فقرا.

س ۶۹۹- آیا جایز است در این صورت برای او خوردن از آن؟

ج – بله یک مقدار کمی جایز است با ضمانت نمودن قیمت آن برای فقیر.

س ۷۰۰- هنگامی که محرم ملزم به ذبح کفاره خود می شود برای خاطر انجام بعض محذورات احرام، آیا جایز است برای او خوردن از آن، یا واجب است دفع نمودن تمام آن به فقیر، و آیا شرط است فقیر مؤمن باشد یا جایز است دادن آن به مطلق فقیر؟ و آیا جایز است برای او تأخیر بیاندازد ذبح کفاره را تا یک سال یا بیشتر.

ج – جایز نیست خوردن از آن برای او، و واجب است دفع نمودن آن به فقیر مؤمن و اشکال ندارد تأخیر در ذبح اگر منجر به اهمال نگردد؟

س ۷۰۱- کفارات حج و عمره که حاجی در بلد خود قربانی می کند به چه مصرفی باید صرف شود، آیا خود حاجی می تواند از آن بخورد یا خیر؟

ج – بایستی تمام

را در فقرا صرف نماید، و خود نباید بخورد.

وقوف در مشعر

س ۷۰۲- آیا جایز است به جهت ازدحام در شب دهم، موقف اضطراری مشعر را حجاج با گفتن چند تسبیح درک بنمایند و به منی بروند؟

ج - مجرد ازدحام، کافی در جواز نیست بلکه مورد جواز، نساء و ضعفا از قبیل پیری و مرض است.

س ۷۰۳- کسانی که کوچ نمودن آنها از مزدلفه پیش از طلوع فجر و رمی نمودن در شب بر آنها جایز است مثل زن و غیر آن، آیا می توانند نیابت از غیر کنند یا نه؟

ج - بلی می توانند. واللَّه العالم.

س ۷۰۴- کسی که نیت کند وقوف به عرفه یا مزدلفه را قبل از وقت و تمام وقت را در خواب به سر برد حکم او چیست؟

ج - این وقوف برای او مجزی نیست.

س ۷۰۵- اگر بداند که موقف روز عرفه مخالف است قطعاً، و شما فرموده اید که وقوف اضطراری در مزدلفه مجزی است، این وقوف اضطراری آیا روز نهم انجام شود که روز عید است نزد آنها، یا اینکه روز دهم انجام شود که روز یازدهم است نزد آنها؟

ج - مجزی است وقوف اضطراری در روزی که تکلیف واقعی او است در آن روز و آن روز یازدهم نزد آنها است.

س ۷۰۶- شخصی دیگر که راننده است در حال احرام تصادف کرد و به زندان رفت، وقوف عرفات و مشعر را درک نکرد ولی برای طواف آوردند و خودش روز طواف را نمی دانست، تکلیف وی چیست؟

ج - در همه فروض مذکوره، حج او فاسد است و احرام آنها باطل است و در آنجا تکلیفی بر آنها نیست، فقط حج را در آینده

تدارک کند. واللَّه العالم.

بیتوته در منی

س ۷۰۷- در فرض جواز آمـدن شب به منی، آیا جایز است اعمال روز دهم را که رمی جمره و ذبح و حلق باشد در شب دهم انجام دهند؟

ج - در مورد سابق جایز نیست، و در موارد جواز فقط می توانـد در شب رمی کنـد، اما ذبح و حلق را باید روز بجا آورد. واللَّه العالم.

س ۷۰۸- در مفروض سؤال آیا جایز است در همان شب به مکه معظمه بروند و

بقیه اعمال حج را که طواف و صلاه و سعی است انجام دهند؟

ج - گـذشت که غیر از رمی، در شب انجام داده نمی شود، پس طواف و صـلاه و سـعی بعـد از انجام ذبـح و حلق در روز بجا آورده می شود. واللَّه العالم.

س ۷۰۹- کسـی که عمـداً یا جهلاً بالحکم در روز دوازدهم بعد از انجام رمی به مکه برگشـته و تا زوال نمانده است تکلیفش چیست؟

ج - اگر فرصـتی برای مانـدن مقـداری قبـل از ظهر برایش بود، بایـد به منی برگردد تـا بعـد از ظهر خـارج شود و اگر فرصـتی برایش نیست خلافی نموده که تدارك ندارد و چیزی بر او نیست، و در صورت عمد استغفار نماید. واللَّه العالم.

س ۷۱۰- آیا واجب است رجوع به منی قبل از ظهر روز دوازدهم برای کسی که در مکه بیتوته کرده و مشغول عبادت شده، یا جایز است تأخیر رمی تا عصر روز دوازدهم؟

ج - بله جایز است تأخیر زمان ادراك رمی نمودن در آن روز. واللَّه العالم.

س ۷۱۱- برای کسی که جایز است رمی در شب دوازدهم به جای روز دوازدهم، آیا خارج شدن از منی بعد از نیمه شب

به قصد برنگشتن به منی جایز است یا خیر؟

ج - برای چنین شخصی خروج به نیت عدم عود، که همان نفر منهیِ(۱) قبل از ظهر روز دوازدهم است، جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۷۱۲- نصف شب که واجب است بودنش در منی آیا تا طلوع آفتاب است یا تا طلوع فجر است؟

ج - تا طلوع فجر است نه طلوع آفتاب.

---

(۱) نَفْر منهیّ: کوچی که از آن منع شده

س ۷۱۳- آیا جایز است تظلیل در منی و عرفات و مزدلفه؟

ج - بله اشکال ندارد.

س ۷۱۴- آیا جایز است برای محرم، در منی چتر اخذ نماید برای تظلیل هنگام متوجه شدن به سوی رمی جمرات؟

ج - جایز است هر گونه تظلیل نمودن.

س ۷۱۵- اختلافی پیدا شده در بعضی فتاوایی که به دست ما رسیده نسبت به نصف شب برای مبیت به منی آیا تا طلوع فجر است یا طلوع آفتاب است، آخرین فتوای حضرت عالی را بیان فرمائید؟

ج - معتبر است در مبیت نصف شب تا طلوع فجر.

س ۷۱۶- کسی که بیتوته ننماید در منی بعض شب را یا تمام شب را برای خاطر طواف دادن بعضی حجاج حکم او چه می شود؟

ج - اگر این طواف او عبادت حساب شود، مثلاً- همانگونه که آنها را طواف می دهد برای خودش هم طواف می کند پس چیزی بر او نیست.

رمی جمرات

س ۷۱۷- مسئله رمی جمره که خیلی مشکل است بر حسب فتوای سرکار، که باید از پایین زد، با این ازدحام و عدم قدرت، یا

عسر و حرج که حتی گفته شد که چند نفر مردند برای این عمل، خصوصاً اگر ازدحام تمام روز باشد، مثل روز عید چه باید کرد؟

ج

- اگر از ضعفا باشد، مجاز است در شبِ روزی که رمی واجب می شود رمی کند، و اگر به واسطه کثرت جمعیت نتواند پس خود در روز از بالا رمی کند و نایب

هم برای رمی از زیر در روز بگیرد. علی الاحوط. واللَّه العالم.

س ۷۱۸- دولت سعودی به جهت ازدحام جمرات سه گانه را در دو طبقه نموده است، و در طبقه بالا سنگ انداختن صحیح است یا خیر؟

ج - قسمت بالا بنا بر احتیاط واجب مجزی نیست، و اگر کسی متمکن از رمی قسمت پایین نباشد شخصی را که متمکن از آن باشد نایب بگیرد و خودش هم احتیاطاً قسمت بالا را رمی نماید. واللَّه العالم.

س ۷۱۹- اخیراً دولت سعودی جمرات را دو طبقه نموده است جهت رفاه زائرین و سهولت امر، آیا از طبقه دوّم رمی صحیح است؟ بر فرض عدم صحت کسانی که در سال گذشته از طبقه دوّم رمی کردند تکلیف آنها چیست؟

ج - در صورتی که متمکن است از طبقه پایین رمی کند، از طبقه بالا اشکال دارد و اگر متمکن نیست احتیاطاً هم نایب بگیرد که از طبقه پایین رمی کند و هم خودش از طبقه دوّم رمی کند و آنهایی که در سال گذشته چنین کاری کردند احتیاطاً امسال نایب بگیرند که از طرف آنها از طبقه پایین رمی نماید. واللَّه العالم.

س ۷۲۰- در جمره عقبه از سه طرف رمی می شود آیا جایز است در موقع ازدحام به پشت جمره که رامی رو به قبله باشد رمی نماید؟

ج - بلی جایز است. واللَّه العالم.

س ۷۲۱- در رمی جمرات همراه بودن زنها و بعضی از مردان ضعیف باعث

ناراحتی می شود، چه بسا خوف گم شدن یا تلف شدن از ازدحام جمعیت باشد، آیا اجازه دارد شوهرش یا کسی دیگر نیابت کند از همان خیمه ها در موقع رمی یا نه؟

ج – در صورت مفروضه مانعی ندارد که از طرف آنها نیابتاً رمی جمرات بجا آورند. واللَّه العالم.

س ۷۲۲– در جمره عقبه اگر از طبقه بالا به طوری سنگ را بزنند که اصابت به طرف بالای جمره از پایین باشد یعنی به جمره بخورد؟

ج – اگر مورد اصابت، بقیه از جمره سابق است کافی است. واللَّه العالم.

س ۷۲۳– اگر از روی جهل به مسئله رمی جمرات را در طبقه بالا انجام داده است آیا کفایت می کند یا نه؟ ولو بعد از کوچ کردن از منی علم پیدا کند.

ج – کفایت نمی کند، بنابر احتیاط و احکام ذکر شده در مسئله ۳۸۴ در مناسک بر او جاری است. واللَّه العالم.

س ۷۲۴– آیا در جمره عقبه از پشت او که دیوار صافی است کفایت می کند یا باید از آن طرف که روی جمره است بزنند؟

ج – در صورتی که آن دیوار خود جمره باشد پشت آن مانند روی آن جایز است، و اگر چیزی باشد، غیر دیوار جمره به آن گفته شود، کفایت نمی کند رمی به آن، از رمی بر روی جمره.

س ۷۲۵– شک در اصل رمی یا مقدار آن بعد از ذبح یا سر تراشیدن چه حکمی دارد؟

ج – حکم آن بنا بر وجود مشکوک، و عدم اعتنای به شک است.

س ۷۲۶– در حال رمی جمره اگر از کثرت ازدحام که بیم خطر دارد ریگها را به طرف جمره می اندازد ولی در اصابه آن تردید داشت، تکرار

لازم است یا نه؟

ج - باید احراز کند که ریگ به جمره اصابه نموده و با تردید، مجزی نیست.

واللَّه العالم.

س ۷۲۷- با ریگهای

غصبی، یا ریگهای مسجد خیف، یا مسجد دیگر، رمی مجزی است یا خیر؟

ج - در فروض مزبور مجزی نیست. واللَّه العالم.

س ۷۲۸- رمی با ریگهای مشکوک الاستعمال پای جمرات یا غیر آن مجزی است یا خیر؟

ج - بلی مجزی است. واللَّه العالم.

قربانی

س ۷۲۹- محل قربانگاه را تغییر داده و در مشعر یعنی در منتهی الیه مشعر قرار داده، آیا شرعاً اشکال دارد یا خیر؟

ج - قربانی در غیر منی مجزی نیست و اگر متمکن نباشد از انجام آن در روز عید می تواند در ایام تشریق بجا آورد، و اگر آن هم ممکن نباشد تا آخر ذیحجه، و اگر می داند از قربانی در منی متمکن نخواهد شد ولو به جهت عدم قدرت بر تأخیر و بقاء، قربانی در مشعر مجزی خواهد بود. واللَّه العالم.

س ۷۳۰- تکلیف ذبح در مذابح فعلی منی که به قول اهل اطلاع عمدتاً خارج از منی است چه خواهد بود؟ زیرا به فرض برای چند نفر ذبح در غیر ایام تشریق در محدوده منی ممکن باشد ولی اگر همیشه این کار را بکنند مشکله بزرگی فراهم خواهد شد؟

ج - برای هر کسی که ممکن است باید تأخیر کند ذبح را و برای هر کسی که ممکن نیست ذبح در همان جا کافی است. واللَّه العالم.

س ۷۳۱- تأخیر ذبح از روز عید عامّه(۱) برای کسی که بخواهد احتیاط به وجه مشروع در وقوف به مشعر یا وقوفین نماید، جایز است یا خیر؟

(۱) عامه: اهل سنت

–

۲۲۵

حج

ج - جایز نیست، تخلف

از وظیفه و برای درک احتیاط، لازم است ذبح دوباره نماید. واللّه العالم.

س ۷۳۲- در صورتی که تا روز دوازدهم امکان قربانی نباشد آیا جایز است قبل از ذبح حلق و طواف و نماز آن و سعی و طواف نساء را بجا بیاورند، سپس بعد از روز دوازدهم به منی برگردند و قربانی نمایند؟

ج - فقط جایز است حلق نمایند و مُحِلّ می شود در غیر آنچه که موقوف بر طواف و بقیه است، و طواف و بقیه آن را باید بعد از ذبح تا آخر ذیحجه بجا آورد. و امّا اعمال منی را در روز یازدهم و دوازدهم بجا می آورد و منتظر ذبح نخواهد بود.

واللّه العالم.

س ۷۳۳- اگر قبل از رمی، قربانی نماید و یا سر بتراشد از روی غفلت و نادانی، آیا مجزی است یا نه؟

ج - بلی در فرض مزبور کفایت می کند. واللّه العالم.

س ۷۳۴- اگر حاجی، از روی جهل به مسئله در شب ذبح یا حلق نماید مجزی است یا نه؟

ج - واجب است تدارک کردن ذبح را مگر آنکه خائف باشد که در این صورت ذبح شبانه اش کافی است و اما حلق، واجب است بنابر احتیاط، تدارک نمودن آن به تقصیر در روز. واللّه العالم.

س ۷۳۵- اگر جهلاً یا غفلتاً هَدی را شب ذبح نمود کافی است یا خیر و در فرض عدم کفایت اگر پس از گذشتن ماه ذیحجه یا بعد از مراجعت به بلد متوجه شد تکلیفش چیست؟

ج - کافی نیست و لازم است تدارک آن ولو تا آخر ذیحجه، و اگر فراهم یا

متذکر نشد باید در سال آینده پس از تذکر انجام دهد. واللّه العالم.

س ۷۳۶- در

صورتی که ذبـح در روز دهم ممکن نشود و احتمـال برود که در روزهای دیگر ممکن نخواهـد بود آیا جایز است در غیر منی مثلاً در مکه معظمه ذبح نماید؟

ج – بلی جایز است ولی اگر بعد معلوم شود که متمکن بوده باید ذبح و آنچه بر او مرتب بوده اعاده نماید. واللّٰه العالم.

س ۷۳۷– در فرض جواز ذبح در مکه معظمه، آیا جایز است ذبیحه را به حجاج دهند؟ و نسبت به ثلث فقرا تکلیف چیست؟

ج – در مکه ذبح نمودن با منی فرقی ندارد که اگر فقیری پیدا نکرد و قبلاً وکالت هم نگرفته باشد ضامن است. واللّٰه العالم.

س ۷۳۸– حـاجی قربـانی را در منی – به تصور آنکه در وطن می توانـد انجـام نمایـد – انجام نـداده و بقیه اعمال را بجا آورده تکلیف او چیست؟

ج – اگر جاهل به عـدم اجزای عملش بوده تـدارک آن بر ذمه او است که باید خود در سال آینده اگر به حج رود و یا وکیلی از او در روز عید برایش در منی ذبح کند. واللّٰه العالم.

س ۷۳۹– اگر بعد از ذبح شک کند که هدی او مجزی است یا نه، آیا اعاده ذبح بر او واجب است یا نه؟ و همچنین اگر شـک کند که ذبح در منی بوده یا غیر او؟

ج – اگر احتمـال بدهـد که مراعـات احراز شـرایط در حین عمـل نموده کـافی است و الّا اگر صورت عمل در ذهنش محفوظ باشـد که احتمـال احراز شـرایط در بین نباشـد کافی نیست و تـدارک آن لازم است، و اما شک در ذبـح در منی، پس اگر آن شک در محل ذبح باشد

با یقین به اینکه اصل ذبح را انجام داده، همچنان است که در ذبح

قبل گفته شده و اگر شک در اصل ذبح باشد (به معنای اینکه آیا اصلاً ذبح را انجام داده یا نه) پس اگر این شک بعد از حلق یا تقصیر باشد بنابر اتیان ذبح بگذارد. و اگر شک قبل از حلق یا تقصیر باشد، ذبح را بجا آورد. واللَّه العالم.

س ۷۴۰- ذبح اهل تسنن و سودانیها کافی است یا باید ذابح هدی از شیعه باشد؟

ج - ذابح مسلم باشد کافی است ولو شیعه نباشد. واللَّه العالم.

س ۷۴۱- چند نفر شخصی را وکیل می کنند برای خریدن گوسفند و ذبح آیا تعیین گوسفند هر کدام، در وقت شراء و ذبح لازم است، یا همین قدر که به عدد آنها گوسفند خرید و ذبح کرد کافی است؟

ج - بایستی یا در وقت خریداری از هر کدام تعیین کند یا در وقت ذبح ولو به نحو اجمال مثل عنوان اوّل و دوّم در وکالت تعیین نماید، واللَّه العالم.

س ۷۴۲- وکیل در ذبح، آیا لازم است نیت کند و قصد قربت داشته یا نیّت موکل کافی است؟

ج - لازم نیست نیّت وکیل، اگر چه بهتر است. واللَّه العالم.

س ۷۴۳- آیا خوردن از هدی حج تمتع برای حاجی واجب است یا مستحب و آیا کافی است خوردن مقداری از کبد او بدون پخته شدن، یا مقداری از آب خورشت آن بخورد بعد از طبخ آن یا خیر؟

ج - واجب است خوردن حاجی از هدی بنا بر احوط و کافی است آنچه ذکر نموده اید از خوردن کبد بدون پخته شدن بلکه از غیر کبد.

س ۷۴۴- در صورتی که چند

نفر هر کدام مقداری از هدی خود را در ظرف واحدی ریخته بپزند و همه از آن اطعام بخورند، آیا عمل به احتیاط لازم اکل از

هدی، نموده اند یا خیر؟

ج - بلی، عمل نموده اند اگر یقین کنند که هر یک از گوشت هدی خود خورده است، و الّا به احتیاط و وظیفه لازم عمل نشده است. واللَّه العالم.

س ۷۴۵- اگر حاج تمتع، ترک نماید تصدق به ثلث هدی یا هبه آن را آیا ضامن است هدی دیگری را با قیمت آن را و آیا جایز است برای او بعد از رجوع از حج تقلید نماید از مجتهد دیگری که قائل است به عدم وجوب تصدق و هبه؟

ج - اگر ترک نماید به اختیار خودش پس احوط وجوبی ضمان قیمت آن مقدار گوشت است نه هدی دیگری، و کافی است برای رفع ضمان، تقلید نماید از کسی که قائل به عدم وجوب است چنانچه در سایر موارد احتیاط انجام می دهد.

س ۷۴۶- اگر قربانی را تثلیث نکنند و قیمت هدیه به مؤمنین و فقرا را ضامن شوند، آیا قیمت قبل از ذبح است یا بعد از آن مثلاً قیمت گوسفند سیصد ریال (۳۰۰) سعودی باشد و پس از ذبح قیمت بسیار کمی خواهد داشت در این صورت چه قیمتی را ضامن است؟

ج - در مورد سؤال قیمت گوشت را ضامن است. واللَّه العالم.

س ۷۴۷- تقسیم گوشت قربانی در منی به سه قسم در این عصر حاضر ممکن نیست، حتی نمی گذارند که کمی خود انسان بخورد، و به فقیر و دیگران بدهد، تکلیف چیست؟

ج - در صورتی که نتواند بعد از قربانی نمودن تصرفی در آن نماید

ضامن نیست، و اگر خودش اختیاراً هدر بدهد ضامن قیمت حصه فقرا و مؤمنین خواهد شد واللّٰه العالم.

س ۷۴۸- آیا خارج نمودن گوشت قربانی از منی جایز است یا نه؟

ج - مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

س ۷۴۹- از گوسفند کفاره می تواند صاحبش بخورد یا تمام آن را باید به فقیر تصدق دهد؟

ج - نمی تواند، بلکه همه را باید به فقرا بدهد. واللّٰه العالم.

حلق و تقصیر

س ۷۵۰- آیا حلق نمودن برای صروره به نحو احتیاط وجوبی است یا استحابی؟

ج - به نظر ما احتیاط استحابی است.

س ۷۵۱- حلق را که بر صروره واجب می دانید، حلق بعض سر کفایت می کند یا خیر؟

ج - حلق را بر او واجب تخییری گفته ایم و در صورت اختیار آن، تراشیدن بعض از موی سر کافی نیست. واللّٰه العالم.

س ۷۵۲- اگر بعد از قربانی قبل از سر تراشیدن، تقصیر کند بعداً سر بتراشد جایز است یا خیر؟ و بر فرض وقوع این امر آیا کفاره تقصیر دارد؟

ج - اگر قصد فریضه خود که احلال به آن است داشته بود همان کافی از حلق شده و اگر قصد آن نداشته لغو است و با علم به حکم و عمد موجب کفاره نیز می باشد. واللّٰه العالم.

س ۷۵۳- اگر کسی از روی نسیان یا جهل به مسئله بعد از غروب آفتاب تقصیر کند و بعد از تقصیر محلّ شود تکلیف او چیست؟

ج - در مورد جهل و نسیان کفاره ای بر او نیست، ولی لازم است در وقت

شرعی آن، آن را اعاده نماید و تا اعاده نکرده، به مجرد فهمیدن مسئلهء غلط بودن تقصیر، بایستی از پوشیدن دوختنی ها بپرهیزد. واللّٰه العالم.

س ۷۵۴- حکم حلق یا تقصیر نمودن

شب یازدهم از ماه ذی الحجه چیست، و آیا واجب است بر او اعاده نمودن روز یازدهم، و آیا کفاره بر او هست یا خیر؟

ج - احوط اعاده نمودن است و عدم کفاره در صورت جهل به تقصیر در شب.

س ۷۵۵- اگر محرم متمکن نباشد از حلق و تقصیر در روز دهم ذی الحجه آیا جایز است برای او حلق و تقصیر نمودن در شب یازدهم ماه یا خیر و اگر کسی جهلاً شب یازدهم حلق و تقصیر نمود آیا اعاده نماید در روز یازده یا دوازدهم یا خیر و آیا فرق است بین زن و مرد در این مسئله؟

ج - بله لازم است اعاده نمودن بنابر احوط و فرقی نیست بین زن و مرد در این مسئله.

س ۷۵۶- اگر کسی بعد از ذبح قربانی در همان قربانگاه که خارج از حدود منی است تقصیر کند، چه آن شخص عارف یا جاهل به مسئله باشد، آیا چیزی در ذمه او می شود یا خیر؟

ج - اگر عالم به مسئله بوده و در غیر منی تقصیر کرده باید کفاره بدهد، و اگر جاهل به مسئله بوده کفاره بر او نیست و در هر صورت لازم است وظیفه تقصیر را در وقت آن در منی اعاده نماید. واللّٰه العالم.

س ۷۵۷- اگر کسی اشتباهاً در غیر منی مثلاً وادی محسِّر تقصیر و یا حلق نموده بعداً متوجه شد اعاده تقصیر برای او واجب است یا نه؟

ج - بلی باید اعاده کند مگر در صورتی که در همان وقت توانایی از تقصیر در منی نداشته باشد.

س ۷۵۸- اگر کسی حلق و تقصیر نماید خارج منی و نداند که در خارج منی حلق

نموده تا آنکه به وطن خود باز گردد حکم او چیست؟

ج - باید حلق نماید در هر جا که هست و موها را بفرستد به سوی منی.

س ۷۵۹- چنانچه حلق در خارج منی مجزی نباشد چنانچه در سؤال آمده بود آیا مترتب می شود بر او بطلان حج و ما بعد آن یا خیر؟

ج - ضرر نمی زند اگر حلق نماید و موها را بفرستد به منی.

س ۷۶۰- غیر واجد هدی و واجد ثمن آن آیا می تواند قبل از ایداع ثمن نزد ثقه تقصیر کند یا خیر؟

ج - بلی می تواند. واللَّه العالم.

س ۷۶۱- غیر واجد هدی و ثمن آن در صورتی که سه روز روزه را به واسطه عدم تمکن یا تسامح نگرفته باشد تا روز عید و پس از رجوع از منی تصمیم دارد بگیرد، آیا می تواند روز عید پس از رمی جمره تقصیر کند؟

ج - بلی می تواند روز عید تقصیر کند. واللَّه العالم.

س ۷۶۲- اگر کسی که عمره مفرده بسته است تقصیر نمود آیا جایز است برای او عقد نکاح و سایر استمتاعات غیر از جماع یا خیر؟

ج - بله بر او جایز است غیر از جماع تا آنکه فارغ شود از طواف نساء.

طواف

س ۷۶۳- در حال اختیار می توان طواف و سعی را سواره انجام داد بدون عذر؟

ج - بلی مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۷۶۴- اگر کسی بعد از تقصیر و خروج از احرام ملتفت شد که طوافش باطل

شده است، آیا بدون لباس احرام، مجرد تجدید طواف کافی است، یا باید مجدداً در میقات محرم بشود؟

ج - در فرض مزبور هنوز بر احرامش باقی است و لازم است بر او پوشیدن لباس احرام

بدون تجدید احرام برای تجدید طواف و سعی و تقصیر. واللّٰه العالم.

س ۷۶۵- در حال طواف یا سعی تردید در اتمام دارد و با همین حال تردید انجام دادن عمل چه حکمی دارد؟ یعنی گاهی می گوید در نفس خود قطع می کنم ولی عملاً قطع نکرده؟

ج - با حال تردید صحیح نیست. واللّٰه العالم.

س ۷۶۶- کسی که از اتیان طواف کامل یا سعی کامل و یا رمی کامل عاجز است ولی به انجام مقداری از طواف یا سعی یا رمی قادر است آیا لازم است و یا جایز است مقدار ممکن را مباشرتاً انجام داده و بقیه را استنابه نماید و یا باید در همه استنابه نماید؟ و یا بین تجاوز از نصف و یا چهار شوط مثلاً و کمتر آن فرقی است؟

ج - مجالی برای تبعیض در هر دو صورت نیست و بایستی برای تمام عمل نایب بگیرد. واللّٰه العالم.

س ۷۶۷- شخصی در عمره تمتع از شوط دوم یا سوّم به بعد ترک نموده است و بعد از اعمال حج در روز پانزدهم متذکر شد تکلیف این شخص در این مورد در صورتی که در مکه است چیست و در فرض که به وطن برگشته چه کند؟

ج - در مسئله ۳۱۷ مناسک ذکر شده است. واللّٰه العالم.

س ۷۶۸- اگر اقامه نماز جماعت، طواف شخصی را قطع نماید و این شخص معتقد گردید که طواف باطل شده و از روی جهل و ندانی دوباره از اوّل طواف نمود آیا این طواف جدید مجزی است، یا می بایست آن طواف قبل را تمام نماید و

دوباره از اوّل طواف نماید، و آیا همین حکم در سعی جاری است یا

فرق است میان آن دو؟

ج – وظیفه این بود که طواف قبلی را که قطع شد، تمام می نمود از همانجا که قطع شده، امّا چون اعتقاد پیدا کرده بود که طواف او باطل شده و دوباره از اوّل طواف نموده، طواف او صحیح است و سعی هم همچنین است.

س ۷۶۹- اگر وضو گیرنده ای مسح می نمود بر دو پا با هم، به این معنی که پای راست را مقدم نمی داشت بر پای چپ، و سالیانی به این جهالت بر او گذشت حکم نمازهای سابق او، و حکم طواف و نماز او که حج و عمره نموده چه می شود؟

ج – نمازهایش صحیح نیست علی الاحوط، و اعمالی که مشروط بوده به وضو محکوم به بطلان است.

س ۷۷۰- کسی که عمره مفرده انجام داده سپس بعد از رجوع او به وطن خود متوجه گردیده که وضوی او باطل بوده حکم او چیست؟

ج – اگر آن وضو وضوی واجب باشد مانند طواف و نماز طواف پس او محرم است باید برگردد و عمره را تمام کند.

س ۷۷۱- اگر کسی طواف کند طواف حج یا عمره و بعد از تمام شدن حج یا عمره بداند که وضوی او باطل بوده برای خاطر وجود مانعی روی اعضای وضو حکم او چه می شود، و اگر نفهمد تا بعد از برگشت به وطن خودش آیا حج او باطل است یا حج او مجزی است و طواف و نماز آن را اعاده نماید؟

ج – اگر در مکه بوده باشد و وقت باقی است طواف و نماز آن را اعاده نماید و اگر وقت خارج شده باشد که به خروج ماه ذی الحجه متحقق می شود حج

او باطل است چه در مکه باشد یا به وطن خود باز گشته باشد.

—

س ۷۷۲- اگر بداند زن قبل از احرام بستن و آن زن حائض است که حیض او استمرار دارد تا بعد از مناسک حج و عمره آیا می شود احرام ببندد و نیابت بگیرد برای انجام مناسکش در صورتی که اهل کاروان او منتظر او نمی شوند؟

ج - واجب است بر او احرام بستن به نیت افراد از میقات و با آن احرام خارج می شود به سوی عرفات روزی که حجاج خارج می شوند به سوی عرفات، پس انجام می دهد وقوف را در روز عرفه و با حجاج می رود به مشعر پس وقوف واجب را انجام می دهد، و روز عید می رود با آنها به منی و رمی جمره عقبه می نماید، و هَدْی بر او نیست و تقصیر می نماید و نایب بگیرد برای طواف و دو رکعت آن، و رمی جمره ها را خودش باید انجام دهد و بیاورد عمره مفرده را در آن سال هر وقت توانست.

س ۷۷۳- در مسئله ۴۱۲ مناسک الحج به زنانی که خائف از حیضند تقدیم طواف حج و صلاتش و سعی و طواف نساء و نمازش ترخیص شده، بناء علیه، آیا قبل از احرام حج می توانند اعمال مرقومه را مقدم دارند و یا باید اول احرام حج ببندد و بعداً اعمال را انجام دهند؟ (در صورتی که اعمال مزبوره به حسب ترتیب بعد از تقصیر در منی انجام داده می شود).

ج - در فرض مزبور لازم است اعمال مزبوره را بعد از احرام بجا آورد. واللَّه العالم.

س ۷۷۴- زنهایی که به عمره می روند و ۷ روز بیشتر وقت ندارند از اول ورود

به مکه عـادت می شونـد، آیـا با حال احرام به عمره وارد شونـد به مکه و نایب بگیرنـد برای طواف یا چون نمی تواننـد طواف کنند مجازند بدون احرام وارد مکه شوند؟

ج - دخول بدون احرام را رخصت ندارد، و چنانچه خیال حج هم دارد

وظیفه اش را در مناسک مفصلاً گفته ایم، و اگر فقط برای عمره است، محرم شود و با نتوانستن طواف، نایب بگیرد و بعد از طواف نایب و نماز او برای طواف، سعی را خودش بجا آورد و طواف نساء را نایب بجا آورد و مُحِلّ شود. واللَّه العالم.

س ۷۷۵- بفرمائیـد زن مستحاضه، یا شـخص مسلوس، و مبطون، و کسـی که نمی تواند از بیرون آمدن باد جلوگیری کند در حال طواف چه کند؟

ج - عمل به وظیفه ای که برای نماز بیان شده می کند.

س ۷۷۶- زنی که ذات العاده العـددیه است پاک شـده و اعمال طواف و سـعی و طواف نساء را انجام داده و بعـد از خروج از مکه خون ادامه یافته و در عشره قطع شده تکلیف این، نسبت به اعمال انجام داده چیست؟

ج - اگر به صفات حیض ادامه یافت اعمال گذشته باطل بوده، و اگر به غیر صفات ادامه یافت اعمالش صحیح واقع شده. واللَّه العالم.

س ۷۷۷- بچه ختنه نشده را قبل از تکلیف، مکه می برند و او را محرم کردند، مختون نبودن او برای بعداً چگونه است؟

ج - در صورتی که آن بچه ممیز بوده فقط حجش باطل است و چیز دیگری بر او نیست. واللَّه العالم.

س ۷۷۸- آیـا پوشانـدن صورت برای زن از نـامحرم در حـالت طواف واجب است یـا مستحب؟ آیا در حالت احرام پوشانـدن صورت برای زن افضل

است یا عدم آن؟

ج - بله واجب است ولکن باید به نحوی باشد که ساتر به صورت زن مس نشود چنانچه در مناسک مذکور است.

س ۷۷۹- وضع ید طائف بر حائط حجر موجب بطلان طواف است یا خیر؟

ج - بلی، احوط است. واللَّه العالم.

س ۷۸۰- اگر حاج از روی جهل به مسئله، بعض طواف خود را (مثل یک شوط یا دو شوط) از داخل حجر اسماعیل انجام دهد آیا اعاده طواف لازم است یا در صورت فوت موالات تکمیل بقیه طواف کافی است؟

ج - جاهل در این مسئله حکم تارک عمدی طواف را دارد و تفصیل آن در مسئله ۳۰۶ مناسک(۱) بیان شده است.

س ۷۸۱- حکم صورت گرداندن فقط، غیر از بدن، اثناء طواف چیست؟

ج - گرداندن صورت فقط، اشکال ندارد.

س ۷۸۲- اگر در حال طواف یقین پیدا کند که مقداری از طواف را منحرفاً انجام داده، در صورتی که نتواند عقب برگردد، آیا جایز است از همانجا که یقین دارد قصد طواف نکند و دور بزند به همان مکانی که منحرف شده است و باز نیت طواف کند؟

ج - بلی جایز است به این صورت آن مقدار را تدارک کند. واللَّه العالم.

س ۷۸۳- اگر یقین کند که بعد از طواف یا در بین طواف مقداری را منحرف بوده است ولی نداند در کدام طرف بوده است، از اطراف کعبه آیا جایز است به قصد قربت یک دور بزند به نیت اینکه این مقداری که منحرف بوده است حساب شود و بقیه حساب نشود و یا تکلیف چیزی دیگری است؟

ج - بلی جایز است. واللَّه العالم.

س ۷۸۴- در صورتی که منحرفاً طواف انجام داده

شده است باید به عقب برگردد آیا لازم است به پشت، عقب عقب بیاید یا منحرفاً هم جایز است؟

ج – به هر صورت بخواهد می تواند برگردد آن مقدار را. واللَّه العالم.

س ۷۸۵– اگر منحرف گردد از وضع صحیح در حال طواف دور کعبه و به

---

(۱) – مناسک حج عربی، چاپ دوازدهم، چاپخانه مهر قم

درستی، آن مکان را نداند، آیا جایز است برگردد و از قبلِ آن مکان دوباره انجام دهد و آوردن آن زیاده از باب مقدمه علمیه بوده باشد؟

ج – چنانچه به این قصد باشد اشکال ندارد.

س ۷۸۶– آیا لمس نمودن دیوار کعبه اثناء طواف کردن در او اشکال هست؟

ج – بله نباید مس نماید بالای دیوار کعبه را در حال راه رفتن برای طواف علی الاحوط.

س ۷۸۷– اگر حاج در حال طواف مقام ابراهیم را سهواً یا اختیاراً در طواف خود قرار دهد آیا طواف او باطل می شود یا خیر؟ لطفاً حدود طواف را معین فرمائید.

ج – طواف مزبور صحیح است و تا حدی که صدق طواف کعبه می کند مجزی است. واللَّه العالم.

س ۷۸۸– زیادی طواف جهلاً به حکم زیادی عمدی است یا حکم نسیان را دارد؟

ج – بلی، زیاده عن جهل ملحق به عمدی است علی الاحوط. واللَّه العالم.

س ۷۸۹– حکم قرآن بین دو طواف مستحب چیست؟

ج – در مستحب اشکالی ندارد.

س ۷۹۰– شخصی طواف واجبی را انجام داده، بعد به منظور احتیاط طواف دیگر را انجام داده من دون تخلل الصلوه فی البین، که قرآن طوافین تحقق یافته است آیا طواف اوّل باطل است یا دوّمی و یا هر دو؟

ج – این فرض داخل در قرآن موجب بطلان طواف نیست

و وظیفه او ادا شده است. واللّه العالم.

س ۷۹۱- شخصی در شوطی از اشواط طواف یا سعی شک می کند که صحیح انجام داده یا باطل سپس به قصد استیناف فریضه، ۷ شوط کامل بجا می آورد، آیا طواف یا سعیش صحیح است یا خیر؟

ج - در فرض مزبور عدم احتساب آن طواف احوط است. واللّه العالم.

س ۷۹۲- ظن در عدد اشواط، آیا حکم ظن در عدد رکعات صلات را دارد یا خیر؟

ج - حکم آن را ندارد. واللّه العالم.

س ۷۹۳- چنانچه کسی پس از مراجعت از مکه معظمه، شک کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را انجام داده یا نه تکلیفش چیست؟

ج - موضوع شک در انجام طواف نساء بعد از مراجعت از حج یا عمره مفرده پس اگر آن شک بعد از عمل مواقعه باز وجه برایش حاصل شد به آن اعتنا ننموده و بنابر انجام آن نماید. واللّه العالم.

س ۷۹۴- آیا جایز است طواف نمودن در شب و تأخیر سعی نمودن به روز آینده؟

ج - احوط عدم تأخیر است در این صورت، و اولی آن است که در روز فاصله میان آن دو کم باشد.

س ۷۹۵- کسی که طواف و نماز را انجام داده آیا جایز است قبل از سعی نمودن طواف نماید از دیگری طواف واجب یا مستحب یا خیر؟

ج - بله جایز است برای او.

س ۷۹۶- اگر کسی چندین مرتبه عمره نموده و طواف نساء آن را انجام نداده حالا می خواهد ازدواج کند آیا یک طواف نساء کافی است برای آنها یا باید برای هر

عمره که انجام داده یک طواف نساء انجام دهد؟

ج – باید برای هر عمره یک

طواف انجام دهد و نماز آن را بعد از آن بخواند، و یک طواف از همه آنها کافی نیست.

س ۷۹۷- زن و شوهر با هم وارد طواف نساء شده اند، در آخر شوهر می گوید، هفت شوط نمودیم، زن می گوید، شوط ششم است و باید شوط هفتم را بجای آوریم، مرد برای اینکه عیالش تنها نباشد، به قصد عبث به اعتقاد خود یک شوط بر هفت شوطی که نموده اضافه بجای می آورد آیا همبستر شدن این زن و شوهر که تصور هر یک آن است، طواف دیگری باطل بوده جایز است؟

ج - تکلیف هر کدام، که به عقیده خود انجام وظیفه را صحیحاً نموده است، جواز همبستری است. واللَّه العالم.

س ۷۹۸- اگر کسی به قصد عمره مفرده داخل مکه شد و قبل از طواف نساء عدول نمود به عمره تمتع آیا طواف نساء بر او واجب است؟

ج - در این فرض واجب نیست.

نماز طواف

س ۷۹۹- شخصی نماز طواف را به واسطه ندانستن مسئله بعد از سعی خوانده؟

ج - مجزی است انشاء اللّه تعالی.

س ۸۰۰- فصل بین طواف و صلات طواف مبطل حج یا عمره است یا عدم جواز تکلیفی محض است؟

ج - بلی، مبطل طواف است و در صورت عدم تدارک، مبطل حج خواهد شد.

واللَّه العالم.

س ۸۰۱- آیا فاصله شدن نماز جماعت در مسجد الحرام بین طواف و نماز آن مبطل طواف است با اینکه می داند این نماز جماعت حدود نیم ساعت طول می کشد، و آیا فرق است بین قطع نمودن قبل از چهار شوط و بعد از آن؟

ج - ضرر ندارد اگر مشغول شود به نماز طواف بعد از انقضاء نماز جماعت.

س ۸۰۲- آیا شرط

است نزدیک بودن از مقام ابراهیم علیه السلام برای نماز یا خیر، پس اگر بخواند دو رکعت طواف را به مقدار سی متر عقب مقام ابراهیم علیه السلام ، آیا این نماز او صحیح است؟

ج – بله نزدیک بودن به مقام و عقب آن بودن هر اندازه که می تواند شرط است و باید الاقرب فالاقرب را مراعات نماید، این در طواف واجب است امّا برای طواف مستحب پس هر جای مسجد بخواند مجزی است.

س ۸۰۳- اگر متمکن از نماز طواف نبود عقب مقام مباشرةً، و نماز را دور از آن خواند و قبل از سعی ممکن شد برای او خواندن عقب مقام آیا واجب است برای او اعاده نماید نماز را؟

ج – واجب نیست اعاده نمودن.

س ۸۰۴- اگر کسی خواست دو رکعت طواف را به جماعت بخواند و می بایست از جایی که فرادی می خواند عقب تر بخواند آیا این نماز جماعت او مجزی است یا خیر؟

ج – قبلاً۔ گفتیم که جایز نیست اکتفا نماید به دو رکعت طواف به جماعت فقط، بله در مورد احتیاط که سابقاً ذکر شده لازم است مراعات کند صدق نمودن خلف مقام در مجزی بودن برای او.

س ۸۰۵- برای نماز طواف مقابل چاه زمزم را تعیین نموده اند و اکثریت مردم نماز طواف را خارج از مقام ابراهیم می خوانند، آیا صحیح است یا خیر؟

ج – باید نماز طواف را پشت مقام خوانده، و اگر ممکن نباشد در جای دیگر از مسجد باید خوانده شود. لکن با مراعات الاقرب فالاقرب.

س ۸۰۶- کسانی که با ملحون بودن قرائتشان و اهمال در تعلم در ضیق وقت خودشان فرادی نماز خوانده اند و نایب نگرفته اند حجشان باطل

است یا خیر؟

ج – خواندن خودشان مجزی است ان شاء اللّه تعالی. واللَّه العالم.

س ۸۰۷– فرموده اید کسی که قرائت او صحیح نیست باید خودش نخواند، و جماعت بخواند و نایب اخذ کند برای نمازش، و این در مکلّفِ مقصر است نه قاصر، پس مردان و زنانی که در حدود ده روز یا بیشتر در مدینه می مانند قبل از مراسم حج و آقای کاروان در صدد تعلیم دادن آنها است و مع ذلک اینها یاد نمی گیرند آیا اینها قاصرند یا مقصرند؟

ج – ظاهراً اینها قاصر باشند اگر به چنین صفاتی باشند.

س ۸۰۸– زیدی که قرائت نماز او باطل است مثلاً در تصحیح آن کوتاهی می کند، آیا می تواند برای انجام عمره به مکه برود یا نه؟

ج – مانعی ندارد ولی واجب است تصحیح قرائت کند و در ضیق وقت باید خودش آنچه می تواند بخواند و احتیاطاً نایب بگیرد و به کسی دیگر که نماز طواف می خواند نیز اقتدا کند.

س ۸۰۹– در مواقع ازدحام گاهی یک نفر نماز می خواند و جمعی اطراف او حلقه می زنند و در نتیجه یک نفر جای چند نفر را برای نماز اشغال می کند. آیا این کار جایز و این نماز صحیح است؟

ج – نماز مصلی صحیح است. واللَّه العالم.

س ۸۱۰– در موقع ازدحام گاهی دایره طواف تا پشت مقام منتهی می شود و بعضی در وسط طائفین نماز می خوانند و سد راه طائفین می نمایند. آیا نماز آنها صحیح است یا خیر؟

ج – بلی نمازشان صحیح است از این جهت. واللَّه العالم.

س ۸۱۱– آیا انجام طواف مستحب و یا نماز در مقام ابراهیم با علم به اینکه موجب نقصان و یا بطلان اعمال واجبه

سائرین می گردد، جایز است یا خیر؟

ج – جایز نیست. واللَّه العالم.

سعی

احکام مربوط به سعی

س ۸۱۲- زیـدی به مکه معظمه رفته و در سـعی، از مروه شـروع نموده به گمان آنکه بایـد از مروه شـروع کند و در صـفا ختم نموده، یعنی چهار شوط از مروه به صـفا رفته و سه شوط از صـفا به مروه جاهل به حکم باشـد تکلیف چیست، عالم به حکم و جاهل به موضوع حکمش چیست؟ و ناسـی، حکم جاهل را دارد یا خیر؟ سـعی در عمره مفرده باشد حکمش چیست؟ و سـعی در عمره تمتع باشد حکمش چیست؟ و سعی در حج تمتع حکمش چیست؟

ج – رجوع به مسـئله ۳۴۹ و ۳۵۶ و ۳۵۷ از مناسك چاپهای عربی و فارسـی اخیر بنمایند. مفصـلاً احکام موارد سؤال ذکر شده اگر چه فی الجمله عدد مسائل فارسی و عربی مختلف است ولی به مراجعه تطبیق می شود.

س ۸۱۳- آیا جایز است اختیاراً سعی نمودن در گاریهایی که در سعی یافت ــ

می شود با اینکه می داند آن کس که متولی حرکت این گاری است شخص دیگر است وسعی کننده نشسته است فقط؟

ج – بله جایز است اگر به اختیار خود نشسته باشد.

س ۸۱۴- حکم کسـی که تأخیر بیانـدازد در عمره یا حـج سعی را به روز دوّم یا سوّم بـدون عـذری، آیا مترتب می شود بر او بطلان طواف؟

ج – بله و باید اعاده نماید طواف و نماز آن را قبل از سعی.

س ۸۱۵- حکم سعی نمودن در طبقه فوقانی مسعی چیست؟

ج – اگر ما بین دو کوه صفا و مروه واقع نشود مجزی نخواهد بود.

س ۸۱۶- آیا جایز است قطع نمودن طواف و سعی

اختیاراً و از اوّل ابتدا نماید؟

ج - جایز نیست آن.

س ۸۱۷- آیا واجب است موالات در سعی و مقدار آن چه قدر است؟

ج - بله واجب است به مقدار صدق عرفی و مثل آن در طواف است.

س ۸۱۸- اگر طواف را اول طلوع شمس نموده باشد می تواند سعی را تا قبل از غروب فردا انجام دهد، و چنانچه اوّل مغرب طواف نموده آیا می تواند سعی را تا قبل از مغرب فردا انجام دهد؟ و خلاصه تأخیر تا این حد جایز است یا خیر؟

ج - شروع در طواف اگر در روز است در همان روز سعی را انجام دهد و اگر در شب است در همان شب انجام دهد. واللَّه العالم.

احکام نماز در مکه و...

س ۸۱۹- حجاجی که در مکه قصد اقامه نموده اند بعضی خانه شان تا عرفات کمتر از چهار فرسخ است و بعضی بیشتر چگونه در عرفات نماز بخوانند؟ و در

صورتی که باید جمع بخوانند آیا می توانند نماز را به جماعت بخوانند؟

ج - آنکه از منزلش کمتر از چهار فرسخ است تمام می خواند، و در تمام صور از عرفات و مشعر و منی و آنکه بیشتر است قصر کند در رباعیات و در حال جماعت نیز. واللَّه العالم.

س ۸۲۰- در مفروض سؤال آیا فرق است بین کسانی که فاصله منزلشان به عرفات چهار فرسخ یا کمتر است که در منزل محرم شوند یا در مسجد الحرام؟

ج - آنکه کمتر است باید از مسجد الحرام یا مکه متیقنه برای حج محرم شود.

واللَّه العالم.

س ۸۲۱- آیا شخصی که قبلاً در مکه ده روز اقامت کرده و پس از بازگشت به منی قصد عشره در مکه ندارد نماز او در

عرفات و مشعر و منی و پس از رجوع به مکه یا در خود مکه چه حکمی دارد؟

ج – بنا به فرض بالا وظیفه او در مفروض سؤال تمام است. واللَّه العالم.

س ۸۲۲- حجاج از عرفات به طرف مکه کوچ می کنند و قصد اقامه در مکه را ندارند و قبل از رفتن به عرفات قصد کرده بودند، حالیه نمازشان را در مکه، در غیر مسجد الحرام چگونه بخوانند؟

ج – در مسجد و بیرون آن از امکنه متیقّنه مکه، مخیر است مانند قبل از خروج به عرفات بدون قصد اقامت ده روز. واللَّه العالم.

س ۸۲۳- اگر قبلًا ده روز در مکه نمانده بود ولی بنا دارد بعد از خاتمه اعمال منی در مکه ده روز بماند، آیا اگر روز دهم به مکه آمد و تنها شب را در منی بیتوته کرد، حکم نماز او در منی لیالی ۱۱ و ۱۲ ماه، و نماز او در مکه در همین ایام چیست؟

ج – در صورت مفروضه، حکم مقیم در مکه، از روز (۱۰) دهم، بر او بار نیست. واللَّه العالم.

س ۸۲۴- اگر روز عید از منی به مکه آمد و دو مرتبه از مکه به منی مراجعت کرد با اینکه قبلاً در مکه ده روز اقامت کرده بود، در منی حکم نماز او چیست؟

ج – حکم او تمام است در همه فروض در صورتی که مسافت بین عرفات و مکه کمتر از چهار فرسخ باشد. واللَّه العالم.

س ۸۲۵- اگر در فروض سابق بعد از مراجعت از منی نیز قصد اقامت ده روز را دارد حکم نماز او چیست؟

ج – تمام است. واللَّه العالم.

س ۸۲۶- کسی که در مکه

معظمه قصد عشره کرده است آیا در عرفات و منی با توجه به اینکه از زمان رسول اللّه صلی الله علیه و آله هم بزرگتر شده است، نماز را شکسته می خواند یا تمام؟

ج – باید در عرفات و منی – در فرض مسافت بودن راه فعلی از مکه به عرفات – قصر بخواند. واللَّه العالم.

س ۸۲۷– مسافت فعلی بین عرفات و آخرین خانه مکه کمتر از چهار فرسخ است، آیا باز هم شخص خارج الی العرفات (از اهل مکه یا مقیم عشره ایام) محکوم به قصر است عملاً به ظاهر اطلاق الروایات یا به تمام؟

ج – در فرض مزبور محکوم به تمام است. واللَّه العالم.

س ۸۲۸– حجاجی که به محض ورود به مکه قصد اقامه عشره نموده اند بدون توجه به اینکه باید به عرفات و مزدلفه و منی رفته، و چند شبی در آنجاها باشند، و بعد از مراجعت هم قصد عشره جدیده را ندارند آیا نمازشان در عرفات و منی و

همچنین بعد از مراجعت از آنجا به مکه از حیث قصر و اتمام چگونه است؟ با توجه به مسئله **۴۳۳** منهاج الصالحین (یشترط وحده محل الاقامه فإذا قصد الاقامه عشره ایام فی النجف الاشرف ومسجد الکوفه مثلاً بقی علی القصر).

ج – در مکه معظمه بدون قصد اقامه عشره هم ادای نماز تمام صحیح است و مجزی است و با قصد عشره متعین می شود و با خارج شدن به عرفات حکم سفر برایش تجدید می شود که باید در آن ایام نماز رباعی را شکسته در عرفات و منی بجا آورد و چون به مکه برمی گردد باز مخیّر بین قصر و تمام است، در خود

مکه مکرمه البته نه در محله های دور فعلی آن، که شک در لحوق آن به مکه باشد. واللّه العالم.

س ۸۲۹- در استفتای قبل برای نماز تمام خواندن در مکه و استظلال، جمله (مکّهء متیقنِ سابق) مرقوم فرموده اید، آیا مراد از مکه متیقن سابق، زمان معصومین علیهم السلام است؟ که قبرستان ابوطالب خارج شهر بوده، و یا آنکه سنوات اخیر است؟

ج - بلی، متیقن زمان معصومین علیهم السلام است.

س ۸۳۰- حکم نماز خواندن فریضه یا مستحب در مقام اسماعیل علیه السلام چیست؟

ج - خواندن هر دو، در مقام اشکالی ندارد.

س ۸۳۱- آیا صحیح است آنچه گفته می شود از عدم جواز نماز در حجر اسماعیل چه فریضه باشد و چه نافله؟

ج - این گفتار صحیح نیست و صحیح است خواندن فریضه و نافله در حجر.

س ۸۳۲- آیا سبب جایز نبودن نماز در حجر اسماعیل برای خاطر دفن هفتاد پیغمبر یا سبب دیگر است؟

ج - مانعی ندارد از نماز خواندن در حجر چنانچه سابقاً دانستید، و علت آورده شده از اینکه نمی شود طواف نمود از داخل حجر به خاطر دفن هفتاد پیغمبر.

س ۸۳۳- زیدی بعد از بجا آوردن اعمال عمره تمتع در مکه مریض شده و در مستشفی بستری بوده و موفق به انجام اعمال حج نشده و بعد از عید قربان در مریض خانه فوت شده، در صورتی که معلوم نیست آیا سال اول استطاعتش بوده و یا اینکه قبلاً مستطیع شده، بفرمائید تکلیف ورثه از جهت نایب گرفتن چیست؟

ج - در مفروض سؤال آنچه بجا آورده شده مجزی است، و ورثه تکلیفی ندارد. واللّه العالم.

احکام محصور

س ۸۳۴- زیدی بعد از بجا آوردن اعمال عمره تمتع در مکه

مریض شـده و در مستشـفی بستری بوده و موفق به انجـام اعمـال حـج نشـده و بعـد از عیـد قربان در مریضـخانه فوت شـده، در صورتی که معلوم نیست آیا سال اول اسـتطاعتش بوده و یا اینکه قبلاً مسـتطیع شده بفرمائید تکلیف ورثه از جهت نائب گرفتن چیست؟

ج - در مفروض سؤال آنچه بجا آورده شده مجزی است و ورثه تکلیفی ندارند. واللَّه العالم.

استفتائات (فارسی)

۲۴۸

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

۲۴۹

حج

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

۲۵۰

بخش دوم : معاملات

احکـام خریـد و فروش برخی از گناهـان اجـاره اموال طفـل قرض چیزی که پیـدا شـده مجهول المالـک غصب حیازت ضـمان وصـیت وقف ازدواج طلاـق مَهر تـأدیب فرزنـد و دانش آموز سـر بریـدن حیوان خوردنیهـا و آشامیـدنیها نـذر ارث دیه مسائل پزشکی اموال دولتی بانکها و معاملات آنها چک و سفته بلیط بخت آزمایی مسائل متفرقه

۲۵۱

احکام خرید و فروش

احکام خرید و فروش

س ۸۳۵- در معاملاـت مرسوم است بعـد از مقـاوله، قولنـامه دلاـل را طرفین امضـا می کننـد، آیا به عنوان ایجاب و انفاذ بیع یا اجاره و غیره کافی است و عوض صیغه می شود یا نه؟

ج - بلی در حکم عقد و صیغه بیع است اگر قصد معامله به آن داشته باشد.

واللّه العالم.

معاملات حرام

۱ - اعیان نجسه

س ۸۳۶- گوشت و مرغ های سر بریده از بلاد خارج می آورند و انسان نمی داند به دستور شرع آن را ذبح کرده اند یا خیر، خرید و فروش و خوردن آنها جایز است یا خیر؟

ج - تا احراز تذکیه شرعی نشده جایز نیست خوردن آنها، بلی احتمال تذکیه کافی است در جواز بیع و شراء و طهارت فقط.

۲ - آنچه منفعتش حرام است

س ۸۳۷- آیا خرید و فروش ماهی حرام (که بنا به اظهار بعضی از مطلعین جز خوردن گوشت و تخم آن منفعتی مقصود نیست) چه صورت دارد؟

ج - خرید و فروش آن مانعی ندارد ولی اگر از آب، مرده بیرون آورده خرید و فروش آن جایز نیست. واللّه العالم.

س ۸۳۸- انگشتر طلا که مخصوص مردها ساخته شده است خرید و فروش آنها جایز است یا خیر؟

ج - فروش آن جایز و پوشیدن آن حرام است.

۳ - مجسمه

س ۸۳۹- خرید عروسک برای بازی بچه ها و دکور خانه چه صورت دارد.

ج - مانعی ندارد.

۴ - آلات لهو

س ۸۴۰- خرید و فروش و تعمیر کردن تلویزیون و نصب آنتن چگونه است آیا راه صحت دارد یا نه؟

ج - در صورتی که آنتن تلویزیون یا رادیو باشد اگر عرفاً تلویزیون و رادیو از آلات مشترکه باشد خرید و فروش و نصب آنتن آنها مانعی

ندارد، و چنانچه از آلات لهو باشد خرید و فروش و نصب آنتن آنها جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۸۴۱- خرید و فروش رادیو در صورتی که منفعت محلله و محرمه دارد جایز است یا خیر؟ و در صورت جواز، خمس آن واجب است یا خیر؟

ج - خرید و فروش آن جایز است و اگر داشتن آن از مؤونه حساب شود دادن خمس پول خرید آن اگر در سنه ربح باشد واجب نیست.

س ۸۴۲- شخصی تلویزیون می خرد و کاملاً مراقبت می کند که در دست دیگران نیفتد و خودش از آنچه حلال است استفاده می کند خریدن آن چگونه است؟

ج - در صورتی که از آلات مشترکه باشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۸۴۳- خریدن رادیو در صورتی که خریدار یقین بداند ولو یک لحظه استفاده حرام از او می شود ولو به وسیله دیگران جایز است یا نه؟

ج - تسبیب برای حرام جایز نیست.

س ۸۴۴- آیا استعمال تلویزیون که از آلات لهو شمرده شده در برنامه های حلال جایز است یا آنکه مشاهده آن فقط جایز است بدون استعمال برای تلویزیون؟

ج - اگر عُرفاً از آلات لهو شمرده شود جایز نیست استعمال آن مطلقاً و اگر عرفاً از آلات لهو شمرده نشود به اینکه بوده باشد از آلات مشترکه جایز است استعمال آن در برنامه های حلال.

س ۸۴۵- آیا جایز است استعمال نمودن دستگاه تلویزیون با ویدئو برای دیدن درسهای دینی و مجالس امام حسین علیه السلام و فیلم های حلال در فرض اینکه استعمال تلویزیون فقط از آلات لهو شمرده نشده؟

ج - اشکال ندارد در فرض مذکور، و اگر فرض شود از آلات لهو است جایز نیست روشن

نمودن آن، برای مباح هم همچنین.

س ۸۴۶- دیدن صحنه های جنگ یا دریایی حیوانات یا عمل جراحی از تلویزیون بدون ناطق و موسیقی چگونه است؟

ج – در مفروض سؤال مانعی ندارد. واللَّه العالم.

موسیقی، رقص، دست زدن

س ۸۴۷- آیا تمام انواع موسیقی از غنا شمرده شده که حرام باشد استماع آن به تمام انواع آن، یا آنکه بعض آن حرام است دون بعض دیگر؟

ج – هر کدام که مناسب مجلس لعب و لهو باشد حرام است، و آنچه چنین نباشد حرام نیست. واللَّه العالم.

س ۸۴۸- آیا موسیقی حلال داریم یا اینکه تمام موسیقی ها حرام است؟

ج – موسیقی که مناسب با مجالس لهو و باطل باشد حرام است، و غیر این نوع موسیقی حرام نیستند.

س ۸۴۹- آیا نوعی از انواع موسیقی وجود دارد که گوش دادن به آنها جایز باشد؟ و معنی کلامتان که در جواب بعضی از استفتاءات وارد شده که فرموده اید موسیقی که مناسب با مجالس لهو است فقط حرام می باشد، چیست؟

ج – در کلام ما ابهامی وجود ندارد و روشن است و مراد ما از موسیقی مناسب مجالس لهو، موسیقی هایی است که در رادیوهایی که لهو را پخش می کنند بکار برده می شود و اما اگر موسیقی در سرودها بکار برده شود مثل موسیقی هایی که در ارتش رایج و مرسوم است آنان اشکالی ندارد.

س ۸۵۰- آیا حرام است گوش دادن به موسیقی و آلات آن اگر دارای طرب نباشد؟

ج – جایز نیست اگر بوده باشد مناسب با مجالس لهو و لعب.

س ۸۵۱- آیا واقعاً آلاتی هست که غیر لهوی بوده باشد که جایز باشد بازی با آنها یا آنکه جمیع آلات موسیقی لهو است، ما نمی دانیم کدام

آنها غیر لهوی است.

ج - آلات موسیقی مختلف است بعضی از آنها لهوی است و جایز نیست استعمال آنها مطلقاً و نه فروش و خرید آن، و بعضی از آنها غیر لهوی است اشکال ندارد فروش و خرید آنها. و نوع دیگری که غیر لهوی است مرجع وصف آن مربوط به اهل خبره از عرف است. و چنانچه سابقاً ذکر کردیم موسیقی حرام آن غناهایی است که مناسب مجالس لهو و رقص است و استعمال برای آنها می شود. و اما صداهای غیر لهوی حرام نیست چنانچه در تعزیه ها استعمال می گردد و امثال آن.

س ۸۵۲- در شناخت اینکه غنا یا موسیقی مناسب با مجلس لهو و لعب است به چه کسی باید رجوع نمود و در صورت شک چه حکمی دارد؟

ج - در شناختن آن باید به عرف و مردم رجوع نمود و آنچه که در آن شک دارد که آیا حرام است یا نه پس حرام نیست.

س ۸۵۳- اگر انسان به موسیقی که نفس به شنیدن آن اشتیاق داشته باشد گوش دهد آیا این گوش دادن حرام است؟

ج - اگر موسیقی غیر لهوی باشد گوش دادن به آن اشکالی ندارد.

س ۸۵۴- آیا یادگیری موسیقی و سرودها جایز است؟

ج - اگر آنچه که یاد می گیرد متعارف مجالس فسق و فجور باشد یادگیری آن جایز نیست و اگر چه قصدش این باشد که آنچه یاد گرفته در مجالس فسق و فجور بکار نبرد و در غیر لهو و لعب بکار ببرد یعنی اگر اصل موسیقی لهوی باشد اگر چه این شخص آن را در لهو و لعب بکار نبرد

یادگیری و بکار بردن آن جایز نیست.

س ۸۵۵- سرودهای مذهبی که مشتمل بر موسیقی است و شنونده را به طرب نمی آورد آیا حرام است شنیدن و انشای آن یا حرام نیست؟

ج - اگر کیفیت انشاء، مناسب مجلس لهو باشد حرام است و اگر نباشد حرام نیست. واللَّه العالم.

س ۸۵۶- بعضی زنها در عروسی ها اگر دایره نباشد بر روی ظرفها می زنند که از آن صدایی مانند صدای دایره حاصل می شود حکم آن چیست؟

ج - جایز نیست نواختن آلات لهو یا به نحوی که در مجالس لهو می نوازند و آنچه استثنا شده غنا برای زنها است به شرط اینکه چیز حرامی با آن همراه نگردد.

س ۸۵۷- سرودهایی است ملی یا راجع به مدح وطن یا قبیله و بعضی اشخاص که دور از منزل هستند و بعضی شعرا آن سرودها را با بعضی آلات موسیقی مانند نی و تار و امثال آن می خوانند آیا جایز است گوش دادن به آن و حکم استعمال آن آلات چیست؟

ج - جایز نیست استعمال آلات مذکور و شنیدن سرودها به وسیله آنها و اما شنیدن خود سرود بدون آن آلات جایز است.

س ۸۵۸- حکم گفتن شعر در غیر مدایح اهل بیت و مصائب آنها و غزلها است؟

ج - اشکال ندارد.

س ۸۵۹- نقاره خانه ای که موقع نزدیک طلوع و غروب آفتاب می زنند گوش کردنش چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد.

س ۸۶۰- گوش کردن دایره زنگی چه صورت دارد؟

ج - جایز نیست.

س ۸۶۱- آلات موسیقی هست مانند طبل و مزمار و زدن به نی آیا اینها آلات لهو هستند و آیا اینها برای لهو ساخته شده؟

ج – بله.

س ۸۶۲– چه

حکمی دارد بازی و زدن بر این آلات مذکوره؟

ج – جایز نیست.

س ۸۶۳– چه حکمی دارد استعمال این آلات در مجالس و تعزیه ها و موکبهای حسینی؟

ج – جایز نیست.

س ۸۶۴– چرا مراجع تقلید در عوض اینکه مردم را در حیرت و سرگردانی و شبههء لهوی و غیر لهوی بودن موسیقی و غنا قرار دهند، موسیقی و غنا را بالکل حرام ننمودند؟

ج – شأن و وظیفهء مراجع تقلید آن است که آنچه از ادلّهء احکام که کتاب و سنت است می فهمند آن را بیان کنند، نه اینکه خود حکمی را جعل و تفریع نمایند. و آنچه که در مورد موضوع غنا از کتاب و سنت فهمیده اند آن بوده که غنای لهوی حرام است نه هر غنایی.

س ۸۶۵– در جشنها و اعیاد مذهبی و عروسی ها کف زدن و دایره زدن و وسایل دیگر از قبیل تار و طنبور و موسیقی چطور است و تا چه حد کف زدن مجاز است؟

ج – کف زدن فی نفسه مانعی ندارد در صورتی که مقرون به محرمات دیگر نشود، و اما دایره زدن جایز نیست.

س ۸۶۶– در مجالس عروسی های مذهبی گاهی دایره می زنند یا کف می زنند در زنها زن ها می رقصند و در مردها مردها می رقصند یا گاهی به قابلمه یا ته دلو می زنند، چگونه است؟

ج – دایره زدن حرام است ولی بقیه سؤال مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۸۶۷– در مجالس عروسی دایره بی حلقه زدن و در مجالس مذهبی به آهنگ اشعار مذهبی کف زدن چطور است؟

ج – دایره زدن مطلقاً حرام است و اما بقیه سؤال مانعی ندارد.

س ۸۶۸– کف زدن مطلق بدون تکلم به باطل یا به خصوص کف

زدن در خوانـدن اشـعار مولودی و مـدح و فضایـل ائمه جـایز است یا نه به عنوان اظهار شادی؟ و همچنین در عروسـی ها دایره زدن یـا کف زدن بـا اینکه اشـعار غیر مهیـج می خواننـد یا اصـلاً اشـعار هم نمی خواننـد، آیا جایز است یا نه و مرحوم آیه اللّه حکیم قدس سره در باب مکاسب محرمه منهاج مسئله ۱۷ غناء النساء فی الاعراس را با شـرایطی جایز دانسـته اند، شما چه می فرمائید؟

ج - کف زدن تنها بدون تکلم به باطل مانعی ندارد و دایره زدن و غیر دایره از آلات لهو جایز نیست و آنچه آقای حکیم طاب ثراه مرقوم فرموده صحیح است.

س ۸۶۹- آیا رقص بعنوانه محرّم است یا باید داخل تحت عنوان محرّم باشد و آیا آنچه از سرودها خوانده می شود حتی سرود فلسطینی اشکال ندارد؟ کما نقل عنکم و آیا استماع صوت آلات لهو حرام است؟

ج - مادامی که به نحو غنای لهوی معدود نباشد استماع آن مانعی ندارد.

س ۸۷۰- شخصـی زیارت قم می رود یا زیارت امام رضا علیه السـلام یا سایر مشاهد مشـرفه، در بین راه ماشین ها موسیقی می زنند، آیا چنین زیارت رفتن جایز است یا نه؟

ج - استماع حرام است و شنیدن قهری حرام نیست. واللَّه العالم.

س ۸۷۱- در ماشینی که به عنوان زیارت یا اموری که ضروری نیست نشسته ایم و راننده یا مسافرین موسیقی می زنند، تکلیف چیست در صورتی که می دانیم سماع

حرام نیست.

ج - به قدری که محذوری نداشته باشد باید نهی از منکر نمود.

س ۸۷۲- مسافرت با ماشینی که در او قطعاً موسیقی رادیو گرفته می شود جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که به قصد استماع موسیقی

رادیو نباشد مانعی ندارد و باید استماع ننمایند.

س ۸۷۳- سماع موسیقی چگونه است و وقتی رینگی از موسیقی می شنویم از کجا بفهمیم حرام است یا خیر؟

ج - در صورتی که مشتمل بر غناء باشد جایز نیست.

س ۸۷۴- در آغاز اخبار رادیو یک نوع صداهایی به نام آغاز پخش اخبار نواخته می شود گوش نمودن آن چه حکمی دارد؟

ج - در صورتی که مشتمل بر غناء نباشد مانعی ندارد.

سینما و باشگاه

س ۸۷۵- آیا رفتن به سینما صرفاً حرام است و آیا سینماهایی که فیلمهای بد و خوب را نمایش می دهند اگر برای تماشای فیلم خوب برویم چه حکمی را در برمی گیرد؟

ج - در صورتی که ترویج باطل باشد حرام است، اگر چه خود فیلم مشروع باشد.

س ۸۷۶- در مشهد محل هایی تهیه شده برای برگزار نمودن مجلس عقد و عروسی به نمام باشگاه فلان، گاهی صاحب مجلس در آنجا مطرب و بازیگر دعوت

می کند و گاهی بعضی از مؤمنین به واسطه نداشتن خانه و محل بزرگ، مجلسشان را منتقل به آنجا می نمایند و خوانندگان مذهبی و مداحان را دعوت می کنند، شرکت در این مجلس و رفتن مداحان از نظر محل و شرع چگونه است؟

ج - شرکت در غیر جهات محرمه مانعی ندارد. واللَّه العالم.

۵ - کتب ظلال

س ۸۷۷- آیا جایز است خرید و فروش کتاب هایی که محتوی بر آراء صحیحه نیست یا کلامی که در آن نفع نیست یا محتوی بر عکسهای زنهای مبتذل می باشد یا محتوی بر آراء اهل خلاف به طوری که موجب ضلال نمی گردد؟

ج - اشکال ندارد اگر از کتب ضلال شمرده نگردد.

س ۸۷۸- کتاب هایی است به نام ژورنال که عکس اشخاصی است که لباس های مختلفی

بر تن دارنـد تـا در موقع سـفارش لباس به خیاط به آنها نگاه کرده از داخل آنها انتخاب و به خیاط نشان می دهیم و شایـد این ژورنال ها از خارج آمده باشد آیا خرید و فروش اینها چه صورت دارد.

ج – خرید و فروش آنها مانعی ندارد.

س ۸۷۹- اگر زید دارای کتب ضـلالی است و ببینیم عمرو مدح می کند زید را و یاد می کند او را به ثناء و مدح، آیا این فعل عمر و مخل به عدالت او هست با اینکه می دانیم با مدح او مردم میل پیدا می کنند به خواندن کتاب های او؟ و آیا این از باب ترویج کتب ضلال است؟

ج – بله این ترویج ضلال است اگر باطل او را بداند.

۶ – معامله با یهود (کافر)

س ۸۸۰- عرض می شود به اینکه در میان مردم شایع شده است که معامله با

یهود را حضـرت عـالی تحریم فرموده ایـد آیـا صـحیح است؟ یـا خیر، و علی فرض صـحت تحریم، آیـا معامله بلاواسـطه حرام است؟ یا اینکه عمومیت دارد مع الواسطه را هم شامل است به این معنی که جنس را ما از مسلمان ها می خریم که آنها از یهود می خرنـد و علی فرض صـحت کلاـ التقـدیرین، که حرام باشـد، وظیفه دربـاره اجنـاس مبتـاع چه می باشـد آیا فروش آنها هم اشکالی دارد؟ یا خیر؟

ج – معامله با یهود ایرانی که معلوم نباشد با دولت اسرائیل رابطه دارد، حرام نیست.

غیبت

س ۸۸۱- اگر شخصـی را به واسـطه عیبی در او هست در نزد شخصـی که عیب او را می دانـد غیبت کننـد آیا این غیبت حرام است؟

ج – در این فرض اصلاً غیبت نیست.

س ۸۸۲- اگر شخصی غیبت

انسانی را نماید و به خیال آنکه شنونده او را نمی شناسد اسم او را ذکر نمی کند تا مرتکب گناهی نشود و حال آنکه شنونده او را می شناسد آیا شنیدن این غیبت حرام است.

ج – شنیدن غیبت حرام نیست ولی بر او واجب است که غیبت کننده را از غیبت منع نماید.

س ۸۸۳- آیا شرط است در نگه داشتن غیبت کننده را از غیبت، آنچه که در نهی از منکر شرط شده، مثل احتمال تأثیر و نبودن ضرر و غیر اینان از شروط؟

ج – بله آنچه که در نهی از منکر شرط شده در جلوگیری نمودن غیبت کننده را از غیبت نیز شرط شده است، چون یکی از موارد نهی از منکر نهی از غیبت

کننده است.

س ۸۸۴- در صورتی که غیبت کننده یکی از والدین باشند و جلوگیری آنان از غیبت کردن باعث اذیتشان شود آیا جلوگیری واجب است؟

ج – بله با بودن شروط نهی از منکر جلوگیری واجب است.

س ۸۸۵- آیا جلوگیری غیبت کننده از غیبت واجب است در صورتی که از ضرر یا تهمت بترسیم یا جلوگیری او باعث شود که در معرض غیبت دیگران واقع گردد.

ج – هر شرطی که در نهی از منکر می باشد در نگه داشتن غیبت کننده از غیبت نیز هست.

س ۸۸۶- اگر شخصی غیبتی را بشنود و غیبت کننده را از غیبت نمودن منع نکند آیا آن شخص حکم فاسق را دارد یا باید کار او را بر وجه صحیح حمل نمود؟

ج – حکم به فاسق بودن او نمی شود مگر آنکه معذور نبودن او در شنیدن غیبت بدست آید.

س ۸۸۷- اگر شخص عادلی مردی را غیبت کند

و ما نمی دانیم که غیبت نمودن او جایز است یا نه، آیا جلوگیری از این غیبت واجب است؟

ج – در این مسئله جلوگیری از غیبت واجب است.

س ۸۸۸- اگر جایز بودن غیبت شخصی را بدست نیاوردم آیا گوش دادن به غیبتش جایز است؟

ج – گوش دادن در این مورد جایز نیست.

س ۸۸۹- در منهاج ذکر فرموده اید استثنائات حرمت غیبت را و از آنها صورتی است که بترسیم بر دین از شخص مغتاب، آیا تشخیص آن به دست مکلف است، یا لازم است بر او رجوع نمودن به فقیه؟

ج – تشخیص آن به دست خود مکلّف است. واللَّه العالم.

س ۸۹۰- آیا غیبت مخالفین شیعه جایز است؟ و مراد از مؤمنی که در کتاب منهاج الصالحین فرموده اید که غیبت آن جایز نیست آیا مسلمان است یا شیعه؟

ج – غیبت نمودن مخالفین شیعه جایز است و مراد از مؤمن که غیبتش جایز نیست شیعه اهل بیت علیهم السلام است.

س ۸۹۱- آیا غیبت فاسق در غیر جهتی که سبب فسق او شده مثل گفتن عیب های بدنش یا کیفیت نشستنش و یا کاری از کارهایش جایز است؟

ج – خیر جایز نیست و غیبتش نیز در جهتی که سبب فسق او شده تا وقتی که آشکارا و علناً آن را انجام ندهد جایز نیست و در صورتی که علناً و آشکارا انجام دهد، در آنچه که آشکارا انجام می دهد غیبتش جایز است.

س ۸۹۲- کسی یکی از گناهان کبیره را علناً و آشکارا مرتکب می شود، آیا غیبت چنین شخصی راجع به گناهان کبیره و صغیرهء دیگر که مخفیانه انجام می دهد جایز است یا نه؟

ج – در فرض مزبور جایز

است. واللّه العالم.

س ۸۹۳- آیا جایز است حکایت نمودن صدای خنده دیگران چون هر دسته به نحوی می خندند و قصد اهانت و شخص معینی ندارم بلکه قصد مجرد تفکه(۱) است؟

ج - اشکال ندارد اگر متحقق نگردد از آن هتك افراد مؤمن.

---

(۱) تفکّه: خوش طبعی و مزاح کردن

دروغ

س ۸۹۴- زید جنسی دارد که می خواهد بفروشد اما نمی گوید از خودم است بلکه می گوید از کسی است، بَکر هم خیال می کند آن کس غیر از زید است و زید را واسطه می داند لذا می خرد که اگر بداند مال زید است معلوم نیست که بکر این جنس را می خرید یا خیر، در اینجا این معامله برای زید چگونه است؟

ج - معامله صحیح است اگر چه دروغ گفتن حرام است. واللّه العالم.

س ۸۹۵- آیا جایز است دروغ گفتن در شعر اگر به نحو خیالی باشد یا مدح کند شخصی را که دارای آن مدح نباشد؟

ج - دروغ گفتن مطلقاً جایز نیست.

س ۸۹۶- آیا جایز است دروغ بستن بر مبدع(۱) یا مروج ضلال در مقام احتجاج نمودن بر او زمانی که این دروغ دلیل او را از بین می برد و دعوای باطل او را باطل می کند؟

ج - اگر متوقف است رد باطل او بر آن، جایز است.

بدعت در دین

س ۸۹۷- آیا جایز است سب(۲) نمودن و توهین نمودن اهل بدع و ریب را؟

ج - اگر ردع منکری بر او مترتب شود اشکال ندارد.

س ۸۹۸- افتراء و تهمت بر کافر و مرتد و کسی که بدعت در دین گذاشته جایز

(۱) مُبدع: بدعت گذار

(۲) سب: فُحش و ناسزا

است یا نه؟

ج – مانعی ندارد. واللَّه العالم.

تراشیدن ریش و سبیل

س ۸۹۹– تراشیدن صورت و همچنین قسمتی از صورت و گذاشتن موهای روی ذقن(۱) چه صورت دارد؟

ج – بلی تراشیدن بنا به احتیاط واجب حرام است ولی کفایت می کند گذاشتن موهای روی ذقن و تراشیدن بقیه. واللَّه العالم.

س ۹۰۰– در یکی از جواب استفتاءات فرموده اید کوتاه کردن سبیل متحقق می شود به کوتاه کردن آن به وسیله قیچی و نحو آن، آیا جایز است تراشیدن آن به وسیله تیغ؟

ج – بله جایز است.

رشوه

س ۹۰۱– شخصی اگر برای پیشرفت امور دنیوی تحت این عنوان پولی به مأمورین مربوطه بدهد آیا رشوه است و حرام یا آنکه رشوه منحصر است به احکام و بر فرض اینکه رشوه نباشد کسی که حساب سال دارد اگر در همین سال پول را بدهد جزو مؤونه محسوب است یا نه؟

ج – مفروض سؤال رشوه حرام نیست و اگر عادت محل حاجت باشد از مؤون حساب می شود مثل اینکه به اداره گمرک بدهد برای تعجیل یا تسهیل کار.

(۱) ذَقَن: چانه

واللَّه العالم.

شرط بندی

س ۹۰۲- دو نفر با یکدیگر شرط می بندند که اگر مثلاً یکی از این دو، پنج فرسخ متوالی پیاده برود به او یکصد تومان بدهد. آیا این قرارداد صحیح و این وجه را آن دیگری باید بگیرد یا نه؟ و همچنین در سایر موارد دیگر که از جاده شرع بیرون نباشد.

ج – شرط مزبور فاسد و عمل به آن جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۹۰۳- فوتبال یا بازی دیگری که می خواهیم بکنیم شرط می بندیم هر کسی برنده شد فلان مبلغ از دیگری بگیرد، آیا این شرط برای طرفین حرام است و اگر شرط را تبدیل به نذر کنیم اگر شرط بستن حرام باشد آیا حرمتش برطرف می شود؟

ج – بلی حرام است و امّا نذر لازم است که متعلق آن راجح باشد و در صورت عدم رجحان نذر منعقد نمی شود.

س ۹۰۴- اگر شرط بستن حرام باشد آیا زن و شوهر می توانند شرط ببندند؟

ج – اگر شرط بستن حرام باشد بین زن و شوهر نیز حرام است.

ربا در معامله

س ۹۰۵- خرید و فروش پول و اسکناس به کمی و زیادی چگونه است؟

ج – در صورتی که نقدی باشد و جنساً مختلف باشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۹۰۶- آیا جایز است خریدن تومان یا تحویل آن به بازار سیاه با آنکه می دانیم فرق زیادی است بین قیمت عادی و بازار سیاه آن؟

ج – اشکال ندارد تمام آن، به هر قیمتی باشد.

س ۹۰۷- در مسئله ۳ ملحقات توضیح می فرمائید که اگر صد عدد تخم مرغ را به صد و ده عدد در ذمه می فروشد بایستی بین آنها امتیاز باشد، بفرمائید فرق بین پول و تخم مرغ که از

معدودات است چه فرق دارد؟ چون در پول می فرمائید در مسئله ۴ پس جایز است فروش بعضی از آنها به بعضی دیگر با زیاده و اینجا مثل تخم مرغ نیست؟

ج - مورد تخم مرغ بیع نسیه، و مورد پول بیع نقدی است و الا هر دو یک حکم دارد. واللَّه العالم.

شرایط متعاقدین

س ۹۰۸- زید برای فرزند ممیز خود که بالغ نشده دکانی گرفته که برای خود سبزی فروشی کند و نفع و ضرر به عهده خود بچه باشد، بعد که به صاحبان سبزی گفته که پسرم هر چه خواست به او بدهید من راضی هستم. حال، صاحبان سبزی، فروختن به چنین پسر ممیزی که ولی او چنین گفته چه صورت دارد جایز است یا خیر؟

ج - اگر معامله مبنی به عنوان نیابت از پدر باشد صحیح است، و اگر با پول خود صبی و برای خودِ صبی باشد باطل است، و اجازهء پدر اثری ندارد.

س ۹۰۹- مقصود از صبیی ممیز چیست؟

ج - کسی است که تمیز دهد بین فعل بد و خوب را. واللَّه العالم.

س ۹۱۰- زید به پسر خود جنسی می دهد که به بازار بفروشد، پسر نابالغ هم می برد جنسها را برای پدر می فروشد، آیا چنین ثمن مالی را که پسر زید آورده بر زید

جایز است؟ یا خیر، البته باید بر خریدار احراز رضایت ولیّ باشد، اما چون که مردم غالباً شرعی رفتار نمی کنند خریدار می خرد و ثمن را هم با رضایت می دهد آیا بر زید جایز است تصرف به این ثمن؟

ج - جایز است و مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۹۱۱- ملکی را چند نفر شریک به رضایت هم فروختند و پول، دست

بعضی بود آنهایی که پول، دستشان بود رفتند زمینی خریدند به عنوان خودشان به پول مشخصی (همان پول)، آیا شریک بعد از اطلاع اگر بگوید من شریک شما در زمین هستم، آیا درست است؟ و اگر درست باشد، آن بعض احداث بنایی کردند، می تواند شریک، تخریب کند آن بنا را که بدون رضایت او بنا کرده اند؟

ج - اگر معاوضه را با همین پول واقع نموده اند، برای شریک نام برده، حق امضا در مقابل حصه خودش از مقدار بیع است و بر این وجه، حق الزام تخریب بنا را نیز دارد، و اگر معاوضه به عوض در ذمه بود و با آن ثمن، وفاء ما فی الذمه، نموده بودند حق در زمین مشتراه(۱) برایش نیست، و فقط حق مطالبه حصه خودش از ثمن را دارد.

شرایط عوضین

س ۹۱۲- بعضی از پارچه هایی که زائرین روی ضریح مطهّر می اندازند، بعد از مدتی از طرف آستانه حراج می کنند، خرید آنها مباح است؟

ج - در صورتی که متولّی شرعی، آنها را بفروشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

---

(۱) مشتراه: فروخته شده

بیع نسیه

س ۹۱۳- زید جنس خود را نسیه می فروشد به قیمت و مدت معین، در ضمن شرط می کند چنانچه از مدت معتبر تخلف شد و گذشت برای هر روز مثلاً ده تومان باید بدهی مشتری هم قبول می کند، و چنانچه مشتری دیر کرد و از مدت گذشت آیا روزی ده تومان را مدیون می شود یا خیر؟

ج - شرط زیاده، در صورت تخلف در وقت ادا، جایز نیست و شرط مزبور فاسد است و فقط خیار در فسخ معامله برای بایع ثابت است.

بیع سلف

س ۹۱۴- راجع به معامله سلف به عرض رسیده بود که می فرمائید: «چنانچه بائع نتوانست تحویل مشتری دهد، مشتری حق فسخ دارد یا صبر کند تا بائع فراهم کند» اینکه نتوانست تحویل دهد، آیا از جهت فقر یا آنکه چون جنس در بلد یا غیر بلد نیست، صبر کند تا فراهم نماید و چنانچه بائع به غیر از مستثنیات دین دارد و در بازار هم جنسی که فروخته موجود است اما

گران است، آیا واجب است که جنس را از بازار خریده و به مشتری تحویل دهد؟ و چنانچه تحویل ندهد بائع به وسیله حکومت، از او جنس یا قیمت فعلی جنس را بالاجبار بگیرد، به مشتری حلال است یا خیر؟ جواب مرقوم فرموده بودید میزان نتوانستن تسلیم است، خواه از جهت فقر یا از جهت نبودن جنس و اگر موجود است ولی قیمت بازارش گران است لازم است خریدن و تسلیم کند، و اگر نکند می تواند قیمت آن را از او بگیرد، این بود جواب اما جناب شما نفرموده بودید قیمت فعلی یا قیمت خرید اول، امید که بیان فرمائید.

ج – در

مفروض سؤال می تواند او را اجبار کند به قیمت فعلی. واللَّه العالم.

س ۹۱۵- زیدی میوه باغ عمرو را خریده و کلیّه ثمن و یا بعض آن را تسلیم بائع کرده لکن قبل از تصرف مبیع به علت تگرگ و یا آفت دیگر تمام میوه یا بعض آن از بین رفت در این صورت تکلیف بائعین چیست؟

ج - هر گاه باغ را قبض نمود تلف از مشتری است و هر گاه قبض ننموده از بائع است و در همان مقدار تلف شده بیع منفسخ می شود.

س ۹۱۶- در معامله سلف (با رعایت شرایط) چنانچه فروشنده با خریدار شرط کند یا شرط نکرده، از خریدار خواهش کند که موقع سررسید بیع، عین جنس را به قیمت معمول وقتِ تحویل، به فروشنده اوّل بفروشد آیا این شرط صحیح است و لازم الوفاء است یا خیر؟

ج - بدون شرط و مجرد خواهش اشکالی ندارد، ولی در صورت اشتراط فروشنده بر مشتری، صحت آن مشروط است که به همان قیمت باشد نه به کمتر، که اگر فروخت به شرط اینکه مشتری بعد به کمتر به او بفروشد بیع باطل است، و اگر مشتری شرط کند که فروشنده به زیادتر بخرد نیز آن بیع باطل است چنانچه در مسئله ۵۹ از خیارات منهاج مذکور است.

شرط ضمن عقد

س ۹۱۷- معمول است دو نفر با یکدیگر معامله می کنند قرار می گذارند هر کدام پشیمان شدند یک هزار تومان یا بیشتر و کمتر به طرف دیگر بدهند این مبلغ پول چه صورت پیدا می کند.

ج - در صورتی که شرط مزبور در ضمن عقد بوده نافذ و واجب الوفا است، و

اجاره

چنانچه در ضمن عقد نبوده و فقط قرارداد

خارجی است نافذ و واجب الوفا نیست.

س ۹۱۸- معمول است متعاملین قبل از اجرای صیغه عقد معاوضه با یکدیگر قرار می گذارند در صورتی که هر یک از آنان منصرف شوند مقدار معینی به دیگری بدهد در صورت انصراف آیا شرعاً لازم است آن پول را بدهد یا نه؟

ج - اگر معامله مبنیاً بر آن مقاوله صورت گرفته حکم تصریح در ضمن عقد را دارد باید وفا به شرط شود. واللَّه العالم.

اجاره

س ۹۱۹- زیدی مسکنی را به عنوان سرقفلی گرفته است اجاره نموده مالك شرط بالا بردن اجاره را بعد از مدت معینی ننموده است، آیا مالك می تواند اجاره را به مقداری که می خواهد، بالا ببرد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال تا به مقدار اجره المثل می تواند زیاد کند.

س ۹۲۰- آیا اگر ماشین خود را داد به کسی که کار کند و هر چه ربح کند نصف مثلاً بدهد، جایز است؟ و داخل چه قسم از معامله هست؟

ج - این معامله صحیح نیست، و داخل در معاملات فاسده است، و عامل فقط مستحق اجره المثل عمل خود است.

س ۹۲۱- حمّامی را دو نفر به شرکت خریدند یک نفر از آنها سهم شرکتش را به دیگری اجاره داده و آن شریک سهمی را که اجاره کرده با سهم خودش به مبلغ بیشتر از آنچه اجاره کرده به شخص ثالثی اجاره داده و آن شریک می گوید من راضی نیستم به این امر، غُسل کردن مردم چگونه است؟

ج - در صورتی که شرط مباشرت کرده باشد اجارهء مزبور باطل است، و اگر شرط مباشرت نکرده باشد اجارهء مذکور صحیح است، و عدم رضایت شریک اثری ندارد.

واللّه العالم.

س ۹۲۲- زیدی با بنّا قراردادی بسته که فلان مقدار از ساختمان را در ظرف مدت شش ماه مثلاً بسازد چنانچه بنّا در انقضای مدت، ساختمان را تحویل ندهد آیا زید می تواند خسارتی از بنّا بگیرد یا خیر؟

ج – خسارت را نمی تواند از بنّا بگیرد مگر آنکه شرط کرده باشد، ولی اگر در آن مدت تمام نکرد می تواند اجاره را فسخ نماید.

س ۹۲۳- زیدی مثلاً اتومبیلی یا چیزی دیگر از وسایط نقلیه کرایه کرده به مبلغی که فلان مقدار راه را ببرد و برگردد، اتفاقاً در بین این مسافرت بعد از طی چندین فرسخ عیبی متوجه این وسیله نقلیه شد که به مرکز اولیه خود برگشت، بفرمائید آیا این راننده (یا سائق) یا صاحب اتومبیل، شرعاً حقی به این مسافر دارد یا نه؟ در صورتی که ابتدا شرط و قراری که اگر ماشین خراب شود چه کنند، نبود.

ج – در مفروض سؤال، حقی برای آنها بر این مسافر نیست. واللّه العالم.

س ۹۲۴- کارگری چند ساعت از روز کارکرد و به علت باران و برف مثلاً کار تعطیل شد، آیا مزد این مقدار را طلب کار است یا نه؟

ج – مزد آن چند ساعت را مستحق است. واللّه العالم.

س ۹۲۵- آیا دادن مغازه و یا اجاره دکان به کسی که شغل آن گرفتن ربا می باشد و امکان هم دارد به راه شرعی بعضی از کارمندان آن عمل نمایند.

ج – در فرض مزبور مانعی از دادن دکان یا مغازه به شخصی مزبور نیست. واللّه العالم.

—

س ۹۲۶- اجاره دکان به بانکها چه صورت دارد؟

ج – اگر مقید به انجام معامله ربوی نباشد اشکال ندارد، اگر چه بداند

که آنها خواهند نمود. واللّه العالم.

س ۹۲۷- زیـدی اجیر می شود که مثلاً مـدت یک سال برای عمرو به مزد معین کار کنـد، چنانچه در بین مـدت مسـتأجر او را بیرون کرد آیا مزد تمام مدت را باید بپردازد یا بالنسبه؟

ج - اجرت تمام مدت را بدهد.

س ۹۲۸- در فرع فوق اگر اجیر در بین مدت از کار کناره گیرد مزدی را که گرفته چه صورت دارد؟

ج - مـانعی نـدارد، ولی برای مسـتأجر خیـار ثابت می شود می توانـد اجاره را فسـخ کنـد و تمام اجرت را از او بگیرد و اجرت المثل عمل او را بدهد. واللَّه العالم.

س ۹۲۹- زیـد از بکر اجـازه گرفته که جنس خود را دو یـا سه روز به دکـان بکر بگـذارد، این دو یا سه روز طولانی می شود یـک هفته می کشـد، ناچـار بکر به زیـد می گویـد جنس خود را از دکـان ببرد و الا برای هر روزی که جنس تو در این دکان بمانـد صـد تومان اجاره آن است، زیـد هم هیـچ نمی گویـد و جنس خود را هم تا مدتی نمی برد، آیا بکر مدیون زید است یا خیر؟ و نیز آیـا همان روزی صـد تومان مـدیون است یا اجره المثل و چنانچه بکر مـدیون باشـد و ندهـد آیا زیـد می توانـد که بدون اطلاع بکر از مال او بردارد یا خیر؟

ج - بلی به اجره المثل ضامن است و می تواند تقاص کند اگر امتناع دارد چنانکه فرض شده در ذیل سؤال. واللَّه العالم.

س ۹۳۰- بفرمائید: همان طوری که بدهکار اگر قدرت ادای دین ندارد مطالبه

حرام است، اگر مستأجری بعد از انقضای مدت اجاره، عین مستأجره را تخلیه کند از قبیل مغازه و

منزل، در عسر و حرج و مشقت شدیده است، مؤجر حق اجبار به تخلیه دارد یا خیر؟

ج - مستأجر مزبور مثل بدهکار معسر نیست، و عسر و حرج مستأجر مانع اعمال سلطنت مالک در ملک خود نیست.

س ۹۳۱- اگر اجیر شود کارگری چند ساعت معینی که در آن مدت وقت نماز واجب هست، آیا اجاره در وقت نماز باطل می شود، و آیا مستحق می شود اجرت را نسبت به آن وقت نماز، چه بیاورد نماز را چه نیاورد؟

ج - جایز نیست کسی اجاره دهد خودش را به طوری که تمام وقت فیضه را فرا گیرد، پس اجاره نسبت به مقدار ادای فریضهء واجب، باطل می گردد و اگر کار کند تمام وقت را به امر مستأجرش مستحق اجره المثل می شود در آن وقت.

اجاره در عبادات

س ۹۳۲- آیا جایز است اخذ اجرت بر تعلیم حجاج واجبات حج و عمره و ارشاد آنها را؟

ج - جایز نیست آن.

س ۹۳۳- زیـدی وجه مال الاجارهء صوم و صـلاه میتی را به چند نفر پرداخت نموده و با آنها قرارداد نموده که برای میت نماز و روزه بجا آورند، آنها نیز قبول کردند ولکن در ضـمن اجاره، تعین وقت برای هر کدام نکرده و لذا ممکن است همه آنها در یـک زمان از طرف میت اعمال را انجام دهنـد، در این صورت مؤجر موظف است که به آنها بگویـد؟ و یا آنکه اگر همگی و هر کدام بدون اطلاع دیگری نماز و روزه بجا آورند مجزی است، لطفاً حکم آن را بیان فرمائید.

۲۷۵

اموال طفل

ج - اشکالی در اجرای صورت مفروضه نیست، و مجتمعاً یا متفرقاً ادا نمایند، صحیح واقع می شود. واللَّه العالم.

س

۹۳۴- اجیر شدن از برای قرائت قرآن، مانند نماز است که باید نیت نیابت از میت نماید، یا نثار کردن ثواب قرائت است که هر چه قرآنِ خوانده داشته باشد بعداً یک وجهی بگیرد و ثواب آن را ببخشد، یا از اول از برای میتی بخواند، و هم چنین از برای زنده هم می شود اجیر شد یا خیر؟

ج – هر دو نحو آن ممکن است و معمولاً ـ اجیر شدن در آن برای اهدای ثواب است، ولی ثواب قرائتی که به نیت مستأجر صورت بگیرد، نه ثواب ذخیره شده قبلی.

س ۹۳۵- زیدی به طور اطلاق وصیت به چند سال نماز استیجاری کرده بفرمائید، آیا ورثه یا وصی یا ولیّ میّت می تواند با اجیر قرار بگذارد که اقامه و قنوت را ترک کند و اکتفا به یک تسبیحه در رکعت سوم و چهارم نماز و هکذا یک سلام بنماید یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال نمی تواند اکتفا نماید، باید بر طبق متعارف اجیر بگیرد.

س ۹۳۶- آیا کسی که مخارج بعض حروف را ندارد می تواند اجیر برای خواندن نماز غیر بشود یا خیر؟

ج – استیجار او جایز نیست.

اموال طفل

س ۹۳۷- آیا جایز است برای والدین تصرف نمودن در مال بچه غیر بالغ خود

به طوری که در آن تصرف مصلحتی برای او ندارد یا آنکه واجب است بر آن دو حفظ نمایند آن مال را برای او بعد از بلوغ به او رد نمایند؟

ج – جایز نیست تصرف نمودن اگر در آن مفسده باشد، و واجب است بر آن دو حفظ کردن، یا تصرفی که در او مصلحتی باشد برای او، یا مفسده ای در آن نباشد.

س ۹۳۸- کسی

بچه صغیر دارد و کار می کند مزد می گیرد آیا پدر و مادر در مال آن می توانند تصرف نمایند؟

ج - ولیّ و پدرش به قدر مصرفش می تواند صرف کند. واللَّه العالم.

س ۹۳۹- طفلی مریض است که مشرف به هلاکت است، ولیّ او یا ندارد و یا دارد خرج نمی کند و عده ای از مؤمنین از قضیه آگاهند و می دانند که بچه را اگر طبیب ببرند هلاک نمی شود، آیا بر مؤمنین که تمکن مالی دارند و می توانند بچه را از مرگ نجات دهند واجب است که خرج نمایند و بچه را از مرگ نجات دهند یا واجب نیست؟

ج - لازم است اگر ولیّ او متمکن است وادارش کنند در معالجه طفل، و اگر ممکن نشد، به ذمه ولیّ متمکنش با اجازه حاکم، مصرف معالجه را متکفل شوند و بعد از ولیّ مطالبه و دریافت نمایند و اصل اقدام در این فرض لازم است کفائیاً. واللَّه العالم.

س ۹۴۰- مرسوم است که مجالس تعزیه در منزلهای متوفیات می گیرند و غالباً صغاری از آنها باقیمانده و گاهی اشکال می شود که رفتن به این مجالس صحیح نیست زیرا تصرف در منزل صغار است بدون اذن شرعی اگر چه ورثه کبیر هم دارد و آنها صاحب عزا هم هستند تکلیف را معلوم فرمائید.

ج - بلی تا اندازه ای که متعارف است مانعی ندارد. واللَّه العالم.

۲۷۷

قرض

قرض

س ۹۴۱- بین آقایان بارفروشها رسم است که به زارع پول قرض می دهند به شرط اینکه در موقع محصول اجناس را نزد او بیاورد بفروشد و حق بارفروشی خود را بردارد به این معنی که اگر بداند که مقترض اجناس را نمی آورد قرض نمی دهد چون شرط ربایی است راهی

برای آن بیان فرمائید.

ج - در یک معامله و عقدی دیگر که بین آنها واقع شود شرط کنند که بارفروش مبلغ معین قرض بدهد و مقترض محصول را نزد او بیاورد برای فروش. واللّٰه العالم.

س **۹۴۲**- اشخاصی که بدهکار مردم هستند در صورتی که طلبکار مطالبه می کند، آیا واجب است غیر از خانه مسکونی لایق به شأن و لوازم لایق به شأن و خرج یک شب آن روز خود و عیال واجب النفقه را (از قبیل گندم، جو، آرد، نان، نفت، نمک، گاو، گوسفند، مرغ، هیزم، سیاره، گاری، تراکتور و غیره) را بفروشد و جواب طلبکار را بدهد یا نه؟ مستدعی است مشروحاً بیان فرمائید که مسئله کثیر الابتلاء است و کذا سرمایه دکان و اسباب دکان نجاری و خیاطی و بزازی و عطاری و غیره. آیا مدیون چه وظیفه دارد اگر دائن مهلت نمی دهد؟

ج - چیزهایی که نزد مدیون است از اثاث زندگی یا کسب که به نداشتن و دادن آن به طلبکار، در حَرَج زندگی واقع می شود، یا از اعتبار او کاسته می شود، واجب نیست آن را برای ادای دین از دست بدهد.

س **۹۴۳**- زیدی از عمرو طلبکار است و در عوض چک یا سفته یا سند ثبتی مثلاً در دست دارد چون که مدیون در پرداخت دین مسامحه می کند دائن ناچار

می شود به مقامات مربوطه جهت دریافت طلب خود مراجعه و شکایت کند و معلوم است تا خاتمه دعوی متحمل مخارجی از قبیل تمبر و خرج ایاب و ذهاب و وکیل و غیره خواهد شد، چنانچه طلبکار از طلب خود بگذرد متضرر می شود و به علاوه امکان دارد بازار کلاه برداری رواج

پیـدا نماید. غرض این است که با این وصف وظیفه طلبکار چیست و مخارجی را که کرده علاوه بر طلب خود آیا می تواند از بـدهکار بگیرد یا نه و چنانچه در ابتداء اقتراض و اسـتقراض شـرطی به بیان آید که در صورت مسامحه مدیون و شـکایت دائن کلیه مخارج را علاوه بر اصل دین، بدهکار به طلبکار بپردازد آیا این شرط و قرارداد صحیح و لازم است یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال حق مطالبه آن مصارف را ندارد، مگر آنکه در خودِ قرض و یا عقد لازم دیگری شرط شده باشد.

س ۹۴۴- زیدی سی سال قبل فوت کرده و بدهکاریش در دفتر ثبت بوده مثلاً ده تومان به مردم بدهکار است حالا بعد از سی سال در مقام اداء، ده تومان اسکناس به ایشان بدهد کافی است یا خیر؟

ج – هر گاه طوری که نوشته اید ثبت شده، یعنی به عنوان تومان بدون قید و شرط، دادن اسکناس فعلی کافی است.

چیزی که پیدا شده

س ۹۴۵- اگر کسی یـک یا دو اسـکناس صـد تومانی یا پانصـد تومانی در خیابان و یا ممرّ عام یافت و برداشت، آیا در حکم لقطه بی نشانی است که تعریف ندارد، یا چون علامت صد و پانصد دارد در حکم لقطه ای است که تعریف آن لازم است؟

ج – بی علامت محسوب است.

س ۹۴۶- همین مبلغ اگر در کوچه بن بست پیدا شود وظیفه چیست؟

ج – در صورتی که قابل تعریف برای صاحبان خانه در آن کوچه نباشد، مانند فرض بالا است.

س ۹۴۷- در مسئله ۱۸ لقطه منهاج فرموده ایـد در مسـکوکات مفرده تعریف ساقط است، لـذا عرض می شود اگر کسـی یک صد تومانی مثلاً

پیدا کرد آیا تعریف بر او واجب نیست یا واجب است چون از نظر مسئله ۲۸ لقطه مورد شبهه شده، بیان فرمائید.

ج - مقصود در فرع اوّل صورت مقرون نبودن به چیزی که باعث اختصاص باشد می باشد و با فرع ثانی منافات ندارد، و مفروض سؤال اگر از حیث مکان و زمان قابل شناختن باشد تعریف لازم است. واللَّه العالم.

س ۹۴۸- اگر لقطه را مدّتی تعریف کرد و یأس حاصل شد آیا وجوب تعریف ساقط است یا نه؟ اگر چه در توضیح احتیاط فرموده اید لکن نظر مبارک فعلی را خواستاریم.

ج - بلی احتیاطاً باید تا آخر سال تعریف کند مگر آنکه یقین به عدم بکند، ولی در این صورت تملک مشکل است باید یا تصدق کند و یا نگهداری نماید اگر احتمال بدهد بعد هم پیدا شود، و الّا معیّن است تصدق. واللَّه العالم.

س ۹۴۹- برای تعریف لقطه می شود به نوشتن اطلاعیه و به درب و دیوار محل اجتماع چسباندن اکتفا کرد، یا نه؟ و معلوم است که این طور تعریف کتبی از نظر شنواندن به افراد، مثل تعریف لفظی نیست.

ج - هر گاه عادت تعریف به آن کیفیت، مظنه اطلاع باشد ولو بالواسطه نظیر

شهرها مجزی است. واللَّه العالم.

س ۹۵۰- معمولاً در مشهد افرادی هستند که کبوتر هوا می کنند زیدی می گوید دو عدد از همین کبوترها را من گرفتم و به آنهایی که گمان داشتم مال آنها است گفتم ولی صاحبش پیدا نشده و آنها را فروخته، پول آنها را چه کند؟

ج - به عنوان صدقه از صاحب آنها به فقیر بدهد. واللَّه العالم.

س ۹۵۱- اگر کبوتری در خانه کسی بیاید و احتمال دهیم

مملوک دیگری باشد آیا واجب است تعریف نمودن آن؟

ج - اگر مالك او را ندانیم واجب نیست تعریف نمودن. واللَّه العالم.

مجهول المالک

س ۹۵۲- اگر تصرف نماید شخصی زمینی را که مالك او مجهول است و این تصرف بدون اذن حاکم شرع باشد آیا جایز است خرید این زمین را از او؟

ج - این خرید جایز نیست.

س ۹۵۳- بنابر فرض عدم جواز خرید اگر کسی زمینی را به همان صفت بخرد چه باید بکند؟

ج - باید یا آن را به صاحبش برگرداند، یا برگرداند آن را به حاکم شرع.

س ۹۵۴- آیا در مجهول المالك اذن عام هست یا احتیاج دارد به اجازه گرفتن؟

ج - بله برای کسی که مستحق أخذ باشد مانند اداری که استخدام شده در عمل جایزی، یا صاحب امانتی که رد می کند امانت را، و امثال آنها هست.

س ۹۵۵- آیا در مصرف مجهول المالك استحقاق شرعی شرط است یا نه و اگر

شرط باشد لطفاً به بنده که استحقاق ندارد برای مصرف خود و دادن به دیگران اجازه فرمائید.

ج - آنچه عوض مالی یا عملی از دولت باشد اجازه داده ایم که از طرف ما بگیرند و صرف کنند اگر چه فقیر نباشند، و امّا در غیر آن از اموال مجهول المالك مثل لقطه و غیرها لابد در مصرف آن فقر شرط است. واللَّه العالم.

س ۹۵۶- در حادثه سیلی در بعضی از قراء اشجاری و اموالی سیل می آورد، در این قراء مال صغیر و کبیر در آن است، و سیل این اموال را در آنجا جمع نموده، چنانچه مورد موقوفه یا صغیر و یا کبیر ادعا کند که چه مبلغ آن از ماست، می توان

به آنها داد و یا باید به طریق صلح یا به نحو دیگری عمل کرد، طریق توزیع آن را بیان فرمائید؟ ضمناً اگر مالک آنها به طور شبهه محصوره و یا غیر محصوره معلوم نباشد و مجهول المالک باشد به چه مصرف برسد، و بعضی از اهالی قرار می داشتند به مصرف عام المنفعه نسبت به ده مثل برق برسد موکول به استفتاء گردید.

ج - در مفروض سؤال اگر مالکین همه آن مالها معلوم باشد و مقدار مال آنها مجهول باشد طریق توزیع آن منحصر به صلح است و متصدی صلح از طرف موقوفه، متولّی، و از طرف صغیر، ولیّ او است، و همچنین اگر مالکِ مقداری از اموال معلوم باشد و مالکِ مقداری مجهول، از طرف مجهول المالک حاکم شرع یا وکیل متصدی صلح می شود، و بعد از آن احکام مجهول المالک را به مقداری که به صلح تعیین شده بار می کنید.

س ۹۵۷- اشجار مثمره یا غیر مثمره و غیره که مشترک فیمابین افراد می باشد که مالک آن در سهامی معروف و مالک بعضی از سهام مشتبه، یا به جهت کثرت ورثه بعضی مفقود و غیره، غیر معروف و فی الواقع پیدا کردن همه و معلوم کردن مالک ـ

غیر ممکن و در آمد ملک با اشجار خیلی کم مثلاً اگر حاصل درخت گردو ۱۰۰۰ عدد باشد و تقسیم گردد، مقدار معتدبه به شخص مالک نمی رسد آیا حکم مجهول المالک را دارد یا خیر؟ و آیا اجازه می فرمائید که به فروش برسد و وجه آن نسبت به سهم مالک به خودش یا به وکیلش تسلیم گردد و نسبت به سهم دیگران به نیابت صاحبش تصدق

داده شود، یا به مصارف خیریه و فقرا برسد؟

ج - در فر عدم تمکن از ایصال به صاحبان سهام، مجاز است که سهام این عده را برای ایشان تصدق بدهد.

س ۹۵۸- خانه ها و کاروانسراهایی را چند سال قبل حکومت خراب کرده و خیابان قرار داده و حالاً عین خیابان را بازار ساخته و دکاکین متعدد ساخته و به مردم اجاره می دهد بعضی از آقایان و مقدسین اشکال می کنند و از طرفی هم مثل اینکه ناچارند، متمنی است راه حلیت و رفع اشکال آن را بیان فرمائید چون مسئله مستحدثات، مثل جواز عبور را متعرض است و امّا کیفیت استفاده از آن را با اجازهء شرعی به عنوان مجهول المالك، یا جواب دیگری متعرض نیست.

ج - بعد از آن که ثانیاً ساختمان شده اگر صاحبش معلوم است باید به او رجوع کرده، و اگر معلوم نیست به حاکم شرع رجوع می شود، و عوضش از طرف صاحبش به فقرا صدقه داده می شود.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

ازدواج (نکاح)

صیغهء عقد

س ۹۵۹- آیا می توان اجرای صیغه نمود به وسیله تلفن به طوری که طرف، زن او گردد، و با او معامله زن خود بکند در صحبت با تلفن؟

ج - اگر عقد بخواند بر آن زن برای خودش اشکال ندارد.

س ۹۶۰- در استفتاءات سابق سؤال کردم از صیغه عقد نکاحی که زوج متولی آن می شود که ایجاب را از طرف زن می

خوانـد وکـالهً، و قبول از طرف خود اصـالهً فرمودیـد در منهـاج موجود است و من پیـدا نکردم، آیـا جـایز است برای او بگوید زوجت موکلتی من نفسی بمهر قدره کذا، سپس خودش قبول کند؟

ج – این

مسأله در ذیل مسأله شماره ۱۲۲۸ موجود است که گفتیم جایز است، ولکن احوط استحبابی این است که زوج متولی آن نگردد.

س ۹۶۱- اگر کسی وکیل شود در اجرای عقد نکاح لکن قید وکالت و ولایت را در لفظ نمی گوید و به صورت فضولی می خواند مثل اینکه می گوید: «زوجت زینب زیداً علی المهر المعلوم قبلت للرجل المعلوم، و یا زوجت المرأه المعلومه للمرء

المعلوم فی المدّه المعلومه علی المهر المعلوم قبلت التمتیع للمرء المعلوم»، دو صورتی که بالا ذکر شد یکی دائمی و یکی منقطع، آیا این دو عقد مرقوم صحیح است یا نه، و دوباره احتیاج به اجازه است یا نه؟

ج - بعد از آنکه وکیل و مجاز بوده عقد مزبور صحیح است و حاجت به اجازه بعد ندارد. واللّٰه العالم.

س ۹۶۲- کسی که صیغه عقد نکاح خوانده و یک غلط نحوی نموده در صیغه، به طوری که اخلال به معنای مقصود نمی زند، ولیکن بعد از دخول این مطلب برای او آشکار شده، آیا نکاح او صحیح است؟

ج - بله صحیح است و اشکال ندارد.

س ۹۶۳- اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد آیا می تواند عقد را به هم بزند؟ و اگر از روی اطمینان که این دختر باکره است این شرط است، یا باید باکره بودن در عقد ذکر شود؟

ج - اوّلاً بنا بر احتیاط نمی تواند عقد را به هم بزند، ولی می تواند تفاوت بین مهر باکره و غیر باکره را بگیرد. ثانیاً مقصود از شرط منحصر به ذکر در عقد نیست و کفایت می کند اجراء عقد مبتیّاً علی ذلک، مثل بقیه موارد اشتراط.

س ۹۶۴- زوجه در اوّل عقد شرط

می کنـد از حالا تا ۵۰ سـال دیگر وکیل و صاحب اختیار باشـد از جانب زوج که هر گاه بخواهـد خود را طلاق دهـد زوج هم قبول می کند، آیا چنین شـرطی صحیح است یا خیر؟ و نیز زوجه شرط می کند چنانچه طلاق واقع شود و زوجه فرزندی داشته باشـد برای همیشه حق حضـانت با زوجه باشـد؟ و نیز زن بتوانـد بی اذن مرد به روضه ها و مشاهـد مشـرفه و به خانه خویشان و دوستان برود، با تمام این شروط صیغه عقد جاری شده و زوج هم قبول

کرده، آیا این شـرایط صحیح است یا خیر؟ و آیا اگر مرد زوجه خود را منع کند چنانچه زن مخالفت کند به رفتن، آیا معصیت کـار است یـا خیر؟ آنچه حکم است بیـان فرمائیـد البته این نوع مسائـل را برای عوام تشـریح نمی توان نمود ولی مورد حـاجت است.

ج - اگر به زوجه وکالت در طلاق بدهـد اختیار طلاق به دست زوجه است در مدت مذکوره و حق الحضانه تا دو سال با مادر است و بعـد از دو سال با پدر است، و اگر شـرط در ضـمن عقد لازمی باشد واجب الوفاء است، و کذا بقیه شـروط مذکوره، و مورد خلاف آن را نمی تواند انجام بدهد، و اگر منع هم بکند زن معصیت کار نیست. واللّٰه العالم.

اولیاء عقد

س ۹۶۵- یکی از مؤمنین علاقه شدیـدی پیـدا کرده به یک زن مؤمنه صالحه و همچنین زن علاقه پیـدا کرده به او، ولکن پـدر دختر فـاسق و شـارب الخمر است، و بـا این ازدواج موافقت نمی کنـد، و رد کرده آیا جایز است برای این جوان کفو شـرعی و عرفی آن زن او را

ازدواج نماید بدون اذن ولی آن زن؟

ج – جایز نیست بنابر احوط، مگر در این عدم اذن مفسده برای زن باشد که در این صورت اذن معتبر نیست و ساقط می شود.

س ۹۶۶- آیا جایز است برای دختر باکره ازدواج منقطع نماید بدون اذن ولی خود یا خیر؟

ج – جایز نیست بنا بر احوط لازم.

س ۹۶۷- در ازدواج متعه اگر اتفاق کنند مرد و زن بر عدم ایلاج در قُبُل، یا

دخول، آیا جایز است برای مرد اینکه متعه کند آن زن را در صورت عجز أخذ إذن ولیّ او، یا بترسد وقوع در حرام را و نتواند اذن ولی او را حاصل کند یا ولی او حاضر نباشد؟

ج – جایز نیست بنا بر احوط عقد نمودن بر باکره بدون اذن ولی او مگر اینکه در عدم اذن ولی مفسده باشد برای زن و فرقی نیست بین شرط نمودن عدم ایلاج و غیر آن.

س ۹۶۸- آیا جایز است متعه نمودن با زن کتابیه (مسیحیه) باکره بدون اذن ولی او با اینکه می دانیم بکارت نزد آنها اهمیت چندانی ندارد مخصوصاً در بلاد غرب؟

ج – اشکال ندارد تمتع به آنها بدون اذن ولی او.

س ۹۶۹- آیا شرط است اذن ولی در تمتع نمودن با کتابیه بکر؟

ج – شرط نیست. واللَّه العالم.

س ۹۷۰- اگر ولی نکاح باکره وفات نماید، پس برای چه کس می باشد ولایت آن دختر نزد ازدواج او؟

ج – در این صورت احتیاج به ولایت ندارد اگر دختر بالغ و عاقل باشد.

موجبات فسخ نکاح

س ۹۷۱- مسئلهء ۲۳۹۰ توضیح زن بعد از مدتی فهمید شوهرش عنّین است و مدتی به حال تردید بود یا جاهل به مسئله بود که

اختیار فسخ دارد یا در اوّل امر بعد از اطلاع به عیب شوهر راضی شد بعداً پشیمان گردید آیا فعلاً حق فسخ دارد یا خیر؟

ج – در دو فرض اوّل حق فسخ دارد به نحوی که در رساله ذکر شده، و اما در

فرض اخیر که راضی شده و اسقاط حق خود را کرده بعد از پشیمان شدن حق فسخ ندارد.

عده ای از زنها که ازدواج با آنها حرام است

س ۹۷۲- زیدی زنی را که آن زن از شوهر قبل دختری دارد به عقد خود درآورده بفرمائید آیا این مرد قبل از دخول می تواند به دختر این زن غیر مدخوله نظر محرمانه بکند یا نه (مسئله ۳ ص ۲۷۱ ج ۲ – رساله منهاج مسکوت عنه بود).

ج – اتفاقاً تصریح شده (ومن غیر المحارم اخت الزوجه والربیبه قبل الدخول بامها).

س ۹۷۳- اگر آبستن گردد زن از زنا و حمل او آشکار گردد آیا جایز است برای این شخص اینکه تزویج نماید او را قبل از وضع حمل؟

ج – بله جایز است برای این شخص زانی یا غیر او از اجنبی آخری.

س ۹۷۴- آیا ولد الزنا به پدر و مادر و سایرین محرم است یا خیر؟

ج – بلی به همه محارم محرم است. واللَّه العالم.

س ۹۷۵- بچه زنا که فرمودید از پدر و مادر ارث نمی برد آیا با مادر محرم است یا خیر؟

ج – جمیع احکام فرزندی که از آن جمله محرم بودن است مرتب است فقط موضوع ارث فرق می کند که پدر و اقرباء پدر از او ارث نمی برند و از آنها هم ارث نمی برد و امّا نسبت به مادر محل اشکال و احوط مصالحه است.

س ۹۷۶- اگر زن شیعه همسر مرد سنی باشد می توان

به قاعده الزام با او نکاح کرد در صورتی که در عقدش حضور عدلین نبوده یا در طلاقش که به مذهب

سنت بوده؟

ج - بلی می تواند نکاح کرد در هر دو صورت. واللَّه العالم.

س ۹۷۷- آیا احتیاط ذکر شده در منهاج الصالحین در رابطه ازدواج با کتابیه دائمی آیا این احتیاط وجوبی است یا استحبابی؟

ج - استحبابی است.

س ۹۷۸- بنابر فرض بودن این احتیاط وجوبی با جهل مکلّف به حکم و اقدام نمودن او بر ازدواج دائم با کتابیه یا کافره غیر کتابیه، آیا آن زن اجنبیه می گردد بر او و حرام می شود بر او؟

ج - اما کافره غیر کتابیه ازدواج او باطل است.

س ۹۷۹- جمع بین فاطمیتین جایز است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد.

س ۹۸۰- آیا جایز است گفته شود به زنی مزوّجه، که یقیناً طلاق خواهد گرفت: «که اگر طلاق داد من حاضرم بگیرم» تصریحاً یا تلویحاً بگوید یا اشارات دیگری کند؟ و آیا فرق است بین گفتن به خودش یا به پدر و مادر او و یا اقرباء او و کیف کان تعریض به نکاح در غیر عده وفات مثل مقام جایز است یا نه؟ و چه مقدار صدق تعریض می کند؟

ج - جایز نیست تعریض به خطبه زن مزوّجه در حال زوجیت او و نه بعد از طلاق در حال عده رجعیه او، ولی در حال عده بائنه مانعی از آن نیست و همچنین آنچه برای خود زن جایز نبود مانعی ندارد تعریض به آن نزد پدر و مادرش.

احکام عقد دائم

س ۹۸۱- زن بدون اذن شوهر می تواند بچه غیر را شیر دهد یا خیر؟ و آیا زن در خانه شوهر می تواند برای

خود کار کند مثل خیاطی و کارهای مشابه آن و ضمناً از دست رنج خود به امور خیریه کمک نماید یا صدقه بدهد در صورتی که در هر دو فرض حقوق شوهر را کاملاً مراعات نماید و ضرری به حق استمتاع او نرساند؟

ج – بلی در هر مورد به فرض مزبور می تواند و محتاج به اذن شوهر نیست.

س ۹۸۲- آیا واجب است بر شوهر تعلیم نماید زن خود را مسائل فقهی بدون مطالبه زن از او مسائل عبادات و معاملات را؟

ج – بله واجب است تعلیم نمودن مسائل دینی به نحو وجوب کفایی بر هر شخص.

س ۹۸۳- آیا واجب است بر شوهر تعلیم نماید زن خود را مسائل فقهی با طلب زن مسائل عبادات و معاملات را؟

ج – از جواب سؤال پیش معلوم می گردد.

س ۹۸۴- حدود زمان مبیت نزد زوجه چقدر است نزد تعدد آنها آیا کافی است بقاء نزد آنها در روز یا خیر؟

ج – مبیت اطلاق نمی گردد بر بقاء روز پس کافی نیست.

س ۹۸۵- حکم وطی دبر زوجه در ایام عاده و غیر او چیست؟ و آیا می تواند زن امتناع بورزد در دو فرض جواز و عدم آن، و آیا مستحق نفقه است اگر امتناع ورزید؟

ج – احوط وجوبی ترک آن است مطلقاً و می تواند امتناع بورزد و در این صورت مستحق نفقه هست.

س ۹۸۶- در چه وقتی جماع مستحب است؟

ج – مستحب است شب دوشنبه و سه شنبه و پنج شنبه و جمعه و روز پنج شنبه نزد زوال و روز جمعه بعد از عصر و مستحب است نزد میل داشتن زوجه به جماع.

متعه (ازدواج موقت)

س ۹۸۷- اگر کسی زنی را متعه کند زن به

او بگوید شما وکیل هستید، آیا برای تعیین مدت و اجرت هم کافی می شود یعنی عاقد، وکیل در تعیین مدت و اجرت هم می شود، یا در توکیل لازم است بگوید، در تعیین آنها هم وکیل هستید و ضمناً در بذل مدت بذل لفظی لازم است، یا قصد و اراده قلبی کافی است؟

ج - اگر توکیل مطلق بوده به طوری که شامل این جهت هم باشد کافی است و الّا کفایت می کند، غایه الامر فضولی است اجازه بعد هم کفایت می کند و در بذل قصد و رضای قلبی کفایت نمی کند. واللَّه العالم.

س ۹۸۸- اگر در عقد متعه مدت عمداً یا نسیاناً ذکر نشود اصلاً عقد باطل است و یا اینکه عقد دائمی می شود؟

ج - در مفروض سؤال که قصد متعه و زواج موقت داشته ولی عمداً و یا نسیاناً ذکر مدت و اجل نشده عقد باطل است. واللَّه العالم.

س ۹۸۹- مردی و زنی حدود شصت ساله ازدواج نموده به عقد انقطاع به مدت ۷۰ ساله آیا برگشت چنین عقدی به دائم نمی شود؟ چون اگر برگشت به دائم شود، احکام دائم در نفقه و ارث با غیر دائم تفاوت می کند.

ج - بلی چنین ازدواجی ملحق است به عقد دائم در احکام آن. واللَّه العالم.

س ۹۹۰- آیا بچه های از زن متعه او واجب است نفقه آنها بر او؟

ج - بله واجب است نفقه بر اولاد خودش که از متعه بوجود آمده.

س ۹۹۱- در منهاج مسئله ۱۳۰۳ فرموده اید مکروه است متعه بر زانیه، و اگر آن زانیه مشهوره باشد احوط لزومی ترک تمتع به آن است، شهرت به چه صدق می کند بر زانیه؟

ج - آن کسی که دست

کسی را از خودش دور نمی کند و هر که از او طلب نماید اجابت می کند.

س ۹۹۲- زنی را منقطعه نکاح کرده تا مـدت یک ماه و یا یک سال، قبل از تمام شدن مدّت می خواهد دائمی نکاح کند، آیا بـذل مـدّت لازم است که بعـد از بـذل نکاح دائمی نمایـد یا احتیاج به بذل مدّت ندارد، و اگر بذل مدّت لازم باشد کسـی که جاهل به مسئله بوده قبل از بذل عقد دائمی کرده حکم اولاد او چیست و بعد از علم تجدید عقد لازم است یا نه؟

ج - بلی بذل لازم است و بدون آن عقد صحیح نیست، و در مفروض سؤال اولاد به حکم اولاد وطی به شبهه است، و بعد از علم باید تجدید عقد نماید. واللّٰه العالم.

س ۹۹۳- آیـا جـایز است برای مرد مؤمن ازدواج منقطع بـا زن مخالفه، یا آنکه ازدواج منقطع مختص است به کسـی که معتقد است به حلال بودن آن و او زن مؤمنه است؟

ج - بله جایز است برای او تزویج با زن مخالفه.

س ۹۹۴- آیا جایز است نکاح متعه نمودن کتابیه یا مخالفه که معتقد به حلیت آن نیست ولکن از روی طمع قبول کرده؟

ج - بله جایز است.

—

س ۹۹۵- آیـا جـایز است تمتع نمودن به خـادمه کتابیه که در منزل کار می کنـد از پاک کردن منزل و شسـتن لباسـها و پختن غـذاها؟ و آیـا فرق است اگر آن خـادمه بر کفـالت من بوده باشـد یـا کفالت غیر من، و آیا فرق است بین خادمه مربیه اطفال و خادمه برای کار کردن در منزل؟

ج - اما ازدواج نمودن با کتابیه جایز است حتی به

صورت دوام، و اما آنچه مربوط به طهارت و نجاست است پس بنابر احوط وجوبی اجتناب بورزد از آنچه مس نموده آن را به رطوبت مسریه مثل سایر نجاسات، و فرقی نیست بین اینکه در کفالت او باشد یا کفالت غیر، و بین خادمه و مربیه و غیر آنها، بله اگر اجیر غیر باشد جایز نیست از او کار بکشی بدون اجازه.

س ۹۹۶- اقل مهر در نکاح متعه که به زن داده می شود چقدر است؟

ج - آن چیزی است که صدق مال بر او بکند یا جنبه مالکیت داشته باشد مانند تعلیم دادن.

۲۹۵

ازدواج (نکاح)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

۲۹۶

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

۲۹۷

پوشش زن ونگاه کردن

پوشش زن ونگاه کردن

پوشش زن

س ۹۹۷- آیا واجب است بر زن بپوشاند مابین ناف و دو زانوی خود را از زن یا از صبیی ممیز و صبیه ممیزه؟

ج - اما از زن و صبیه ممیزه واجب نیست و اما از صبی ممیز وجوب ستر بنا بر احوط است.

س ۹۹۸- حجاب شرعی که مدتی است شایع شده یعنی بدون چادر ولی پوشیدگی با لباس های بلند و مقنعه چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد مادامی که طوری نباشد که موجب تهییج شهوت باشد.

س ۹۹۹- پوشیه برای خانم ها واجب است یا خیر؟

ج - گذشت، که پوشیدن صورت احتیاط واجب است به هر وسیله که باشد.

س ۱۰۰۰- بازگذاشتن جزئی از صورت مانند بینی و یا چشمها برای خانم ها چه صورتی دارد؟

ج - خلاف احتیاط واجب است. واللَّه العالم.

س ۱۰۰۱- اگر ستر وجه برای زن در جایی موجب مسخره کردن او یا حرج گردد

آیا جایز است برای او باز نماید صورت خود را؟

ج - اگر موجب

حرج گردد جایز است آن برای او.

س ۱۰۰۲- زن که تمام بـدنش پوشـیده باشـد جایز است بدون چادر در مقابل مرد نامحرم ظاهر شود و نمازش با چنین لباسـی صحیح است یا خیر؟

ج - چادر پوشـیدن خصوصیتی برایش ندارد و پوشاندن همه بدن و حتی علی الاحوط صورت و دست از نامحرم لازم است، و پوشاندن دست و صورت اثری در صحت نمازش ندارد اگر چه در فرض وجود اجنبی لازم است. واللّٰه العالم.

احکام نگاه کردن

س ۱۰۰۳- آیا جایز است برای زن نظر نمودن به صورت اجنبی که می شناسد او را؟

ج - بله اشکال ندارد بدون لذت بردن.

س ۱۰۰۴- آیا جایز است برای مرد یا زن نظر نمودن به صبیه ممیزه در مابین ناف و دو زانوی او؟

ج - اشکال ندارد در صورتی که برای مرد تهییج شهوت نباشد.

س ۱۰۰۵- نظر کردن به مو و بدن زن دیوانه جایز است یا خیر؟

ج - نظر مزبور حرام است. واللّٰه العالم.

س ۱۰۰۶- آیا جایز است برای مرد نظر کردن به پیرزن بدون تلذذ و ریبه؟

ج - در چنین فرضی اشکال ندارد.

س ۱۰۰۷- آیـا جـایز است برای مرد نظر نمودن به زنهـایی که هیـچ گونه اشـتهایی در حق آنها نمی کرده، ماننـد زنهای سـیاه چهره یا چهره های آبله ای بدون تلذذ و ریبه؟

ج - در چنین صورتی اشکال ندارد.

س ۱۰۰۸- آیـا در صورتی که قلباً اعتنایی نباشـد و نگاه کردن به مو و گردن و بازوی نامحرم تأثیری در مرد نداشـته باشـد باز هم نگاه کردن اشکال دارد؟

ج - در صورتی که آن زنها از آن زنهایی می باشند که اگر نهی کنید آنها را از بی حجابی اعتنا نمی کنند

نگاه کردن بدون قصد لذت و شهوت مانعی ندارد و در غیر آنها جایز نیست.

س ۱۰۰۹- آیا کشف نمودن زن آنچه را که واجب دانسته شده پوشش آن مانند موی و ساق پا و مثلاً خارج شدن زن به این صورت در خیابانها با دیدن مردها او را و لاابالی بودن او، آیا این امارات کافی است در حکم نمودن بر آن زن از اینکه از کسانی است که باز داشته نمی شود از نهی از تکشف؟

ج - اگر این امارات فایده اطمینان را بدهد به این صفت، اشکالی ندارد.

س ۱۰۱۰- در منهاج فرموده اید جایز است نظر نمودن به اهل ذمه و زنهایی بی بند و بار آیا مراد جواز نظر است به خصوص صورت و دو کف، یا به همان اندازه که اظهار نموده اند از موهای سر و ساق پا و گردن و امثال آن؟

ج - در آنچه اظهار نموده اند.

س ۱۰۱۱- مرد یا زن اولادشان نمی شود آیا جایز است که زن نزد مرد نامحرم یعنی طبیب برود که بدن یا عورت او را معاینه کند و علاج نماید یا خیر و به همین بی اولادی بسازد، و یا آنکه مرد نزد طبیب برود که عورت او را معاینه نماید جایز است یا خیر؟

ج - جایز نیست مگر اینکه به حد ضرورت برسد. واللَّه العالم.

س ۱۰۱۲- آیا جایز است برای زنی که سالها گذشته و جنب نگردیده، اینکه

طبیب او را تفحص نماید، تا معلوم شود عقیم گردیده یا خیر، با اینکه مستلزم کشف عورت او می گردد؟

ج - چنین چیزی جایز نیست.

س ۱۰۱۳- در بیمارستانها مرسوم است از مریض برای علاج او درجه حرارت می گذارند و سنجش نبض

او و فشار او و از این قبیل امور، و چنانچه مریض امتناع بورزد او را طرد می کنند و نسبت به علاج او اهتمام نمی ورزند، آیا جایز است هر یک از زن و مرد نسبت به دیگری این امور را انجام دهند؟

ج - اگر ضرورت اقتضا کند چنین چیزی را یا حرج باشد اشکال ندارد.

س ۱۰۱۴- در دانشگاههای پزشکی واجب است بر دانشجو که تفحص نمایند از زن اجنبیه و رجل اجنبی و این تفحّص منجر می گردد به کشف عورت چه قبل و چه دبر، و این امر در اثنای درس او لازم است، آیا جایز است برای دانشجوی پزشکی در اثنای درس این امر را انجام دهد و آیا این امر برای طبیب جاری است چنانچه بر دانشجوی پزشکی جاری است؟

ج - این کار بنفسه جایز نیست و لکن اگر متوقف گردد حفظ نفسهای محترمهء بر عمل مذکور اگر چه در آینده بوده باشد پس در این صورت جایز است و همچنین حکم نسبت به طبیب.

نگاه به عکس نامحرم

س ۱۰۱۵- آیا مرد می تواند از زن نامحرم و همچنین زن از مرد نامحرم عکس بگیرد، و آیا با حفظ حجاب مانعش برطرف می شود؟

ج - بنابر احتیاط اگر موجب دیدن صورت باشد جایز نیست.

پوشش زن ونگاه کردن

س ۱۰۱۶- شوهری عکس زن خود را بدون چادر برمی دارد و چون نمی تواند آن را ظاهر کند به یک نفر عکاس می دهد که ظاهر نماید آیا این عمل جایز است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد.

س ۱۰۱۷- زنی از زن دیگری عکس برمی دارد در شب عروسی بعداً آن عکس را مرد ظاهر می کند، آیا برای آن زن صاحب عکس گناهی است که عکس

را مرد نامحرمی ظاهر می کند؟

ج - در صورتی که مرد ظاهر کننـده صاحب عکس را نشناسد و از دیدن آن به ریبه نیفتد و اگر می شناسد موجب هتک آن زن صاحب عکس نباشد، مانعی ندارد.

س ۱۰۱۸- آیا جایز است دادن فیلم عکس را به عکاس تا ظاهر نمایـد فیلم را با اینکه در آن فیلم زنهایی هستند که در غیر عکس محجبه هستند و در عکس به صورت دسته جمعی و دور هم گرفته انـد که زنهـای آن بی حجاب است، ظهور آن چه حکمی دارد؟

ج - بله جایز است و اشکال ندارد اگر عکاس، زنهای در عکس را نشناسد.

س ۱۰۱۹- مردی که کار او عکاسی است و ظاهر نمودن فیلم است این کار او و اجرت گرفتن او چه حکمی دارد؟

ج - این کار جایز است و اشکال ندارد در اخذ اجرت بر آن.

س ۱۰۲۰- ارتکاب تطبیق عکس تذکره با شخص مانع استطاعت زن نیست؟

ج - مانعی از استطاعت زن نیست.

س ۱۰۲۱- اشخاصی که در تلویزیون ظاهر می شوند حکم شخص را دارند یا عکس؟

ج - حکم عکس را دارند.

س ۱۰۲۲- آیا جایز است نظر نمودن به فیلمهای زننـده ای که محتوی بر عکس زنها و مردهای عریان و کارهای زننـده است؟ در صورتی که مهیج شهوت نباشد.

ج - اگر مهیج نباشد اشکال ندارد اگر چه احوط ترک آن است.

س ۱۰۲۳- در صورتی که مهیج شهوت باشد و او را در حرام بیاندازد؟

ج - جایز نیست.

مدارس مختلط

س ۱۰۲۴- فرستادن دختر کوچک تا تکلیف نرسیده (سه کلاس) به دبستانهای دولتی چگونه است؟

ج - با عدم علم به مفسده و ضرر اخلاقی و تربیتی مانعی ندارد. واللّه العالم.

س ۱۰۲۵-

کلاسهایی کوتاه مدت مثلاً یک هفته ده روز بیشتر یا کمتر جهت معلمین فرهنگ تشکیل می شود که در بین آنها چند زن بی حجاب هم هست، شرکت در اینگونه کلاسها برای شخصی که تشخیص می دهد بعد از فراغ برای برنامه تبلیغی مؤثر است، چگونه است؟ و می دانیم نگاه به زنهای مکشفه ای که منتهی نمی شوند حرام نیست.

ج - در مفروض سؤال اشکالی ندارد.

س ۱۰۲۶- درس خواندن در دانشگاههای مختلط و در بعضی از دبیرستانها که دختران و پسران در یک کلاس هستند، به طور کلی کار کردن در بعضی اماکن که مرد و زن با همدیگر کار می کنند چه صورت دارد؟

ج - اگر مستلزم مفسده و حرامی نباشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

۳۰۳

پوشش زن ونگاه کردن

س ۱۰۲۷- زید دختر خود را می گذارد مدرسه جدید درس بخواند، عده ای از اهل ایمان اعتراض می کنند و می گویند ممکن است از حیث دین تباه شود، زید جواب می دهد اگر مواظبت در دین دخترم نمایم در امور دینی او را راهنمایی کنم، بعدها که یک معلمه متدینه برای دختران مسلمین باشد چه عیب دارد، و یا آنکه ماما و قابله متدینه و یا طبیبه باشد که احتیاج به بعضی از فسقه نباشد چه عیب دارد؟

ج - در صورتی که ملتزم به ادای وظایف شرعی باشد و مواظبت بر عفت و حجاب بنماید مانعی ندارد. واللَّه العالم.

رانندگی زن و برخورد وی با نامحرم در شغل

س ۱۰۲۸- راجع به تعلیم و تعلم رانندگی جهت زنها چه می فرمایید.

ج - فی حد نفسه مانعی ندارد ولی اگر مستلزم حرام و یا خلاف احتیاط واجب باشد مثل پوشاندن صورت و دست که احتیاط واجب است، جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۱۰۲۹- رانندگی برای خانمهای باحجاب با

پوشیدگی تمام اعضای من جمله صورت و کفّین و بدون پوشیدگی صورت و کفّین چه صورتی دارد.

ج – رانندگی آنها فی حد نفسه اشکالی ندارد ولی باید در حالی باشد که موجب خلاف عفت نگردد و موجب خلط و آمیزش با اجانب نشود، و بدون ستر صورت و کفّین خلاف احتیاط واجب است. واللَّه العالم.

س ۱۰۳۰– آیا جایز است برای زن رانندگی کردن در بیابانها مانند مردها؟

ج – بله جایز است رانندگی کردن برای او، به شرط تحفظ نمودن بر

حجاب خود.

س ۱۰۳۱– آیا جایز است برای زن فرا گرفتن رانندگی نزد مرد اجنبی به طوری که هر دو با هم می روند با ماشین در جاهایی که صلاحیت دارد برای فرا گرفتن رانندگی و آن اماکن خالی از ازدحام است عادتاً؟

ج – بله جایز است برای زن فرا گرفتن رانندگی به طوری که مستلزم وقوع در حرام نگردد.

س ۱۰۳۲– زن نامحرمی قرآن خواندن را یاد ندارد، آیا مرد نامحرم می تواند به آن تعلیم قرآن دهد.

ج – فی نفسه مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۰۳۳– آیا جایز است برای زن کار کردن به صورت گوینده در رادیو یا تلویزیون در حالی که منافات با ستر او ندارد؟

ج – چنین عملی بنفسه اشکالی ندارد.

س ۱۰۳۴– کاسبی، کاری (شغلی) دارد که زن بی حجاب هم می آید (نزد او) برای خرید جنس، آیا وظیفه اش چیست؟

ج – اگر زنی است که شنوایی از نهی ندارد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۰۳۵– آیا جایز است برای زن کارگر بشود در محلی که محتاج است تکلم کند در آن محل با مردها با حجاب؟

ج – اشکال ندارد، مادامی که تحفظ نماید بر حجاب واجب خود.

ونگاه کردن

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

طلاق

طلاق

س ۱۰۳۶- طلاق قبل از دخول موجب نصف صداق است برای زن، اگر صداق قابل قسمت نباشد مثل تعلیم سوره از قرآن، و طلاق حاصل گردید قبل از دخول حکم چیست؟

ج - اگر تعلیم داده بود سوره را قبل از طلاق پس رجوع می کند به نصف مثل اجرت آن، و اگر هنوز تعلیم نداده بود نصف سوره را به او تعلیم نماید.

س ۱۰۳۷- دخول به زن خود به چه محقق می گردد، آیا به خلوت نمودن با او یا ادخال نمودن؟

ج - به ادخال نمودن و خلوت گاهی اوقات امارت آن است.

س ۱۰۳۸- اگر تمتع نماید شخصی زنی را و با او مجامعت نکند، عده این زن چقدر است.

ج - زن غیر مدخوله عدّه ندارد.

س ۱۰۳۹- اگر متعه به وسیله تلفن بوده و مجامعتی نشده عده او چه می شود؟

ج - چنانچه گفتیم عدّه ندارد.

س ۱۰۴۰- زوجه طلاق می خواهد زوج طلاق نمی دهد، حکومت زوج را آنقدر به زندان نگه می دارد که راضی به طلاق

می شود، آیا چنین طلاقی صحیح است یا خیر؟ و یا آنکه حکومت زوج را تهدید به زندان می کند، زوج برای آنکه به زندان نرود به طلاق راضی می شود، آیا چنین طلاقی صحیح است یا خیر؟

ج – در هر دو صورت طلاق باطل است. واللّٰه العالم.

س ۱۰۴۱– چه می فرمائید در این مسئله، زیدی عیالش را طلاق داده که یک فرد ملک به نام پسر بچه اش انتقال دهد و بعد از طلاق مادر بچه ملک مزبور را نداده و شوهر دیگری اختیار نموده، آیا این طلاق صحیح است یا خیر؟

ج – در مفروض سؤال طلاق صحیح

است، و هر گاه در طلاق شرط شده آنچه ذکر کرده اید بر زن واجب است عمل کند، و اگر مجرد وعده بوده لزومی ندارد. واللّه العالم.

س ۱۰۴۲- اگر طلاق دهد مردی زن خود را طلاق رجعی و زن او حامله باشد و نزد آشکار شدن ولادت او اراده رجوع نمود به طوری که نصف بچه از رحم خارج شده آیا این رجوع صحیح است یا خیر؟

ج - مادامی که تمام حمل وضع نشده، صحیح است رجوع کردن.

س ۱۰۴۳- مردی تزویج نموده به زن مخالفه که سه طلاق شده به لفظ واحدی، وقتی خواست شوهر رجوع کند به آن، زن او را مانع گردید از خودش تا آنکه شوهر کند، آیا مرد می تواند او را مجبور کند بر رجوع یا او را به عقیده خودش بگذارد؟

ج - شوهر می تواند او را اجبار کند به آنچه را که زن می خواهد، و عقیدهء او مانع نمی گردد.

س ۱۰۴۴- اگر فرض فوق به عکس باشد به معنی اینکه شوهر مخالف باشد و زن _

امامی باشد و او را سه طلاقه کند در یک مجلس سپس اراده رجوع نمود آیا جایز است آن یا حرام است بر او؟

ج - در این صورت لازم است بر زن امتناع بورزد تا آنکه ازدواج نماید شوهر دیگری را.

س ۱۰۴۵- زنی است شیعه و مؤمنه است تزویج نموده به عقد صحیح، سپس اختلافی بین آن دو شده و قاضی روی طریق خودشان آن زن را طلاق داده پسر من چنین زنی را تزویج نموده و بعد از دخول متوجه شدیم به تزویج زن و طلاق او در اینجا چند مسئله پیش آمده:

۱ - آیا طلاق

آن زن نزد قاضی مخالف صحیح است یا خیر با اینکه می دانیم طلاقی که قاضی داده دارای شروط معتبره نزد ما نبوده مانند حضور دو شاهد عادل؟

ج – طلاق فرض شده باطل است و اثری ندارد و جایز نیست برای احدی تزویج آن زن.

۲ – آیا ازدواج آن زن برای پسرم صحیح است یا خیر با اینکه اطلاعی از ازدواج و طلاق آن زن نداشتیم؟

ج – هر زنی که ادعا کند بی شوهر است و حال او را ندانیم جایز است ازدواج او.

۳- آیا واجب است بر پسرم طلاق دادن آن زن یا خودش بدون طلاق منفصل می شود یا آنکه بر وی حرام می شود مؤبدا؟

ج – واجب است بر پسر تو جدا شدن از زن، و مؤبدا بر او حرام می شود و احتیاج به طلاق ندارد.

۴ – آیا واجب است طلاق دادن آن زن از شوهر اوّلی بار دیگر به جهت باطل بودن طلاق سابق او و سپس عقد کنیم آن زن را برای پسر خود بار دیگر؟

ج – زن مذکوره باقی است در اختیار شوهر اوّل و واجب نیست طلاق دادن او بار دیگر و جایز نیست برای پسر تو ازدواج نمودن با آن زن اگر شوهر اول او را طلاق دهد برای خاطر حرمت ابدی او، و این احکام که ذکر شد در صورتی است که شوهر آن زن امامی بوده باشد، و اگر از اهل خلاف بوده باشد طلاق او صحیح است و واجب نیست بر پسر شما جدا شدن از آن زن.

س ۱۰۴۶- زیدی زن خود را به طلاق خلع مطلقه نموده است و هر دو پشیمان بوده اند، در ضمن رفت و

آمـد آن زن به خانه مرد، عمل مواقعه حاصل شده است بدون اینکه زن بگوید من مراجعه کردم به مهریه مبذوله، آیا این زن و شوهر حلالند یا حرام و خیال می کردند که حرام نمی باشند؟

ج – حلال شـدن آن زن به این است که رجوع نمایـد در بـذل و بعد از آن، مرد رجوع کند و اگر عده منقضـی شده باید عقد جدید نمایند و به این کار حرام ابدی نشده اند. واللّٰه العالم.

۳۱۱

طلاق

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

۳۱۲

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

۳۱۳

مَهر

مَهر

س ۱۰۴۷- آیا تعلیم زن مسائل شرعیه را کافی است در مهر بودن در تلفن؟

ج – قرار دادن تعلیم مسائل واجبه جای مهر اشکال دارد و اشکال ندارد قرار دادن تعلیم مستحبات جای مهر برای زن.

س ۱۰۴۸- زوجه می تواند ذمه زوج را ابراء نماید از صداق با اینکه به مؤونه حج وافی است؟

ج – نمی تواند ابراء نماید در صورتی که می تواند از او بگیرد و به حج برود.

س ۱۰۴۹- زنی در زمانی که به عقـد شوهر درآمـده و بعداً به خانه او رفته مهریه اش مثلاً پنجاه تومان بوده (در زمانی که نقره و اسکناس هر دو رایج معمول بین مردم بوده)، بفرمائید الآن که نقره آن روز از رواج افتاده و به کلی متداول در بازار نیست، و در واقع مثمن حسـاب می شود نه ثمن، آیـا این زن پنجـاه تومان امروز را طلبکار است یا معادل قیمت پنجاه تومان آن زمان، و همچنین در مقرض و مقترض؟

ج – در صورت مفروضه معادل پنجاه تومان نقره آن زمان لازم است.

س ۱۰۵۰- در سی (۳۰) سال قبل که قران و اسکناس مساوی بوده از حیث قیمت،

مهریهء زنی را صـد تومان قرار می دهنـد و قیـد به نقره و اسـکناس رایـج نمی کنند حالا باید قیمت صد تومان نقره را بدهد یا اسکناس معمولی را؟

ج - اگر قران در آن وقت رایـج بوده بایـد همـان پول یـا قیمت آن را بدهنـد و اگر رایـج همـان اسـکناس بوده بایـد اسـکناس بدهند.

س ۱۰۵۱- در ایران رسم است که غیر از مهر، شـیر بهـا و طلا قرار می دهنـد آیا این دو جزء مهر می باشـد و دادن آنها واجب است یا نه؟ و در صورتی که جزء مهر نباشد در موقع خواندن عقد ذکر آنها به عنوان ضـمیمه و یا شرط لازم است یا نه، و اگر لازم نباشد اگر گفته شود لطمه به عقد می زند یا نه؟

ج - آنچه که در متن عقد شرط شود که زوج بدهد صحیح و لازم است پرداختن آن و مهر آن مالی است که برای خود زوجه به عنوان مهریه و صداق قرار می دهند، واللّٰه العالم.

۳۱۵

مَهر

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

۳۱۶

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

۳۱۷

تأدیب فرزند و دانش آموز

تأدیب فرزند و دانش آموز

س ۱۰۵۲- آیـا جـایز است برای غیر ولی طفـل، اینکه بزنـد او را برای تأدیب او مخصوصاً بچه هایی که بی ادبی می کننـد در مجالس محترم؟

ج - برای ولی یا مأذون از او زمانی که طفل مرتکب چیزی از کبائر بشود این هست که بزند او را به جهت تأدیب پنج یا شـش ضربه به طوری که موجب دیه نگردد.

س ۱۰۵۳- حدود زدنی که جایز است بابای ولی طفل چه قدر است تا ادب پیدا کند؟

ج – عدد و وصف آن در مورد فوق ذکر شد.

س ۱۰۵۴– آیا جایز است برای ولی طفل انجام دهد

اموری را که می دانـد یـا گمـان دارد موجب تأدیب طفل می گردد، مثل اینکه او را در اطاقی حبس نمایـد یا در جای تاریکی قرار دهد یا در جایی قرار دهد و او را با صداهای مخوفی بترساند؟

ج - اشکال ندارد اگر موجب ضرری نگردد بر طفل مخصوصاً در صداهای ترسناک یا حبس در جای تاریک.

س ۱۰۵۵- از آموزگـاران فرهنـگ اظهار می کننـد بـدون کتک زدن بچه ها درس نمی خواننـد، به منظور تربیت آنها و درس خواندن و نماز، مجازند کتک بزنند به حدی که دیه واجب نشود یا خیر؟

ج - با اجازهء ولیّ آنها مانعی ندارد.

س ۱۰۵۶- آیـا معلم می توانـد شـاگردش را چه صـغیر یـا کبیر در صورت خلاـف تربیت و یا درس نخوانـدن تنبیه کنـد و آیا کارفرما می تواند کارگر را تنبیه کند؟

ج - در صورتی که صـغیر باشـد با اذن ولیّ می توانـد او را تنبیه نمایـد به مقداری که موجب دیه نشود، ولی کبیر را نصـیحت کند.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

سر بریدن حیوان

س ۱۰۵۷- اگر ذابح شیعه است لیکن پای بند به مراعات شروط نیست از روی تهاون آیا جایز است اکل ذبیحه او؟

ج - اگر بدانیم ترک نمودن او شروط را، جایز نیست اکل آن و اگر ندانیم جایز است.

س ۱۰۵۸- آیا حلال است گوشت گوسفندی که مخالف ذبح کرده با اینکه مراعات استقبال به قبله نمی کنند در حال ذبح و غیر آن از بقیه شرایط، آیا حکم مشتبه را دارد یا غیر مشتبه؟

ج - حلال است و حکم مشتبه را ندارد.

س ۱۰۵۹- آیا حضرت عالی چنین گوشتی را می خورید با اینکه مذبوح روی به قبله

ذبح نشده؟

ج - بله ما می خوریم و حلال است، و موضوع استقبال به ذبیحه حکم آن منوط است به عقیده ذابح، پس اگر به نظر او لازم نیست ضرر به حلیت ذبیحه نمی زند.

استفتائات (فارسی)

۳۲۲

س ۱۰۶۰- بعضی از قصابها تقلید می کنند کسی را که شرط می کند استقبال به محل ذبح را فقط، و این پیش خودشان صحیح است به جهت تقلیدشان، حال تکلیف آنهایی که تقلید می کنند کسی را که شرط می کند استقبال را به تمام ذبیحه، آیا حلال است برای اینها؟

ج - مانعی ندارد از خوردن آن در اینجا مسئله ای در منهاج الصالحین کتاب معاملات مسئله ۱۶۷۴ هست مراجعه گردد.

س ۱۰۶۱- در منهاج جلد دوّم صفحه (۳۲۸) چاپ بیستم فرموده اید شرط اوّل از شروط ذباحت استقبال به ذبیحه است حال ذبح نمودن به اینکه تمام اعضای حیوان و محل ذبح او به سوی قبله باشد، پس اگر اخلال بزنند به آن عالماً عامداً حرام می گردد، و ما جماعتی هستیم رفتیم قصاب خانه که در قطر موجود است و آن یک قصاب خانه ملی است و طوری آن را ساخته اند که ذبیحه فقط محل ذبح به سوی قبله است غیر سایر اعضای حیوان و اعضای حیوان به سوی شمال است، وقتی به آنها مسئله را گفتیم، گفتند می دانیم ولیکن این طور راحت تر است، پس آنها مخالفت شرط نموده اند رأی حضرت عالی در این مسأله چیست؟

ج - حلال نیست خوردن آنچه که ذکر شد.

س ۱۰۶۲- اگر شروع کند ذابح یا نحر کننده در ذبح قبل از اینکه بسم اللّه بگوید به کمی یا شروع در ذبح و بسم اللّه با هم بود، این ذبیحه چه حکمی دارد؟

ج

– ضرر ندارد و مادامی که از ذبح فارغ نشده باشد و هنوز اوداج اربعه را قطع نکرده باشد.

س ۱۰۶۳– ذبیحه را اگر عمداً بسم اللّه نگویند یا عمداً رو به قبله ننمایند حرام است، آیا فعل حرام است یا ذبیحه هم حرام است و بر فرض حرمت نجس هم

سر بریدن حیوان

می باشد یا پاکست؟

ج – در فرض مذکور ذبیحه هم حرام است و هم نجس، و شرعاً میته است و حکم میته را دارد.

س ۱۰۶۴– گاهی است حیوانی مریض است و قبل از ذبح آن یا در حین ذبح زنده بودن آن معلوم است ولی بعد از ذبح حرکتی از ذبیحه دیده نمی شود یا چون استعجال در ذبحش می شود به واسطه استعجال یا تاریکی محل التفات به حرکت بعد از ذبح نمی شود یا خون معمولی از او نمی آید، مستدعی است که راجع به حرکت و خون در ذبیحهء مریض جوابی بفرمائید.

ج – در مفروض سؤال اگر یقین به حیات در حال ذبح باشد حاجت به حرکت گوش یا دُم نیست، و الّا بدون احراز آن محکوم به حرمت است، و با آمدن خون معمولی آنچه معمول حیوان مریض باشد اگر بیاید کافی است. واللّه العالم.

س ۱۰۶۵– بنا به اظهار بعض اهل خبره حیوان مریض بعد از قطع نخاع آن حرکتی از او مشاهده می شود بنابر این جمع بین این مطلب و مسئله شماره رقم ۲۴ از کتاب ذباحه منهاج الصالحین چگونه است.

ج – هر گاه به ذبح قطع نخاع شود حرام است خوردن آن علی الاحوط چه حرکت بکنند بعد از آن و یا نکنند و این موضوع مربوط به قسمت لزوم حرکت در موارد

شک در حیات حیوان نیست. واللّه العالم.

س ۱۰۶۶- سر حیوانی به واسطه افتادن آهن و غیره از بدن جدا گردیده یا ذبح کننده خطا کرده و از ما فوق جوزه ذبح کرده و سر را جدا نموده ولی حیوان هنوز در حال حرکت است اگر از بقیهء گلو اوداج أربعه را با حفظ شرایط لازمه ذبح کننده حلال می شود یا نه؟

ج – در فرض مزبور با جدا شدن سر قبلاً، دیگر قابل تذکیه نیست، واللّه العالم.

س ۱۰۶۷- کسی که سر مرغ را نزد، ذبح عمداً جدا کرده گوشت او چه حکمی دارد؟

ج – جایز است خوردن گوشت او.

س ۱۰۶۸- در توضیح مرقوم فرموده اید سر حیوان را قبل از ازهاق روح از بدن جدا نکنند اگر این عمل را عمداً انجام دادند آیا ذابح خطاکار است و یا اینکه ذبیحه و گوشت حرام می شود؟

ج – بلی ذبیحه اگر غیر از طیور است احتیاط واجب در ترک خوردن آن گوشت است ولی در طیور حرمت اکل نیست.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

خوردنیها و آشامیدنیها

س ۱۰۶۹- گوشتهایی که از ممالک خارجه وارد می شود و در بازار مسلمانها به فروش می رسد اگر احتمال بدهیم که مسلمان خریده و ذبح کرده است و وارد نموده است و شرکت گوشت فروخته است و اهل خبره هم می گویند طریقه ذبح مثل ذبح اسلامی است و بعضی از متصدیان می گویند که ما ذبح اسلامی می نماییم با این احتمالات آیا خوردن این گوشتها حلال است چنانچه از عبارت توضیح المسائل استفاده می شود در مسئله ۹۶، و آیا این فتوا عدول از فتوا در منهاج الصالحین مسئله ۳۶۶ که

قید احراز شده است، و نیز آیا فرق می کند مملکت شیعه یا عامه یا نه؟

ج - مسئله ۳۶۶ منهاج در مأخوذ من ید الکافر است و مسئله توضیح راجع به مأخوذ از بازار مسلمانها و یا از مسلمانی که مطابق است با مسئله ۳۶۵ منهاج که در مسئله ۳۷ فصل ذباحه نیز ذکر شده، و فرقی بین مملکت شیعه و سنی نیست، و لذا تعبیر مسلم شده در جمیع این مسائل. واللّه العالم.

س ۱۰۷۰- نظر شما در مورد گوشتهایی که از کشور ترکیه آورده می شود چیست؟

ج - خوردنشان اشکالی ندارد.

س ۱۰۷۱- گوشت و مرغهای سربریده که از بلد خارج می آورند و انسان نمی داند به دستور شرع آنها را ذبح کرده اند یا خیر، خرید و فروش و خوردن آنها جایز است یا خیر؟

ج - تا احراز تذکیه شرعی نشده جایز نیست خوردن، بلی احتمال تذکیه کافی است در جواز بیع و شراء و طهارت فقط.

س ۱۰۷۲- مرغهایی که از خارج می آورند و روی آن مهر زده شده «ذبیحه الاسلامی» قابل اعتماد است یا خیر؟

ج - صرف آن مهر قابل اعتماد نیست.

س ۱۰۷۳- با گوسفندی وطی شده، و آن گوسفند مخلوط شده در میان گله گوسفند، در این صورت نمی دانند گوسفند وطی شده کدام است وظیفه چیست، از همه گوسفندها باید اجتناب شود؟

ج - با عمل قرعه تعیین می توان نمود به نصف کردن گله به دو دسته اوّلاً و تعیین دسته ای که در آن موطوء واقع است به قرعه و دوباره این عمل در آن دسته، و مکرر نمودن آن تا در آخر منحصر شود به آنکه قرعه به آن اصابت نمود. واللّه العالم.

س ۱۰۷۴- مغز

سر حیوان که می فرمایید حرام است آیا تمام مغز مقصود است یا دانه ای که می گویند در میان مغز موجود است چون مغز سر حیوان فراهم آمده از دانه های فراوانی که در پهلوی هم قرار گرفته است آنچه که حرام است لطفاً بفرمائید.

ج - ما آنچه در توضیح نوشته ایم این است چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می باشد.

—

س ۱۰۷۵- بول و غائط حیوان نجاست خوار، نجس است. و آیا قبل از استبراء، شیر و گوشت اینها پاك و حلال است، یا خیر؟

ج - شیر و گوشت آن قبل از استبراء پاك، ولی حرام است. واللَّه العالم.

س ۱۰۷۶- در صورتی که بول یا فضله حیوان حلال گوشت در میان شیر آن حیوان مستهلك شود، و یا مغز حرام در میان آبگوشت و سایر غذاها، آیا آشامیدن آن شیر و خوردن آن غذا حلال است یا نه؟

ج - مفروض سؤال در صورتی که مستهلك شده باشد، خوردن آن شیر یا غذا جایز است.

س ۱۰۷۷- گوشت حیوان حلال گوشت جلاله قبل الاستبراء، از نظر طهارت و حلیّت چه صورت دارد؟

ج - خوردن آن حرام است، ولی نجس نیست.

س ۱۰۷۸- احتمال نجاست در مأکولات چه صورتی دارد؟ مثلاً ـ این که مقداری گوشت از بازار به اسم گوشت سالم خریداری شود ولی احتمال یخ زدگی آن هم می رود؟

ج - اگر شك داشته باشد محکوم به حلیت و طهارت است ولی اگر بدانید از خارج وارد کرده اند مادامی که احراز تذکیه آن نشود خوردنش جایز نیست، بلی احتمال تذکیه کفایت می کند در حکم به طهارت آن که ملاقی آن نجس نمی شود و می توان آن را خورد اگر

چه آن گوشت را نمی تواند بخورد و نیز با احتمال تذکیه می تواند بفروشد ولی باید به شتری بگوید که من احراز تذکیه نکرده ام که مبادا فریب بخورد و به سبب اعتماد بر فروش خیال تذکیه کند و بخورد. واللّٰه العالم.

س ۱۰۷۹- ماهی هایی که معروف به ماهی قباد یا ماهی شیر است خوردن آنها

چه صورت دارد؟

ج - اگر فلس دارد حلال است. واللّٰه العالم.

س ۱۰۸۰- نظر حضرت عالی راجع به ماهی خاویار چیست؟ آیا حلال است خوردن آن یا خیر چون دارای خواص است و برای تقویت زیاد استعمال می گردد؟

ج - اگر از ماهی حلال بوده باشد و تذکیه شده باشد مانعی ندارد اکل آن.

س ۱۰۸۱- ماهی که به واسطه شرکت ها از خارج وارد می شود آیا جایز است اکل آن اگر فلس داشته باشد؟

ج - بله جایز است اگر اطمینان پیدا کند که خارج آب مرده است.

س ۱۰۸۲- ماهی که در قوطی از خارج وارد می شود به طوری که نمی دانیم دارای فلس هست یا خیر لیکن اسم ماهی که روی آن هست دارای فلس است آیا می توان به همین اکتفا نمود؟

ج - اگر این اسم نوشته شده روی قوطی موجب اطمینان گردد به اینکه دارای فلس است جایز است اکل آن و الّا جایز نیست و گفته کفار در حلال بودن آن حجت نیست.

س ۱۰۸۳- اگر مسافرت نماید جوانی با یک گروهی به یکی از دول خارجی و در آنجا در جاهایی مسکن کند که متعذر باشد پختن غذا برای خودش و متعذر است تهیه گوشت و اکل حلال، و اگر بخواهد همه اش سبزیجات و حبوبات بخورد برای او ضرر دارد و مسافرت استمرار دارد

و لااقل سه سال درس خواندش در آنجا طول می کشد، چه کند؟

ج - جایز نیست خوردن گوشت در آن بلاد مگر مضطر گردد پس به اندازه رفع ضرورت تناول نماید.

س ۱۰۸۴- شخصی نزد ضرورت مخیر شده بین نوشیدن آب مغصوب یا خمر کدام را مقدم بیاندازد؟

ج - نزد ضرورت، آب مغصوب را بیاشامد.

س ۱۰۸۵- آیا حرام است تناول نمودن دوایی که روی شیشه آن نوشته شده که این دوا محتوی است بر الکل، در حالت حصول اطمینان به صحیح بودن آن کتابت، با اینکه می دانیم مؤثرات خارجیه ای حاصل نگردیده به سبب این دوا؟

ج - الکلی که مستهلک شده پس اشکالی ندارد خوردن آنچه با او مخلوط شده باشد.

س ۱۰۸۶- اگر انگور را در آب قرار دهند بعداً که آب جوش آمد آیا حرام است نوشیدن این آب، و آیا حرام است خوردن این انگور با اینکه نمی دانیم داخل انگور جوش آمده یا خیر؟

ج - با شک در غلیان حرام نیست و همچنین با غلیان و استهلاک. واللَّه العالم.

س ۱۰۸۷- خرید و فروش و آشامیدن دواجات روانی که الکل دارد حلال است یا حرام؟

ج - در صورت استهلاک چنانکه متعارف بر این است حلال است. واللَّه العالم.

س ۱۰۸۸- شربتی از طبیب به مریض داده می شود که بعضی از اجزای آن از مسکرات است خوردن آن برای مریض جایز است یا نه؟

ج - در صورتی که مسکر مزبور که جزو دوا است از اقسام شراب نباشد عیبی ندارد، و اگر از اقسام شراب باشد با ضرورت و انحصار به آن معالجه، عیبی ندارد و قول طبیب حاذق در تشخیص ضرورت و انحصار معتبر است. واللَّه

العالم.

س ۱۰۸۹- مقصود از«فقاع» که در رساله عملیه آمده چیست؟ و فرق او با

ماءالشعیر چیست؟

ج - «فقاع» شرابی است که اخذ شده برای اسکار از جو و در او سکر خفیف هست، و امّا ماء الشعیر که طبیب علاج می کند برای بعض امراض، معمول نیست برای اسکار.

س ۱۰۹۰- شرابی که مسمّی به «بیره» هست پاک یا نجس است با اینکه محتوی بر الکل نیست؟

ج - «بیره» شراب است و از آب جو تخمیر شده ساخته شده و این همان «فقاع» است، حکم او حرمت است مانند خمر، و مثل آن است در نجاست.

س ۱۰۹۱- اگر ترش بشود دانه های جو، بعد همین دانه ها را در آب خیس کنند چند روزی سپس این آب روان مشتمل شود بر مقداری الکل حکم او چیست؟

ج - اگر این دانه های جو تخمیر گردد و سپس آب آنرا بگیرند چنانچه از وصفی که نمودید ظاهر می گردد پس این حکم فقاع و بیره را که حکم آن در سابق گذشت دارد.

س ۱۰۹۲- اگر محتوی گردد عصیر بر مقداری مادهء الکل که معلوم نمی گردد مگر به تحلیل شیمیایی و این ماده سه در هزار می باشد آیا جایز است نوشیدن آن با آن که می دانیم این مقدار از ماده الکل در اثناء ساخت آن، به آن اضافه شده، از تخمیر نمودن عصیر است؟

ج - اگر بدانیم اسکار نمودن آن را پس او حکم خمر حرام را دارد.

س ۱۰۹۳- اگر شراب تبدیل به سرکه شود ولی نه تبدیلی که هیچ اثری از شراب نباشد بلکه مقدار کمی، که در حدود پنج در هزار باشد از شراب اثری باقی است حکم این مسئله چیست؟

ج – طهارت و حلیت موقوف بر سرکه شدن است و آنچه که در سؤال گفته شده هنوز سرکه نگردیده.

س ۱۰۹۴– حکم استعمال (انسولین) که برای مرض قند استعمال می شود چیست؟ با اینکه علم داریم که این ماده از خون خنزیر گرفته شده، و نوع دیگری یافت می شود از این ماده که از خون گاو گرفته شده لکن منفعت و خوب بودن آن کمتر است و عوارض و ضعف آن در بدن بیشتر از ماده‌ء انسولین است؟

ج – اشکال ندارد آنچه گرفته شده باشد از خون خنزیر و غیر آن در امثال این موارد که ضرورت است.

س ۱۰۹۵– استعمال آمپول های خوراکی، و شربت های عصاره جگر، در صورتی که ساخت ممالك غیر اسلامی باشد جایز است یا نه؟

ج – اگر از غیر حیوانی خوراکی تهیه شده باشد استعمال مشکوك الطهاره آن مانعی ندارد و نیز اگر از حیوان پیش از کشتنش مانند آنکه از شیر آن گرفته باشند و اگر از حیوان بعد از کشتنش مانند عصاره جگر باشد بدون احراز تذکیه آن حیوان جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۱۰۹۶– رأی حضرت عالی چیست درباره «جواك» که یك نوع نوشابه است و متکوّن از تُتُن و موز و پوست پرتقال و سیب و امثال آنها است، و در این زمان در بازارها فروخته می شود و بعضی جوانان آن را استعمال می نمایند؟

ج – اطلاعی از حقیقت آن نداریم، اگر این نوشابه مسکر باشد جایز نیست استعمال نمودن آن در خوردن و نوشیدن، و اگر مسکر نباشد اشکال ندارد.

س ۱۰۹۷– ماده ژلاتین از مفاصل حیوان بعد از موت او اخذ می شود و روی آن عملیات شیمیایی می گردد تا پاك

و صاف گردد آیا این ماده پاک است یا خیر و اگر

ماده خوراکی باشد آیا جایز است خوردن آن؟

ج - بله پاک است و حلال است خوردن آن به طوری مستهلک شده باشد در آن.

س ۱۰۹۸- ژلاتین چه حکمی دارد؟ با اینکه می دانیم به وسیله اخباری که در روزنامه ها نوشته اند به اینکه محتوی بر چربی خنزیر است بلکه ماده ای است که از روغن خنزیر گرفته شده است.

ج - اگر بدانیم محتوی بر آن است جایز نیست و اگر ندانیم مانعی ندارد.

س ۱۰۹۹- آیا جایز است برای زوج بنوشد شیر زوجه خود را؟

ج - بله جایز است برای او.

س ۱۱۰۰- حکم نوشیدن شیر زن چه از برای شوهر او یا شخص دیگری چه حکمی دارد؟

ج - فی نفسه اشکال ندارد.

س ۱۱۰۱- نظر شما در مورد پنیر استرالیایی «کرافت» چیست؟

ج - چیزی را که علم به نجاستش ندارید خوردنش اشکالی ندارد.

س ۱۱۰۲- رساله منهاج الصالحین جلد ۲ کتاب الاطعمه مسئله ۱۴ آیا مهر و تسبیحی که در این زمان مورد استفاده شیعیان است و از کربلای مقدسه می آورند مسئله فوق الذکر شامل آنها می شود یا خیر؟ از جهت اکل برای استشفا.

ج - بلی شامل است.

س ۱۱۰۳- آیا واجب است جمع کردن خورده نانها از کوچه ها از اینکه مبادا زیر پا رود؟

ج - بله واجب است اگر در معرض اهانت و هتک قرار گیرد.

س ۱۱۰۴- اگر ثبت گردد به واسطه اطباء مورد وثوق اینکه سیگار کشیدن عامل قوی یا از اقوی عوامل مرضهای سخت است مثل سرطان ریه و سکته های قلبی و مغزی آیا این موجب حرمت کشیدن می شود؟

ج - موجب حرمت نمی گردد.

س ۱۱۰۵- علم

ثابت کرده که سیگار و سایر دخانیات توتونی و غیر توتونی مضر است برای صحت بدن، و سبب امراض بد می گردد مانند سرطان ریه و بعض اطبا می گویند از این امراض خطرناکی پدید می آید و نتایج فحصهای طبیعی و کثرت کسانی که مبتلا به این امراض شده اند تأکید می کند ضرر داشتن آنها را حکم شرعی در کشیدن آن چیست؟

ج - حرام است کشیدن سیگار اگر در آن ضرر معتد به باشد، و همچنین اگر احتمال دهیم احتمال عقلایی که ضرر بر آن مترتب می شود، و اگر احتمال ندهیم اشکال ندارد.

س ۱۱۰۶- خوردن یا کشیدن تریاک در صورتی که ادامه ندهد چه صورت دارد؟

ج - اگر موجب اعتیاد نگردد مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

س ۱۱۰۷- استعمال تریاک یعنی خوردن آن برای کسی که معتاد هست و به هیچ وجه نمی تواند ترک کند و ترک آن منجر به مرگ اگر نباشد یقیناً موجب بیماری شدیدی خواهد بود چه صورت دارد و نیز برای غیر معتاد از جهت دوای خوردن آن به مقداری که اعتیاد پیدا نکند چه صورت دارد؟

ج - در هر دو فرض اشکالی ندارد.

س ۱۱۰۸- دربارهء جلد دوّم رساله کتاب الاطعمه والاشربه مسئله رقم ۱۴ زیدی که چندین سال معتاد به کشیدن تریاک بوده و هست اگر ترک کند ناراحتی فراوان

دارد و یا اینکه محتمل است بمیرد.

ج - مقصود حدوث اصل اعتیاد یا زیاد کردن مقدار اعتیاد است نه عادت حاصل شده. واللّٰه العالم.

غصب

س ۱۱۰۹- فضای زمین مغصوبه مباح است یا خیر؟

ج - مباح نیست.

س ۱۱۱۰- زیدی پیوند غصبی را به درخت خود زد. آیا نمو و میوه آن مال صاحب پیوند است یا

صاحب درخت؟

ج - مال صاحب پیوند است.

س ۱۱۱۱- زمینی که مال شخصی است که در آن زراعت می کند تا چه قدر از جهت زیر(۱) ملك او است که اگر بخواهند تصرف در آن زیر کنند جایز نباشد؟ مثلاً لوله بکشند.

ج - موارد آن مختلف است به حسب اشخاص و مواقع ملك، و مشکوك آن حکمی ندارد.

س ۱۱۱۲- در آن فرضی که لوله کشی بدون اجازه او جایز نیست، اگر کشیدند تصرف آن آبی که از آن لوله می آید چگونه است تا به محل تصرف می رسد و قهراً به تصرف و وضو گرفتن مثلاً شاید صدق تصرف در آن آبی که عبور می کند در آن قسم لوله که در زمین مالك است بکند؟

---

(۱) مقصود از زیر، درون زمین و داخل آن است

ج - اگر حاصل آب مورد حق صاحب ملك یا غیر آن نباشد استعمال آن، بعد از انفصال از مجری، و تحت تسلط استعمال کننده، مانعی ندارد.

س ۱۱۱۳- چغندرهایی که در مسیر کارخانه قند از وسایل نقلیه بی اختیار می ریزد برداشتن و مصرف کردن آنها چه صورت دارد در صورتی که اگر به حال خود بماند در اثر رفت و آمد ماشینها از بین می رود.

ج - در صورتی که اعراض مالك از چغندر محرز باشد مانعی ندارد.

س ۱۱۱۴- عده ای هستند به نام کبوترباز که کبوتران را پرواز می دهند تا اگر کبوتر دیگری باشد در هوا بگیرند. این کارشان آیا حرام است؟ و معامله با اینها چه صورت دارد؟

ج - فی نفسه حرام نیست مگر موجب اذیت دیگران بشود و کبوتر مملوك غیر را بگیرد.

س ۱۱۱۵- زید می گوید برادرم را شنیده ام سرقت هایی نموده و گرفتار شده به

زندان بسر می برد هدیه و تحفه هایی برای زید ارسال داشته و زید نمی داند این اموال مسروقه است یا از کارگری خود است. آیا تصرف در این اموال چگونه است؟

ج - با احتمال اینکه از خود او باشد اشکالی ندارد. واللَّه العالم.

حیازت

س ۱۱۱۶- حیازت نمودن زمین چگونه متحقق می گردد آیا کافی است تحدید نمودن چهار طرف زمین به وسیله میله های آهنی؟

ج - حیازتی که موجب تملک می گردد و مانع تصرف غیر محیّز می شود آن _

زمینی است که به وسیله حیازت کننده تبدیل به خانه یا مغازه یا باغ گردد، و حاصل نمی شود به قرار دادن علامت، پس آنچه در سؤال آمده فایده اولویت و منع تصرف غیر می گردد نه ملک.

س ۱۱۱۷- املاک زراعتی طبق معمول محل یک سال در میان کشت و شرب می شود و امّا باغستانها هر ساله شرب می شود و اختلافی در این نیست ولیکن بعضی از اشخاص آن املاک زراعتی را به صورت باغ درآورد و غرس شجره نمودند، بقیه مالکین می گویند چون شما هر ساله حق آب ندارید ما راضی نیستیم، لذا اگر آب تقسیم شود به اینها چگونه آب بدهیم؟

ج - اگر در فرض مزبور بقیه مالکین که حق استفاده هر ساله دارند از این وضع جدید متضرر شوند و حق منع دیگران را در حدود استفاده خود داشته باشند بایستی تقسیم جدید با رضایت آنها انجام گیرد و یا به همان وضع اوّلی قناعت کرد مگر آنکه آب مباح اصلی بوده و مالکین حق منع نداشته باشند.

س ۱۱۱۸- آیا کسانی که ارض موات را احیا می نمایند مجاناً حق آب دارند یا باید از مالکین دیگر خریداری نمایند؟

ج -

موضوع نامبرده تابع اباحه و استحقاق آب و کیفیت استحقاق مالکین است که در سؤال قبلی تذکر داده شد.

احکام ضمان

س ۱۱۱۹- زیدی چنانچه در صورت غیر عمدی خسارت وارد کند بر عمرو آیا ضامن است یا خیر؟

ج - خسارتی که کسی بر مسلمانی وارد آورد و نسبت به او داده شود موجب ضمان است، عمد و غیر عمد در آن مساوی است، و فرق به گناه بودن است در اول و گناه نبودن است در دومی. واللَّه العالم.

س ۱۱۲۰- در حریم قنات آبدار اگر چاهی یا قناتی حفر شد که موجب کم شدن یا خشک شدن قنات اول شده ضمان شرعی هم دارد و یا خیر، به چه طور و به چه مقدار تقدیر می شود؟

ج - در فرض سؤال ضامن است و مقدار مضمون به قیمت متعارف آن حصه است. واللَّه العالم.

س ۱۱۲۱- زیدی در وقتی که خوابیده است مثلاً- پای خود را به جنس شکستنی مردم زده و آن جنس تلف شده و یا چراغ روشن را به زمین انداخته و مقداری اثاث مردم سوخته آیا مدیون است یا نه؟

ج - بلی مشغول الذمه است.

س ۱۱۲۲- مردی حسابدار بوده در یکی از شرکت هایی که مؤسس آن از مسلمانها و از کتابیین بوده اند، و این شخص مالی را به سرقت برده از این شرکت، حال می خواهد این مال را برگرداند به صاحبان آن، آیا واجب است بر او، از عهده طبقه کتابیین خارج گردد یا خصوص مسلمانها خارج گردد؟

ج - باید از عهده مسلمانها خارج گردد.

س ۱۱۲۳- اگر در ردّ به مسلمان مفسده باشد، تکلیف شرعی چیست؟

ج - در صورت حدوث مفسده با این

مال باید عمل مجهول المالك نمود.

س ۱۱۲۴- اگر انسانی مسافرت نمود به یکی از دول کفر و در آنجا مالی را تلف نمود از کفار، آیا بر او ضمان است؟

ج - در فرض سؤال بر او ضمان نیست. واللَّه العالم.

س ۱۱۲۵- طفلی پولی پیدا کرده است و بدون اجازه ولیّ مقداری از آن را خرج کرده است، سپس صاحب پول پیدا شده، آیا ولیّ یا طفل ضامن است یا نه؟

ج - خود طفل ضامن است. چنانچه مالی داشته باشد، ولیّ طفل باید آن مقدار را که صرف کرده از مال طفل به صاحب پول بدهد.

س ۱۱۲۶- بچه نابالغ چنانچه خسارت مالی وارد آورد اثر وضعی تکلیفی برای ولی ایجاد می کند یا در خصوص آنکه طفل مالی داشته باشد شقوق مسئله مورد نیاز است.

ج - اتلاف صغیر موجب تکلیف یا وضع برای غیر خود نیست مگر در جنایات او که موجب دیه بر عاقله او است.

س ۱۱۲۷- طفلی خسارت مالی وارد آورده آیا در حال صغر غرامت در مال طفل است یا بعد از بلوغ بر او واجب می شود یا به هیچ وجه طفل ضامن نیست؟

ج - بلی ضامن است و بعد از بلوغ بر او واجب است ادا نماید. واللَّه العالم.

س ۱۱۲۸- شخصی حیواناتش اگر در شب یا روز فرار کنند و داخل در خانه یا باغ یا زراعت کسی شوند و خسارت وارد کنند چون عمداً نیست آیا ضامن است یا خیر؟

ج - اگر تقصیر نکرده باشد صاحب حیوان در حفظ حیواناتش ضامن خسارات حیواناتش نیست، و اگر تفریط نموده بود در حفظش ضامن آن خسارت خواهد بود.

واللَّه العالم.

س ۱۱۲۹- زیدی در حال

دیوانگی یـا قبـل از بلوغ مـالی را از کسـی تلف کرده و یا از راه نامشـروع مالی بـدست آورده آیا در ساعت اول تکلیفش باید استحلال از

۳۴۱

احکام ضمان

صاحبان آن اموال بنماید یا اینکه تأخیر هم جایز است؟

ج - بلی حتی المقدور باید استعجال در تفریغ ذمه نمود. واللَّه العالم.

س ۱۱۳۰- زیدی طفلی صـغیری را بدون اذن ولیّ شرعی او اجیر نموده و مزد صغیر را به خود صغیر داده است بفرمائید وظیفه زید چیست نسبت به مزدی که داده و صغیر خرج کرده است؟

ج - ضامن است و بایـد اجرت آن را به ولیّ طفل بدهد و در صورتی که صـغیر در مصـرف صـحیح خرج کرده ولیّ می تواند امضا نماید. واللَّه العالم.

س ۱۱۳۱- زیـدی مثلًا در چندین سال قبل یک عدد النگو (سوار) پیدا کرده و در اثر فریب شـیطان و نفس امّاره در صدد پیدا کردن صاحب آن بر نیامـده و بعد از مدتی به فکر فروختن آن افتاده و در وقت فروش مأمورین دولتی اطلاع پیدا کرده و النگو را از او گرفته و تحویل مقامات مربوطه داده انـد مقصود این است تکلیف این شـخصِ واحد، و کسان دیگری که دست به این لقطه زده اند چیست؟ آیا با این وصف تمام آنها ضامنند یا نه؟ و بر فرض ضامن بودن اگر یک نفر از این افراد بخواهد خود را از دین خلاص نماید ضامن تمام قیمت است یا نه؟

ج - همه آنهایی که تصرف در او کرده ضامنند و ضامن تمام.

س ۱۱۳۲- در باب چیزهای جزیی که عرفاً آنها را مهم حساب نمی کنند آیا رضایت مالک را حاصل کردن لازم است یا خیر، مثلًا

می گوینـد مقـدس اردبیلی الاغی کرایه کردنـد که کربلا بروند و قضـیه کاغذ و کرایه تعیین شده، و نیز یکی از اصـحاب امام صـادق علیه السـلام را نوشـته انـد چون از مکه خواست جـانب کوفه بیایـد کسـی خواست دو دینار برای عیالات خود در کوفه بفرستد ایشان اول رفتند اجازه از صاحب شتر گرفتند بعد، این دو دینار امانت را قبول کردند، اینها صحیح است آیا

تکلیف آنها چیست در چنین مواردی.

ج - این گونه وقایع از بزرگان مذکور ثابت نیست و مفروض سؤال از مورد ضمان خارج است.

س ۱۱۳۳- قوانینی (بین المللی) برای راننـدگی تعیین شده که قهراً در تصادفات اجرا می شود یعنی از یکی از طرفین تصادف، خسارت را می گیرند و به دیگری می دهند آیا برای گیرنده چه صورت دارد؟

ج - در مفروض سؤال مانعی ندارد.

س ۱۱۳۴- من به اتومبیلی می زنم قانون طرف مقابل را مقصر می داند. شرعاً چه صورت دارد؟

ج - در صورتی که او مقصر باشـد و باعث شده که شـما به او صدمه بزنید و خسارت وارد کنید ضامن نیستید و الّا ضامن می باشید.

وصیت

س ۱۱۳۵- زیـد فوت نموده وصـیت کرده از ثلث مبلغ معین را بعـد از فوت برایش خرج کننـد و معین نکرده که در چه راهی مصـرف شود، میّت نـام برده نماز و روزه قضایی هم دارد که بر پسـر بزرگتر واجب است، حال پسـر بزرگتر می خواهـد نماز و روزه پدر را از همین ثلث، اجیر بگیرد، جایز است یا خیر؟

ج - بلی جایز است و مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۱۳۶- اگر کسی که از اداره حقوق می برد وصیت کند ثلث حقوقی را که بعد از فوتم می گیرید به

فلان مصرف خیر برسانید آیا این وصیت نافذ است؟

ج – در مفروض سؤال مال او نیست تا وصیتش نافذ باشد. واللَّه العالم.

س ۱۱۳۷– زیدی وصیت کرده که منزل مسکونی او را مغتسل(۱) بسازند، در صورتی که به مانع عرفی برخورد کرد، آیا ممکن است در آن محل حسینیه و یا بناء خیریه دینیه ساخته شود، و یا آن منزل را بفروشند و ثمن آن را در امور خیریه صرف نمایند یا نه؟

ج – هر گاه عمل به وصیت ممکن نباشد فروخته می شود، و به پولش جای دیگر مغتسل ساخته می شود. واللَّه العالم.

س ۱۱۳۸– شخصی در مرض موت به یکی از فرزندان خود گفته است مایلم مقداری از اموالم را در راه خیر خرج و صرف نمایم و فعلاً مبلغی نزد همان فرزند می باشد که کمتر از ثلث هم هست آیا تکلیف چیست؟ می تواند بدون اطلاع به بقیه ورثه خودش این مبلغ را در راه خیر صرف نماید یا خیر؟

ج – اگر مراجعه به سایر ورثه محذوری ندارد و می تواند عمل کند باید مراجعه نماید و الّا مجاز است که تعیین ثلث را در آنچه در اختیار او است بنماید.

س ۱۱۳۹– اگر شخصی وصیت کند تا مدتی مثلاً ده سال ما ترک را قسمت نکنند و منافع آنها را خرج کنند تا بچه های صغیر کبیر شوند و به مصارف خیریه نیز برسانند، آیا این وصیت صحیح است؟

ج – در صورتی که مصلحت صغار باشد و کبار راضی باشند اشکالی ندارد، و همچنین در صورتی که به این تأخیر ضرری متوجه نباشد و یا زیاده بر ثلث نقص وارد نیاید. واللَّه العالم.

س ۱۱۴۰– زیدی وصیت کرده در

را ورثه هیچ نمی دانند و یا بعض آن را و کمیت و کیفیت آن مجهول می باشد تکلیف وارث را در این باره تعیین فرمائید.

ج - اگر متیقنی در بین باشد به آن اکتفا و به محتملات زاید بر آن، اعتنا نمی شود و اگر مردد بین متباینات باشد به قرعه تعیین نمایند اگر محتملات محصور باشد، و اگر غیر محصور باشد به بعض محتملات آن به قدری که ثلث وافی باشد اکتفا می نمایند.

س ۱۱۴۱- زیدی وصیت کرده که عمرو بر او نماز نخواند و یا او را غسل ندهد، در صورت مخالفت، آیا این غسل یا نماز صحیح و یا باطل است؟

ج - وصیت نسبت به نماز اثری ندارد ولی نسبت به غسل صحت آن محل اشکال است.

س ۱۱۴۲- زید در حال حیات و زندگی به ثلث مال خود وصیت نموده و شخص معینی را غیر از وارث، وصیّ قرار داده و مصارف را هم معین نموده و حال که از دنیا رفته وارث می گوید که زید در حال حیات به من گفته که یک قطعه از ملک را برایم وقف محل معینی قرار بدهید، وصی می گوید در وصیتنامه ای که به دست ما است از وقف چنین ملکی نامی نیست و من به مصارفی که زید معین نموده می رسانم و ملکی را وقف نمی کنم، با فرض چنین مسئله ای وارث چه کند؟ آیا بگذارد وصی به وظیفه خود عمل کند یا آنکه در قسمت وقف، وارث دخالت کند؟ آنچه حکم است بیان فرمائید.

ج - در صورتی که وارث با موازین مقرره شرعیه اثبات مدعای خود را

بنمایـد بر وصـی لازم است که آن قطعه از ملـک را وقف کنـد و الّا بر وصـی لازم است بر طبق وصـیت نامه عمل کنـد. واللّه العالم.

س ۱۱۴۳- کسـی که وصـی میت شده چون نمی تواند به وصـیت عمل کند خودش را بعد از آن میت، ملزم به وصیت و تعیین وصی می داند آیا باید به حاکم شرع مراجعه کند یا خودش می تواند هر که را صلاح بداند وصی قرار دهد؟

ج - شخصـی که وصی میتی است و نمی تواند عمل به وصیت نماید کسی را از طرف خود وکیل کند و در این جهت حاجتی به اذن حاکم شرع نیست.

وقف

س ۱۱۴۴- در عقود مانند بیع و اجاره اجرای صیغه معتبر است یا نه، و نیز در وقف و نذر آیا اجرای صیغه معتبر است یا خیر؟

ج - در بیع و اجاره و وقف صیغهء لفظی معتبر نیست و با معاطات نیز صحیح است، ولی در نذر صیغهء لفظی معتبر است.

س ۱۱۴۵- زیـدی در محلی که اجـاره از اوقـاف نمـوده است کسب می نمایـد و متولی آن محـل معلوم نیست، وظیفه را بیـان فرمائید.

ج - رجوع به حـاکم شـرع و یـا وکیـل او نموده منـاسب وضع فعلی اجـاره نموده که وجهش در محل وقف صـرف شود. واللَّه العالم.

س ۱۱۴۶- شخصـی ملکی وقف را از متولی اجاره می کنـد ولی می داند متولی اجاره را به مصـرف معین نمی رساند، تکلیف مستأجر چیست؟

ج - با این علم مستأجر ضامن اجرت برای مصرف وقف است.

س ۱۱۴۷- اگر کسـی متولی شـرعی ملکی را که وقف است برکنـار کنـد و خود بـدون اجـازه متولی منـافع آن ملک را اطعام نماید، شرکت در آن جایز

است یا نه؟

ج – جایز نیست.

س ۱۱۴۸– شخصی منافع ملك وقفی را که مجهول التولیه است بدون اجازه حاکم شرع اطعام می کند، آیا شرکت در آن جایز است نه؟

ج – جایز نیست.

س ۱۱۴۹– اراضی است وقف بر بعضی از مشاهد مشرفه و یا بعضی از مساجد نه تولیتش معلوم است و نه مصرفش اگر من باب احتیاط ثانیاً اجاره بنمایند از حاکم شرع، آیا در چه مصرفی باید صرف شود آیا به زوار، و یا امام جماعت مسجد، یا فرش مسجد داده شود، کافی است؟

ج – پس از اجاره از نماینده ما اگر محتملات مصارف محصور است به قرعه یکی را تعیین نماید، و اگر غیر محصور است به یکی از مصارف محتمله مصرف نماید. واللّٰه العالم.

س ۱۱۵۰– موقوفات آستان قدس که محل مصرف آن معلوم نیست و لکن قدر مسلم محل صرف آن مواردی که نام می بریم: عمران موقوفه، صرف در زوار، خدّام، ضیافت، قرائت قرآن، و لکن تا صد مورد هم برای مصرف موقوفات نام برده شده است آیا این داخل در شبهه محصوره است یا خارج از شبهه محصوره است؟

ج – چنانچه محتملات مصرف برای شخص به قدری محدود و معدود باشد که جز آن عدد احتمال مصرف زاید ندهد داخل در محصوره است که با قرعه باید تعیین کند، و اگر به عددی است که ما عدای آن را هم باز احتمال می دهد داخل در غیر محصوره است و اکتفای به یکی از آن کند.

س ۱۱۵۱– مال الاجاره این موقوفات به چه مصرف باید برسد، و چنانچه وکیل حاکم مصرف موقوفه را که واقف تعیین کرده می داند، ملزم است به

صرف نماید یا به نحو دیگر؟

ج - بایـد در آنچه معلوم است صـرف شود، و اگر مردد بین امور معیّنه ای باشـد به قرعه تعیین کرده، و اگر محـدود نباشـد در یکی از محتملات آن صرف شود. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۲- چنانچه اجاره موقوفات به آستان قدس یا اداره اوقاف پرداخت شود مبری ء ذمه است شرعاً یا خیر؟

ج - تولیت موقوفات آسـتان قدس با حاکم شرع است در صورتی که وجه اجاره آن را به حاکم شرع یا وکیل او بدهد مبری ء ذمه است. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۳- املاـکی است وقف بر سـادات از فلان قبیله مثلاً موقوف علیهم بسـیار زیاد و دسترسـی به متولی شـرعی و اطلاع از کیفیت وقف متعـذر و یا متعسر است با این وصف اگر کسـی بخواهـد مثلاً در چنین ملکی زراعت و یا آن را اجاره نمایـد چه کند؟

ج - در مفروض سؤال از حاکم شـرع اجاره می شود و وجه آن را بین معلومین از حاضـرین و غائبین باید قسـمت کرد و حصه حاضرین به خودشان داده می شود، و حصه متعینین از غائبین را که دسترسی ندارند از طرف آنها به فقراء صدقه داده می شود. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۴- کارمنـدانی کـه زمین موقـوفه را از دولت اجـاره کرده و در آن ساختمـان می نماینـد، آیـا شـرعاً در چنین املاـکی تصرف آنها چگونه است؟ مرقوم فرمائید.

ج - در صورتی که اوقـاف مـذکوره متولی دارد بایـد از متولی اجاره شود، و اگر متولی نـدارد لازم است از حکم شـرع اجاره شود اگر چه به قیمت کمی باشد. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۵- در باب اجاره املاک و زمین های آستانه و مسجد که قبلاً فرموده بودید

۱۱۰ اجاره عادلانه را به مصرف برسانند، حالا هم که وضع این طور شده باید به همان حال عمل بنمایند، یا حکم دیگری دارد.

ج - حکم مذکور به جهت این بود که در سابق وجه آن اجارهء زمینها، در موردش صرف نمی شد و اما فعلاً اگر از حاکم شرع زمینها را اجاره نماید، اجاره صحیح و حاجت به این ۱۱۰ وجه الاجاره و مصرفش در موردش ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۶- قطعاتی زمین از اراضی موقوفه آستان قدس رضوی توسط آیت اللّه فقیه سبزواری رحمه الله جهت مسکن به عنوان اجاره در اختیار طلاب گذارده شده، و مال الاجاره هم به آستانه مقدسه داده می شود. چنانچه به نظر مبارک احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد خواهشمند است اجازه فرمائید با تعیین مال الاجاره شرعی انشاء اللّه عمل خواهد شد.

ج - در صورتی که احتمال می دهید که وجه مال الاجاره در مصرفش صرف می شود مانعی ندارد و اگر احتمال نمی دهید رجوع به حاکم شرع یا وکیل او نمائید از او به مقدار کمی اجاره نمائید.

س ۱۱۵۷- کسانی که زمین های وقفی از ادارات و یا ساکنین آنها می خرند، آیا با پرداخت سابقی سالیانه در راه عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام ، برای آنها مجوزی می شود.

ج - لازم است که بر طبق وقف عمل نمایند و درآمد آنها را در جهت وقف صرف نمایند. واللَّه العالم.

س ۱۱۵۸- زید از زمین های قبرستان کهنه خانه ساخته، حال می خواهد وجه قیمت زمین را به مصرف فرش یا چیز دیگر مسجد محل خود بنماید، جایز است یا

آنکه به فقرا بدهد؟

ج - در صورتی که از مباحات اصلیه بوده است چیزی بر او

نیست و اگر وقف بوده است با حاکم شرع یا وکیل او معامله نماید و او ثمن آن را در فقراء صرف نماید.

س ۱۱۵۹- غاصبی ملك وقفی را که زراعت می شده فروخته و به متولی دستور می دهد که سالی فلان مبلغ بابت قیمت آن بگیرد و به مصارف معینه برساند آیا متولی وظیفه دارد بگیرد و فرض این است اگر نگیرد همان هم از بین می رود؟

ج - در مفروض سؤال مانعی ندارد.

س ۱۱۶۰- ملکی است وقفی که چند سال است شخصی غصب کرده نه اجاره می دهد و نه قیمت واقعی فروش آن را، بلی حاضر است در حدود نصفِ قیمتِ آن را بپردازد و اگر همین نصف را هم از او نگیریم تمام ملك از بین می رود، تکلیف چیست؟ آیا جایز است به این مبلغ بفروشیم یا نه، و چنانچه فروختم، با آن پول چه باید کرد؟

ج - آنچه ذکر شد یکی از مجوزات بیع وقف نیست ولی در صورتی که مأیوس باشید از استخلاص آن، به صورت بیع، وجه را استنقاذ نمایید مانعی ندارد، ولی حرمت تصرفات غاصب به حال خود باقی است و اگر بشود به آن وجه، عوض خریده شود منافعش صرف جهت وقف گردد باید چنین کنید، و الّا خود وجه را در آن جهت مصرف می نمائید. واللّٰه العالم.

س ۱۱۶۱- اگر استنقاذ وقف موقوف باشد بر خریدن آیا کسانی که خریده اند هر کدام مقدار حصّهء خود را تماماً باید صرف در جهت وقف کند، یا مقداری کافی است و اصل این شراء آیا جایز است؟

ج - اگر با اذن حاکم شرعی خریدند حق دارند از منافع آن اگر خواستند پول

خود را که صرف در خریداری نمودند استنقاذ کنند. و آن، صرف در مصرف موقوفه شود، و اگر بدون مراجعه به حاکم عمل خرید آن، انجام شده منافع آن تماماً در مصرف مقررش بایستی صرف شود.

س ۱۱۶۲- حوض هایی است که سابق برای استفاده عموم آب می کرده انـد فعلاً برای لوله کشی شهر از حیّز انتفاع خارج شده و یا پر گردیده است، بفرمائید جایز است زمین حوض های مذکور به فروش رسانیده شود و وجه آن در بناهای خیریه عام المنفعه دیگر مانند حمام صرف شود یا خیر؟

ج - اگر به کلی از حیّز انتفاع مزبور خارج شده باشد، مانعی از عمل مزبور نیست.

س ۱۱۶۳- منزلی را وقف روضه خوانی کرده اند و به واسطه کشیدن خیابان، دولت این منزل را از بین برده و در عوضش به صاحب این منزل مقداری پول می پردازد آیا صاحب این منزل می تواند با این پول یک منزلی را برای روضه خوانی خریده و در طبقه بالای این منزل با پول خودش مکانی را برای متولّیان این منزل بسازد؟

ج - بله حتماً با آن پولی که دولت داده باید منزلی را برای روضه خوانی تهیه کند و ساختن مکانی در بالای این منزل اشکال ندارد.

س ۱۱۶۴- املاک موقوفه ای است که از عایدات زراعتی آن مصارف موقوف علیه را تأمین می کرده انـد، عجالتاً از استفاده زراعتی خارج شده و در جنب زمین های ساختمانی واقع شده است آیا جایز است واقف زمین های مذکور را بفروشد و با پول آن زمین زراعتی خریداری نموده به همان عنوان در اختیار موقوفه

قرار دهد یا خیر؟

ج - وقف مزبور چنانچه مقید به زراعت نباشد چنانکه ظاهراً این طور است

می توانـد همان را تبـدیل به ساختمان نماید ولو به فروختن مقداری از آن و صـرف پولش در تهیه ساختمان آن و همین وقف محفوظ بماند.

س ۱۱۶۵- حسینیه ای خراب شده است که در مقابل او به فاصله ۲۰ متر مسجد بزرگی یا حسینیه بزرگی واقع شده است و اهل محل هیچ احتیاجی به استفاده از این حسینیه خراب شده ندارند، بلکه برای این هم احتمال احتیاج و تعمیر او نمی رود، و با این وضع خرابی او اگر چه دورش دیواری کشـیده شود باز هم احتمال وقوع فسق و فجور در او می رود لذا تقاضا می شود که آیا اجازه می فرمائید او را بفروشـیم و پولش را خرج همان مسجد یا حسینیه مقابلش بنمائیم یا اینکه ساختمانی در او ساخته شده و به اجاره داده شود و وجه الاجاره را خرج کنیم.

ج – در مفروض سؤال فروش آن و صرف در حسینیه مانعی ندارد. واللّٰه العالم.

س ۱۱۶۶- ملک موقوفه که مثلاً گندم کار است و جریبی ده من گندم مال الاجاره او هست آیا شخص می تواند که چند سال به همین مقـدار مال الاجاره اجاره کند و هر ساله این مال الاجاره را بپردازد و به مصـرف برساند و اما ملک را به خرج خودش به صورت محوطه و باغ در بیاورد و غرس اشجار نماید و انتفاع از ثمره و اشجارش تا موعد معین مثلاً سی سال یا بیشتر ببرد، یا از برای همیشه به این نحوه در ید خودش یا وارثش باشد و همین مال الاجاره را بپردازد.

ج – ملک موقوفه را متولی آن بایستی در اجاره آن ملاحظه مصلحت مصرف وقف را دائماً بنماید بنابر

این چون ممکن است مال الاجاره آن به حسب زمان یا موقعیّت ملک ترقی کند لذا باید سالانه ملاحظه ارزش آن را نموده طبق آن اجاره

دهد و از جهت طول مدت هم طوری نشود که در معرض ملک شدن قرار گیرد. واللَّه العالم.

س ۱۱۶۷- اجداد حقیر ملکی را وقف بِرّ نمودند و تولیت را واگذار به ارشد اولاد ذکور نمودند و این ملک گندم کار است و در وقف نامه نوشته است که در آمد آن بعد از وضع مخارج لازمه از برای بقای آن ملک، صرف و خرج گردد در مصارف خیریه و این ساعت تولیت تعلق به حقیر دارد، و ما هم طبق معمول محل که اگر ملک را زراعت کند هر جریبی ده من گندم یا بیشتر مال الاجاره او است معین کردیم و تا به حال به همین منوال زراعت کاشتیم و خرج کردیم و حالیه می بینیم زراعت کاری نفعی ندارد بلکه کسی هم اجاره نمی کند از برای کاشتن زراعت آیا حقیر می توانم که از خرج خود به صورت محوطه یا باغستان و غیره درآورم و غرس اشجار کنم و همان مال الاجاره فوق را هر ساله بپردازم و انتفاع باغ از ثمره و اشجار و غیره از برای همیشه به جهت خرج کردنم مال خودم و مال وارثم یا متولی بعد از من باشد.

ج - صلاحیت اجاره و استیجار وقف را طبق دستور در جواب فوق تطبیق کنید. واللَّه العالم.

س ۱۱۶۸- ظروفاتی است وقف معین در محل مخصوص لکن ظرفیت اطعام آنها دو نفری است و چون فعلاً در مجالس ظروفات یک نفری استعمال می شود اینها را آیا می شود

بفروشیم و پولش را ظروف یک نفری به اسم خود واقفین آنها تهیه نماییم یا بایـد آن ظروفات منتقل به محل دیگری شود که در آنجا قابل استعمال باشد چه این محل جدید هم در همان شهر باشد یا دهات آن شهر یا شهرهای دیگر.

ج - در صورتی که در محل قابل استفاده باشد تبدیل آنها جایز نیست و به

جای دیگر نیز نمی توانند منتقل نمایند اگر به هیچ نحو متعارف نیست تبدیل نمودن به ظروفی که متعارف است مانعی ندارد.

س ۱۱۶۹- ظروف و آلا‌تی که ظاهر نوشته آنها به عنوان وقف مطلق است یعنی مقیـد به محل مخصوص نشـده و واقفین آنها هم شـناخته نمی شود، برای اسـتفاده از آنهـا به اَمْکنه مختلفه برده می شود چون محل مخصوص نـدارد در معرض یا مظان گم شـدن است آیا اجازه می فرمائید اسم محلی در آنها نوشـته شود نه به عنوان اختصاص ظروف به آن محل بلکه برای اینکه آنها جمع آوری شونـد و در معرض گم شـدن نباشـند یا تلف نشوند، و اما از نظر اسـتعمال به همان اطلاق باقی باشد، یا اجازه نمی فرمائید؟

ج - صرف معرض گم شدن کافی نیست ولی اگر حفظ آنها متوقف بر امر مذکور باشد مانعی ندارد ولی لازم است به نحوی نوشته شود که منافات با جهت وقف نداشته باشد.

س ۱۱۷۰- استفاده از قرآن و کتب ادعیهء وقف بر مشاهد مشرفه در خارج از اماکن متبرکهء معلومه چه صورت دارد؟

ج - جایز نیست. واللّٰه العالم.

س ۱۱۷۱- کتب و قرآن هـای وقفی خطی که مردم از آنهـا اسـتفاده قرائتی نمی کننـد (و یـا کمتر مورد اسـتفاده است) ولی از لحاظ قیمت چون از اشیای عتیقه

است ارزشی معتنا به دارد آیا اجازه فروش و صرف ثمن آن را در امور خیریه دینیه می فرمائید یا خیر؟

ج - تا قابل استفاده قرائت باشد فروش آن جایز نیست و اگر در معرض تلف واقع شود جایز است و لازم است با پول آن قرآن خریداری و وقف گردد.

واللَّه العالم.

س ۱۱۷۲- فرش یا پارچه هایی که زائران داخل ضریح مطهر می اندازند یا وقف می کنند بعد از طرف آستانه می فروشند، خرید آنها چگونه است؟

ج - مانعی ندارد با احتمال وجه صحتی که مفصلاً در رساله عملیه مذکور است و الّا بیع وقف جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۱۱۷۳- اگر از طرف بلدیّه(۱) بخواهند قبرستانی که متعلق به مسلمین است و هنوز ابدان اموات نپوسیده و از هم نپاشیده محو کنند و روی قبرها را چمن و گلکاری کنند، اگر کسی بخواهد میت خود را از قبر درآورد و به جای دیگر نقل کند جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که هتک و توهین میت نشود مانعی ندارد.

س ۱۱۷۴- کسی که خانه یا زمینی خریده بعد معلوم شده که آنجا وقفی است می تواند آن را بفروشد و از همان پول جای دیگر خرید نماید یا خیر؟

ج - اگر فروشنده در وقت فروش مجوز فروش داشت پس مالك است و می تواند بفروشد و می تواند نگهدارد و اگر مجوز نداشت پس آن معامله باطل بوده و فروشنده ضامن پول مشتری است و نمی تواند به کسی عوض پولش بفروشد.

واللَّه العالم.

احکام مسجد

س ۱۱۷۵- تعریف و شرایط مسجد جامع چیست؟

---

(۱) بلدّیه: شهرداری

ج – آن مسجدی است که برپا می شود نماز جماعت از تمام اهالی شهر و مقابل آن مسجد قبیله

خاصه است.

س ۱۱۷۶- شخصی که مسجد یا حسینیه ای را وقف می کند و خود را متولی آن قرار می دهد چه مقدار می تواند ولایت داشته باشد؟

ج - ولایتش رعایت مصالحی است که برای مسجد است یا آن مصلحتی را که صحیح است برای خود قرار دهد.

س ۱۱۷۷- حدود ولایت واقف مسجد که برای خود قرار داده، و همچنین واقف حسینیه، چیست؟

ج - باید مراعات نماید مصالحی را که برای خود قرار داده از مواردی که صحیح است اعتبار آن.

س ۱۱۷۸- آیا جاری می شود احکام مسجدیت (مسجد حرام و مسجد نبوی) بر توسعه ای که حاصل گردیده بعد از عهد پیغمبر صلی الله علیه و آله از قبیل عدم جواز مرور جنب و نحو آن و حصول ثواب نماز در آن دو مسجد؟

ج - بله جاری است بنا بر احوط.

س ۱۱۷۹- اراضی موقوفه ای را که معمولاً مسجد می سازند احکام مسجد بر آجر و فرش و هم چنین بر بنای آن جاری است یا نه؟

ج - حکم مسجد ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۱۸۰- مسجدی بوده و غصب گردیده و خانه شده آیا جایز است دخول در آن برای غاصب و غیر او و حکم نماز و غسل نمودن در آن چیست؟

ج - جایز نیست.

س ۱۱۸۱- مقداری از زمین مسجد را راه قرار داده اند عبور از آن چه _

صورت دارد؟

ج - در صورت محتاج الیه بودن مانعی ندارد.

س ۱۱۸۲- میان مساجد و صحن ها حوض هایی احداث می کنند که قبلاً نبوده و بر فرض مباح بودن آبش آیا وضو گرفتن جایز است یا خیر؟

ج – جایز و مانعی ندارد.

س ۱۱۸۳– از صحن مسجد که وسیع است، به نفع مسجد جایز است دکان بسازند و

به اجاره بدهند یا خیر؟

ج - جایز نیست.

س ۱۱۸۴- معروف است که جایز نیست دفن نمودن مرده ها در مسجدها و لیکن می بینیم زیادی از مساجد معروفه در آن قبور هست مانند مسجد الحرام و مسجد نبوی و مسجد طوسی و غیر آنها آیا این قبور جزو مسجد است یا خیر؟

ج - این قبور در مساجد ذکر شده قبل از قرار گرفتن مسجد بوده.

س ۱۱۸۵- شخصی در همسایگی مسجد سکونت دارد به خاطر ایاب و ذهاب و راه به صحن مسجد، آیا می تواند از حیاط خود به سوی صحن مسجد دری باز نماید یا خیر؟

ج - در صورتی که موجب تصرف در دیوار مسجد یا بر خلاف مصلحت مسجد باشد جایز نیست.

س ۱۱۸۶- مساجدی که ساخته می شود معمولاً داخل شبستان و خارج آن که صحن مسجد است مورد وقف واقع می شود و بسیار است که بعدها شبستان را خراب کرده و بزرگتر می سازند بفرمائید این مقداری که وقف بوده لکن تنجیس آن حرام نبوده حالا که داخل در مسجد شده آیا نجس کردن آن حرام است و باید تطهیر

شود یا نه؟

ج - اگر به عنوان مسجد و جزو آن بوده تنجیس آن حرام است، و اگر از مرافق مسجد و عنوان صحن مسجد بدون اینکه جزو آن باشد شمرده شود، به جز کردن حکم مسجد را پیدا نمی کند. واللَّه العالم.

س ۱۱۸۷- سابقاً در دهی مسجدی ساخته شده و حالا کوچک است در جلوی مسجد مقداری زمین نظیر میدانی می باشد آیا اجازه می فرمائید از این زمین برای توسعه مسجد استفاده شود یا خیر؟

ج - هر گاه از اراضی موات و مباحه باشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س

۱۱۸۸- درب و پنجره مسجدی زیاد است و چون به مسجد دیگری هم که قدری جستجو کرده ایم لازم نیست طبق مسئله ۹۱۹ توضیح فروش شده، بفرمائید تنجیس آنها بعد از فروش هم حرام است یا نه و به فرض حرمت آن آیا تطهیرش واجب است یا نه و معلوم است که اعلام این امر به مشتری موجب تنزل قیمت درب و پنجره یا غیر آنها است و هم چنین خاک داخلی مسجد که زیادی است و باید مبلغی داده تا خاک را ببرند آیا بعد از خارج کردن از مسجد تنجیس آن خاک حرام نیست تا آنکه موجب رغبت خریدار شده و یا استفاده تمام شود یا تنجیس حرام است؟

ج - تنجیس آنها حرام نیست بعد از جدا کردن و خارج نمودن اگر چه هنوز نفروخته باشید. واللّٰه العالم.

س ۱۱۸۹- در محلی سماوری وقف بر مسجد شده چون مردم آنجا به جای دیگری کوچ کرده اند و عده قلیلی در آن ده باقی مانده و بالنتیجه این سماور تعطیل است آیا اجازه فروش این سماور و صرف ثمن آن را در مصارف امور دینیه

می فرمائید یا نه؟ و هم چنین سماور و اشیاء اضافی مسجد و حسینیه.

ج - در صورت امکانِ استفادهء از آن در مسجد دیگر به آنجا منتقل شود که از آن در آنجا استفاده شود، و اگر در همه جا مساوی باشد بدون فایده بودنش، عمل به صورت سؤال نمایند. واللّٰه العالم.

س ۱۱۹۰- اشیایی است زیادی در مسجد یا تکیه ها از قبیل فرش یا پرچم و بخاری و غیر اینها که می شود در مساجد یا تکیه های دیگری استعمال شود در عین حال آیا

اجـازه می فرمائیـد که فروش شود و برای همـان مسـجد یـا تکیه اوّلی چیزی خریـده شـده و وقف شود، یـا به مصارف آن مثل تعمیر مسـجد و محل، یا احتیاجات دیگرش مصـرف شود و همچنین قالی هایی در مسجدی نخ نما شده ولی هنوز قابل استفاده است آیا می شود آنها را بفروشیم و قالی بهتری بخریم یا جایز نیست؟

ج - در صورتی که اشـیای مـذکوره وقف همان مسـجد است و قابل اسـتفاده می باشـد فروش آن جایز نیست، و اما اگر وقف نباشـد، و یا وقفیت آنها معلوم نباشد، یا قابل اسـتفاده نیست، فروش آنها در این سه صورت جایز است به شـرط نظارت یکی از وکلای این جانب و وقف نمودن اشیایی که خریده می شود به نحو سابق، و اما قالی چنانچه قابل استفاده است فروش آن جایز نیست. واللَّه العالم.

س ۱۱۹۱- اگر مهرهایی که وقف مسـجدی شـده بشـکنند آیا از وقف بودن می افتند و جایز است که آنان را برداشت؟ و اگر شخصی این مهرهای شکسته را درست نمود مالك آنان می شود؟

ج - با شکسـته شدن از وقفیت نمی افتند، و اگر کسی این مهرها را درست کرد مالك آنها نمی شود، و باید به مکانی که قبل بودند بازگردانده شوند.

س ۱۱۹۲- مهرهایی در بعضی مساجد است که خاك گردیده و خاك های آنها را

خارج کرده اند و در جای پاکی قرار داده اند سـپس بعضـی مؤمنین آن خاك ها را در قالب گذاشـته و مهر کرده اند آیا جایز است خارج کردن از مسجد اوّل یا خیر؟

ج - اگر ممکن باشد انتفاع بردن به آنها به همان صورت برای نماز جایز نیست خارج کردن آنها.

س ۱۱۹۳- مهرهایی که از خاك مهر

درست شده آیا واجب است برگرداندن آنها به مسجد اوّل آن، یا جایز است وضع آن در هر مسجدی؟

ج – بله مختص است به همان مسجد اوّل.

س ۱۱۹۴- آیا تصرف در این مهرها بعد از خاک گردیدن آنها احتیاج به اذن حاکم شرع است یا خیر؟

ج – جایز نیست تصرف در صورتی که ممکن باشد انتفاع به آن، و اما قرار دادن آنها را مانند حالت اوّل پس اشکال ندارد.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

نذر

س ۱۱۹۵- در عقود مانند بیع و اجاره اجرای صیغه معتبر است یا نه و نیز در وقف و نذر آیا اجرای صیغه معتبر است یا نه؟

ج – در بیع و اجاره و وقف صیغهء لفظی معتبر نیست و با معاطات نیز صحیح است، ولی در نذر صیغهء لفظی معتبر است.

س ۱۱۹۶- آیا واجب است تلفظ نمودن به نـذر یا کافی است عقـد در قلب یا با کتابت، و آیا واجب است تلفظ نمودن به نیت در اعمال حج؟

ج – بله واجب است تلفظ نمودن به صیغهء نذر، و اما تلفظ نمودن در اعمال حج پس آن مستحب است و واجب در آن همان واجب در سایر عبادات است.

س ۱۱۹۷– شخصی در مقام نذر گفته است خدا بچه ام را شفا بدهد این اطاق نذر اباالفضل علیه السلام باشد، حالا که می خواهد به این نذر عمل کند این اطاق در حدود ۳ در ۵/۲ می باشد اگر مثل حسینیه کند خوب به نظر نمی آید زیرا بسیار کوچك است و دو حسینیه و مسجد بزرگ هم در نزدیکی او است که قهراً اجتماعات این محل در

این دو مکان است و لذا می خواهد همان اطاق را بفروشد و مصرف در روضه

خوانی حضرت اباالفضل علیه السلام نماید، مقتضی است عملی که در ابراء ذمه نذری برای ایشان است یا جایز است از فروش اطاق و مصرف یا در مصرف دیگر یا غیر فروش اطاق است، بفرمائید.

ج - مفروض سؤال نذر صحیح نیست و موجب احکام نذر نیست فلذا چیزی بر شما واجب نیست هر طوری که بخواهید بکنید مختارید. واللّٰه العالم.

س ۱۱۹۸- شخصی نذر نمود که هدیه کند پارچه ای برای حرم حسینی آیا جایز است صرف نماید مبلغ آن را در مراسم عزای آن حضرت در شهر دیگری؟

ج - واجب است عمل نمودن بر طبق نذر خود.

س ۱۱۹۹- اگر نـذر کند که زیارت عاشورا را بخواند می تواند ترک موالات بنماید بین زیارت و لعن ها و سـلامها و آیا نماز زیارت و دعای بعد آن هم داخل در نذر است یا خیر؟

ج - تابع قصد نذر کننده است که اگر صورت مخصوص را در نظر نداشت نذرش منصرف است به صورت متعارفه آن.

س ۱۲۰۰- زیدی نذر کرده هر شب تا آخر عمر، غفیله بخواند، مدتی نخوانده و خلاف نذر کرده، تکلیف چیست؟

ج - در مفروض سؤال حنث نموده و یک کفاره می دهد و کفاره اش همان کفاره یمین است و بعد از این تکلیف ندارد.

س ۱۲۰۱- اگر شخصـی نـذر کند که در طول عمرش نماز شب را ترک نکند، و پس از مدتی از نذرش دید این نذر او را در مشقت یا بعضی اوقات در حرج می اندازد، می خواهد این نذر را باطل کند چه باید بکند؟

ج - واجب بر او اتیان به

این نذر در اوقاتی که اتیان در آن اوقات حرجی

نمی باشد، و هیچ راهی برای ابطال نذرش ندارد. مگر پدر او، او را نهی کند.

س ۱۲۰۲- اگر نذر نمود شخصی اینکه بخواند نماز شب را مثلاً در طول ماه مبارک رمضان، پس در یکی از شبها حنث نذر نماید عالماً عامداً و بر او کفاره نماز واجب گردید، آیا ملزم است به نماز شب در بقیه شبهای ماه مبارک یا آنکه نذر او ملغی شده به سبب حنث نمودن؟

ج - دیگر ملزم نمی باشد به خواندن نماز شب در بقیه شبها و ملغی می شود نذر او به حنث نمودن.

س ۱۲۰۳- اگر نذر نمود عیادت نماید مریض معینی را در روز جمعه معینی و می توانست صبح به عیادت برود و به عصر تأخیر انداخت وقتی که عصر فرا رسید مانع حاصل شد از عیادت آن مریض تا آنکه آن روز گذشت، آیا بر او است کفاره نذر؟

ج - لازم نیست بر او کفاره در این صورت فرض شده.

س ۱۲۰۴- درباره گوسفند و فرش های کوچک و زینت زنان که برای امام هشتم نذر می کنند و به طوری که از کنار و گوشه شنیده شده اگر اینها را تحویل آستانه بدهند افراد نامناسبی از آنها استفاده می کنند.

ج - در صورتی که نذرشان با صیغه شرعیه بوده توسط شخصی محل وثوق به فقراء زوار بدهند و اگر نذر شرعی نباشد می توانند در هر امری خیری از اعانت طلاب علوم دینیه و غیره صرف نمایند. واللّٰه العالم.

س ۱۲۰۵- اگر نذر نمود که خدا اگر مریض او را شفا دهد یک عمل معینی را انجام دهد، و بعد از شفای آن مریض، فراموش

نمود نذر کننده آن عمل که نذر نموده بود چه بوده، آیا روزه بوده یا عمره رفتن یا نماز خواندن یا صدقه دادن یا غیر

آنها چه باید بکند؟

ج - در این صورت فرض شده، اگر می تواند جمع کند میان همه آنها واجب است بر او آنها، و اگر نتواند پس بر او است معین کند منذور خود را به قرعه.

س ۱۲۰۶- اگر کسی عهد یا نذر کند که اگر سیگار بکشم مثلاً یک میلیون صلوات بفرستم یا اگر هر سیگاری بکشم یک میلیون صلوات بفرستم و بعد از آن چند مرتبه سیگار بکشد یا فراموش کند که در حین عهد یا نذر چگونه نذر کرده و چند مرتبه سیگار بکشد وظیفه او راجع به کفاره حنث نذر یا عهد و تکرار آن و راجع به صلواتی که عهد کرده از جهت تکرار و عدم آن و راجع به کشیدن سیگار فعلاً در صورتی که نذر یا عهد کرده که اگر سیگار کشیدم یا هر سیگاری بکشم یا فراموش کرده که نذرش چگونه بوده، وظیفه فعلی او چیست لطفاً مفصلاً مرقوم فرمائید که مورد ابتلا است.

ج - اگر نذر کرده اگر سیگار کشیدم به یک مرتبه کشیدن اثر نذر منتهی می شود و امّا اگر نذر کرده هر سیگاری بکشم در هر مرتبه حکم باقی است و اگر شک داشته باشد چگونه نذر کرده حکم صورت اوّلی را دارد.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

ارث

س ۱۲۰۷- زیدی مرده در صورتی که وارثی در هیچ یک از طبقات ارث برای او شناخته نشده (مثل اینکه غریب بوده) بفرمائید ترکه او را به چه مصرف باید

رسانید؟

ج – در فرض مزبور ترکه اش متعلق به امام علیه السلام و در حکم مالهای دیگر امام است.

س ۱۲۰۸– شخصی از دنیا رفته و در هیچ مرتبه و طبقه وارث مسلمانی ندارد تمام طبقات ورثه او کافرند اگر مسلمانی به میت مذکور بدهکار باشد تکلیف او چیست؟ در صورتی که ورثه ابداً اطلاعی ندارند، مستدعی است جواب مرحمت فرمائید.

ج – در فرض سؤال اگر متوفی مسلمان بوده باید به مرجع بدهید و اگر کافر بوده چون فعلاً کافر ذمی محترم المال نداریم می تواند شخص مذکور خمس آن را بدهد و بقیه را تملک نماید.

س ۱۲۰۹– زنی فوت کرده و لباس هایی و نیز زیورهایی از وی باقی مانده، آیا مال

زوج است یا بین ورثه تقسیم می شود؟

ج – بین تمام ورثه تقسیم می شود.

س ۱۲۱۰– در اکثر نقاط متعارف است که در اوقات عروسی هدایایی از طرف فامیل و دوستان زوجین به آنها می دهند و چون مشخص نیست که مقصود آورنده به داماد یا عروس بوده است در صورت فوت احد الزوجین اینگونه هدایا را جزو ترکه کدام یک از زوجین منظور باید داشت؟ سیما در صورتی که بعضی از ورثه صغیر باشند.

ج – در صورت مفروضه آنکه از مختصات زن است مال او است و همچنین آنکه از مختصات مرد است مال او است و در صورتی که از مختصات هیچ کدام آنها نیست اگر یکی از آنها ادعا دارد که مال او می باشد باید اثبات نماید شرعاً و اگر نمی داند بین آنها تقسیم می شود و هم چنین است اگر اختلاف بین وارث یکی از آنها و دیگری باشد.

س ۱۲۱۱– سرقفلی هایی که مستأجر شرعاً حق ندارد

چنانچه مستأجر فوت نمود و ورثه آن، سرقفلی را می گیرند، آیا زوجه هشت یک می برد یا خیر؟

ج - در صورتی که مستأجر خود حق گرفتن آن را ندارد ورثه او هم حق گرفتن ندارند، و بدون استحقاق گرفتن، غصب و ظلم است.

س ۱۲۱۲- شخصی در زمان مرجع تقلیدی که در قسمت ارث زوجه از زوج از زمین های زراعتی و باغ احتیاط واجب داشتند که مصالحه شود با زوجه، فوت نموده است و ما ترک او تا به حال تقسیم نشده. بفرمائید حق زوجه را نسبت به زمین های زوج متوفی حین الفوت منظور نمایند که مصالحه شود، یا زمان فعلی که محروم باشد؟

—

ج - هر گاه قبلاً مصالحه نشده چنانکه ظاهر سؤال است عمل طبق فتوای مرجع فعلی می شود. واللَّه العالم.

س ۱۲۱۳- اشخاصی که تصادف می کنند از بیمه یا غیر بیمه با رضایت یا عدم رضایت پول می گیرند، زوجه ارث می برد یا خیر؟

ج - این مانند سابق است، یعنی اگر به حق گرفته شود به همه ورّاث که از جمله زوجه است می رسد، و اگر به غیر استحقاق است غصب و ظلم است.

س ۱۲۱۴- شخصی ماشین خود را بیمه نموده است و مبلغی هم پرداخته است بر اثر تصادف خودش از بین رفته، بیمه وجه قابلی به وارث داده است، آیا این وجه جزو ترکه است و متعلق به وارث است و عیال آن هم ارث می برد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال جزو ترکه است و عیال هم ارث می برد.

س ۱۲۱۵- آیا پولی را که کسان مقتول یا مصدوم از راننده وسایط نقلیه می گیرند (از خود او یا از بیمه) از لحاظ حلیت و حرمت

چه صورت دارد چون که معلوم نیست سائق(۱) تقصیری داشته یا نه؟

ج - اگر خودش اعتراف نماید یا به ثبوت شرعی برسد مانعی ندارد.

س ۱۲۱۶- چون کسی به ماشین تصادف کند و مصدوم شود یا مقتول، از رانندهء ماشین مبلغی گرفته می شود برای اولیای مقتول، یا برای مصدوم مبلغی گرفته می شود چون گاهی دانسته نمی شود که تقصیر راننده بوده یا خیر؟ این مبلغ حلال است یا خیر؟

ج - در صورتی که معلوم نباشد برای گیرنده که جنایت مستند به راننده بوده است و او هم راضی به تصرف در آن نباشد گرفتن آن جایز نیست.

---

(۱) سائق: راننده

س ۱۲۱۷- شخصی تصادف نموده و بر اثر آن مبلغی به وارث آن به عنوان دیه و خون بها داده اند، چنانچه وصیت نموده آیا ثلث آن را هم باید وارث بدهد یا خیر؟ و خمس آن را بدهد یا حکم ارث را دارد؟

ج - بر متوفی خمس واجب نیست و نسبت به وارث هم حکم سایر ترکه را دارد که اگر وصیت به ثلث کرده از آن برداشته می شود و متعلق خمس نیست مثل سایر آنچه که به ارث می رسد به ورثه.

س ۱۲۱۸- شخصی فوت نمود و مبلغ ۲۵۰,۰۰۰ تومان دارایی بجا گذاشته و به اظهار عیالش شخصی با تقوا نبوده و می گفته می خواهم وجوهات بدهم و حج بکنم و بی وصیت فوت کرده یک مادر و عیال و دو دختر از او باقی مانده، آیا وظیفه ورثه هست که وجوهات بدهند و از طرف او حج کنند یا خیر؟ چون یقین ندارد به عین مال خمس تعلق گرفته باشد فقط می دانند که وجوهات نمی داده.

ج - آنچه را که

یقین دارند ذمه متوفی مشغول است از اصل ترکه باید بدهند و اگر بدانند ذمه او به حج مشغول است باید از اصل ترکه از میقات برای او نایب بگیرند.

س ۱۲۱۹- از ترکهء میت آیا اول زکات خارج می شود؟ در صورتی که متعلق زکات باشد و یا اول خمس؟

ج - در مفروض سؤال که نفس ترکه متعلق زکات است اول زکات را خارج نمایند.

س ۱۲۲۰- زیدی فوت شده در صورتی که وصیت نکرده باشد و در بین مردم طلبکاری و بدهکاری دارد اما مدرکی که در دست هست چک بانک یا سفته می باشد «کما هو المتعارف بین الناس»، بنابر این وظیفه طلبکار و کذا

ورثه چیست؟

ج - در صورتی که ورثه اعتراف دارند که چک مزبور مال پدرشان است باید آن مبلغ را از اصل ترکه خارج کرد و باقی را بین ورثه تقسیم نمود. واللَّه العالم.

س ۱۲۲۱- اشخاصی که در اثر تصادف با اتومبیل و غیره مقتول می شوند آن وجه و پولی را که صاحب ماشین و یا بیمه و یا هر دو به بازماندگان مقتول می دهند آیا آن بازماندگان خمس آن پول را در حین گرفتن باید بدهند و یا در آخرِ سالِ خودشان؟

ج - موضوع سؤال در حکم ارث است و خمس به آن تعلق نمی گیرد. واللَّه العالم.

س ۱۲۲۲- زیدی مقداری طلا- خریده و در حیات خود در اختیار زوجه اش قرار داده و یا آنکه زن از مال شوهر با اطلاع او زیور آلات تهیه کرده پس از فوت آن مرد، آیا این طلا- و امثال آن مال کیست؟ در صورتی که معلوم نیست که آیا هبه و یا صلح به زن نموده

یا از باب عاریه بوده کما هو المتعارف بین عوام الناس الذین لا یهتمون بأمر الدین. مضافاً بر اینکه وارث کبیر متوفی یک نفر و چند نفر صغیر هم دارد، و هکذا لباس پوشیده و نپوشیده و اثاث البیت و چرخ خیاطی و غیره.

ج – در صورتی که ثابت نشده است که آن طلاها را تملیک کرده است برای آن زن، مال مرد است، اما لباس مال زن است، اثاث البیت مال مرد است، مگر اینکه ثابت شود که مال زن است و همچنین چرخ خیاطی. واللّٰه العالم.

س ۱۲۲۳– مرحوم والد اینجانبان در ساعات آخر عمرش به واسطه مصالحی املاک خود را به قانون رسمی اداره تملیک به ما کرد و در واقع ارث خود را به این صورت به ما رساند، متمنی است. بفرمائید که این املاک فوق حکم ارث دارد تا

مثلاً در فروش آن بر مقدار زاید مؤونه تخمیسش بر ما واجب نباشد یا نه حکم ارث ندارد و مثل بقیه ارباح است؟

ج – اگر در حال حیاتش بین شماها قسمت کرده و هبه نموده و قبض و اقباض حاصل شده حکم ارث ندارد. واللّٰه العالم.

س ۱۲۲۴– زید تمام ما یملک و دارایی خود را مصالحه نموده به بکر به یک سیر نبات به شرط آنکه زید تا زنده باشد تصرف در این مال برای او مباح باشد و چون بمیرد فلان مبلغ را خرج صوم و صلات و سایر امور تعزیه داری نماید، الباقی مال خود بکر باشد، آیا چنین مصالحه صحیح است یا خیر؟ و دست وارث از ارث کوتاه است یا خیر؟

ج – در فرض سؤال وارث ارث نمی برد.

س

۱۲۲۵- آیا ولد اکبر از مادر هم حبوه می برد یا نه؟

ج – از مادر حبوه برده نمی شود.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

دیه

س ۱۲۲۶- کسی به دیگری بگوید که این جانب را بکش و راضی هستم آیا بعد از کشتن بر قاتل راجع به مقتول دیه و قصاص است یا نه؟

ج – در فرض سؤال اگر مختار در کشتن بود و کشت قصاص ثابت است و اگر مجبور باشد پس اگر تهدید به کشته شدن بود و کشت فقط دیه ثابت می شود بر خودش، واللّٰه العالم.

س ۱۲۲۷- شوهر با عیالش با شوخی بدن زنش را سیاه و قرمز کرده و یا بالعکس، دیه لازم است یا نه، اگر دیه باشد قبل از شوخی شرط کنند که اگر سیاه شد ضامن نباشیم آن دیگری هم قبول نماید، چه صورت دارد؟

ج – بلی دیه ثابت می شود و ابراء قبلی اثری در سقوط آن بعد از حصول ندارد و محتاج است به اسقاط بعدی یا دفع دیه، واللّٰه العالم.

س ۱۲۲۸- اگر تصادف نماید با ماشین خود و باعث کشته شدن شخصی گردد و از روی غیر عمد باشد آیا دیه بر او هست؟

ج – بله بر او دیه هست.

س ۱۲۲۹- اگر در فرض سؤال قبل، مقتول کافر باشد چه حکمی دارد؟

ج - در این صورت چیزی بر او نیست.

س ۱۲۳۰- راننده ماهر وسیله نقلیه هم بدون عیب در خطکشی ها و جاهایی که برای عبور پیاده ها تعیین شده آسیبی به عابر پیاده می رسد. آیا راننده ضامن دیه است یا خیر؟

ج - اگر عابر خلاف نظام به خصوص آن محل را نکرده راننده ضامن است.

س ۱۲۳۱- عابر

پیاده در جاهایی که مخصوص عبور وسایل نقلیه است عبور می کند. بر اثر بی توجهی عابر و راننده تصادف می شود آیا راننده ضامن دیه است؟

ج - در مفروض سؤال ضامن نیست.

س ۱۲۳۲- در جایی که مخصوص عبور وسایل نقلیه است شخصی ایستاد با این که راننده توجه دارد به او، یک مرتبه در جلو وسیله نقلیه حرکت می کند که چاره از دست راننده خارج می شود و تصادف می شود، آیا راننده ضامن است یا خیر؟

ج - در این فرض نیز ضامن نیست.

س ۱۲۳۳- راننده در مسیر اصلی خود حرکت می کند ناگاه طفلی به طور عجله جلو ماشین او می دود و راننده نمی تواند خودداری کند و صدمه به طفل می رسد، آیا راننده باید دیه طفل را به ولی او بدهد یا خیر؟

ج - بر فرض مزبور دیه بر او نیست.

س ۱۲۳۴- در تصادفات بدنی گاهی می شود بر اثر نقص در وسیله نقلیه و یا ماهر نبودن راننده پیش می آید، آیا راننده ضامن دیه است یا خیر؟

ج - بلی ضامن است.

س ۱۲۳۵- زیدی در اثر تصادف (و به هم خوردن دو اتومبیل به یکدیگر) مقتول

شده، شخص راننده (سائق) که زنده است او را به زندان می برند تا ورثه رضایت بدهند و او آزاد شود، در صورتی که شخص مقتول صغیر داشته باشد از جهت دادن رضایت اگر مبلغ کم باشد به ضرر ورثه است، با این حال مقتول اگر وارث کبیر هم داشته باشد چه کند؟

ج - در صورتی که قتل مستند به راننده است اگر قتل خطأی محض باشد دیه او بر عاقلهء قاتل است، و اگر شبه عمد باشد دیه بر خود راننده است، و در هر

دو صورت رضایت دادن ورثه به کمتر از دیه در صورتی که بین آنها صـغیر باشد جایز نیست، و اگر قتل اصلاً به راننده مستند نیست بر او چیزی نیست و نه بر عاقله او.

واللَّه العالم.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

مسائل پزشکی

سقط جنین

س ۱۲۳۶- در جلد دوّم منهاج مسـئله (۱۳۷۹) فرموده ایـد جـایز نیست سـقط نمودن حمل اگر چه نطفه باشـد، مقصود از نطفه چیست؟

ج - نطفه همان منی است و لیکن به معنی اینکه مبداء نشو انسان گردیده به سـبب اسـتقرار آن در دیوار رحم و شروع در رشد نموده قبل از آنکه عَلَقه گردد.

س ۱۲۳۷- آیا جایز است سقط نمودن بچه در موارد زیر:

۱ - در صورتی که زنِ حامله رنج بکشد از مرض خطیری، مثل مرض قلبی شدید و در استمرار حمل خطر باشد بر حیات مادر.

ج - اگر بقای حمل خطر باشد بر حیات مادر جایز است برای مادر سقط نمودن بچه و بر او است دیه.

۲ - اگر ثابت کرد به طرق تشخیص که جنین معیوب است به حد زیادی یا مبتلی به مرضی است که علاج برای او نیست یا این که طفل مولود ننگ بر پدر و مادر خواهد شد به اعتبار عیبی که در او است.

ج - جایز نیست سقط نمودن در این فرض در تمام صور آن.

س ۱۲۳۸- زن مریضه رجوع به دکتر می کند، دکتر علت مرض را حامله بودن تشخیص می دهد و می گوید اگر بخواهی مرض برطرف شود باید حمل خود را سقط کنی اگر سقط جایز شود دیه دارد یا خیر و دیه را دکتر باید بدهد

یا مادر؟

ج – مجرد هر مرضی مجوّز سقط نیست مگر مادر و بچه هر دو در معرض تلف باشند و بر هر تقدیر دیه لازم است و دیه بر شخصی است که مباشرت سقط را می نماید.

س ۱۲۳۹– زیدی به زوجه خود می گوید بچه خود را سقط کن، آن هم سقط می کند دیه به کی می رسد؟ و چون زوج مباشر نیست آیا مسئولیت دارد زوج یا خیر؟

ج – دیه بر مباشر سقط است که در این صورتِ فرض مادر است، و چیزی از آن به مادر نمی رسد، و پدر اگر چه گنهکار است در امر سقط ولی او از دیه چیزی ضامن نیست و تمام دیه به پدر مزبور می رسد.

س ۱۲۴۰– شخصی قرص و دارو برای سقط جنین به عیالش می دهد که بخورد و زن هم راضی است، آیا گناهکار هستند؟ و دیه ثابت است یا نه؟ اگر باشد بر عهده مرد است یا زن؟

ج – بلی گناه است برای زن خوردن آن، و دیه هم در فرض مزبور بر وی است.

واللَّه العالم.

تشریح

س ۱۲۴۱– حکم تشریح نمودن بدن مرده در موارد زیر چیست با محافظت بر

عدم قطع عضوی از اعضای او.

۱ – اگر این تشریح برای غرض جنایی بوده باشد، مانند شناخت سبب وفات.

۲ – اگر برای غرض شناخت علمی فقط بوده باشد بعد از وفات شخص.

۳ – برای غرض علمی بوده باشد مانند اینکه سبب وفات او را می دانیم، ولیکن برای شناخت آثار مرض بر روی جسم فرد مرده تشریح گردد.

ج – جایز نیست تشریح نمودن به مجرد احتمال جنایت، و از این ظاهر می گردد عدم جواز تشریح در دو فرض دیگر، و

تمام اینها در صورتی است که مرده مسلمان باشد، و اما اگر کافر یا مشکوک بوده باشد اشکال ندارد تشریح او مطلقاً.

س ۱۲۴۲- زمانی که تشریح نمودن ممکن نباشد آیا جایز است گرفتن ذره هایی به وسیله سوزن بعد از وفات او از اجزای آن مرده، مانند کبد و ریه که معتقد است محل اصابت مرض معین بوده با اینکه می داند بعد از گرفتن ذره ها هیچ اثری روی او نخواهد گذاشت؟

ج - جایز نیست آن مانند فرض سابق.

پیوند اعضا

س ۱۲۴۳- آیا جایز است برای انسان اهدا کند به برادر مؤمن خود یکی از دو چشمش را، یا یکی از دو کلیه اش را، یا یکی از اعضای جسمش که می تواند بی نیاز از او بوده باشد؟

ج - اما اهدا نمودن یکی از دو کلیه یا بعض اعضای جسم که از اعضای رئیسیه بدن نبوده باشد مانند دست و پا، پس اشکال ندارد، اما اهدا نمودن یکی از دو چشم جایز نیست.

س ۱۲۴۴- آیا جایز است بدل نمودن یکی از رگهای مهم قلب انسان به یکی از رگهای اخذ شده از قلب خنزیر، چون بهترین بدل موجود در وقت حاضر است؟

ج - اشکال ندارد.

تلقیح (بارور کردن)

س ۱۲۴۵- تلقیح نطفه مرد به عیال خودش چطور است؟

ج - شوهر نطفه خود را به زن خود تلقیح نماید مانعی ندارد و تلقیح نطفه اجنبی با اجنبیه جایز نیست.

س ۱۲۴۶- تزریق نطفه اجنبی به اجنبیه مباشرةً یا تسبیباً ولو به وسیله شخص اجنبی چه صورت دارد؟ و متولد از آن ملحق به کدام یک از آنها است؟ و آیا رضایت و عدم رضایت شوهر مطلقاً در حکم اثر دارد یا نه؟

ج - این عمل جایز نیست اگر چه شوهر راضی باشد و بچه ملحق به صاحب منی است، چنانچه در منهاج مذکور است. واللَّه العالم.

تغییر جنسیت

س ۱۲۴۷- کسانی که بوسیلهء جراحی اطبا این عصر تبدیل می کند مرد ذَکَر خود به فرج اُنثی و همچنین زن تبدیل می نماید فرج خود را به ذکر مردی، اگر فرضاً این امر برای شهوت باشد حکم او چیست و اگر غرض او یک امر ایجابی باشدت مثلاً به وسیله این عمل عقم او شفا می یابد و برای حب بقای نسل اقدام به چنین امری می کند؟

ج – این عمل جراحی در نهایت اشکال است.

عقیم نمودن

س ۱۲۴۸- به وسیله آمپول و غیره کاری می کنند که ابداً زن عقیم شود چطور است؟

ج – در مفروض سؤال جایز نیست اگر چه هر دو راضی باشند زن و شوهر، ولی مانع شدن موقت بر زن جایز است اگر چه شوهرش راضی نباشد.

س ۱۲۴۹- آیا جایز است برای زن یا شوهر او کاری کنند که تا ابد عقیم گردند، و آیا جایز است سقط نمودن حمل قبل از ولوج روح و بعد از آن؟

ج – هر دو صورت جایز نیست.

س ۱۲۵۰- قرص خوردن زنان جهت جلوگیری از حیض و حمل با علم به ضرر چه صورت دارد؟ و همچنین مردها برای جلوگیری از اولاد از آمپول استفاده می کنند دائماً یا موقتاً؟

ج – در صورتی که ضرر او معتنی به نباشد مانعی ندارد، و همچنین است حکم آمپول.

عزل(۱)

س ۱۲۵۱- آیا جایز است استعمال کاپوت برای جلوگیری از انعقاد نطفه؟

ج – اشکال ندارد.

س ۱۲۵۲- معنی عزل چیست و آیا جایز است آن؟

ج – جایز است عزل به معنی خارج نمودن عضو نزد انزال و فارغ کردن منی

(۱) عزل: ریختن منی در خارج رحم هنگام نزدیکی

خارج فرج، در اَمَه(۱) و متمتع بها(۲)، اما در زوجه دائمه باید با اذن زن باشد یا در عقد شرط شده باشد، اما عزل نمودن زن به معنی اینکه مانع گردد از انزال در فرج خودش، ظاهر حرمت آن است بدون رضایت شوهر.

---

(۱) اَمَه: کنیز

(۲) متمتّع بها: همسر در ازدواج موقّت

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

اموال دولتی

س ۱۲۵۳- نظر مبارک را راجع به مالکیت و عدم مالکیت دولت مرقوم فرمائید؟

ج - معامله مجهول المالک می شود مگر چیزی که مالک آن معلوم باشد.

س ۱۲۵۴- حقوق کارمندهای دولت را با فرض مجهول المالک بودن به چه نحوه اجازه تصرف می دهید، بخصوص با توجه به این که پولهای کارمندها گاهی از راه های غیر مشروع است؟

ج – در مفروض سؤال مذکور باعث تفاوت حکم نیست و لذا مجاز هستند در تصرف به شرط آنکه در نامشروع صرف نکنند و زیادی آن را آخر سال تخمیس نمایند.

س ۱۲۵۵– دولت را مالک می دانید و یا این که در تمام امور مربوط به دولت حتی شغل های مباح منوط به اجازه حاکم است.

ج – هر گاه شغل مباح باشد مجاز است از طرف ما حقوق خودش را بگیرد و صرف محاویج مشروعه خود نماید و زیادی آن را آخر سال خمس بدهد.

س ۱۲۵۶– دخول در مناصب و مشاغل دولتی چه صورت

دارد و مزدی را که این

اشخاص می گیرند چگونه است؟

ج - حکم دخول در آن تابع حرمت و حلیت شغل است، و در صورت جواز مجاز است از طرف ما مزدش را بگیرد و صرف کند به شرطی که صرف نامشروع نشود و زیادی را آخر سال تخمیس کند.

س ۱۲۵۷- مراجعه به دوایر دولتی در صورتی که احقاق حق منوط به آن باشد جایز یا نه، و نیز گرفتن حقوق دولت با این که گیرنده حقوق نمی داند از چه بودجه می دهند جایز است یا نه؟

ج - مراجعه به دوایر دولتی در صورت مفروضه مانعی ندارد و اما حقوق دولتی مجهول المالك است در صورتی که گیرنده آن را صرف در حرام ننماید و مازاد از مؤونه را مخمس نماید اخذ آن نیابتاً از این جانب مانعی ندارد.

س ۱۲۵۸- شرایطی که برای حلیت حقوق مستخدمین ادارات دولتی قرار داده اید، از مصرف کردن در نفقات حلال، دادن خمس زاید بر مؤونه سال، و در فرض عدم استحقاق مستخدم حقوق را به اجازه شما بگیرد و مقداری از آن را به مستحق بدهد، اگر از هزار تومان پنج تومان به مستحق بدهند کافی است یا نه؟ اگر این مستخدم مثل مأمور وصول مالیات باشد در صورت احتیاج معاشش به این حقوق، آیا برای گرفتن حقوقش اجازه می فرمائید؟ و الّا در صورت اضطرار تکلیفش چیست؟ و همچنین مستخدمینی که مأمور وصول مالیات نیستند اما در همان اداره مثلاً در امورات دفتری یا غیر ذلك کار می کنند؟

ج - از هزار تومان پنج تومان به فقیر دادن کافی است و اجازه این جانب مختص به اشخاصی است که شغل آنها حرام

نباشد. واللّه العالم.

س ۱۲۵۹- چه می فرمائید در باب حقوق کارمندان دولت، آنهایی که شغل های

حرام دارند که معلوم است، امّا آنهایی که شغل های مباح یا مشکوک به حرام دارند چگونه است؟

ج - مراد از مشکوک به حرام معلوم نشد، اگر شبهه موضوعیه است جایز است و اگر شبهه حکمیه است جایز نیست.

س ۱۲۶۰- نانی که نانواهای فعلی می فروشند نوعاً از گندم تثبیت دولتی است اجرای حکم مجهول المالك برای هر فردی در هر روز مشکل است متمنی است تکلیف آن را معلوم بفرمائید، و اگر اجازه عمومی در آن و امثال آن یا محول به اجازه مجاز در امور حسبیه فرموده اید متمنی است موارد مبتلا به اگر ممکن است تذکر داده شود که باز در مورد دیگر احتیاج به استفتاء دیگری نباشیم.

ج - عموم مؤمنین مجازند از قبل ما از آن مصرف نمایند و حاجتی به اجرای حکم مجهول المالك نیست.

س ۱۲۶۱- اگر صاحب کنتور به وسیله شلنگ، آب به همسایه بدهد، یا برق به همسایه بدهد چگونه است.

ج - در صورتی که خلاف مقررات نباشد مانعی ندارد.

س ۱۲۶۲- موقعی که وارد اتوبوس شهری می شویم باید بلیط بدهیم اگر ندهیم مدیون هستیم؟

ج - عمل مزبور صحیح نیست.

س ۱۲۶۳- شخصی که از کارمندان دولت وقت، بیمهء طبیب و دارو می باشد زنی از فامیل خود را به عوض زن خود به طبیب می برد، و از دارو استفاده می کند، آیا این عمل اشکالی برای طرفین دارد یا نه؟ اگر دارد راه اصلاح او که قبلاً رفته چیست؟

ج - اگر ممکن است مقدار پول دارو را به عنوان صدقه به فقیر بدهد و دیگر

چنین عملی انجام ندهد. واللَّه

العالم.

س ۱۲۶۴- فروشگاه لشکر به افرادی که کارمند دولت هستند دفترچه می دهد که جنس را از این فروشگاه ارزان تر می خرند و دیگران که کارمند دولت نیستند اگر این دفترچه را بگیرند و به نام آن کارمند، از فروشگاه جنس بخرند چگونه است؟

ج – مانعی ندارد اگر برای اخلال به نظام یا ضرر یا مفسده نباشد. واللّٰه العالم.

بانکها و معاملات آنها

س ۱۲۶۵- در جهان چند نوع بانک موجود است.

نوع اوّل – بانک هایی در دول اسلامی است، که مالکیت آن راجع به حکومت است و به اهالی آن، به نسبت های مختلف.

نوع دوّم – بانک هایی در دول اسلامی است که مالکیت آن راجع به حکومت است فقط.

نوع سوّم – بانک هایی در دول اسلامی است که مالکیت آن راجع به اهالی آن است فقط.

نوع چهارم – بانک هایی که در مالکیت غیر مسلمین است و در خارج دول اسلامی است.

نوع پنجم – بانک هایی که در مالکیت غیر مسلمین است و شاخه هایی از آن بانک داخل یکی یا بعض دول اسلامی است.

نوع ششم – بانک هایی که در مالکیت مسلمین است و در خارج دول اسلامی موجود است.

س ۱۲۶۶- حکم شرعی در به ودیعه گذاشتن مال در این بانک ها به قصد حصول فایده چگونه است؟ چه شرط شود با آنها، چه شرط نشود، و این فایده ها چگونه باید صرف گردد؟

ج – ودیعه گذاشتن مال در هر گونه مصرفی، یا هر گونه مکانی که مصرف آن اسلامی است، یا غیر اسلامی، اهلی باشد، یا حکومتی یا مشترک بین هر دو، یا مشترک باشد بین مسلمان و غیر مسلمان، و دول اسلامی یا غیر اسلامی، با شرط نمودن فایده حرام است جزماً.

و اما

نسبت به گرفتن فایـده، با علم به اینکه آن محل پرداخت می کنـد به مودع مقـداری از مال اگر ودیعه گذاشت مالی را در این محل و ملتزم است به عـدم مطالبه نمودن فایده، پس اگر پرداخت کنند آنها بدون مطالبه این شـخص، اگر اهلی است یا اجنبی است جـایز است برای او اخـذ و صـرف نمودن آن در موردی که می خواهـد، و امـا اگر محل حکومت اسـلامی بوده باشـد یا مشترک باشـد بین حکومت و اهالی پس اگر چیزی پرداخت نمایند بدون مطالبه نمودن این مال، حکم مال مجهول المالک را دارد، پس اگر خود مودع فقیر است جایز است برای او اخذ آن از طرف ما و صـرف نمودن آن مال در حوایج شرعی خودش، و اما اگر غنی باشد جایز است برای او اخذ آن از طرف ما و نصف آن را مصـرف نماید و نصف دیگر آن را صـرف نماید در فقرای با تقوا و متدین. واللّٰه العالم.

س ۱۲۶۷- پولهایی که در بانک، مقلدین شما قبلاً به عنوان دفتر پس انداز یا عنوان دیگری می گذاشتند هر سالی به بعضی به عنوان جایزه یا قرعه کشـی می دادند اما حال سؤال می کنند که مبلغ زیادی که به ما می دهند به عنوان بهره نه به عنوان جایزه گرفتن این اضافه به این عنوان حلال است یا خیر؟

افرادی که خبر نداشـته اند که این اضافه را می دهند و پولی در بانک گذاشته و در وقت گرفتن این اضافه به آنها داده شده به عنوان بهره، آیا در این مورد که اطلاع نداشته برای او حلال است یا خیر؟ و بعد از اطلاع برای مرتبه دوّم می تواند این

اضافه را بگیرد یا خیر؟ و بر فرض دانستن اگر به قصد حفظ پول نه برای زیادی، پولش را در بانک بگذارد این اضافه را به عنوان بهره می تواند تصرف کند یا خیر؟

و هم چنین بر فرض دانستن اضافه دادن به عنوان بهره اگر هم به قصد حفظ مال و هم به قصد اضافه شدن پول باشد مرقوم فرمائید اضافه گرفتن حلال است یا خیر؟

ج - گذاشتن پول در بانک دولتی یا غیر دولتی به شرط انتفاع چه به عنوان بهره باشد یا غیر آن حرام است ولی بدون شرط و قرار به طوری که اگر به او ندهند مطالبه نخواهد کرد جایز است، ولو بداند که نفعی عاید به او خواهد شد، بلکه به امید نفع هم باشد حرام نیست، ولکن اگر آن بانک دولتی باشد آن نفعی که به هر طور به او داده می شود باید برای جواز تصرف و اصلاح آن رجوع به حاکم شرع یا وکیل او نماید بلکه اصل پول خود را هم که پس می گیرد چون حکم مجهول المالک را دارد باید در آن هم رجوع به حاکم شرع و یا وکیل آن بکند، و ما اجازه داده ایم که در این موارد از طرف ما بگیرد و صرف نماید به شرط آنکه در حرام صرف نکند و زیادی آن را در آخر سال تخمیس نماید، و اگر گیرنده فقیر نباشد یک قدری ولو عشری صدقه بدهد خصوصاً آنچه را که به طور نفع به او می رسد.

س ۱۲۶۸- در این عصر مرسوم است که مؤمنین پولهای حلال بلکه مخمس خود را در بانک های فعلی می گذارند، و در وقتی که می خواهد

پس بگیرند متحیرند که آیا این پولها حلال است یا مشتبه است، و هم چنین کسبه وقتی که خواسته باشند از

اعتباراتی که در این بانک ها برای آنها معین شده استفاده کنند و گاهی است که در یک هفته چند مرتبه مراجعه به این بانک ها دارند متمنی است تسهیلی برای آنها نمائید؟

ج – از بابت مجهول المالک از قبل این جانب دریافت دارند بی اشکال خواهد بود.

س ۱۲۶۹– آیا کسی که می داند پول در بانک بگذارد در هر ماهی یک چیزی اضافه به او می دهند بدون این که با زبان قرار داد ببندد، ولی به قصد گرفتن زیادی در بانک بگذارد ربا است یا نه؟

ج – در صورتی که شرط فایده نکند به این معنی که ملزم باشد اگر بانک به او چیزی ندهد از او مطالبه نمی کند در این صورت گرفتن آن فایده به عنوان مجهول المالک به اجازه حاکم شرع یا وکیل او مانعی ندارد و مجرد این که می داند بانک به او چیزی می دهد و قصد گرفتن آن را هم دارد در صورتی که شرط مزبور را ننماید گرفتن او مانعی ندارد.

س ۱۲۷۰– آیا مؤسسه که پول مردم را به عنوان مضاربه، یا بانکی از معاملات شرعیه قبول می کند، و نیز به عنوان شرعی دیگر به مردم می دهد و کارمزد می گیرد و در زیر نظر حاکم شرع می باشد این پولها حکم مجهول المالک دارد و محتاج به امضای حاکم شرع می باشد در وقت گرفتن یا نه؟

ج – پول های مزبوره حکم مجهول المالک ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۲۷۱– بانک هایی موجود است که مشترک است، به این معنی که رأس المال آنها، بعضی از

آن متعلق به مسلمانها است و بعضی دیگر آن متعلق به کفار، پس اگر مسلمانی مالی را در آن بانک ها به ودیعه بگذارد آیا شرط است اذن

خاص حضرت عالی در قبض آن یا آنکه اذن عام می دهید برای تمام مقلدینتان به جهت کثرت ابتلا؟

ج - بله شرط است اذن در قبض آن، و ما اذن می دهیم برای هر کسی که از ما اذن طلب نماید، لیکن از طرف ما قبض نمایند.

س ۱۲۷۲- بنابر فرض اذن خاص حضرت عالی آیا شرط است اینکه قصد نماید مقلدتان قبض نمودن اموال را نیابتاً از طرف حضرت عالی سپس تصرف نماید به اذن حضرت عالی؟

ج - بله چنانچه قبلاً ذکر کردیم و لکن کافی است او را در نیابت همین قدر که قصد داشته باشد نیابت را چنانچه در سایر اموری که مبتنی بر نیت است.

س ۱۲۷۳- اگر قصد نیابت نکرد در قبض اموال حکم او چیست؟

ج - اگر مالها موجود است فعلاً قصد نماید و اگر تلف شده به مقدار آن اموال دست گردان می کند از طرف ما سپس از طرف خود قبول می کند.

س ۱۲۷۴- اگر پول های بانک مجهول المالک است حکم معاملاتی که با بانک می شود مثل بیع سفته و چک و بلکه به طور کلی حکم همه پول هایی که مردم کاسب و تاجر با بانک سر و کار دارند چیست؟ ترتیب اثر مجهول المالک بخصوص نسبت به آنان که حساب جاری یا پس انداز دارند خیلی مشکل است.

ج - بعد از اینکه به همه اجازه داده ایم که از طرف ما قبض نمایند، آن معامله با بانک صورت و مقدمه قبض است. واللَّه العالم.

س ۱۲۷۵- وام هایی که

بانک های دولتی یا بانک های دیگر به عنوان کمک به ملت می دهند گرفتن این وام ها جایز است یا خیر؟

ج - چنانچه قصد قرض ننماید بلکه به نیابت از طرف این جانب بگیرد و بخود ـ

تملیک نماید چنانچه گیرنده فقیر باشد تصرف نماید و اگر غنی باشد به همین قصد بگیرد و تملیک به خود نماید و ملتزم شوند چیزی اگر جزیی باشد به فقرا بدهند.

س ۱۲۷۶- قرض گرفتن از بانک در صورتی که بانک به قصد بهره ولی گیرنده وجه به قصد کارمزد اضافه می دهد جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که بانک دولتی باشد قصد قرض ننمایند بلکه وکالت از اینجانب بگیرند و به خود تملک نموده تصرف نمایند، و چنانچه گیرنده غنی باشد در سال، جزیی وجهی به فقرا بدهند.

س ۱۲۷۷- وام گرفتن از بانک ها که معمولاً سود می گیرند جایز است یا خیر و بر فرض عدم جواز راه اصلاح دارد یا نه؟

ج - به قصد قرض، نگیرد بلکه به قصد انقاذ و استیلا بر مجهول المالک بگیرد اگر چه بداند مجبوراً اصل و فرع آن را خواهند گرفت، سپس در تصرف در آن مراجعه به حاکم شرع یا وکیل او بنماید.

س ۱۲۷۸- طریق استقراض مشروع از بانک چیست؟

ج - در بانک غیر اهلی به قصد قرض نگیرد، و به عنوان مجهول المالک با اجازه حاکم شرع یا وکیل او بگیرد در این صورت تصرف در او مانعی ندارد.

س ۱۲۷۹- دو سؤال از خدمتتان شد یکی آیا در مقابل کارگران می شود در اقتراض از بانک پولی بگیرند و بدهند فرمودید مشکل است، و دیگر سؤال از اینکه مقابل ورقه که

می نویسند می شود پول اضافه داد فرمودید می شود، فرق چیست؟

ج - اگر واقعاً برای کارگران است و برای صاحب مال چیزی عاید نمی شود مانعی ندارد، و اگر صوری است همان قرض ربوی است.

س ۱۲۸۰- خرید و فروش سهام بانک های خصوصی از نظر شرع چه اشکالی

دارد؟ سود سهامی که در آخر سال به سهام بانک ها تعلق می گیرد چه اشکالی دارد؟ تعداد سهامی که بانک به عنوان ازدیاد سرمایه مجاناً یا پولی به سهامداران می دهد چه اشکالی دارد؟ ضمناً درآمد بانک از سه راه می باشد سود، کارمزد، سود در سرمایه گذاری.

ج - خرید و فروش سهام اشکالی ندارد ولی شرکت در معاملات ربوی بانک ها حرام است، و آن زیادی که به آن جهت داده می شود گرفتن آن حرام است.

س ۱۲۸۱- شخصی تحصیل دار بانک است آیا به شغل خود ادامه بدهد یا تغییر شغل دهد؟

ج - اگر در مورد عملش جمع آوری ربا باشد حرام است، و لازم است حذف آن یا تغییر شغل. واللَّه العالم.

س ۱۲۸۲- کار کردن برای بانک ها با احتراز ربا چه صورت دارد؟

ج - اگر در معاملات ربوی کارش نباشد مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۲۸۳- اگر چند نفر مبلغی پول به نام صندوقی پس انداز می کنند و یا آن پول خرید و فروش می کنند و در نفع و ضررش شریکند. اگر شریک ها قرار دادند هر که قرض الحسنه خواست بدهند و مبلغی به عنوان خرج صندوق و قلم و کاغذ بدهند چطور است؟

ج - هر گاه آنچه مقرر است اجره المثل آنچه ذکر گردیده باشد مانعی ندارد، و الّا داخل قرض ربوی است، مثل اینکه قرض بدهد و شرط کند که خانه را مقترض ارزان تر اجاره بدهد

و از مقرض خـانه را گران تر اجـاره کنـد. بلی عکس آن مـانعی نـدارد مثلاً دو تومان به او بدهـد هبه و یا در عوض چیزی که ارزش آن کمتر است به شرط آنکه فلان مقدار قرض بدهد، و یا منزلی را ارزان به مقرض اجاره بدهد به شرط آنکه

فلان مقدار قرض به مؤجر بدهد.

چک و سفته

س ۱۲۸۴- اگر سـفته یـا چـک محـل دار را فروخـت بـه شـخص ثـالثی در وقـت خـود اداء نشـد، و یـا از بیـن رفت به واسـطه ورشکست صاحب چک، یا جهات دیگری، آیا فروشنده چک ضامن است بدهد وجه را در صورتی که ضامن نباشد؟ اگر در ضمن معامله خودش تعهد نموده است اگر وصول نشد خودم پرداخت خواهم کرد، ضامن است یا نه؟

ج - در صورتی که تعهد نموده ضامن است. واللّٰه العالم.

س ۱۲۸۵- فروش سفته به مدت یعنی به بانک یا شخص دیگر به کمتر چطور است؟

ج - چنانچه سـفته دهنده واقعاً مقروض باشد فروش آن به کمتر مانعی ندارد، و سـفته صوری که واقع ندارد خرید و فروش آن صحیح نیست.

س ۱۲۸۶- شخصی طلبی از کسی دارد، مدیون چکی به مدت سه ماهه مثلاً به دائن(۱) می دهد داین چکی به مبلغی کمتر می دهد جایز است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد.

س ۱۲۸۷- آیا به اجرا گذاشتن چک یا سفته جایز است یا خیر؟

ج - در صورتی که وصول آن منحصر به اجرا باشد مانعی ندارد.

---

(۱) دائن: طلبکار

بلیط بخت آزمایی

س ۱۲۸۸- شخصی بلیط اعانه ملی را به این قصد که کمک به مؤسسات درمانی کرده باشد بخرد چطور است؟ و می تواند جایزهء آن را بگیرد در صورت اصابت؟

ج - خریدن بلیط به این معنی که پولی بدهد عوض آنچه احتمال دارد به نامش بیرون بیاید حرام است و باطل، اما اگر همان را به عنوان کمک بدهد اشکال ندارد، و آنچه را که به نام او درآید اگر شرکت اهلی باشد گیری ندارد، ولی اگر غیر اهلی باشد باید معامله مجهول المالك کنید و به

حاکم شرع رجوع کنید.

س ۱۲۸۹- خرید و فروش بلیط بخت آزمایی جایز است یا نه؟

ج - خرید و فروش آن جایز نیست ولی پولی که گیرش می آید به عنوان مجهول المالك مراجعه به حاکم شرع یا وکیل او نماید.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

مسائل متفرقه

س ۱۲۹۰- اموری که مستحب است یا اموری که در آنها مصالح دنیوی می باشد اگر احتمال بدهیم که منجر به مرگ می شود و احتمال چهل درصد یا پنجاه درصد باشد مثلاً، آیا جایز است انجام دادن مثل این اشیاء؟

ج - جایز نیست انجام دادن مثل این اشیاء.

س ۱۲۹۱- حکم مرتکب امری که کراهت شدیده دارد چیست؟ به معنی آنکه آیا جائز است انجام آن یا خیر، و آیا اگر کسی مرتکب آن شد عقاب و گناه دارد یا خیر؟

ج - کراهت به معنی اولی بودن ترک آن فعل مکروه، و شدّت آن، عبارت است از تأکید در ترک آن، با رخصت در انجام آن فعل در هر دو صورت، پس عقابی نیست در ارتکاب آن و گناهی هم نیست و لکن جائز نیست سبک شمردن مکروهات و حرمت، شدّت می یابد در سبک شمردن مکروهات شدیده.

س ۱۲۹۲- امر مشتبه چیست؟ و حکم مرتکب او چیست؟

ج - امر مشـتبه، آن است که حکمش را ندانید (حکمش مجهول یا مشـکوک باشد) پس اگر این امر، مشتبه بین محصور باشد از آنچه احتمال وجوب یا تحریم آن

استفتائات (فارسی)

بـا علم به اصـل وجـود حکم بین دو فرد یـا بیشـتر، پس لازم است اتیـان در صورت اول (مشـکوک در وجوب آن) و اجتنـاب نمودن در صورت دوم (مشکوک در حرمت آن یا

احتمال حرمت آن) و این را شبهه محصوره بین وجوب و حرمت گویند. و اگر امر، مشتبه در غیر محصور باشد مانند متاع دزدیده شده، در یکی از مغازه های شهر فروخته شود، پس در این صورت اجتناب لازم نیست و این نوع شبهه را، غیر محصوره گویند.

س ۱۲۹۳– لطفاً توضیح دهید برای ما – جزای خیر دهد خدا شما را – مصادیق شبهه محصوره و غیر محصوره را تا آنکه بوده باشد برای ما مانند قاعده ای تطبیق دهیم موارد را بر آن؟

ج – محصوره آن است که جمیع اطراف آن مورد ابتلاـ است و ممکن است مرتکب شدن هر یک از آن، و غیر محصوره آن است که جمیع اطراف آن مورد ابتلا نیست به طوری که ممکن باشد مرتکب شدن هر یک از آن. واللَّه العالم.

س ۱۲۹۴– در رساله‌ء شریفه منهاج جلد ۱ صفحه ۱۷ و ۱۸ الفصل الرابع شبهه محصوره و غیر محصوره کاملاً واضح نیست.

ج – میزان همان است که نوشته ایم و آن اینکه بعض محتملات آن به واسطه کثرت از مورد ابتلا خارج باشد.

س ۱۲۹۵– آیا حکم حاکم شرعی نافذ است و اگر نافذ نباشد چگونه جمع می گردد بین عدم نفوذ، و بین گفتار شما، که حکم حاکم شرع جایز نیست نقض آن، حتی برای مجتهد آخر؟

ج – این در مورد ترافع دو متخاصمین است و رجوع نمودن آنها در فیصله دادن به خصومتشان، پس حکم نموده حاکم برای صاحب حق از آن دو، پس جایز نیست

نقص حکم آن. واللَّه العالم.

س ۱۲۹۶– آیا ثبوت ولایت عامه برای فقیه مشکل است نزد شما، یا آنکه فتوای به عدم ثبوت می دهید؟ و

بنابر اینکه مشکل باشد، آیا جایز است برای مقلدین، رجوع به غیر نمایند در این مسئله، با مراعات الأعلم فالأعلم؟

ج – محلهای ولایت مختلف است، و تفصیل گفتار در آن را طلب نمایند از تقریرهای بحث های ما در تعالیق مکاسب و احکام تقلید و اجتهاد از عروه، واللَّه العالم.

س ۱۲۹۷– آیا جائز است داخل شدن به اماکنی که مصادره شده از طرف حاکم شرع؟

ج – معهود نیست در شرع، موردی که جایز باشد در آن مورد، مصادره نمودن مال مسلمان، بله تقاص جایز است در موردی که مقروض، امتناع بورزد از اداء دین بدون حاجت به اذن از حاکم شرع مگر اینکه قرض از قبیل خمس و زکات یا ردّ مظالم باشد که در این صورت تقاص جایز نیست مگر به اذن حاکم شرع یا وکیل او.

س ۱۲۹۸– اگر بگوید کسی صیغهء سلام را مثلًا در حال خداحافظی عوض از گفتن: «خداحافظ» کما اینکه متعارف است نزد بعضی از مسلمانها، آیا واجب است ردّ این سلام؟ و اگر این شخص غیر مسلمان باشد چه حکمی دارد؟

ج – واجب است ردّ آن، مگر اینکه سلام کننده غیر مسلمان باشد که در این صورت جواب واجب نیست. واللَّه العالم.

س ۱۲۹۹– جواب نامه مثل جواب سلام واجب است یا خیر و اگر واجب است فوری است یا خیر؟ و اگر شفاهی به جای نامه جواب را ابلاغ کند چطور است؟

ج – واجب نیست ولکن اَولی اینکه حتی الامکان بی جواب نگذارد ولو شفاهاً.

س ۱۳۰۰– اشخاصی که متوغل در معصیت می باشند و غالباً وقت خود را صرف در استعمال آلات لهو و لعب و اوتار و طبول و غیرها

می نمایند، آیا معاشرت با آنها و همچنین رفتن به مهمانی یا مجلس روضه خوانی یا تعزیه آنها چه صورت دارد؟ و آیا فرق بین رحم و اجنبی از حیث معاشرت هست یا خیر؟

ج - معاشرت با آنها مانعی ندارد مگر اینکه موجب تقویت آنها بشود.

س ۱۳۰۱- ارحامی که واجب است صله نمودن آنها چه کسانی هستند؟

ج - این راجع به تشخیص عرف است هر که را که رحم برای او بشمرند.

س ۱۳۰۲- بیدار کردن مرد افراد خانواده خود را از قبیل زوجه و فرزندان برای نماز، واجب است یا خیر؟ و اگر بیدار نکند آیا معصیت کرده یا خیر؟

ج - وجوب بیدار کردن ثابت نیست ولی جایز است که آنها را بیدار کند.

س ۱۳۰۳- بیدار کردن شخص خوابیده را برای نماز در صورتی که نمی دانیم راضی است یا نه چه صورت دارد؟

ج - مانعی ندارد.

س ۱۳۰۴- آیا چند دانه شعر خشن اگر در عانه بروید طفل بالغ است یا اینکه اکثریت باید داشته باشد؟

ج - باید به اندازه ای باشد که عرفاً صدق کند موی خشن در آن محل روئیده است.

س ۱۳۰۵- آیا چوب اراک که استحباب آن در روایات وارد شده از شاخه های آن است یا از ریشه آن است؟

ج - از شاخه های آن قطع شده باشد.

س ۱۳۰۶- یکی از دوستان مؤمن من، مبتلا به بلای شدیدی شده و آن اینکه

شیطان در درون او وسوسه می کند و دائماً او را تشکیک می کند در وحدانیت خدا (العیاذ باللّه) و این وسوسه موجب مرض او شده، خواسته از حضرت عالی بخواهم دعایی یا غیر آن بفرمائید.

ج - از این حالت بر حذر باشد که ضرر به دنیا

و آخرت او می زند و باید اهتمام بورزد به اجتناب از آن و مکرراً بگوید لا حول ولا قوّه الّا باللّه العلی العظیم.

س ۱۳۰۷- سعی در طلب روزی واجب است یا مستحب یا چیست حکم آن؟

ج - قبل از اینکه واجب شرعی باشد واجب عقلی است، چون طلب رزق حلال مطلوب است عقلاً و شرعاً، و باید در طلب روزی توکّل و استمداد از خداوند عزّ وجلّ بکند.

س ۱۳۰۸- افرادی ناشناس در مساجد یا اجتماعات دیگر آمده اظهار فقر و درماندگی می کنند و ما نسبت به حال واقعی آنها علم نداریم و گاهی وضع ظاهری بعضی از آنها در مظان تکذیب کردن حرف های آنها است بلکه گاهی دیده می شود که پول هایی که از مسجد جمع می کنند در راه غیر مشروع خرج می کنند و از طرفی گفته می شود چون سؤال کرده اند و ما حال آنها را نمی دانیم باید به آنها چیزی بدهیم و حرام است که آنها را ناامید کنیم بیان فرمائید؟

ج - فی حد نفسه احسان به بشر، خاصّه مسلمان، ولا سیّما شیعه مانعی ندارد.

واللَّه العالم.

س ۱۳۰۹- زید از چند نفر تقاضای کمک نماید به این مضمون «اینکه حقیر دارای عائله سنگین، به علت عدم درآمد قهراً گرفتاری زیاد دارم، و ضمناً عقد دو نفر از صبیه هایم واقع شده امیدوارم بذل مرحمت بیشتری برای خرج و جهیزیه بفرمائید تا به یاری خداوند به مصرف برسانم» آنها هم وجهی به زید کمک نمایند _

آیا زید می تواند وجه مذکور را برای خود و عائله اش خرج نماید یا نه و اگر مصرف نمود آیا محتاج به اجازه است یا نه؟

ج - اگر اظهارات زید داعی برای دادن

آنها شده نه اینکه اختصاص به مورد داشته اشکالی ندارد، و الّا محتاج به مراجعه به آنها است. واللّٰه العالم.

س ۱۳۱۰- در تقاص و پرداخت رد مظالم اجازه فقیه لازم است یا خیر؟

ج - در تقاص لازم نیست، ولی در رد مظالم لازم است علی الاحوط.

س ۱۳۱۱- زیدی در چند سال قبل زمینی در اختیار عمرو گذارده و عمرو در آن زمین خانه ساخته و مدتی در آن سکونت داشته است زید نمی داند که واگذار کردن زمین به چه عنوانی بوده، با این وصف آیا می تواند این زمین را از عمرو بگیرد یا نه؟ و در صورت جواز، قیمت زمین از آن زمان تا به حال ترقی کرده و با تفاوت قیمت چه وظیفه دارد؟

ج - نمی تواند زمین را از او با بقای آن ساختمان بگیرد چه آنکه فروخته باشد و یا هبه نموده و یا اباحه کرده باشد. بلی در صورت اخیره می تواند او را مانع شود در صورت خرابی از تجدید ساختمان. واللّٰه العالم.

س ۱۳۱۲- در قریه گلستان قنات قریهء دیگری به نام نصوح آباد از آن می گذرد و رسم چنین بوده که همیشه مردمان گلستان برای آب و وضو و شستن لباس از آن استفاده می کنند و می کرده اند تا به حال، از وقتی که پیران محل یاد می داده اند وضع چنین بوده. فعلاً اگر مالکین قنات مذکوره می گویند راضی نیستیم تکلیف اهالی چگونه است؟

ج - القدیم علی قدمه چنانچه سیره اهل ده به همین منوال بوده، و از این سیره کشف می شود اگر چه آب ملک دیگری است ولی این قریه حق استفاده از آن آب را

داشته اند، در این صورت استفاده از

آن مانعی ندارد و مالکین حق منع ندارند. واللّه العالم.

س ۱۳۱۳- در ممرّ عام از طرف حکومت چاه هایی حفر شده که زمستان آب باران در کوچه جمع نشود و در آن بریزد. عده ای از همسایگان آب حوض خود را در آن چاه ها می ریزند و نیز آب های لباسشویی خود را در آن چاه ها می ریزند عده از همسایگان دیگر راضی نیستند می گویند که برای خانه های ما صدمه دارد. آیا آب ریختن به چنین چاه هائی که عرض شد، شرعاً چگونه است؟

ج - در صورتی که موجب اضرار به همسایگان باشد جایز نیست. واللّه العالم.

س ۱۳۱۴- در بعضی موارد با صفوف مختلف مواجه می شویم، مثلاً ـ صف برای گرفتن نان، بلیط، اتوبوس و غیره. آیا اگر صف را توجه نکرده و جلوتر از دیگران برویم به حق آنها تجاوز کرده و مرتکب حرام شده ایم یا خیر؟

ج - خلاف نظام رفتار ننمائید.

س ۱۳۱۵- آیا جایز است چاپ نمودن هر گونه کتاب به صورت تجارتی در بیروت مثلاً بدون اذن مؤلف کتاب، یا ناشر آن، در صورتی که این عبارت در آن هست «حقوق طبع محفوظ است برای مؤلف یا ناشر» یا این عبارت نباشد؟

ج - بله جایز است.

س ۱۳۱۶- آیا جایز است عکس گرفتن کتاب چندین نسخه به وسیله فتوکپی برای غرض استفاده شخصی؟

ج - بله جایز است.

س ۱۳۱۷- بعضی دانشجویان مدارس و دانشگاه های دولتی و اهلی زمانی که در جلسه امتحان شرکت می کنند در حال امتحان تقلب می کنند از ورق هایی که مخفی

نموده یا از هم شاگردیهای خود سرّی می گیرند و چنین عملی از نظر مقررات مدارس و دانشگاه ها ممنوع است، آیا انجام دادن این کار حرام است یا خیر؟

ج

– جایز نیست مخالفت نمودن نظام را علی کل حال.

س ۱۳۱۸– آیا جایز است تقلب نمودن در امتحانات در صورتی که بعض معلمین کمک می کنند به شاگردها در تقلب نمودن در امتحانات درسها؟

ج – جایز نیست چنین چیزی.

س ۱۳۱۹– اگر در حین رانندگی تقدم رانندگان دیگر را از نظر قانون راهنمایی رعایت نکنیم آیا به حق آنها تجاوز نموده ایم؟

ج – سزاوار نیست که انسان بر خلاف نظام رفتار نماید.

س ۱۳۲۰– آیا شخص تریاکی را می توانیم تسلیم قانون نمائیم و در صورت مجازاتِ طرف، برای ما شرعاً اشکالی بوجود نمی آید؟

ج – نمی توانید تسلیم نمایید و موجب مجازاتش شوید.

س ۱۳۲۱– اگر دزد یا مجرم دیگری را تحویل قانون دهیم و قانون طبق دستور شرع مقدس عمل نکند آیا ما گناهی را مرتکب شده ایم؟

ج – از آقایان و علمای محل این مسئله را سؤال کنید.

س ۱۳۲۲– آیا کشتن کلاب هراش در صورت مزاحمت جایز است یا خیر؟

ج – بلی جایز است.

س ۱۳۲۳– بفرمائید دربارهء دختر باکره رشیده که اظهار می دارد که زید بالاجبار با من زنا کرده و آبستن است، آیا قول دختر مسموع است، کسان دختر می توانند به حکومت شکایت کنند و زانی را بنابر قول دختر گرفتار حکومت کنند، و وجوهی از او دریافت دارند و گرفتار زندان نمایند، و حال آنکه زانی منکر است؟

ج – مجرد ادعای دختر در ثبوت آن کفایت نمی کند ولی اگر معلوم گردد و ثابت شود، از آن مرد مهر المثل گرفته می شود و آن طفل مال آن مرد است.

س ۱۳۲۴– زنا کردن با عیال دیگران از قبیل حق اللّه است یا حق الناس، اگر توبه کرده از شوهر آن

زن حلیت طلب نمودن لازم است یا نه؟

ج – حلیت طلب نمودن از شوهر لازم نیست. واللّٰه العالم.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

مسائل متفرقه

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

قرآن

س ۱۳۲۵– نظر حضرت عالی به این آیه چیست «فنسی ولم نجد له عزماً» چگونه حضرت آدم علیه السلام فراموش کرد و حال آنکه ما معتقدیم به اینکه معصوم – معصومِ از نسیان است؟

ج – مراد از نسیان ترک مأمور به است به خیال آنکه لازم است مخصوصاً بعد از آنکه شیطان آن دو را قسم داد که من از ناصحین هستم چنانچه در قرآن مجید حکایت کرده.

س ۱۳۲۶– نظر حضرت عالی راجع به آیه إفک، که نازل شده به برائت نمودن مقذوف را، آیا این در عایشه بوده یا ماریه؟ اقوال مفسرین ما را محیر کرده است؟

ج – آیه، بنابر رأی صحیح راجع به ماریه و تنزیه او است و قولی که قائل است که آیه راجع به عایشه است مدرک آن اخباری است که خود عایشه نقل کرده، پس سند تام که بتوان به آن اعتماد کرد نیست.

س ۱۳۲۷- نظر حضرت عالی راجع به این آیه چیست «وإذ أخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم وأشهدهم علی أنفسهم ألست بربّکم قالوا بلی» آیا آیه بر

ظاهر آن بایـد تفسـیر کرد یا برای او باطن است، چون بعضـی از مفسـرین اسـتبعاد نموده انـد که خداوند متعال ذریه ای از آدم خارج کرده باشد از کمر او، پس قرار داده اند برای آیه باطنی را؟

ج - دلالت ظاهر آیه اشکال ندارد و استبعادی ندارد در چیزی که فعل خداست که قادر است بر هر چیزی که ممکن

است قدرت بر آن.

س ۱۳۲۸– مقصود از رکون در قرآن مجید «ولا ترکنوا الی الذین ظلموا» چیست؟

ج – اعتماد نمودن به آنها در امور دین است. واللَّه العالم.

س ۱۳۲۹– مصداق اعانت بر اثم چیست؟

ج – مثل دادن خنجر یا عصا به دست کسی که می خواهد مسلمانی را بکشد یا بزند بدون مجوز شرعی. واللَّه العالم.

س ۱۳۳۰– کاشی و قطعات آهنی که برای نقش آیات قرآن و اسامی مقدسه در آتش گداخته و محروق می شوند شرعاً چه صورت دارد؟

ج – مانعی ندارد.

س ۱۳۳۱– اگر آیات قرآن شریف در پاره های کاغذ یافت شود و می خواهند در اماکن غیر محترمه مانند آشغال دان بیاندازند آیا جایز است آیات قرآن را پاک کرد یا آنکه روی آیات خط کشید به طوری که آیات قرآنی از بین برود؟

ج – اگر پاک گردد به طوری که خواننده نگردد اشکال ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۳۳۲– اوراقی که اسم خدا و پیغمبر و ائمه علیهم السلام روی آن چاپ شده مانند کارت های دعوت و اعلانیه و غیره چون ممکن است در جاهای نامناسب واقع شوند، به همین منظور آنها را قیچی و ریز ریز کردن و یا ریختن رنگ به روی آنها

چگونه است؟

ج – مانعی ندارد.

اعتقادات و معارف

س ۱۳۳۳– مؤمنی هست که معتقد به تمام اعتقادات اصولی و فروعی و صفات کمال و جمال است، ولکن اعتقاد ناشی از تقلید شده نه از روی علم و درایت، آیا کافی است این اعتقاد در ایمان او، و عمل او مورد قبول است، و اکثر مردم این چنین هستند؟

ج – اگر اعتقاد او یقین به هر چه لازم است اعتقاد آن، باشد مجزی است او را،

اگر چه از روی تقلید باشد.

س ۱۳۳۴- در کتاب وسائل باب ۶۱ از کتاب صلاه دارد جایز برگرداندن انگشتر برای یادآوری حاجت، و روایت است از امام صادق علیه السلام فرمودند: که شرک مخفی تر است از راه رفتن مورچه، و فرمودند از آن است برگرداندن انگشتر برای یادآوری حاجت و امثال اینها، آیا این روایت صحیح است؟

ج - روایت معتبر است ولکن حمل بر کراهت می گردد.

س ۱۳۳۵- آیا معصوم علم غیب می داند و چه مقدار است؟

ج - نمی داند مگر آنچه را خدا مقدّر بفرماید برای او، چنانچه خداوند عزّ وجلّ در شأن نفس خود فرموده «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحد الا من ارتضی».

س ۱۳۳۶- مقصود از رجعت چیست؟ و آیا واجب است ایمان آوردن به آن؟

ج - مقصود از آن برگشتن بعض کسانی که از دنیا رفته اند قبل از روز قیامت، ولکن این از ضروریات دین که واجب باشد اعتقاد به آن، نیست.

س ۱۳۳۷- آیا تزویج نموده اند دو پسر آدم با دو خواهر خود را یا با دو حوریّه را یا با دو جنّیه؟

ج - اخباری که وارد شده در این مورد مختلف است و محذوری ندارد که تصدیق نمائیم اینکه تزویج به خواهر بوده چون امکان دارد در شرع آدم علیه السلام حرام نبوده است.

س ۱۳۳۸- می گویند حرام است توسل به این نحو (اللّهم بحق محمّد وآله أن تفعل بی. . .) استناد نموده اند به این آیه «ولا تجعلوا للّه انداداً» می گویند متوسل مشو برای خدا به غیر او و بگو اللّهم أسألک باسمک.

ج - معنی جمله اول که ذکر شد سؤال و طلب نمودن از خدا می باشد و قرار

می دهد محمّد و آل او را وسیله به اعتبار آنکه آنها نزدیک ترین بندگان هستند نزد خدا و منزلت و شرافتی دارند، و سؤال در حقیقت از آنها نیست تا آنکه آنها را شریک خدا قرار داده باشد تا مصداق آیه ذکر شده، باشد.

س ۱۳۳۹- چرا در اذان اهل سنت کلمه «حی علی خیر العمل» یافت نمی شود؟

ج - چون دومی از آن منع نموده در اذان.

س ۱۳۴۰- شخصی قائل است که فدک ملک حضرت زهرا علیها السلام نیست، بلکه برای آن حضرت تصرف در آن است، به معنی اینکه در اختیار ایشان باشد، آیا چنین چیزی در اسلام هست؟ و حکم قائل به این گفتار چیست؟ آیا ضرر به عدالت او می زند؟

ج - این احتمال باطل است نزد ما.

س ۱۳۴۱- نظر حضرت عالی راجع به صحت این حدیث چیست (ما تردّدت فی شی ء أنا فاعله کتردّدی فی قبض روح عبدی المؤمن یکره الموت وأکره إساءته) این تردید چه بوده؟

ج - این حدیث صحت آن نزد ما ثابت نشده است.

س ۱۳۴۲- در بعضی از جملات ادعیه که ظاهرش درباره رجال مصداق دارد مانند وزوّجنا من الحور العین، درباره زنان که بخوانند، چگونه باید توجیه کرد؟

ج - الفاظ ادعیه و اذکار وارده را اگر خواست به قصد وظیفهء وارده بخواند، باید همین طور که رسیده بخواند مگر جاهایی که تصریح شده باشد به مراعات حال قاری، و در مثل مثال مذکور زوجیت در آخرت ملازم با مرد بودن قاری نیست.

س ۱۳۴۳- آیا جایز است برای اهل منبر نقل کنند روایاتی را که راجع به اعتقادات است مثل صفات ائمه علیهم السلام و احوال آنها و حال

آنکه نمی دانند این روایات صحیح است یا خیر؟

ج – جایز نیست استناد دادن نقل، به ائمه علیهم السلام و اما به عنوان حکایت از کتاب پس اشکال ندارد.

س ۱۳۴۴– نظر حضرت عالی راجع به قضیه مثلث برمودا چیست و همچنین روایت مازندرانی راجع به جزیره خضرا و اوصافی که از آن جزیره داده؟

ج – هیچگونه اطلاع و علمی از خصوصیات جزیره نداریم.

س ۱۳۴۵– بپا خواستن موقع شنیدن نام مقدس ولی عصر عجّل اللّه فرجه، به نام (قائم) مستحب است یا خیر؟

ج – روایتی در این باب وارد شده و اتیان آن رجاء مانعی ندارد.

س ۱۳۴۶– زیارت عاشورا باید با موالات خوانده شود یا اگر زیارت را خواند بعد

از ساعتی لعن و سلام را شروع کرد مانعی ندارد یا بین خواندن لعن یا سلام فاصله شد یا بعد از زیارت نماز آن را بعد از ساعتی خواند صحیح است؟

ج – تأخیر تتمه به قصد رجاء مجزی از وظیفه است. واللَّه العالم.

س ۱۳۴۷– بوسیدن درب یا دیوار مسجد یا عَلَمی که در ماه محرم و صفر در تکایا و یا مساجد نصب می شود از نظر شرعی چه صورت دارد؟

ج – به عنوان تبرک و توسل مانعی ندارد. واللَّه العالم.

س ۱۳۴۸– اسلام منع کند از عبودیت و بردگی پس ائمه علیهم السلام در منزل آنها کنیز و بنده بوده، آیا برده داشتن حرام است یا خیر؟

ج – بردگی قبل از اسلام بوده به طوری که یکی از مسلّمات آنها بوده، و بعد از آنکه اسلام آمد با بردگی به نحو مباشرت مبارزه ننمود، بلکه برای او احکامی قرار داد و آن احکام محتوی بود به شکلی بر

خروج از بردگی، و از آن احکام وجوب عتق بود در موارد زیادی.

س ۱۳۴۹- اگر در خواب ببیند مؤمنی پیغمبر صلی الله علیه و آله یا یکی از ائمه علیهم السلام را و در خواب امر کنند او را به چیزی، آیا این امر یا نهی در خواب حجت است که واجب باشد امتثال آن، زیرا فرموده اند کسی که آنها را در خواب ببیند پس به صورت حق دیده، چون شیطان به صورت آنها متمثل نمی گردد؟

ج - حجیت ثابت نمی شود به سبب خواب دیدن و امر نمودن در آن.

۴۲۳

اعتقادات و معارف

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استفتائات (فارسی)

۴۲۴

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

۴۲۵

تحصیل علم

تحصیل علم

س ۱۳۵۰- نظر مبارک راجع به تحصیل علم و اجتهاد مرقوم فرمائید که آیا اگر کسی مثلاً به وسیله نماز و روزه استیجاری می تواند استرزاق نماید و طلب علم و اجتهاد نماید، آیا تحصیل علم بر او واجب می باشد یا خیر؟ و دیگر آنکه اگر پدر و مادری مخالفند با تحصیل برای فرزند خودشان شخصاً، آیا در این صورت امر آنان مطاع می باشد یا نه؟

ج - بلی واجب کفایی است و واجب عینی نیست در صورتی که خودش وظیفه خود را در تحصیل علوم دینیه تشخیص بدهد اطاعت پدر و مادر لازم نیست اگر چه اولی این است که مراعات آنها را بنماید، بلی تعلم مسائل دین به مقداری که واجبات و محرمات و احکام معاملات را بداند واجب عینی است.

س ۱۳۵۱- درس خواندن مسائل خلافی آیا جایز است در صورتی که اثر در عقیده نمی گذارد؟

ج - در صورت عدم تأثیر اشکال ندارد.

س ۱۳۵۲- آیا ممکن است جمع نمودن بین درس های علوم دین و دانشگاه

استفتائات (فارسی)

۴۲۶

سپس

عمل نماید بعد از دانشگاه چون این شخص کسی ندارد که خرج عیالش را بدهد مگر دو برادر او؟

ج - اگر ممکن باشد جمع نمودن بین آن دو به طوری که تعطیل و ضرری به هم نرسد بسیار خوب است و اشکال ندارد.

س ۱۳۵۳- آیا ادامه تحصیل در دروس جدید و علوم جدید و دانشگاه برای ما جایز است و در صورت استخدام و اکنون که ما حقوق می گیریم آیا اجازه می دهید استفاده از آن حقوق دولت؟

ج - در صورتی که مفاسد دینی نداشته باشد و غرض شما خدمت به مجتمع باشد مانعی ندارد و مجازید حقوق را بگیرید و در امور مشروعه صرف کنید و اگر زاید از مؤونه سال شما آمد خمس آن زاید را بیرون نمائید.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

استخاره

س ۱۳۵۴- آیا صحیح است که می گویند استخاره چه به قرآن یا تسبیح یا نماز از مختصات امام معصوم است یا نائب او یا مرجع تقلید یا وکیل او، و برای دیگران نیست؟

ج - این گفتار صحیح نیست.

س ۱۳۵۵- مفهوم استخاره و شروط آن چیست؟

ج - معنی لغوی استخاره طلب خیر نمودن از خداوند متعال است، و این طلب خیر به نحو معمول از قرآن یا تسبیح، فعل خیر و عدم آن بدست می آید، و شروطی برای آن ذکر نشده غیر از آنچه ذکر شده احیاناً از اوقات خاصه ای برای استخاره.

س ۱۳۵۶- اموری که جایز نیست استخاره در آن چیست؟ و آیا جایز است استخاره برای عمل نمودن شک در عدالت شخصی

یا در شک در ثبوت رؤیت و عدم آن؟

ج - استخاره برای کارهایی است که می خواهد

انجام دهد و خیر و شر آن را

نمی دانـد، امـا واجبـات و محرمـات و افعـالی که واضـح الخیر و الشـر، و امـوری که سؤال نمودی از عـدالت و ثبوت هلال از اسـتخاره در آنها که فعل تو نیست، اینها مورد اسـتخاره نمی باشـد مثلاً کشف نمودن صدق گفتار و کذب آن، راه آن امارات شرعیه است از بینه و امثال آن، و استخاره در چنین مواردی کهانت به غیب زدن است و صلاحیت برای استخاره ندارد.

س ۱۳۵۷- آیا استخاره حجت است در این امر؟

ج – حجیت ندارد اسـتخاره در این امر و نه در غیر آن از مواردی که صلاحیت برای استخاره ندارد، غیر از جایی که طلب خیر از خدا می کند، پس توکل بر خدا می کند به حسن ظن خود در آنچه آشکار گردد برای او.

استخاره

عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

و عکس معصومین علیهم السلام

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

عزاداری سید الشهداء علیه السلام

عزاداری سید الشهداء علیه السلام

س ۱۳۵۸- حکم برپـا نمودن روضه و مراسم عزای امـام حسـین علیه السـلام آیا واجب است یا مسـتحب، و همچنین حکم برپا نمودن مجلس فـاتحه برای مؤمنی که وفـات نموده یـا عالم بزرگواری یا مجتهـدی یا مرجعی که وفات نموده، آیا فرق دارد در اقامه مجلس بین آنها؟

ج – امثال اینها از شعائر دین، و در شرع مورد رغبت است.

س ۱۳۵۹- آیا جایز است برای روضه خوان نقل کند قضیه ازدواج قاسم بن الحسن علیه السلام با سکینه دختر امام حسین علیه السلام را، یا اینکه لازم است از ثابت نمودن در نقل آنچه را علما آن چیز را ثابت کرده اند و طرح نماید آنچه را طرح نموده اند؟

ج – جایز نیست نقل به عنوان

ورود اما به عنوان حکایت از کتاب یا شخص اشکال ندارد.

س ۱۳۶۰- در مراسم عزاداری زنجیرهای چاقودار استعمال می شود و سبب خارج شدن خون و زخم می شود آیا جایز است یا خیر، و همچنین حکم

قمه زدن چیست؟

ج - اگر منجر به ضرر زیادی نگردد جایز است.

س ۱۳۶۱- اموری که مستحب است اگر مترتب بشود بر او ضرری آیا جایز است انجام آن یا خیر؟ مثلاً اگر پیاده رفتن برای زیارت امام حسین علیه السلام منجر شود به ورم نمودن دو قدم ها یا منجر به مرضی شود که مثلاً یک ماه طول بکشد آیا با این حال جایز است انجام دادن این مستحب؟

ج - اگر ضرری که منجر به آن می شود منجر به هلاک نفس نشود اشکال ندارد عمل نمودن به آن.

س ۱۳۶۲- اموری که مستحب است یا اموری که در آنها مصالح دنیوی می باشد اگر احتمال بدهیم که منجر به مرگ می شود و احتمال چهل درصد یا پنجاه درصد باشد مثلاً، آیا جایز است انجام دادن مثل این اشیاء؟

ج - جایز نیست انجام دادن مثل این اشیاء.

فیلم و عکس معصومین علیهم السلام

س ۱۳۶۳- آیا جایز است ساختن فیلم تاریخی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و از ائمه معصومین علیهم السلام ، و چه حکم دارد کسانی که به صورت آنها در می آیند، آیا لازم است کسانی که به صورت آنها در می آیند مؤمن باشند؟ و چه حکم دارد کسانی که به صورت غیر ائمه از اولیای خدا در می آیند مانند حضرت عباس و سلمان و ابوطالب علیهم السلام و غیر آنها؟ و همچنین چه حکمی دارند کسانی که به صورت انبیاء در می آیند؟

ج - ملاک

در همه یکی است و حکم هم یکی است و آن جواز است و اشکال

نـدارد اگر این عمـل موجب هتک آنها نگردد، و موجب نگردد روزی هتک آنها علیهم السـلام و هتک اولیای دین، پس بنابر این شرط عمل جایز است.

س ۱۳۶۴- نظر حضـرت عالی راجع به عکس های کشـیده شده از ائمه معصومین علیهم السلام چیست، و این عکس ها دارای اوصـاف و شـمایل آنهـا اسـت، آیـا جـایز است آویزان کردن آنهـا در منزل و حکم اعتقـاد به اینکه این عکس هـای آنهاسـت چیست؟

ج - آویزان کردن آنها در منزل اشکال ندارد، و اما اعتقاد به اینکه عکس آنها است مشکل است.

صفحه فارغه (مطابق للمطبوع)

بخش اول: عبادات

استفتائات (فارسی)

۴۳۸

نبش

۴۳۹

استفتائات (فارسی)

۴۴۰

استفتائات (فارسی)

۴۴۴

استفتائات (فارسی)

۴۴۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹